دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران

از استقرار تا بالندگی

آذر ۱۳۹۰

دکتر جواد محمدی - دکتر یعقوب انتظاری


بسم الله الرحمن الرحيم
علی خمسه

فهرست **صفحه**

مقدمه مؤلف: ۱

فصل اول تحلیل تحولات اقتصاد دانش ایران در سه دهه گذشته ۳

فصل دوم ایران در مسیر توسعه انسانی ۳۲

فصل سوم دستاوردهای فرهنگی سی سال جمهوری اسلامی ایران ۶۳

فصل چهارم دستاوردهای اجتماعی، سیاسی و ورزشی سی سال جمهوری اسلامی ایران ۹۷

فصل پنجم تحولات نهاده‌های اقتصادی ۱۱۵

۱-5: تحولات نهاده‌های اقتصادی ۱۱۵

۲-5: تحولات فعالیت های اقتصادی ۱۲۵



مقدمه مؤلف:

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام هدفمند انسانی و اجتماعی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، متولد شد و مرحله استقرار خود به عنوان یک نظام سیاسی را آغاز کرد. نظام‌های سیاسی دیگر در جهان که استقرار این نظام نوپا را در تضاد با منافع خود می‌دیدند، تلاش خود را برای جلوگیری از استقرار آن آغاز کردند و جنگ ۸ساله را که بعد از جنگ جهانی دوم بزرگترین جنگ عصر حاضر بود، بر ایران تحمیل کردند. تحریم‌های شدید غرب بر علیه جمهوری اسلامی ایران هنوز هم (شاید شدیدتر) باقی است. علیرغم این دشمنی‌ها، جمهوری اسلامی ایران از تکامل باز نمانده و پس از بازسازی و نوسازی نظام‌های علم و نوآوری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در مسیر بالندگی قرار گرفته است.

هدف از تألیف این مجموعه مقالات راستی آزمایی این نظریه است که «جمهوری اسلامی ایران پس از دو دهه استقرار، بازسازی و نوسازی نظام‌های علم و نوآوری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در مسیر بالندگی قرار گرفته است و در این مسیر پایدار خواهد بود». برای این منظور دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران با استفاده از مجموعه‌ای از داده‌های آماری در خصوص متغیرها و شاخص‌های کلیدی در سه حوزه علم و فناوری، توسعه انسانی امور اجتماعی و سیاسی و تحلیل شده است.

اطلاعات گردآوری شده در این کتاب برای هموطنان داخل و خارج از کشور و نیز علاقمندان دیگر کشورها که از عملکرد سی‌ساله جمهوری اسلامی ایران اطلاع دقیق و کاملی ندارند تهیه و تدوین شده است.

برای راست آزمایی دقیق نظریه یاد شده، دوره حیات سی ساله جمهوری اسلامی ایران به سه دهه استقرار، بازسازی و نوسازی، و بالندگی تقسیم می‌شود. دهه اول یا دهه استقرار از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۱۳۵۷ آغاز، و با پایان جنگ تحمیلی در ۱۳۶۷ پایان می‌پذیرد. مهمترین مشخصه‌ی این دهه مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها و مدیریت جنگ تحمیلی بوده است. دهه دوم با تدوین و اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (برنامه بازسازی) در ۱۳۶۸ آغاز شد و با اتمام برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۷۸ (برنامه‌نوسازی) پایان پذیرفت. مهمترین مشخصه این دوره بازسازی و نوسازی اقتصادی بود. دهه سوم با آغاز اجرای برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۷۹ آغاز شد و با پایان برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۸، پایان پذیرفت. مهمترین

مشخصه این دوره، رشد همه‌جانبه تولید و توزیع دانش از یک طرف، و رشد تولید و توزیع کالا و خدمات از طرف دیگر است.

مطالب کتاب در ۶ فصل سازمان یافته است. فصل اول تحلیل تحولات اقتصاد دانش ایران نامیده شده است که در آن تحولات نظام آموزش عالی یا نظام توزیع دانش در سه دهه استقرار، بازسازی و نوسازی، و بالندگی نظام جمهوری اسلامی ایران، تحلیل شده است.

در فصل دوم تحولات جمهوری اسلامی ایران در مسیر توسعه انسانی و مؤلفه‌های آن در دهه‌های یاد شده مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل سوم به بررسی و تحلیل تحولات و دستاوردهای فرهنگی در حوزه‌های دینی، مطبوعات، کتاب و هنر اختصاص دارد.

در فصل چهارم به حوزه اجتماعی و دینی و حضور به گسترده مردم در مراسم مذهبی و مناسبت‌های ملی و انقلاب اشاره شده و در بخش سیاسی نیز مشارکت آحاد مردم در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا بررسی و گزارش شده است. این بخش سندی متقن بر مردم‌سالاری اسلامی در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. همچنین پیشرفت‌های نظام در حوزه ورزش به صورت خلاصه نیز در این بخش ارائه شده است.

در فصل پنجم حضور و مشارکت زنان و دختران در رشد و بالندگی کشور بخصوص در عرصه‌های علمی و سیاسی بررسی و گزارش شده است.

فصل ششم به نهاده های اقتصادی از جمله نیروی انسانی، تشکیل سرمایه، تولید و مصرف انرژی اختصاص دارد.

دکتر جواد محمدی، دکتر یعقوب انتظاری

فصل اول

تحلیل تحولات اقتصاد دانش ایران در سه دهه گذشته

چکیده

امروزه بخش عمده ای از رفتارها و فعالیت های اقتصادی عاملان اقتصادی در یک کشور و جهان به فعالیت های تولید، توزیع، تبدیل، ترویج دانش از یک طرف، و یادگیری و بهره برداری از دانش از طرف دیگر مربوط می شود. نظام مرکب از سامان دهی، سازمان دهی و توسعه این رفتارها و فعالیت ها اقتصاد دانش نامیده می شود. هدف مقاله حاضر تحلیل تحولات اقتصاد دانش ایران در پنج بعد آموزش، نوآوری، فناوری اطلاعات و رژیم نهادی و انگیزشی در سه دهه گذشته است.

مقدمه

جهان توسعه یافته بعد از پنج سال رکود اقتصادی و تنزل پی در پی درآمد سرانه در آغاز دهه ۱۹۸۰، با افزایش سرمایه گذاری درتولید، توزیع، تبدیل و ترویج دانش و گسترش تعاملات جهانی مبتنی بر دانش، توانست مجدّداً از ۱۹۸۵به رشد فزاینده اقتصادی دست یابد. این تاریخ سرآغاز عصر جدید و فاز جدیدی از توسعه است که بطور عام اقتصاد جدید[1] (POHJIA, 2002; Godin,2004; OECD, 2000;) و بطور خاص اقتصاد دانش[2](OECD,2004; COOKE,2002; ITAG,1999;) یا اقتصادیادگیری[3] (Lundvall and Jounson,1994; Storper,1995; Lundvall,2004;1996;) نامیده می شود. از این تاریخ به بعد، رشد و بالندگی اقتصاد های کشورهای پیشرفته بیشتر از سرمایه فیزیکی، منابع انسانی و منابع طبیعی به تولید، توزیع و بهره برداری از سرمایه انسانی و سرمایه دانش متکی شده است(Romer,1990). براین اساس سیاست گذاران و نظریه پردازان علوم اقتصادی، و سازمان های بین المللی این گونه اقتصاد ها را اقتصاد مبتنی بر دانش [4] نامیده انده (OECD,1996).

در اقتصاد جهانی دانش عامل مزیت رقابتی کشورها در سطح جهان، و عامل مزیت رقابتی شرکت ها در سطح ملی و بین المللی کارآفرینی و نوآوری سریع و مبتنی بردانش است. اگر بنگاه یا نظام اقتصادی نتواند این مزیت رقابتی را در خود بوجود آورد. بتدریج حیات خود را از دست می دهد. شرط لازم برای کسب این مزیت رقابتی تولید کارا، اثربخش و ثمربخش دانش جدید و بهره برداری مطلوب از آن است.

---

[1]New Economy
[2]Knowledge economy
[3]Learning Economy
[4]Knowledge-based Economy

ظهور اقتصاد جهانی دانش و ورود پی در پی اقتصادهای پیشرفته به آن، اقتصادهای در حال توسعه، بخصوص ایران را که در هنگام تکوین این تحول بنیادی با جنگ تحمیلی و تحریم های شدید اقتصادی درگیر بود، با چالشها حیاتی و در عین حال با فرصت های اساسی مواجه کرده است. از اوایل دهه ۱۹۹۰ شکاف توسعه ایران با کشورهای پیشرفته یا اقتصاد های مبتنی بر دانش بطور پیوسته در حال افزایش بوده است.

اقتصاد ایران برای جلوگیری از افزایش این شکاف، کاهش آن و رسیدن به اقتصاد مبتنی بر دانش راهی جز توسعه مبتنی بردانش ندارد[۵]. شرط لازم و قدم اول برای توسعه مبتنی بر دانش، توسعه جامعه و اقتصاد یادگیری است. یعنی ایران بایستی با انباشت ظرفیت های یادگیری ضمن فراموش کردن دانش منسوخ شده اقتصادی و فرهنگی، بتواند بطور پویا دانش جدید و ارزشمند از لحاظ اقتصادی و فرهنگی را کسب، تولید، توزیع، تبدیل، ترویج و مورد بهره بردای قرار دهد.

هدف این فصل بررسی تلاش ها و موفقیت جمهوری اسلامی ایران به منظور توسعه ظرفیت های یادگیری و توسعه فرآیند های تولید، توزیع، تبدیل، ترویج و بهره برداری دانش است. به عبارتی نشان داده خواهد شد که اقتصاد ایران چقدر در مسیر اقتصاد مبتنی بر دانش قدم بر داشته است؟

تحولات اقتصاد دانش ایران

در این قسمت تحولات اقتصاد دانش ایران در سه دهه گذشته در سه بعد تولید دانش(تحقیق و توسعه)، توزیع دانش(آموزش رسمی)، نوآوری، فناوری اطلاعات و دولت دانش بررسی می شود.

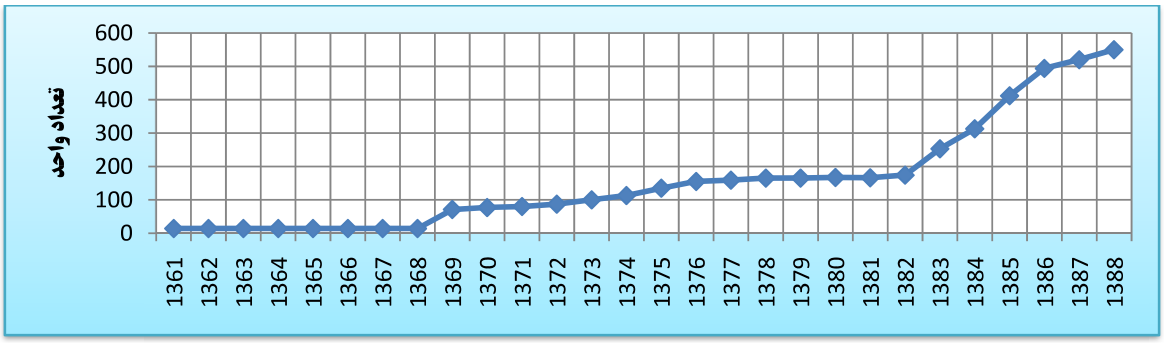
تحولات تولید دانش

واحدهای اقتصادی تولید کننده دانش از طریق پژوهش و توسعه در ایران را به سه گروه می توان تقسیم کرد: ۱- واحدهایی که فعالیت اصلی آنها تولید کالاها و خدمات مرسوم و فعالیت فرعی آنها پژوهش و توسعه است؛ در این واحد ها فعالیت های پژوهش و توسعه را برای بهبود سایر محصولات و فرایندهای تولید آن محصولات انجام می دهند؛ مراکز پژوهش و توسعه در این واحدها که مدیریت مستقل ندارند بیشتر کارخانه های دانش هستند تا بنگاه دانش؛ ۲- واحدهایی که فعالیت اصلی آنها آموزش و فعالیت فرعی شان پژوهش و توسعه است، مانند دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، با توجه به اینکه دانشگاه ها پردیسهای آزادی هستند، شاید مراکز پژوهشی و مراکز پژوهش و توسعه در درون آنها را بتوان بنگاه دانش نامید؛ ۳- واحدهایی که فعالیت اصلی آنها پژوهش و توسعه است؛ این واحدها فعالیت پژوهش و توسعه را برای گسترش دانش علمی

[۵] لازم به یادآوری است که اقتصاد ایران یک نظام باستانی، و قدمتی قریب به سه هزار سال دارد. نظام تولید و توزیع کالا و خدمات در این نظام تا حدود یک قرن پیش بر نظام سنتی تولید و توزیع دانش متکی بود. تنها حدود یک قرن است که نظام مدرن تولید و توزیع دانش در ایران شکل گرفت و نظام نوآوری و در نتیجه نظام تولید و توزیع کالا و خدمات را تحت تأثیر قرار داده است.

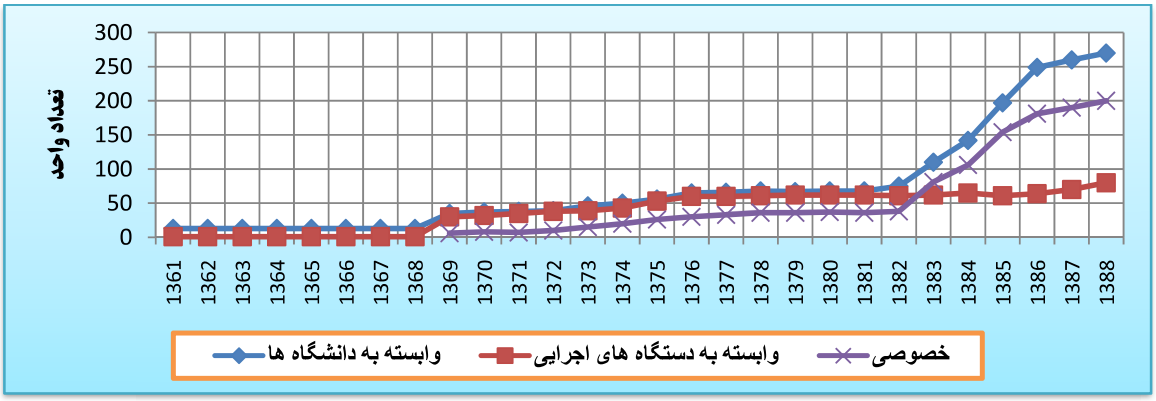
و تکنولوژیک، فروش نتایج، یا ارائه نتایج به سازمان و واحدهای دیگری انجام می دهند؛ این واحدهای اقتصادی را بنگاهای تولید دانش می توان نامید.

نمودار(۱): تحول در تعداد واحدهای پژوهشی دانشگاهی



منبع : از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ از دفتر بررسی و ارزیابی پژوهشی، ۱۳۸۷؛

نمودار(۲): تحول در تعداد واحدهای پژوهشی دانشگاهی به تفکیک وابستگی



منبع : از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ از دفتر بررسی و ارزیابی پژوهشی، ۱۳۸۷؛

اختراعات، اکتشافات و ابتکارات ثبت شده سه نماد اصلی تولید دانش هستند. مقالات چاپ شده در مجلات یا ارائه شده در سمینارها که به نوعی ایده های جدید را بیان می کنند، نمادی از دانش جدید هستند که معمولاً بعنوان نماینده فرعی تولید دانش جدید مورد استفاده قرار می گیرند؛ چون هر مقاله ممکن است توصیف کننده اختراع، کشف یا ابتکار باشد.

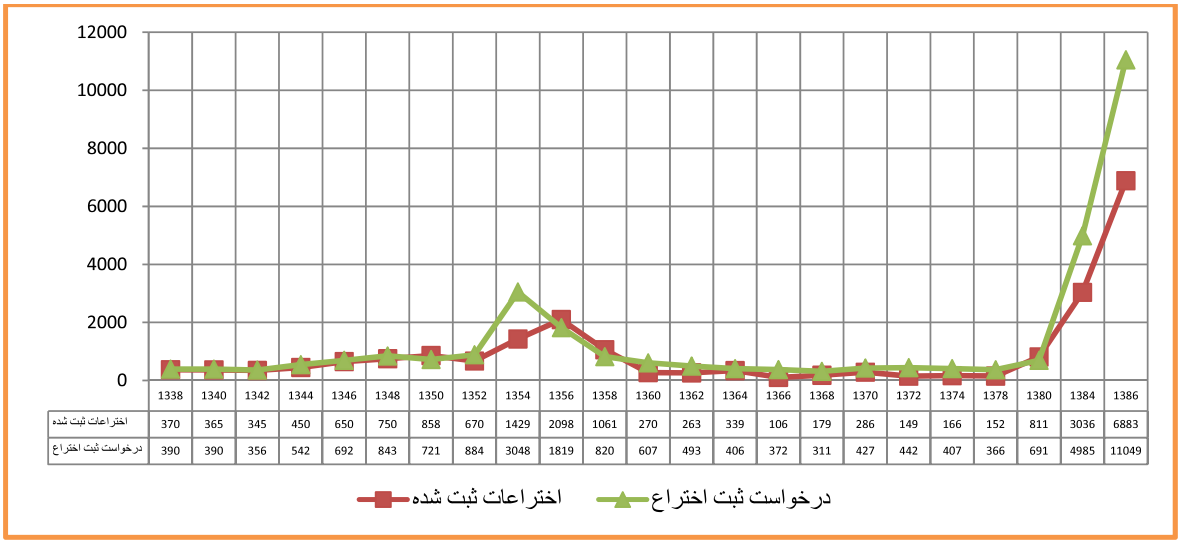
جدول (۱): تعداد و رشد اختراعات، اکتشاف ها و ابتکارات دوره(۱۳۸۷-۱۳۷۵)

	تعداد			درصد تغییرات		
سال	تعداد اختراعات ثبت شده توسط بنگاه ها	تعداد کشف‌های ثبت شده	تعداد ابتکارات	تعداد اختراع	تعداد کشف	تعداد ابتکار
۱۳۷۵	128	424	3833			
۱۳۷۷	117	228	2332	-8.59	-46.23	-39.16
۱۳۷۹	144	222	2900	23.08	-2.63	24.36
۱۳۸۱	202	137	1206	40.28	-38.29	-58.41
۱۳۸۳	404	206	1546	100.0	50.4	28.2
۱۳۸۵	1094	172	2131	۱۷۱	-۱٦,٥	۳۷,۸
۱۳۸۷	۲٤٥۷	۱٥۷	۳۸۷۹	۱۲٤,٥	-۸,۷	۸۲
رشد متوسط				۷٥	-۹	۱۲,٥

منبع: محاسبه شده بر اساس داده های آمارگیری از فعالیت های پژوهش و توسعه-وب سایت پایگاه اطلاعاتی مرکزآمار ایران

در خواست ثبت اختراع و حق امتیازها مهمترین شاخص های کارآفرینی مبتنی برفناوری هستند. در خواست ثبت اختراع بیانگر تقاضا برای کارآفرینی مبتنی بر فناوری است و حق امتیازها نشان دهنده کارآفرینی مبتنی بر فناوری بالقوه است. نمودار(۳) نشان می دهد که تعداد اختراعات ثبت شده در کشور تا سال ۱۳۵۲ به آهستگی در حال شد بود. از سال ۱۳۵۳ رشد فرایند به خود گرفته و از ۶۷۰ واحد به ۲۰۹۸ واحد در ۱۳۵۶ بالغ گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی تعداد اختراعات ثبت شده به شدت افت پیدا کرد و در سال ۱۳۶۰به ۲۷۰ واحد رسید. این تنزل تا سال ۱۳۷۸ ادامه داشت. اما با شروع اجرایی برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۷۹، تعداد اختراعات ثبت شده رشد صعودی به خود گرفت و با اجرای برنامه چهارم توسعه این رشد ادامه پیدا کرد و در سال ۱۳۸۶ به ۶۸۸۳ واحد بالغ گردید. انتظار می رود این رشد در سال های آینده نیز ادامه داشته باشد.

نمودار(۳): تعداد درخواست ثبت اختراع و اختراعات ثبت شده در دوره(۱۳۸۶-۱۳۳۸)



منبع: WPO تا سال ۱۳۸۰، از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ سازمان ثبت- گزارش ثبت اختراعات

جدول(۲) نشان می دهد که در سال ۱۳۷۵ به ازای هر ۱۰۰ پروژه پژوهش بنیادی ۲۳ کشف، به ازای هر ۱۰۰ پروژه کاربردی ۵۴ ابتکار، و به ازای هر ۱۰۰ پروژه توسعه ای ۹ اختراع وجود داشت. در سال ۱۳۸۵ این شاخص ها به ترتیب به 2.5 کشف و13.5 ابتکار کاهش، و 22.4 اختراع افزایش یافت. در این دوره شاخص های فوق بطور متوسط در هر سال به ترتیب 22.8درصد و ۱۶٫۸درصد کاهش، و ۳۷٫۴ درصد افزایش داشتند.

جدول (۲): اثربخشی تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه ای

	تعداد			رشد		
	کشف ها در هر ۱۰۰ پژوهش بنیادی	تعدادابتکارات در۱۰۰ پژوهش کاربردی	تعداد اختراع در ۱۰۰ پژوهش توسعه ای	کشف ها در هر ۱۰۰ پژوهش بنیادی	تعدادابتکارات در۱۰۰ پژوهش کاربردی	تعداد اختراع در ۱۰۰ پژوهش توسعه‌ای
۱۳۷۵	22.82	53.73	8.68			
۱۳۷۷	12.27	21.64	3.86	-46.2	-59.7	-55.5
۱۳۷۹	11.95	29.20	7.73	-2.6	34.9	100.3
۱۳۸۱	7.37	15.93	8.17	-38.3	-45.4	5.7
۱۳۸۳	11.09	12.70	11.31	50.5	-20.3	38.4
۱۳۸۵	۲,۵	۱۳,۵	۲۲,۴	-77.5	6.3	98.1
۱۳۸۷	0.98	11.51	22.29	-60.90	-14.73	-0.49
متوسط	9.85	22.60	12.06	-29.17	-16.49	31.08

منبع: محاسبه شده بر اساس داده های آمارگیری از فعالیت های پژوهش و توسعه-وب سایت پایگاه اطلاعاتی مرکزآمار ایران

در دوره 10 ساله (۱۳۸۷-۱۳۷۵) بطور متوسط تعداد کتب تألیفی ۵۹/۴ درصد، تعداد کتب ترجمه ای 32درصد، تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی ۲۸/۶ درصد و مقالات چاپ شده در مجلات خارجی ۶۱,۷ درصد افزایش داشتند. به نظر می رسد این تحول ناشی از سیاست تشویقی چاپ مقاله در مجلات ISI بوده است(جدول ۳).

جدول (۳): رشد تعداد کتب و مقالات در دوره ۱۲سال اخیر

سال	کتاب			مقاله		
	تألیف	ترجمه	جمع	داخلی	خارجی	جمع
۱۳۷۵	84.28	115.18	94.38	56.37	61.14	57.63
۱۳۷۷	296.66	15.20	194.87	51.1	44.2	49.6
۱۳۷۹	-75.69	2.08	-64.70	17.3	-13.0	10.9
۱۳۸۱	15.17	-2.35	8.01	-3.2	49.6	5.5
۱۳۸۳	10.9	-2.4	5.5	67.5	132.8	82.8
۱۳۸۵	25.3	63.3	39.7	10.1	95.2	35.4
۱۳۸۷	59.2	0.0	33.0	45.9	38.5	42.7
متوسط	59.4	27.3	44.4	۳۵,۰	۵۸,۳	۴۰,۶

منبع: محاسبه شده بر اساس داده های آمارگیری از فعالیت های پژوهش و توسعه-وب سایت پایگاه اطلاعاتی مرکزآمار ایران

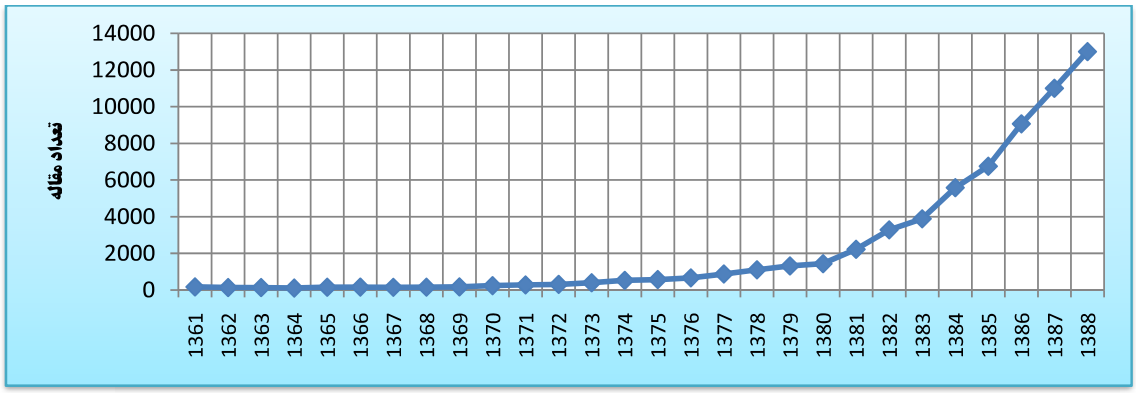
جدول (۴): تعداد و رشد کتب و مقالات به ازای هر ۱۰۰ محقق

سال	تعداد کتاب	تعداد مقالات	رشد کتاب	رشد مقاله
۱۳۷۵	12.7	53.4		
۱۳۷۷	25.0	85.8	97.9	60.5
۱۳۷۹	45.0	22.6	79.5	-73.6
۱۳۸۱	20.5	126.2	-54.5	458.2
۱۳۸۳	10.5	118.0	-48.5	-6.5
۱۳۸۵	۱۷	۸۶	61.90	-27.12
۱۳۸۷	10.0	55.2	-41.32	-35.77
متوسط			15.83	62.62

منبع: محاسبه شده بر اساس داده های آمارگیری از فعالیت های پژوهش و توسعه-وب سایت پایگاه اطلاعاتی مرکزآمار ایران

در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹ شمسی) تعداد کل مقالات ISI ایران ۱۲۵ مقاله بوده است. این رقم تا سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۶شمسی) به ۴۵۰ مقاله رسیده است و رشد حدود ۴ برابر را تجربه نموده است. از زمان انقلاب(۱۹۷۹) تا شروع جنگ (۱۹۸۱) طی این سه سال تعداد مقالات اندکی پایین آمده و از شروع جنگ (۱۹۸۱) تا پایان جنگ (۱۹۸۹) ما شاهد افول تعداد مقالات بودیم. بعد از اتمام جنگ (۱۹۸۹) ما به مراتب رشد صعودی خود را در تعداد مقالات شاهد هستیم. در چند سال اخیر رشد مقالات به صورت نمایی (توانی) زیاد شده است. بررسی های سایت ساینس ماتریکس(Science Matrix) نشان می دهد که رشد مقالات علم و فناوری هسته ای نمایه شده جمهوری اسلامی ایران در مجلات ISI در مقایسه با تمام دنیا فوق العاده بوده است. مقالات علم و فناوری در زمینه هسته ای در سال ۲۰۰۹ نسبت ۱۹۹۰، صد در صد افزایش یافته است. در حالی رشد مقالات دنیا در این زمینه تنها حدود ۲ درصد بود. واقعیت بالا نشان می دهد که جمهوری اسلامی ایران امروزه به موتور علمی خاورمیانه تبدیل شده است.

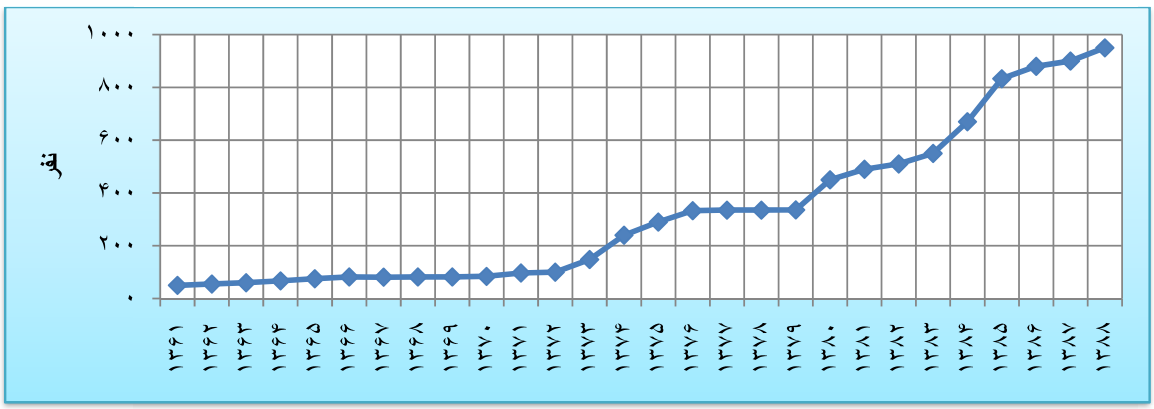
نمودار(۴): تحول در تعداد مقالات چاپ شده در مجلات



www.Science –Matrix.com/30years-data.htm,2010

با گسترش آموزش عالی و افزایش جمعیت با تحصیلات عالی پس از جنگ تحمیلی، بخصوص در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری، نیروی انسانی تحقیق و توسعه به سرعت افزایش یافت. بطوریکه شاخص «تعداد پژوهشگر در هر میلیون نفرجمعیت» از سال ۱۳۷۳ رشد فزاینده به خود گرفت(۵).

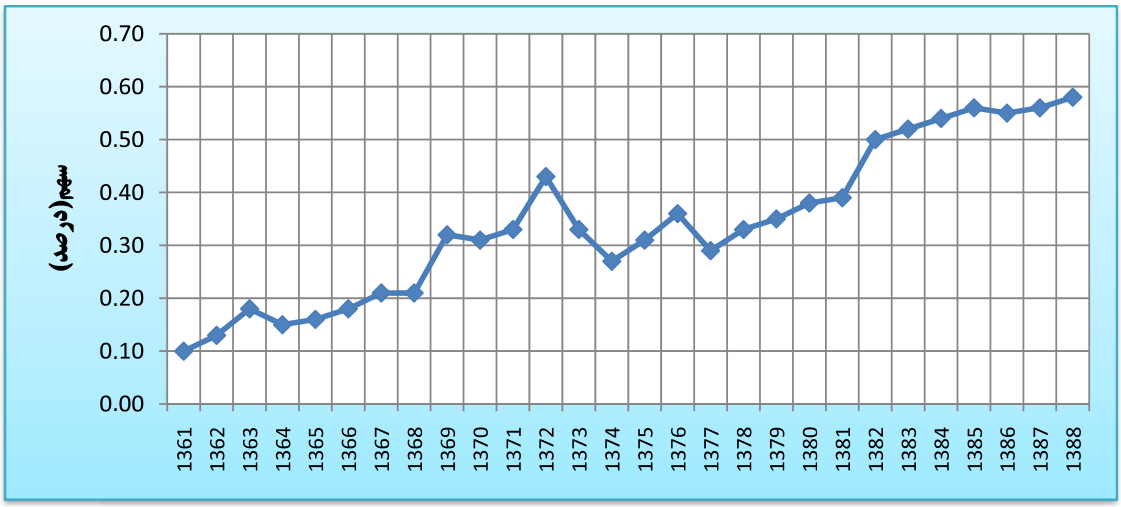
نمودار(۵): تعداد محققان در هر میلیون نفر جمعیت



شاخص های سهم اعتبارات پژوهشی از تولید ناخالص داخلی و بودجهٔ عمومی دولت، دو شاخص اصلی وضعیت مالی نظام پژوهش و فناوری هستند که جایگاه آن را در بین کل منابع مالی موجود و منابع اختصاص یافته از سوی دولت نشان می دهد. شاخص دوم بویژه میزان اولویت این بخش را در مقایسه با سایر بخشها در تخصیص بودجهٔ دولت و یا بعبارتی رقابت سایر بخشها نشان می دهد. سیر تحول این دو شاخص در دوره های استقرار، نوسازی و رشد پایدار.اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در نمودار زیر نشان داده شده است. این نمودار از یک نوع ناپایداری مالی در نظام پژوهش و فناوری حکایت دار که علل متنوعی می تواند داشته باشد.

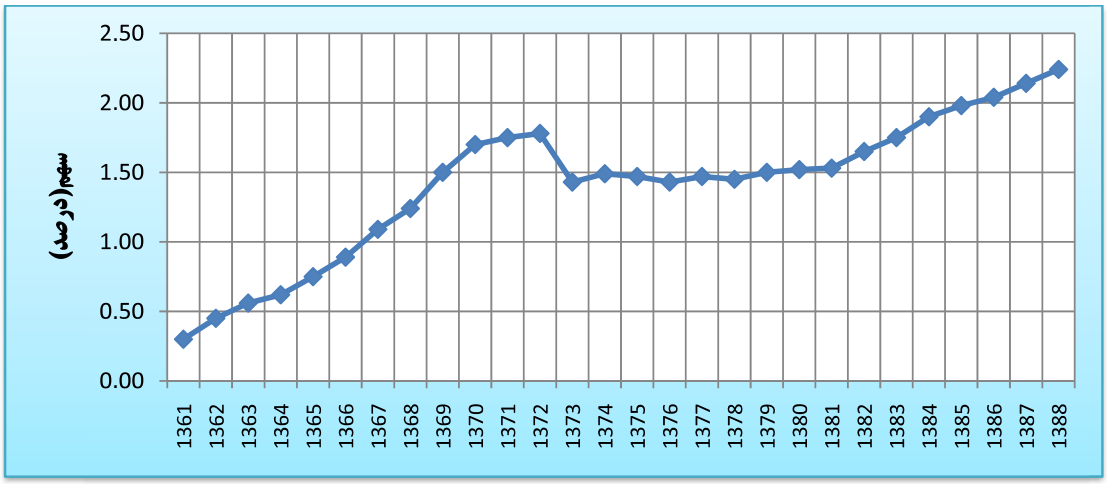
به علت گسترش مراکز پژوهشی دولتی در اواخر دهه ۱۳۴۰، سهم اعتبارات پژوهشی از تولید ناخالص داخلی و بودجه عمومی دولت افزایش یافت. اما با افزایش درآمدهای نفتی و در نتیجه افزایش بودجه دولت و تولید ناخالص داخلی در اوایل دهه ۱۳۵۰ و عدم افزایش بودجه پژوهشات به همان نسبت،موجب کاهش سهم بودجه پژوهشات از تولید ناخالص داخلی و بودجه جاری کشور شد.در اواخردهه ۱۳۵۰ این مسأله مورد توجه سیاست گذاران وقت قرار گرفت و به افزایش این دو شاخص منجر شد.

نمودار(۶):سهم بودجه تحقیقات از تولید ناخالص داخلی



منبع : استخراج شده از قوانین بودجه سنواتی سال های مختلف

نمودار(۷):سهم بودجه تحقیقات از بودجه عمومی کشور



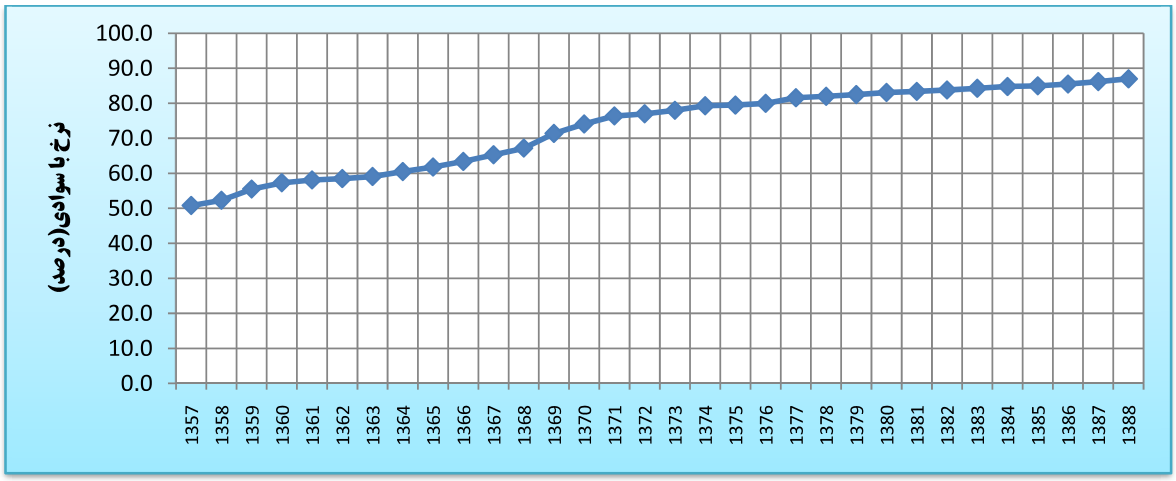
منبع : از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ از دفتر بررسی و ارزیابی پژوهشی، ۱۳۸۷؛

با پیروزی انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی سهم اعتبارات پژوهشی از تولید ناخالص داخلی و بودجه عمومی دولت رو به کاهش نهاد. اما با پایان جنگ تحمیلی و توجه دولت به نوسازی اقتصاد این شاخص ها رو به رشد نهادند و البته با کاهش قیمت نفت و درآمدهای نفتی در اواسط دهه۱۳۷۰ سهم اعتبارات پژوهشی از تولید ناخالص داخلی و بودجه عمومی کشور با افت مواجه شد. طی اجرای برنامه سوم توسعه، این دو شاخص تقریباً از رشد با ثبات تری برخور دار شدند.

تحولات جامعه یادگیری توزیع دانش

نرخ با سوادی و متوسط سال های تحصیل دو شاخص مهم برای پتانسیل یادگیری هستند. نرخ با سوادی به معنی جمعیت با سواد تقسیم برجمعیت بالای ۶ سال ضربدر صد، یکی از شاخص های مهم کیفیت جمعیت و توان یادگیری جمعیت است. این شاخص در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی ایران ۵۰ درصد بود. با پیروزی انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی(ره) نهضت سواد آموزی به منظور ریشه کنی بی سوادی تشکیل شد و افراد بزرگ سال بی سواد و کودکان باز مانده از تحصیل را تحت پوشش قرار داد. بنابراین، در دهه استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران نرخ با سوادی به شدت افزایش یافت و در سال ۱۳۶۸ به ۶۷ درصد بالغ گردید. یعنی ۱۷ درصد افزایش یافت. در دهه دوم نیز نرخ باسوادی به صورت قابل توجهی افزایش یافت. بطوری که از ۶۷ درصد در ۱۳۶۸ به ۸۲ درصد در ۱۳۷۸ بالغ گردید. یعنی ۱۲ درصد افزایش یافت. اما به دلیل کاهش جمعیت بی سواد در دهه سوم،میزان افزایش نرخ با سوادی کندتر شد و از ۸۲ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۸۷ درصد در سال ۸۸ بالغ گردید. یعنی تنها ۵ درصد افزایش یافت.

نمودار(۸): تغییر نرخ با سوادی در سه دهه گذشته

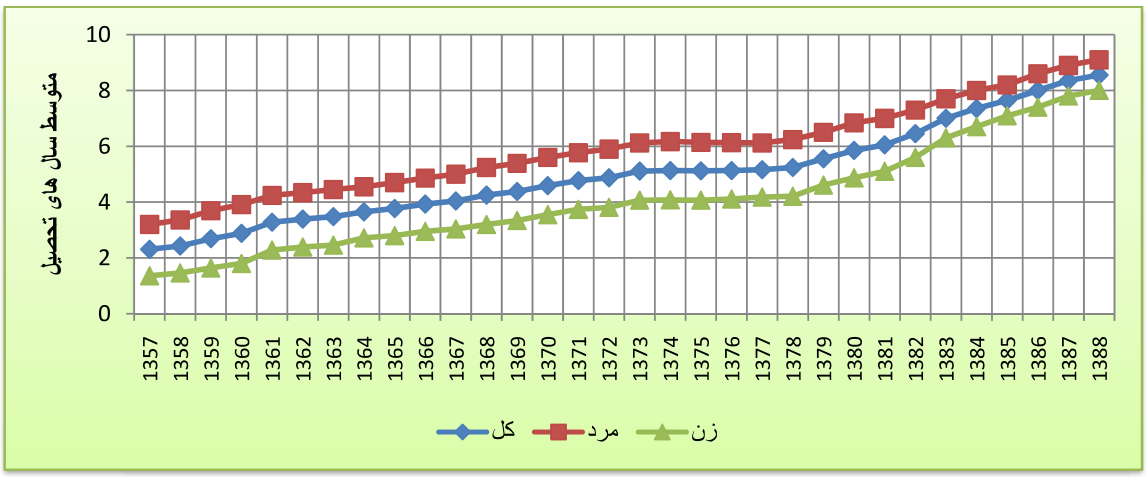


منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعاتی سری زمانی متغیرهای اقتصادی و اجتماعی

یکی دیگر از شاخص های پتانسیل یادگیری، متوسط سال های تحصیل است که میزان بر خورداری جمعیت بالاتر از ۶ سال یا ۱۵سال از تحصیل را نشان می دهد. در واقع این شاخص سطح سواد یک جامعه را نشان می دهد. نمودار(۹) متوسط سال های تحصیل جمعیت ۱۵ سال و بیشتر در ایران را از ابتدای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران تا سال ۱۳۸۸ را نشان می دهد. این شاخص در دهه اول به دلیل تأسیس نهضت سواد آموزی و تشویق افراد بی سواد به تحصیل و سواد آموزسی، رو به افزایش نهاد. نرخ این افزایش در ابتدا شدید،اما در دهه دوم (دهه باز سازی و نوسازی) اندکی کند شد. البته در دهه سوم شتاب گرفت؛ بطوری که از ۵/۲۵ سال به ۸/۵۵ سال صعود کرد.

مقایسه متوسط سالهای تحصیل زنان و مردان حکایت از آن دارد که در طول زمان ، شکاف تحصیلی آنها کاهش یافته است و انتظار می رود در چند سال آینده از بین برود.

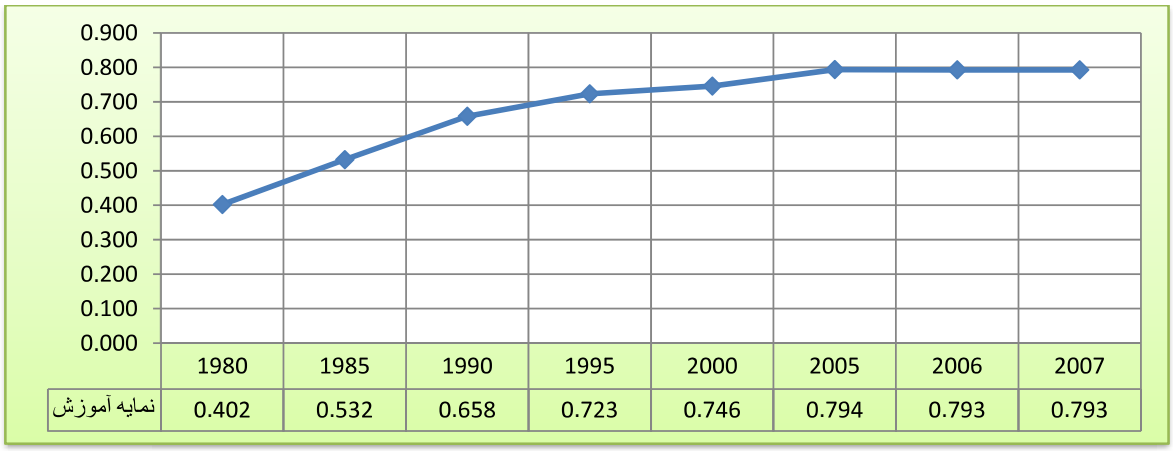
نمودار(۹): تغییر متوسط سال های تحصیل افراد ۱۵ سال و بالاتر



منبع:تا سال ۱۳۸۰ از فصلنامه پژوهش های اقتصادی شماره ۲۳ استخراج شده است، از ۱۳۸۱تا ۱۳۸۸ بر اساس گزارش های آماری مرکز آمار محاسبه شده است.

نمایه آموزش به عنوان شاخصی مرکب از نرخ باسوادی بزرگسالان و نرخ ثبت نام ناخالص ترکیبی آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی موفقیت نسبی یک کشور در رابطه با پتانسیل یادگیری را اندازه گیری می کند[۶]. نمودار(۱۰) نشان می دهد که نمایه آموزش در ایران در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۷ بطور قابل توجهی افزایش یافته است.

نمودار(۱۰): تغییر نمایه آموزش در جمهوری اسلامی ایران



	1980	1985	1990	1995	2000	2005	2006	2007
نمایه آموزش	0.402	0.532	0.658	0.723	0.746	0.794	0.793	0.793

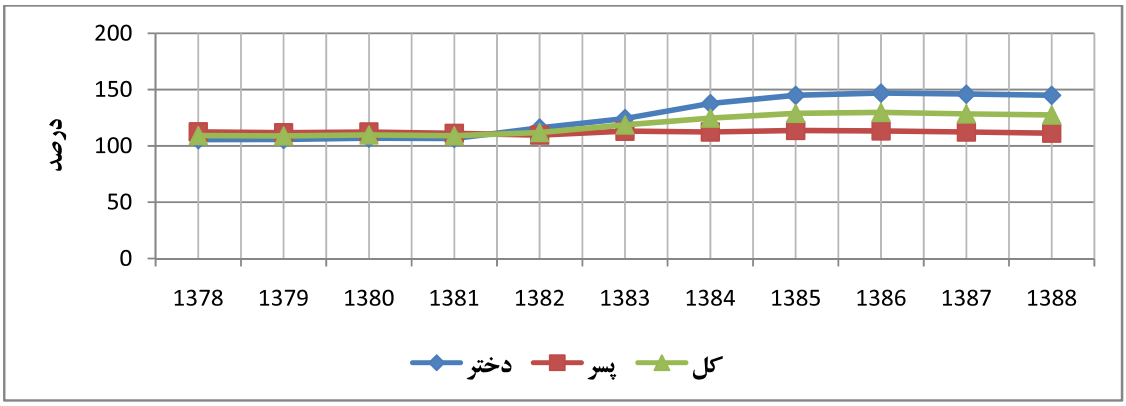
Source : Human Development Report 2009

نرخ ناخالص ثبت نام در هریک از سطوح تحصیلی شاخص های اصلی جامعه یادگیری و توزیع دانش و اطلاعات در کشور هستند. در سال ۱۳۵۷ نرخ ناخالص ثبت نام در سطح آموزش ابتدایی حدود ۹۳ درصد بود. افزایش این شاخص پس از انقلاب فزونی گرفت و به۱۰۱ درصد در سال۱۳۶۵ بالغ گردید. این شاخص در سال های بعد با شدت بیشتری به افزایش خود ادامه داد و به مرز۱۳۰ درصد در سال۲۰۰۶ رسید. اما بدلیل کاهش تعداد کودکان از تحصیل جامانده در سال های اخیر این شاخص رو به کاهش نهاده است. با افزایش سطح پوشش تحصیلی در گروه سنی ۶-۱۱ سال و رسیدن نرخ خالص ثبت نام به ۱۰۰درصد در سال های اخیر، انتظار می رود کاهش این شاخص همچنان ادامه داشته باشد.

قبل از دهه۱۳۸۰ نرخ مشارکت دختران در آموزش ابتدایی پایین تر از نرخ مشارکت پسران بود. اما از اوایل این دهه نرخ مشارکت دختران بر نرخ مشارکت پسران پیشی گرفت. بطوریکه در سال ۱۳۸۸ نرخ مشارکت دختران حدود۳۴ درصد بالاتر از نرخ مشارکت پسران بود این امر حکایت از دو واقعیت می تواند داشته باشد. اولی بالا بودن جمعیت دختران جامانده از تحصیل در دهه های گذشته و دومی ترک تحصیل پسران در سال های آخر دوره ابتدایی به منظور کار در مناطق کمتر توسعه یافته هستند.

[۶] برای اطلاع از چگونگی محاسبه این نمایه به گزارش های توسعه انسانی UNDP

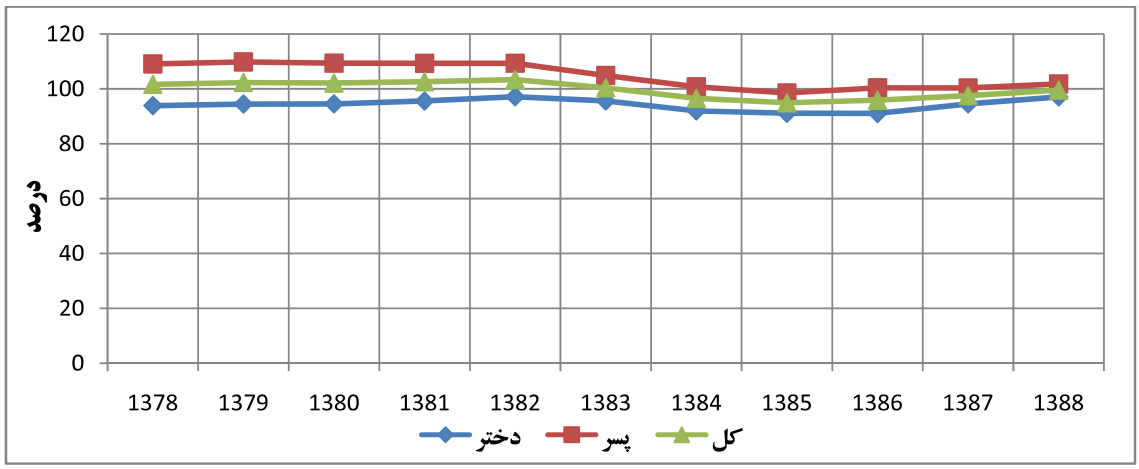
نمودار(۱۱): نرخ ناخالص ثبت نام در سطح ابتدایی



منبع: محاسبه شده بر اساس داده های جمعیت دانش آموزی و جمعیت در سن ۱۱-۶ مرکزآمار ایران

در ایران نرخ ناخالص ثبت نام در سطح راهنمایی همراه پایین تر از نرخ ناخالص ثبت نام در سطح متوسطه بوده است. چون در اکثر خانواده های فقیر کودکان در سنین متناظر با آموزش راهنمایی به منظور کسب درآمد و کمک به خانواده مدرسه را ترک می کنند. در آغاز استقرار جمهوری اسلامی ایران این شاخص در حدود ۴۶ درصد بود در سال ۱۳۶۵ به ۵۰ درصد بالغ گردید و از آن پس با رشد فراینده ای مواجه گردید و در سال ۱۳۷۵ به ۱۰۰ درصد رسید و در دهه اخیر با اندک نوسانی در حدود ۱۰۰درصد ثابت باقی مانده است.

نمودار(۱۲): نرخ ناخالص ثبت نام در سطح راهنمایی(پایین متوسطه)



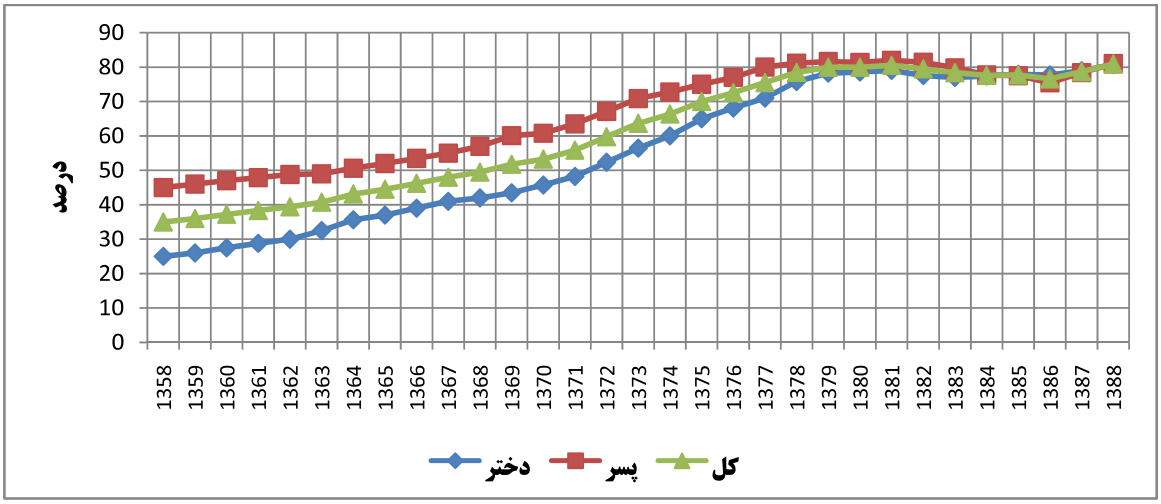
منبع: محاسبه شده بر اساس داده های جمعیت دانش آموزی و جمعیت در سن ۱۴-۱۱ مرکزآمار ایران

در اوایل انقلاب نرخ مشارکت کل(نرخ ناخالص ثبت نام) در آموزش متوسط در حدود ۳۵ درصد، و نرخ مشارکت دختران بسیار پایین تر از نرخ مشارکت پسران بود. این شاخص در دهه اول(دهه استقرار جمهوری اسلامی ایران) به دلیل مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی به کندی پیش می رفت. اما با پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوره بازسازی و نوسازی اقتصادی و اجتماعی در دهه دوم، رشد فراینده به خود گرفت و اختلاف نرخ

مشارکت دختران و پسران کاسته شد. در دهه سوم از میزان افزایش کاسته شد و حتی در بعضی از سال ها کاهش پیدا کرد و اما مجدد در اواخر رو به افزایش نهاد ودر سال ۱۳۸۸ یعنی پایان دهه سوم به ۸۱ درصد بالغ گردید. در این دوره اختلاف نرخ مشارکت دختران و پسران تقریباً از بین رفت.

نرخ خالص ثبت نام کل در آموزش متوسطه نیز از ۴۶ درصد در ۱۳۶۸ به ۷۶ درصد در سال۱۳۸۸ افزایش یافت. در سال ۱۳۶۸ اختلاف نرخ خالص ثبت نام بین دختران و پسران حدود ۱۳ درصد بود. این اختلاف در طول زمان کاهش و در سال ۱۳۸۸ تقریباً به صفر رسید. انتظار می رود در آینده نرخ خالص ثبت دختران از نرخ ناخالص پسران پیشی بگیرد.

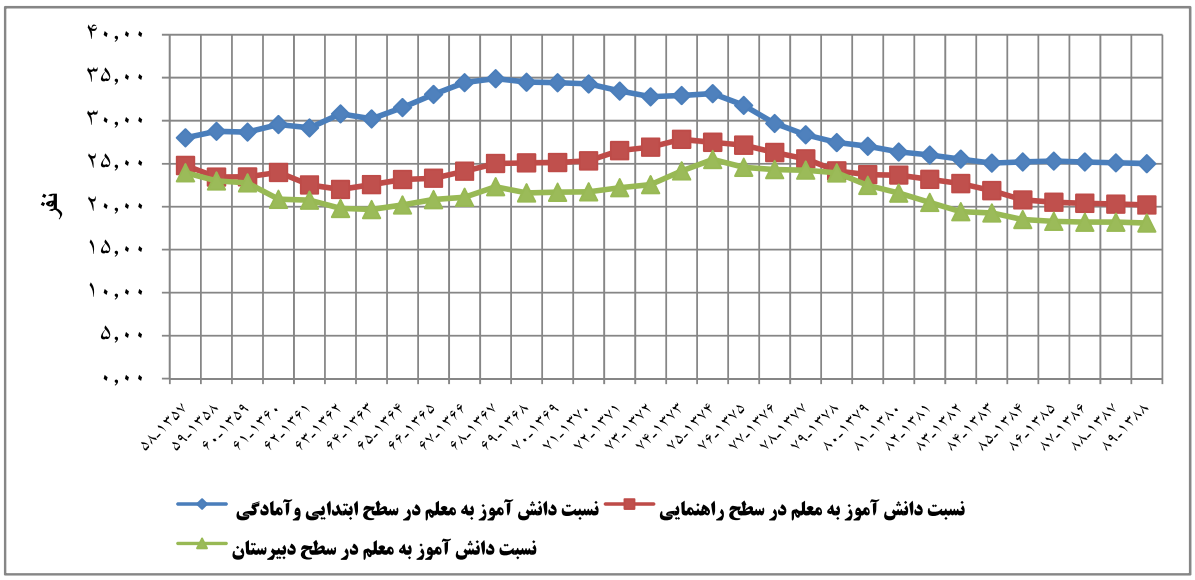
نمودار(۱۳): نرخ ناخالص ثبت نام در سطح آموزش متوسطه



منبع: محاسبه شده بر اساس داده های جمعیت دانش آموزی و جمعیت در سن ۱۴-۱۱ مرکزآمار ایران

بررسی های آماری نشان می دهد که در نظام آموزش و پرورش ایران در دهه بعد از انقلاب اسلامی به دلیل مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی نسبت دانش آموز به کادر آموزشی ابتدا با اندک نوسانی در هر سه سطح آموزشی افزایش یافت و به ترتیب در سطوح ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به ۳۵ نفر، ۲۵نفر و ۲۲ نفر در سال ۱۳۶۷ رسید. اما در دهه دوم پس از پایان جنگ و با شروع دوران سازندگی با اندک نوسانی رو به کاهش نهاد و از مقادیر یاد شده در سال ۱۳۶۷ به ترتیب به ارقام ۲۷ نفر، ۲۳ نفر و ۲۱ نفر در سال ۱۳۷۸ کاهش یافت . این کاهش در دهه پس سوم انقلاب شتاب بیشتری گرفت و از مقادیر یاد شده در در سال ۱۳۷۸، به ترتیب به ارقام ۲۵ نفر، ۲۰ و ۱۸ نفر کاهش پیدا کرد(نمودار۱۴).

نمودار (۱۴): نسبت تعداد دانش آموز به تعداد کادر آموزشی



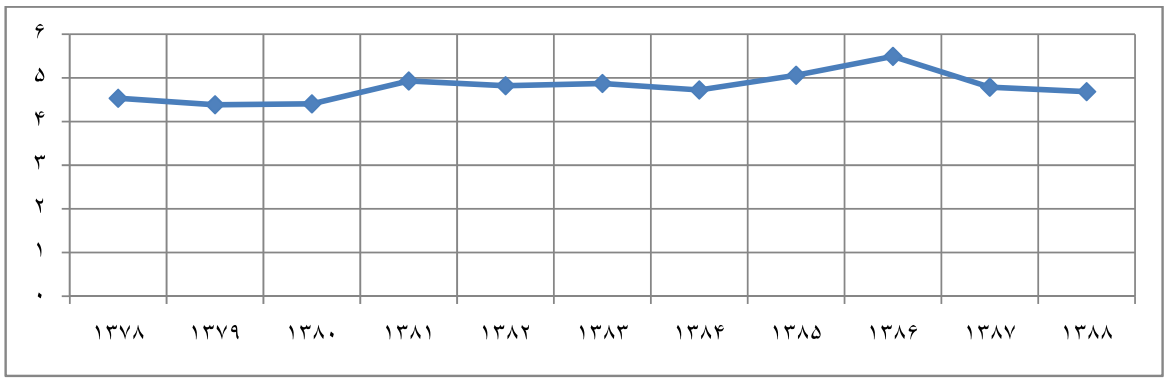
منبع: محاسبه شده بر اساس داده های جمعیت دانش آموزی و کادر آموزشی

در ابتدایی استقرار جمهوری اسلامی ایران بدلیل مشکلات ناشی از جنگ حدود ۵ درصد معلمان و مربیان بدون آموزش اولیه مشغول به کار می شدند اما با اتمام جنگ تحمیلی مراکز و دانشگاه های تربیت توسعه پیدا کرد. بطوریکه امروزه ۱۰۰درصد کارکنان آموزش و پرورش در تمام سطوح تحصیلی تخصص های حرفه ای لازم را کسب می کنند.

تحولات منابع مالی آموزش را با استفاده از شاخص های مختلف می توان بررسی کرد. در این قسمت تحولات منابع مالی آموزش رسمی ایران با استفاده از شاخص های «سهم مخارج آموزش از تولید ناخالص داخلی»، «سهم مخارج آموزشی از بودجه عمومی دولت»، سهم مخارج هریک از سطوح آموزشی از کل مخارج آموزشی» بررسی می شود.

در اوایل استقرار جمهوری اسلامی ایران سهم مخارج آموزش رسمی از تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۷,۷ درصد بود. در طول جنگ تحمیلی این رقم به حدود ۳ درصد کاهش یافت و با پایان جنگ رو به بهبود نهاد به ۴ درصد بالغ گردید. این شاخص در اوایل دهه ۱۳۷۸ حدود ۴,۵ درصد بود که با اندک نوسانی به ۵,۵ درصد در سال۱۳۸۶ بالغ گردید. اما در سال های بعد رو به کاهش نهاد و به حدود۴,۶ درصد در سال۱۳۸۸ تنزل پیدا کرد.

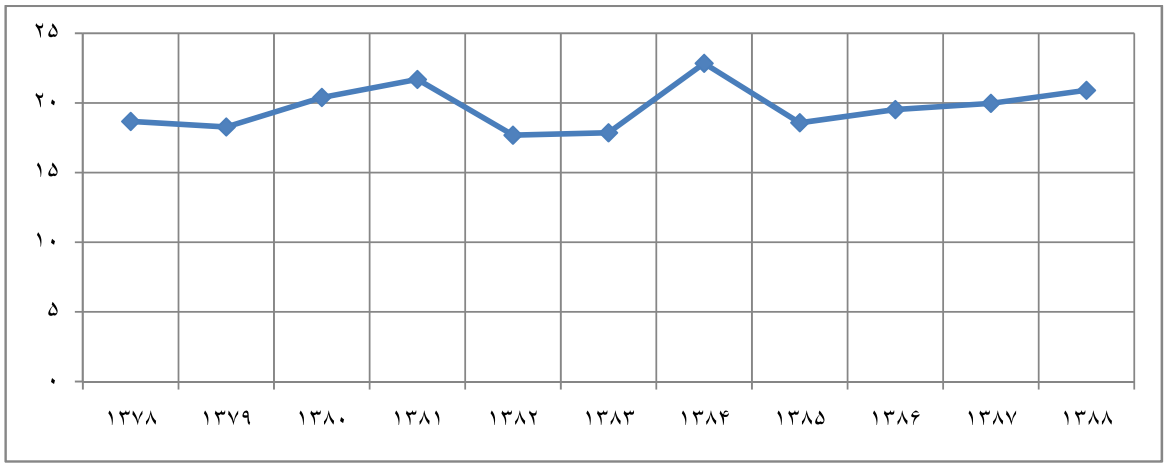
نمودار(۱۵): سهم مخارج آموزشی عمومی از تولید ناخالص داخلی



منبع: محاسبه شده بر اساس داده های قانون بودجه سال های ۱۳۷۸الی ۱۳۸۸

سهم مخارج آموزشی از کل مخارج دولت در اوایل استقرار جمهوری اسلامی ایران حدود ۱۵,۷ درصد بود. در طول جنگ تحمیلی این رقم به حدود ۱۳ درصد کاهش یافت و با پایان جنگ رو به بهبود نهاد و به حدود ۱۸,۶ درصد در سال ۱۳۷۸ بالغ گردید. روند افزایش تا رقم ۲۱,۷ درصد در سال۱۳۸۱ ادامه داشت. در سالهای ۱۳۸۲ و۱۳۸۳ به دلیل مضیقه مالی دولت اندکی کاهش یافت. اما در سال ۱۳۸۴ جبران گردید. در سال بعد مجدداً با افت مواجه شد. البته در سال های اخیر به دلیل افزایش قیمت نفت و بهبود وضعیت مالی دولت رو به بهبود نهاده است.

نمودار(۱۶): سهم مخارج آموزشی از کل مخارج دولت

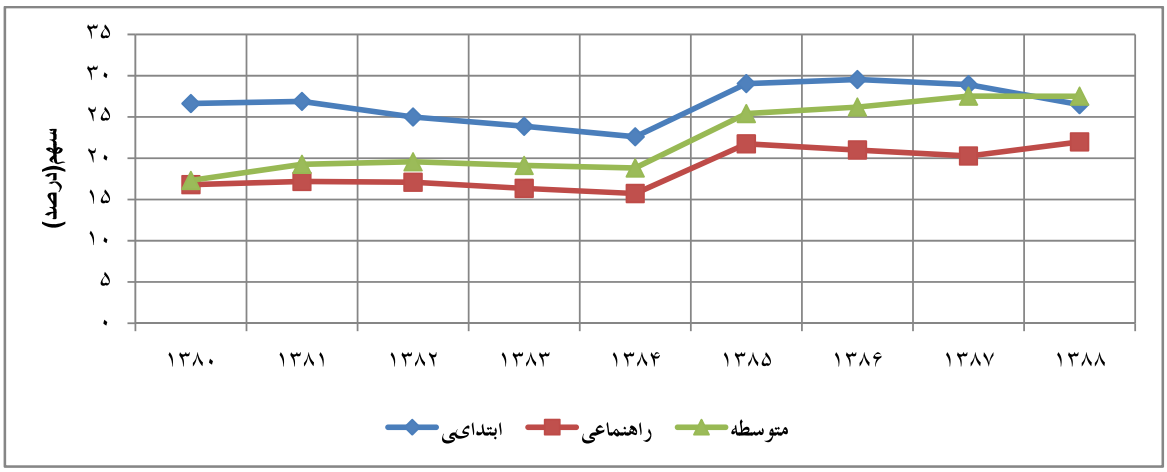


منبع: محاسبه شده بر اساس داده های قانون بودجه سال های ۱۳۷۸الی ۱۳۸۸

در سال استقرار جمهوری اسلامی ایران، حدود ۳۵درصد از بودجه آموزشی کشور برای آموزش ابتدایی، ۱۷درصد آموزش راهنمایی، ۱۸ درصد آموزش متوسطه،۱۱درصد آموزش عالی و مابقی در برنامه ها و فعالیت‌های جانبی آموزش و پرورش خرج می شد. در طول دهه ۱۳۶۰ این ترکیب مخارج بطور قابل توجهی تغییر کرد. بطوریکه سهم بودجه فعالیت های اصلی کاهش و سهم فعالیت ها و برنامه های جانبی

مانند، برنامه تربیت معلم و مربی، برنامه عملیات کمک آموزشی، برنامه خدمات اداری، برنامه پرورشی و امور تربیتی دانش آموزان و دانشجو، سلامت و تربیت بدنی و غیره افزایش یافت. در میان برنامه های اصلی نیز از سهم سطوح تحصیلی پایین کاسته و به سهم سطوح بالا افزوده شد. در اوایل دهه ۱۳۷۰ سهم مخارج آموزش ابتدایی به ۳۰ درصد، سهم مخارج آموزش راهنمای به ۱۶ درصد و سهم آموزش متوسطه به ۱۷ درصد کاهش یافت و سهم برنامه آموزش عالی به۱۴ درصد بالغ گردید و سهم برنامه ها و فعالیت های جانبی به ۲۳ درصد افزایش یافت. اما در طول دهه ۱۳۷۰ سهم فعالیت های اصلی در سطوح بالای تحصیلی افزایش یافت و سهم آموزش ابتدایی و برنامه های جانبی کاهش یافت . بگونه ای که در اوایل دهه ۱۳۸۰ ترکیب سهم ها به ۲۷ درصد برای آموزش ابتدایی، ۱۷ درصد برای آموزش راهنمایی، ۲۰ درصد برای آموزش متوسطه و ۱۸ درصد برای آموزش عالی تغییر کرد. در نیمه اول دهه ۱۳۸۰ سهم فعالیت های اصلی رو به کاهش نهاد و سهم فعالیت های جانبی رو به فزونی گذاشت. بطوریکه در سال ۱۳۸۴ حدود ۲۳درصد از بودجه آموزش و پرورش برای آموزش ابتدایی، ۱۶درصد آموزش راهنمایی، ۲۰ درصد آموزش متوسطه، ۱۴ درصد آموزش عالی و مابقی در برنامه ها و فعالیت های جانبی آموزش و پرورش خرج می شد. اما از سال ۱۳۸۵ با تغییر سیاست های دولت سهم فعالیت های اصلی رو به فزونی نهاد و سهم فعالیت های جانبی رو به کاهش گذاشت(۱۷).

نمودار(۱۷): سهم مخارج آموزشی سطوح مختلف تحصیلی از کل مخارج آموزشی



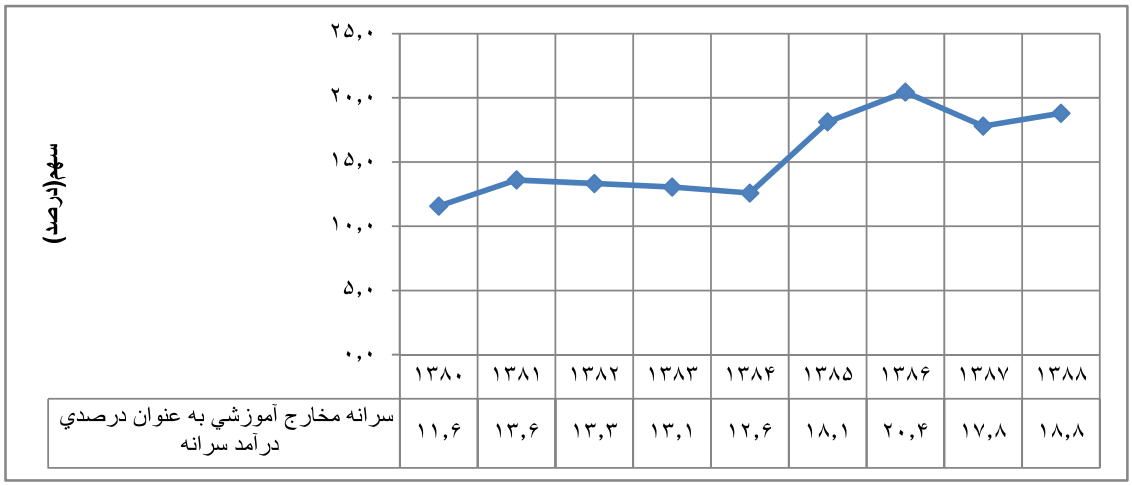
منبع: محاسبه شده بر اساس داده های قانون بودجه سال های ۱۳۷۸الی ۱۳۸۸

یکی دیگر از شاخص های مهم منابع مالی آموزش، سهم مخارج سرانه از درآمد ملی سرانه است که سهم درآمد سرانه صرف شده به ازای هر دانش آموز یا دانشجو را نشان می دهد. این شاخص از شدت سرمایه گذاری یک کشور در توسعه سرمایه انسانی حکایت دارد. وقتی که بر حسب سطوح مختلف آموزش محاسبه

می شود، هزینه های نسبی را نشان می دهد و توجه خاص یک کشور بر سطح خاصی از آموزش را بیان می کند.

نمودار (۱۸) نشان می دهد که در دهه گذشته میزا ن سرمایه گذاری عمومی ایران در توسعه سرمایه انسانی بطور قابل توجهی افزایش یافته است. بطوریکه سهم مخارج هر دانش آموز و دانشجو از درآمد ملی سرانه از ۱۱,۶ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۱۸,۸ درصد در سال ۱۳۸۸ افزایش یافت. البته روند سرمایه گذاری با نوساناتی همراه بوده است و جهش سرمایه گذاری عمومی در سرمایه انسانی در سال ۱۳۸۵ اتفاق افتاده است. اما در سال ۱۳۸۷ اندکی از شدت سرمایه گذاری کاسته شد.

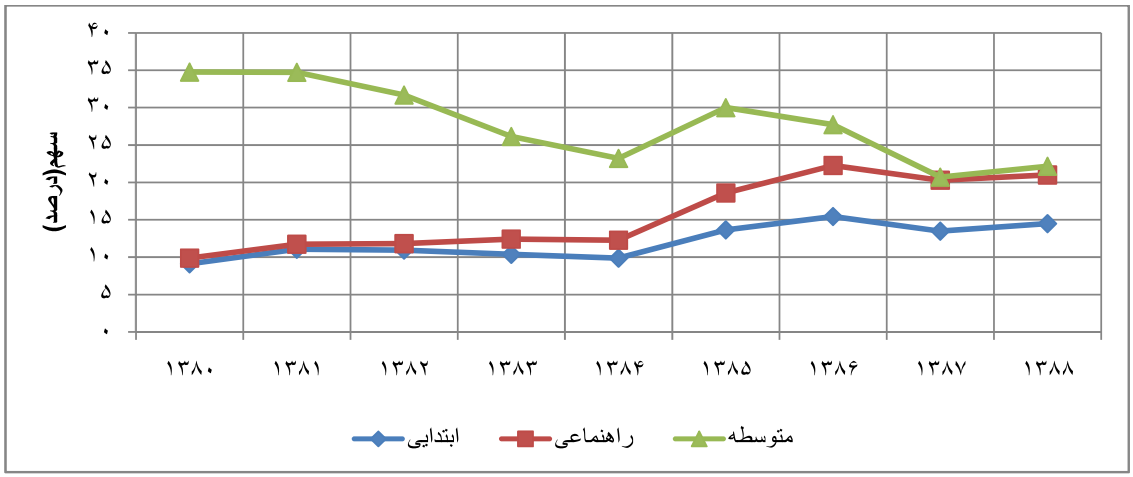
نمودار(۱۸): سهم مخارج سرانه آموزشی از درآمد ملی سرانه



	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
سرانه مخارج آموزشي به عنوان درصدي درآمد سرانه	۱۱,۶	۱۳,۶	۱۳,۳	۱۳,۱	۱۲,۶	۱۸,۱	۲۰,۴	۱۷,۸	۱۸,۸

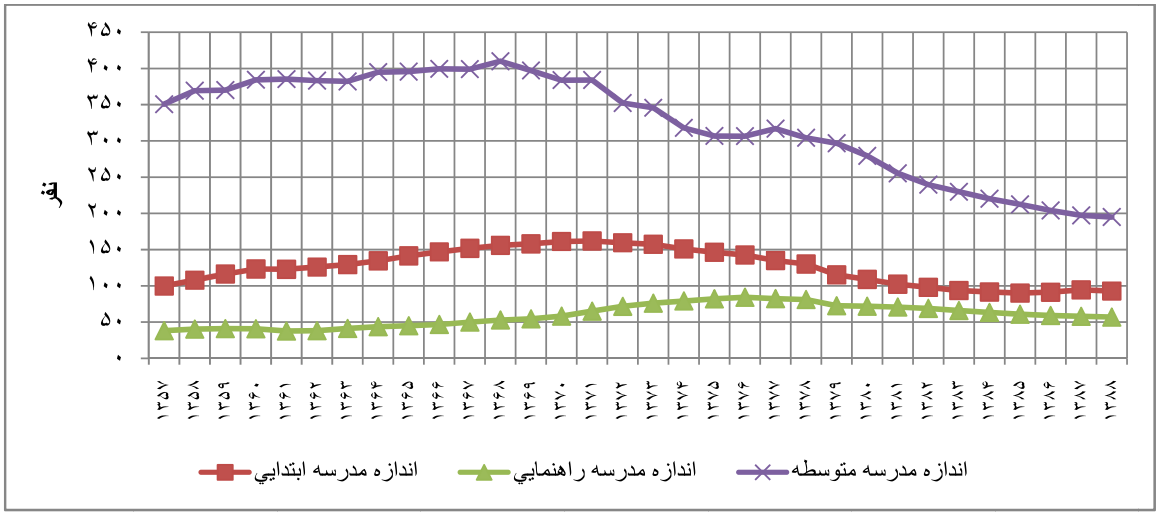
منبع: محاسبه شده بر اساس داده های قانون بودجه سال های ۱۳۷۸الی ۱۳۸۸

نمودار(۱۹): سهم مخارج سرانه سطوح آموزشی از درآمد سرانه



منبع: محاسبه شده بر اساس داده های قانون بودجه سال های ۱۳۷۸الی ۱۳۸۸

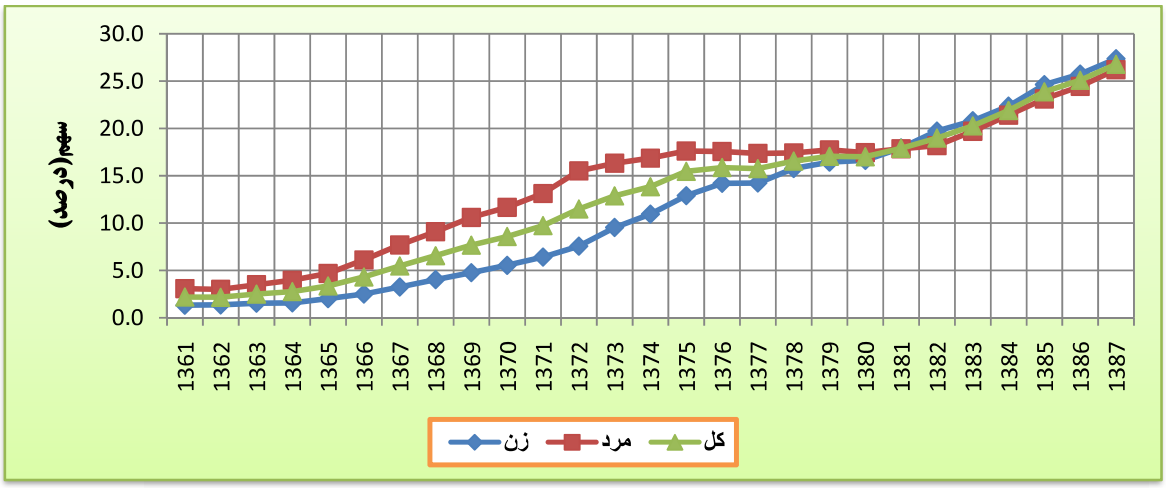
نمودار(۲۰): تحولات اندازه مدارس



منبع: بانک داده های سری زمانی بانک مرکزی جمهوری ایران

شاخص نرخ ناخالص ثبت نام در آموزشی عالی (تعداد دانشجو تقسیم جمعیت در گروه سنی ۱۸-۲۴) تا سال ۱۳۶۵ دارای رشد بسیار اندک بود. اما به دلیل پذیرش دانشجو توسط دانشگاه آزاد اسلامی رشد این شاخص فزونی گرفت. در دوره بعد، شاخص نرخ ناخالص ثبت نام در آموزش عالی، در کل، از حدود ۷/۷ درصد در ۱۳۶۹ به۱۵,۵ درصد افزایش یافت، یعنی حدود دو برابر شد. در ابتدای دوره، نرخ ناخالص ثبت نام مردان در آموزش عالی بیش از دو برابر نرخ ناخالص ثبت نام زنان بود. در حالی که در پایان دوره نرخ ناخالص ثبت نام مردان و زنان تقریباً برابر بود که حکایت از تحقق عدالت جنسیتی در پایان این دوره دارد.در دوره سوم شاخص نرخ ناخالص ثبت‌نام در آموزش عالی بین زنان ومردان متوازن شد و از حدود ۱۵ درصد در ابتدایی دوره به حدود ۲۷ درصددر سال ۱۳۸۷ بالغ گردید.

نمودار(۲۱): نرخ ناخالص ثبت در آموزش عالی

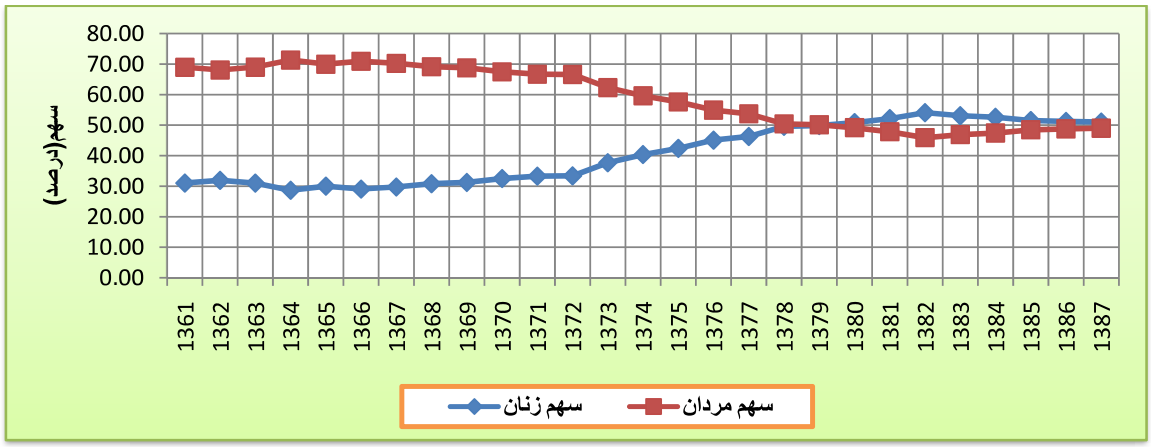


منبع: محاسبه بر اساس آمارهای دانشجویی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و آمارهای جمعیتی سالنامه آماری سال‌های مختلف، مرکز آمار ایراندر دوره ۱۳۸۷-۱۳۶۱

در دوره استقرار اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مشارکت زنان در آموزش عالی بسیار پایین تر از مردان بود و نشانی از بهبود مشارکت زنان در آموزش عالیدر طول زمان نیز مشاهده نمی‌شود.اما در دوره نوسازی سهم زنان رو به فزونی گرفت. در ابتدای این دوره، سهم زنان از جمعیت دانشجویی ۴۷/۸ درصد بود که در سال دوم به ۵۰/۱ درصد افزایش یافت و به این ترتیب از سهم مردان پیشی گرفت. جمعیت دانشجویی کشور در سال ۸۶-۸۵ در کل بخش دولتی و غیردولتی به رقم دو میلیون و هشتصد هزار نفر، زنان با سهم ۵۲/۴ درصد در جمعیت دانشجویان بر مردان پیشی گرفته‌اند.

در این دوره نیز سهم زنان از کل کادر آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ایران بسیار پایین بود.در اول این دوره، تنها ۱۷/۳ درصد از کل کادر آموزشی کشور زن بودند.در طول دوره، این شاخص بیش از ۳ درصد بهبود یافته و به ۲۰/۸ درصد در پایان دوره رسیده است. این شاخص در مرتبه استادیاری ۱۶/۴ درصد، دانشیاری ۱۰ درصد و استادی ۷/۵ درصدبود.

جدول(۲۲): سهم زنان و مردان از کل جمعیت دانشجویی

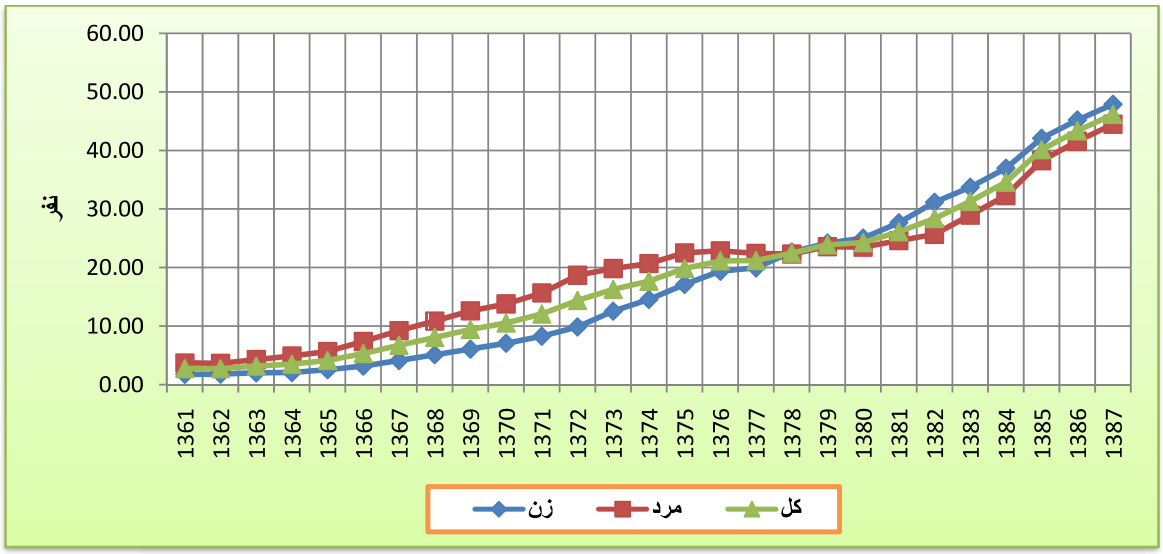


منبع: محاسبه بر اساس آمارهای دانشجویی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و آمارهای جمعیتی سالنامه آماری سال‌های مختلف، مرکز آمار ایراندر دوره ۱۳۸۷-۱۳۶۱

در ابتدایی استقرار جمهوری اسلامی ایران جمعیت دانشجویی در هر هزار نفر جمعیت بسیار پایین بود. در دور استقرار جمهوری اسلامی ایران این شاخص اندکی بهبود پیدا کرد و پایان دوره به ۶ نفر رسید. در دوره نوسازی این شاخص با شدت بیشتری افزایش یافت و در سال ۱۳۷۸ به ۲۳ نفر بالغ گردید.این امر حکایت از بهبود فوق‌العاده این شاخص دارد. مقایسه این شاخص بین زنان و مردان نشان می‌دهد که در ابتدای دوره، تعداد دانشجوی پسر در هزار نفر جمعیت مردان دو برابر تعداد دانشجوی دختر در هزار نفر جمعیت زنان

بود. اما در طول دوره این فاصلهبهطور مرتب کاهش یافت و در آخر دوره تقریباً از بین رفت. این امر حکایت از بهبود عدالت جنسیتی در پذیرش دانشجو در دوره مورد بررسی دارد.

نمودار(۲۳): تعداد دانشجو در هر هزار نفر جمعیت



منبع: محاسبه بر اساس آمارهای دانشجویی مؤسسه پژوهش و برنامهریزی آموزش عالی و آمارهای جمعیتی سالنامه آماری سالهای مختلف، مرکز آمار ایراندر دوره ۱۳۸۷-۱۳۶۱

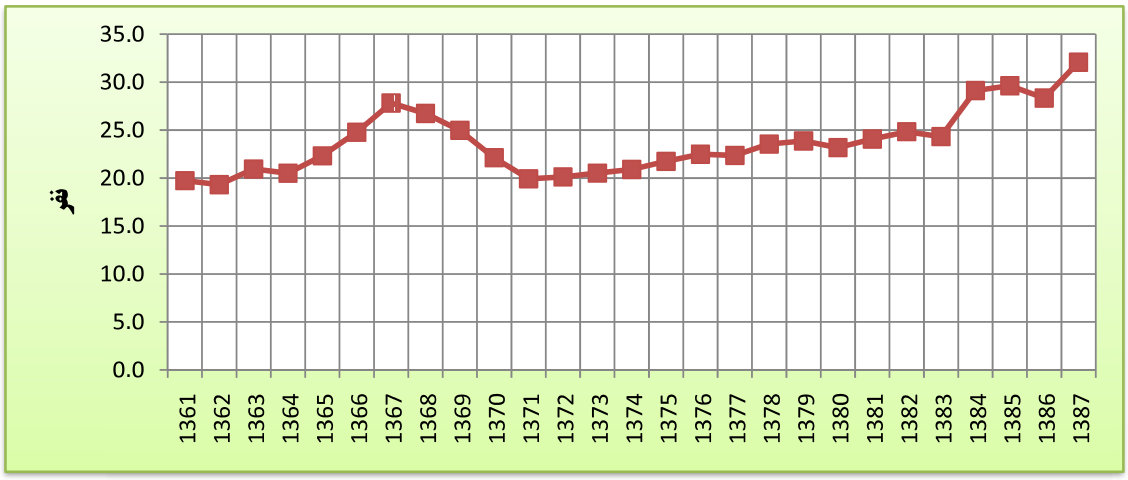
شاخص نسبت استاد به دانشجو هم به صورت کل و به تفکیک دانشگاه ها و نوع هیأت علمی قابل تحلیل است. در اینجا نسبت دانشجویان دانشگاه های دولتی به هیأت علمی تمام وقت و کل هیأت علمی بررسی شده است. در ابتدایی دوره استقرار جمهوری اسلامی ایران، شاخص نسبت دانشجو به کادر آموزشی تمام وقت و کل کادر آموزشی نسبتاً پایین بود. در طول این دوره شاخص های یاد شده فزونی گرفت، اما با آغاز دوره نوسازی شاخص نسبت دانشجو به کل کادر آموزشی رو به کاهش نهاد. اما بدلیل رشد فزاینده جمعیت دانشجویی شاخص نسبت دانشجو به کادر هیأت علمی تمام بهبود نیافت. این وضعیت در دوره بعدی نیز ادامه پیدا کرد.

در اول دوره رشد پایدار، 69.158 نفر در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ایران مشغول تدریس بودند.جمعیت کادر آموزشی با متوسط رشد ۱۱ درصد، در پایان دوره (۱۳۸۶) به 134.928نفربالغ گردید که تنها ۳۶ درصد آنها به صورت تمام وقت به فعالیتدر دانشگاهها و مراکز آموزش عالیمشغول بودند. در پایان این دوره شاخص دانشجو به کادر آموزشی تمام وقت ۵۹ نفر و شاخص دانشجو به کل کادر آموزشی ۲۱/۲ نفر بود.[۷]

[۷]. در این محاسبه آموزش حضوری و نیمه حضوری تفکیک نشده است.

وقتی همین شاخص را تنها در بخش غیردولتی که در آن آموزش از راه دور هم وجود ندارد، محاسبه می‌کنیم، با توجه به وجود ۱,۳۸۴,۵۰۱دانشجو (که همه نیز با شیوه آموزشی حضوری تحصیل می‌کنند) و تنها ۱۹,۵۰۳ نفر کادر آموزشی تمام وقت، شاخص دانشجو به استاد، وضعیت بحث‌انگیز 71 نفر را نشان می‌دهد که حتی با احتساب کادر حق‌التدریس بالغ بر ۴۱,۱۶۲ نفر حداکثر به رقم ۲۲/۸ نفر تعدیل می‌شود.

نمودار(۲۴): تسبت دانشجوی دانشگاه های دولتی به هیأت علمی تمام(نفر)



شاخص های سهم اعتبارات آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی و بودجهٔ عمومی دولت ، دو شاخص اصلی وضعیت مالی این بخش هستند که جایگاه آن را در بین کل منابع مالی موجود و منابع اختصاص یافته از سوی دولت نشان می دهد. شاخص دوم بویژه میزان اولویت این بخش را در مقایسه با سایر بخشها در تخصیص بودجهٔ دولت و یا بعبارتی رقابت سایر بخشها نشان می دهد. در نتیجه در بسیاری از مواردی که ممکن است روند کل اعتبارات افزایش رانشان دهد.

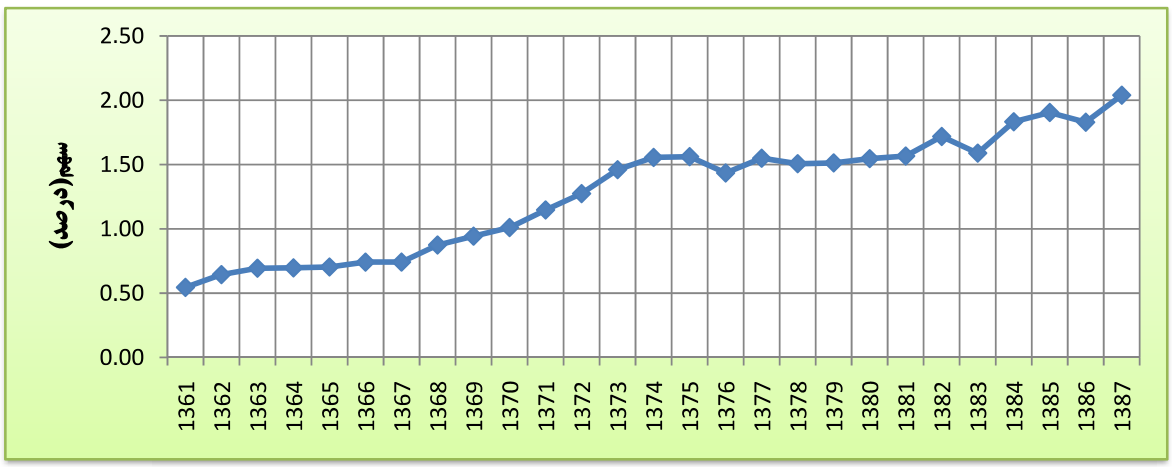
طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی،گزارش مستقلی از وضعیت اعتبارات ومنابع مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تهیه نشده است وتنها منبع درآمد مؤسسات از گزارش‌های بودجه سالیانه قابل استخراج است. تا سال ۱۳۶۱، آموزش عالی وپژوهشات دارای فصل مستقل در بودجه عمومی دولت نبوده واعتبارات مربوط به آن ذیل فصل آموزش وپرورش منظور شده است.از این جهت در سال‌های ۶۱-۱۳۵۷، ارقامبرنامه‌های آموزش عالی وپژوهشات از ذیل فصل آموزش وپرورش استخراج و درجشده اند که البته به دلیل عدم تفکیک برنامه‌های خدمات اداری، عملیات کمک آموزشی وپژوهش وبررسی مربوط به آموزش عالی از آموزش وپرورش، به‌دست آوردن رقم سرجمع اعتبارات تخصیص به آموزش عالی فقط با جمع مبالغ تخصیصی به دستگاه‌های مربوطه میسر است.

در سال‌های ابتدایی این دوره که هنوز پس از انقلاب فرهنگی پذیرش دانشجوآغاز نشده بود و در تداوم سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ اعتبارات دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با کاهش مواجه شد، ولی در سال ۱۳۶۲ با رشد یکبارهٔ این اعتبارات به مبلغ ۸۰/۲ میلیارد ریال مواجه هستیم که احتمالاً به دلیل تجهیز دانشگاه‌ها به وسایل و امکانات مورد نیاز برای بازگشایی آنها پس از انقلاب فرهنگی بوده است.پس از آن با یک روند نسبتاً یکنواخت تا پایان دوره افزایش و به مبلغ ۱۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ رسید.

حداکثراعتبار سرانهٔ دانشجو در این دوره در سال ۱۳۶۱ (۶۷۳,۹۹۱ ریال) و سپساز ۴۶۸,۳۷۶ ریال در سال ۱۳۶۲ به۴۹۷,۷۰۶ ریال در سال ۱۳۶۴رسید ولی در سال‌های بعد با نوسان همراه بود، به طوریکه در پایان دوره به ۴۲۷,۶۳۱ ریال رسید.

شاخص‌های این دوره حاکی از آن است که سهم اعتبارات مراکز آموزش عالی و پژوهشی از تولید ناخالص داخلی نیز تقریباً همین روند را طی کرده است. یعنی افزایش یکباره از ۰/۵۴ درصد در سال ۱۳۶۱ به ۰/۶۲ درصد در سال ۱۳۶۲رسید و این روند تا پایان دوره ادامه یافت.سهم اعتبارات آموزش عالی از بودجهٔ عمومی دولت نیز در سال ۱۳۶۰ به کمی بیش از نصف مقدار آن در سال ۱۳۵۹ کاهش یافت (از ۲/۶۸ به ۱/۹) ولی از سال ۱۳۶۲ رو به افزایش نهاد. به‌دلیل رقابت سایر بخش‌هادر پایان دوره اندکی با افت مواجه شد. سهم اعتبارات دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از کل اعتبارات آموزشی نیز تقریباً همین روند را طی کرده است.

نمودار۲۵: سهم بودجه آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی



منبع: قوانین بودجه سنواتی سال های ۱۳۸۸-۱۳۶۱ و گزارش های حساب های ملی سال های ۱۳۸۸-۱۳۶۱

در نیمه اول دهه دوم اعتبارات بخش آموزش عالی در قالب برنامه‌های آموزشی (گروه‌های آموزشی) ، تحقیقاتی ، خدمات اداری و عملیات کمک آموزشی اختصاص یافته است.در این دوره با افزایش سهم اعتبارات عمرانی در کل بودجه، ظرفیت سازی‌های این بخش با موفقیت همراه بود (کیوانی و همکاران ،۱۳۷۲،ص ۱۲۹).اعتبارات دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در طی سال‌های ۷۲-۱۳۶۸ از مبلغ ۳۷۰/۸

میلیارد ریال به ۱۴۷۲/۲ میلیارد ریال بالغ گردید که به این ترتیب به‌طور متوسط از رشد ۴۱/۲ درصد برخوردار بوده است.در این دوره، سهم اعتبارات آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی نسبتاً ثابت ماند واز ۱/۴۸ درصد در سال ۱۳۶۸ با افت و خیزهای سال‌های میانی به ۱/۴۷ درصد درسال ۱۳۷۲ رسید.همین روند در مورد سهم اعتبارات آموزش عالی از بودجهٔ عمومی دولت و کل اعتبارات آموزشی مشاهده می‌شود. با این تفاوت که این دو شاخص در مقایسه با شاخص اول در سال‌های پایانی برنامه از افت بیشتر برخوردار شدند.اعتبارات سرانهٔ دانشجو نیز در این سال‌ها از رونق برخوردار شد و از ۱/۳۲۵ میلیون ریال به ۳/۳۷۲ میلیون ریال افزایش یافت که رشد متوسط معادل ۲۶/۳ درصد را نشان می‌دهد.

اعتبارات بخش آموزش عالی در برنامهٔ دوم توسعه نیز از رشد نسبتاً خوبی برخوردار بود، ولی متوسط رشد آن از برنامهٔ اول کمتر بوده است.اعتبارات آموزش عالی، طی این دوره از ۲۱۸۶/۳ میلیارد ریال به ۷۰۹۳/۱ میلیارد ریال در پایان دوره رسید که به‌طور متوسط از رشد ۲۶/۵ درصد برخوردار بوده است.در همین مدت، اعتبارات سرانهٔ دانشجویی با رشد متوسط ۱۸درصد، از ۴/۵۶۹ میلیون ریال به ۱۰/۴۵۱ میلیون ریال رسید.شاخص‌های مالی بخش در سه سال اول برنامهٔ دوم توسعه از رشد خوبی برخوردار بود؛ به طوری که سهم اعتبارات آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی از ۱/۶۶ درصد به ۱/۷۲ درصد رسید ولی همانند برنامهٔ اول در سال‌های پایانی برنامه کاهش و به سطح سال ۱۳۷۳ رسید. شاخص‌های سهم اعتبارات آموزش عالی از بودجهٔ عمومی دولت و کل اعتبارات آموزشی نیز همین تغییرات را داشته‌اند

درابتدای دهه سوم کل اعتبارات (آموزشی) تخصیص یافته به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ۹۴۲۰ میلیارد ریال بود که در پایان برنامهٔ سوم به ۲۶۰۵۸ میلیارد ریال بالغ گردید و رشد آن در دو سال آخر برنامه تحقق یافت. اما شاخص‌های مالی این بخش روند دیگری را نشان می‌دهد، به‌طوری که به دلیل رقابت سایر بخش‌ها، سهم اعتبارات آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۹ برابر با ۱/۶۳ درصد و در سال ۱۳۸۰ به ۱/۷۲ درصد رسید و در سال ۱۳۸۲ به رقم بی سابقهٔ ۲/۰۱ درصد رسید ولی مجدداً در سال ۱۳۸۳ به ۱/۸۸ درصد نزول کرد. به‌دلیل رقابت سایر بخش‌ها در جذب اعتبارات دولتی، سهم اعتبارات آموزش عالی از بودجهٔ عمومی دولت نسبت به شاخص اول روند نامناسب‌تری داشت و از ۷/۵۱ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۵/۶۷ درصد در سال ۱۳۸۳ رسید. اما در بین برنامه‌های مختلف آموزشی، آموزش عالی توانست در طول این دوره از اولویت نسبتاً خوبی برخوردار شود و سهم اعتبارات آن در کل اعتبارات آموزشی از ۳۶/۹ به ۴۷/۴۸ درصد بالغ گردید.

در سالهای برنامه چهارم توسعه سهم اعتبارات آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی و بودجه عمومی دولت روند افزایشی داشت. بطوریکه در سال ۱۳۸۷ اعتبارات کل - هرچند با ثابت ماندن اعتبارات سرانه- مشاهده می‌شود، سهم اعتبارات مذکور از اعتبارات آموزشی در تمامی سه سال افزایش داشته است. مقایسهٔ رشد

اعتبارات آموزش عالی به قیمت جاری و ثابت نیز همانند سال‌های قبل حاکی از تقلیل قدرت خرید واقعی این بخش به حد یک چهارم و حتی کمتر است.

تحولات بهره برداری از دانش

هر گونه بهره برداری اقتصادی از دانش انباشتی تجاری سازی دانش نامیده می شود. هدف نهایی یادگیری و انباشت دانش در اقتصاد یادگیری تبدیل آن به ارزش اقتصادی است. دانش هم به صورت خام و هم به صورت کد گذاری شده و تبدیل یافته تجاری می شود. منظور از تجاری سازی به صورت خام ارائه مشاوره، قرار داد پژوهشی، همکاری در پروژه های پژوهشی و غیره است. اما منظور از تجاری سازی به صورت کد گذاری شده و تبدیل یافته، فروش اختراعات و ابتکارات و کارآفرینی است. لازم به یاد آوری است که بهره برداری تجاری از اختراع، نوآوری و کارآفرینی برای تجاری سازی اختراع، کارآفرینی مبتنی بر دانش نامیده می شود.

سیاست های توسعه ارتباط مراکز تحقیقاتی و دانشگاه ها با و مراکز تولیدی صنعتی و کشاورزی از برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی ظاهر شد(بند۹ سیاست های کلی برنامه اول توسعه). البته اطلاع دقیقی از نتایج اجرای این سیاست ها در دست نیست. سیاست های تجاری سازی تحقیقات در برنامه دوم با رویکرد جدیدی ادامه پیدا کرد.

جدول(۵) نشان می دهد که در دوره (۱۳۸۱-۱۳۷۵) درآمد اسمی بنگاه های دانش بطور متوسط در سال ۹۶ درصد رشد داشت؛ درآمد حاصل از فروش نتایج پژوهشات با ۱۷۶ در صد رشد در سال، دارای بالاترین نرخ رشد متوسط بود؛ درآمد حاصل از قراردادهای پژوهشی تنها ۴۳ درصد در سال رشد داشت؛ و درآمد حاصل از همکاری پژوهشی دارای رشد سالانه ۹۳ درصد بود.

جدول(۵): رشد دریافتی ها از فعالیت های پژوهش و توسعه

سال	جمع	فروش نتایج پژوهشی	قرارداد های پروژه ای	انجام پژوهش	سایر دریافتی ها
1375					
1377	106.6	327.6	213.2	18.6	210.0
1379	-15.2	67.2	-43.8	-86.8	88.7
1381	484.4	663.7	87.6	626.7	527.8
کل	575.8	1058.4	257.0	558.5	826.6
متوسط	96.0	176.4	42.8	93.1	137.8

منبع: محاسبه شده بر اساس داده های آمارگیری از فعالیت های پژوهش و توسعه-وب سایت پایگاه اطلاعاتی مرکزآمار ایران

جدول(۶) نشان می دهد که در ۱۳۷۵، ۷,۶ درصد از درآمدهای بنگاه های دانش از فروش نتایج پژوهشات (شامل فروش اختراع و انتقال دانش چگونگی)، ۲۰,۵ درصد از طریق قرار دادهای پژوهشی ،۵۹ درصد از همکاریهای پژوهشی، و۱۳ درصد از سایرمنابع مانند بودجه عمومی دولت بدست می آمد. در طول ۶ سال ساختار درآمدهای بنگاه های دانش بطور قابل توجهی تغییر کرد. بطوریکه در ۱۳۸۱ ، ۴۰,۳ درصد از درآمد های این واحد ها از فروش نتایج پژوهشات بدست می آمد، قرارداد های پروژه ای تنها ۶,۶ درصد از دریافتی واحدها را تشکیل می داد، دریافتی از انجام کارهای پژوهشی نیز به ۶,۶ درصد درآمد ها کاهش یافته بود و سهم سایر دریافتی ها به شدت افزایش یافته بود(۶).

جدول(۶): سهم روش های مختلف کسب درآمد از کل دریافتی ها

سال	جمع	فروش نتایج پژوهشی	قرارداد های پروژه ای	انجام پژوهش	سایر دریافتی ها
1375	100	7.6	20.5	59.0	13.0
1377	100	15.6	31.0	33.9	19.5
1379	100	30.8	20.6	5.3	43.3
1381	100	40.3	6.6	6.6	46.5

منبع: محاسبه شده بر اساس داده های آمارگیری از فعالیت های پژوهش و توسعه-وب سایت پایگاه اطلاعاتی مرکزآمار ایران

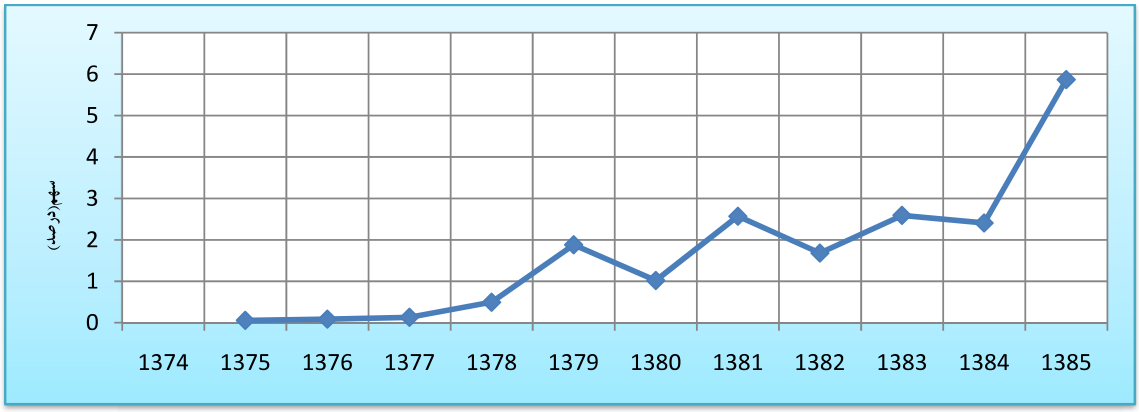
جدول(۷): تحول شاخص های ارزش ستانده پژوهش و توسعه در دوره شش ساله(۱۳۸۷-۱۳۷۵)

شاخص	1375	1377	1379	1381	1383	1385	1387
سهم ارزش بازاری از کل ستانده	42.5	44.7	36.0	۳۷,۳	۳۷,۸	۳۰	
سهم ارزش غیربازاری از کل ستانده	57.5	55.3	64.0	62.7	۶۲,۲	۷۰	
نسبت ستانده به ارزش کالاهای واسطه‌ای	1.8	1.6	1.7	1.9	۲,۹	۲,۶	۲,۹
نسبت ارزش افزوده به ستانده	57.1	62.1	59.1	53.1	۶۵	۶۱	۶۶
رشد ارزش افزوده		113.2	0.5	63.3	۴۴	۷۷	۱۸
ارزش افزوده هر محقق	26.44	57.38	35.11	73.99	۵۰,۸	۵۵,۹	۵۶
رشد ارزش افزوده هر محقق		117.0	-38.8	110.7	-۳۱	۱۰	۱,۹

منبع: محاسبه شده بر اساس داده‌های آمارگیری از فعالیت‌های پژوهش و توسعه-وب سایت پایگاه اطلاعاتی مرکزآمار ایران

فروش محصولات مبتنی بردانش و فناوری های پیشرفته یکی از مهمترین شاخص های تجاری سازی دانش انباشته شده در یک کشور است. در ۱۳۷۵، ۰,۰۵۵ درصد از صادرات صنایع ساخت ایران به صادرات تکنولوژی پیشرفته مربوط می شد. در سال ۱۳۸۱ این شاخص به ۲,۵۷درصد افزایش یافت و در ۱۳۸۵ به ۵,۶۷درصد بالغ گردید. مقایسه سهم صادرات تکنولوژی پیشرفته از صادرات صنایع ساخت در ایران با چند کشور پیشرفته و در حال توسعه نشان می دهد که این شاخص در ترکیه و تونس تقریباً ۲ برابر ایران، در کره جنوبی و انگلستان ۲۰برابر ایران، ژاپن ۱۷ برابرایران ، فرانسه ۱۴ برابر ایران بوده است. بنابراین ایران باید در این زمینه تلاش بیشتری نماید.

نمودار(۲۶): سهم صادرات فناوری پیشرفته از صادرات صنایع ساخت

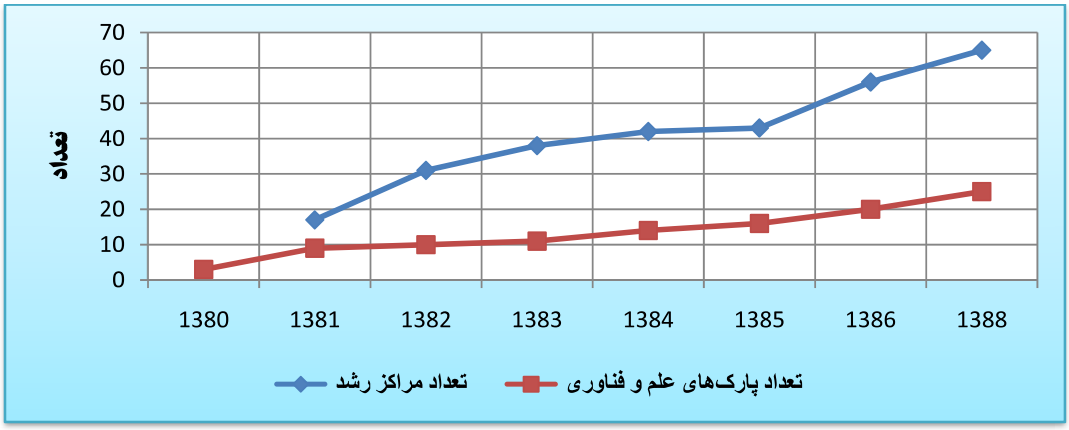


منبع: بانک اطلاعاتی بانک جهانی

در سال ۱۳۷۶ تنها یک پارک علمی و فناوری در ایران وجود داشت اما در سال ۱۳۸۳ تعداد پارکهای پژوهشی و فناوری به۱۰پارک افزایش پیدا کرد. در هریک از این پارکها بطور متوسط ۱۰ بنگاه دانش یا مبتنی بر دانش فعال بودند. در سال ۱۳۸۸ تعداد پارک های علم و فناوری به ۲۵ واحد افزایش یافت

همچنین در ۱۳۷۶ هیچگونه مرکز رشدی در کشور وجود نداشت.تعداد آنهادر سال ۱۳۸۱به ۱۷ واحد افزایش یافت و در سال ۱۳۸۶ به ۵۶ واحد رسید. اما در سال ۱۳۸۸ تعداد مراکز رشد به ۶۵ واحد بالغ گردید. تعداد مؤسسات مستقر در پارک‌های علم و فناوری نیز از ۵۷۵ واحد در ۱۳۸۳ به ۱۳۹۵ واحد در ۱۳۸۶ و ۱۵۰۰ واحد در ۱۳۸۸ صعود کرد و تعداد اختراعات به ثبت رسیده توسط آنها از ۳۲ واحد در ۱۳۸۴ به ۲۵۰ واحد در ۱۳۸۸ بالغ گردیده است.

نمودار(۲۷): تعداد پارک های علم و فناوری و مراکز رشد



منبع: معاونت فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری –وب سایت و گزارش های مکتوب ، ۱۳۸۹

جدول (۸):زیرساخت‌های پژوهش و فناوری در دوره (۸۸-۱۳۷۹)

	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۸
تعداد مراکز رشد		۱۷	۳۱	۳۸	۴۲	۴۳	۵۶	۶۵
تعداد پارک‌های علم و فناوری	۳	۹	۱۰	۱۱	۱۴	۱۶	۲۰	۲۵
تعداد مؤسسات مستقر				۵۷۵	۶۷۶	۸۲۴	۱۳۹۵	۱۵۰۰
تعداد شاغلین					۳۲۹۲	۴۶۰۸	۸۹۹۱	
تعداد ثبت اختراعات واحدهای فناوری مستقر در پارک‌ها و مراکز رشد					۳۲	۸۷	۲۰۵	۲۵۰

منبع: معاونت فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری –وب سایت و گزارش های مکتوب ، ۱۳۸۹

جمع بندی و نتیجه گیری

تولید دانش، توزیع دانش، ترویج دانش، استفاده دانش، فناوری اطلاعات و دولت دانش به مفهوم انگیزش اقتصادی و رژیم نهادی شش اندام حیاتی و متغیر کلیدی اقتصاد دانش هستند. بررسی های این مقاله نشان می دهد که در دهه استقرار جمهوری اسلامی ایران به دلیل جنگ تحمیلی هیچیک از از این اندام ها رشد و نمو و درنتیجه تکامل لازم را نداشته اند. در دهه دوم توزیع دانش و ترویج دانش رشد و نمو خود را بازیافتند و روند تکاملی خود را آغاز کردند. در اثر این رشد سایر اندام ها نیز به جنبش درآمدند اماتکامل قابل توجهی نداشتند. در دهه سوم با تحول در دولت دانش از یک طرف، توسعه جهانی فناوری اطلاعات و ارتباطات از طرف دیگر، ابزارها و انگیزهای تولید دانش بهبود پیدا کرد و باعث رشد تولید دانش به همراه توسعه توزیع و ترویج دانش در اقتصاد دانش ایران شد. در این دهه نیز استفاده از دانش جدید تحول قابل

توجهی نیافت. اما بعضی از زیر ساخت های لازم برای این منظور ایجاد شد. امروزه ضعف عمده اقتصاد دانش ایران در استفاده از دانش علمی و تکنولوژیک جدید است.

تحقیقات نظری و تجربی نشان می دهد که حداقل ششم عامل می توانند در این مساله مؤثر باشند. عامل اول ماهیت عمومی کالای دانش است که انگیزه لازم را برای سرمایه گذاری خصوصی بر روی آن و بر پایه آن را فراهم نمی کند. عامل دومکمبود سرمایه انسانی و سرمایه مالی، بخصوص سرمایه خطر پذیر، و ضعف سرمایه اجتماعی و سرمایه خطر پذیر است. عامل سوم فقدان فرهنگ کارآفرینی آکادمیک و زیر ساخت های کارآفرینی آکادمیک از جمله پارک های علم و فناوری در قبل از انقلاب و دو دهه پس از انقلاب، و ضعف آنها در دهه اخیر می باشد. عامل جهارم ضعف رقابت و رقابت پذیری در نظام اقتصادی بوده است که به دلیل تصدی گری دولت، دخالت بی قاعده، بی رویه و بیش از اندازه آن در صنایع دانش و مبتنی بر دانش ایجاد شده است. عامل پنجم عدم اتخاذ سیاست های تشویقی مناسب برای انگیزش کارآفرینی است. در ایران به جز سالهای اولیه تکوین نظام آموزشی، سهم دولت و بخش عمومی درتولید و توزیع دانش همیشه چندین برابر بخش خصوصی بوده است. این امر رقابت و رقابت پذیری کارآفرینان و حتی آزادی مبادله و انتخاب (هم برای مصرف کننده و هم برای تولید کننده) در این حوزه ها را محدود کرده است. عدم سیاست گذاری مناسب توسط دولت علاوه بر اثر منفی بر شکل گیری فرآیند کارآفرینی، اثر سایر عوامل مرتبط باکارآفرینی رانیزتضعیف می کند.

بنابراین، دولت برای توسعه بهره برداری از دانش در ایران بابستی حداقل پنج عمل زیر را انجام دهد: ۱. تصدی گری خود را در صنایع دانش و مبتنی بردانش کاهش دهد و سیاست های تشویقی مناسب (معافیت مالیاتی، کمک مالی و غیره) برای افزایش سرمایه گذاری افراد و بخش خصوصی در این صنایع اتخاذ نماید؛ ۲. به موازات آن نظام مالکیت فکری مناسب برای پاسداری از دارایی های فکری دانشکاران، دانشمندان و کارآفرینان طراحی و پیاده سازی نماید؛ ۳. به شکل گیری بازار سرمایه خطر پذیر و افزایش عرضه سرمایه خطر پذیر کمک کند؛ ۴. با اعمال مقرراتی فرهنگ دانشگاهی را در راستای گسترش تحقیقات تکنولوژیک و کارآفرینی آکادمیک متحول سازد؛ ۵. زیر ساخت های کارآفرینی آکادمیک از جمله پارک های علم و فناوری و مراکز رشد را گسترش دهد.

منابع و مآخذ:

- World Bank(2002) “ Constructing Knowledge Societies: New Challenges for Tertiary Education” Internet www.worldbank.org
- Pohjola Matti (2002) The New Economy: facts, impacts and policies , Information Economics and Policy 14 (2002) 133–144
- OECD,(2000) “ Knowledge Management in the Learning Society” OECD

- Godin, Benoit(2004) The New Economy: what the concept owes to the OECD Research Policy 33 (2004) 679–690
- Lundvall ,B-A and Johnson,B. (1994), "The learning economy" Journal of Industry studies, vol.l, No.2, December, pp.23-42.
- OECD(2004) Innovation in the knowledge economy: implications for education and learning,
- OECD(1996) "The knowledge –based economy" General Distribution, OECD/GD
- Cooke, P. (2002), *Knowledge Economies*, London, Routledge
- ITAG(1999) The Knowledge Economy the Information Technology Advisory Group appointed by Hon Maurice Williamson, Minister for Information Technology. http://www.eynz.co.nz
- Lundvall Bengt-?ke (2004) Why the New Economy is a Learning Economy DRUID Working Paper No 04-01
- Lundvall, B.-? (1996), "The social dimension of the learning economy", DRUID Working Papers, No. 1, 1996. ISBN: 87-7873-000-7.
- Storper Michael (1995) INSTITUTIONS OF THE LEARNING ECONOMY , in Employment and Growth in the Knowledge-Based Economy, edited by D. Foray and B.A. Lundvall.(1995),oecd press
- Porter, Michael and Scott Stern (2000), "Measuring the 'Ideas' Production Function: Evidence from International Patent Output", National Bureau of Economic Research (Cambridge, MA) *Working Paper* No. 7891, September

فصل دوم

ایران در مسیر توسعه انسانی

مقدمه

رفاه و آسایش فردی و جمعی انسان ها همواره مهمترین دغدغه اقتصاددانان بوده است. بر این اساس نظریه های گوناگونی را در خصوص رشد و توسعه اقتصادی ارائه داده اند. نظریه های جدید رشد و توسعه در طول زمان با نقد نظریه های پیشین و اضافه کردن مؤلف های جدید، تکامل پیدا کرده اند. جدیدترین و شاید گویاترین نظریه در خصوص رفاه و آسایش پایدار انسان ها نظریه «توسعه انسانی» است که ابتدا توسط محبوب الحق(اقتصاددان پاکستانی) و آمارتیاسن(اقتصادان هندی) مطرح شد. به نظر آنها توسعه انسانی فراتر از تحولات اقتصادی صرف مانند رشد تولید کالا و خدمات، رشد انباشت سرمایه، رشد درآمد و ثروت و توزیع عادلانه درآمد است. این مفهوم بر گسترش آزادی انتخاب انسانها، برخورداری آنها از زندگی طولانی همراه با تندرستی، دانایی، عدالت و امنیت اجتماعی، و برخورداری از حیثیت و منزلت شخصی و حقوق انسانی تضمین شده، دلالت دارد. البته رشد درآمد عامل حیاتی است. چون هر پیشرفتی بدون منابع مشکل است.

بر پایه نظریه توسعه انسانی، برنامه توسعه سازمان ملل متحد(UNDP) گزارش توسعه انسانی را برای اولین مرتبه در سال ۱۹۹۰ تهیه کرد. از آن سال به بعد هر ساله یک گزارش توسعه انسانی در سطح جهان، چندین گزارش در سطح ملی تهیه شده است. تاکنون(۲۰۱۱) بیست و یک گزارش جهانی توسعه انسانی انتشاریافته است و گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۲ در حال تهیه است. در این گزارش ها بر پنج اصل زیر تأکید شده است:

۱-زندگی سالم و طولا نی برای تمام انسانها در سطوح ملی و بین المللی؛

۲- برخورداری تمام انسان ها از دانش کافی؛

۳ -استانداردهای مطلوب زندگی؛

۴-آزادی انتخاب انسانها در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی؛

۵- برخورداری از حقوق انسانی تضمین شده و عزت نفس.

محور این گزارش ها محاسبه نمایه توسعه انسانی بین کشورهای جهان با توجه به اصول مذکور بوده است. نمایه توسعه انسانی از چند شاخص از جمله امید به زندگی، نرخ با سوادی، نرخ ثبت نام در نظام آموزشی، متوسط سالهای تحصیل، سالهای مورد انتظار تحصیل، درآمد سرانه و غیره ترکیب شده است. امروزه توسعه

انسانی برای ملل و سازمان های بین المللی اهمیت فوق العاده دارد. کشورها برای بهبود نمایه توسعه انسانی خود تلاش و کوشش می کنند و با یکدیگر در قابت هستند.

در سال ۱۹۹۹ گزارش توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران با همکاری برنامه توسعه سازمان ملل متحد(UNDP) و سازمان برنامه و بودجه ایران تهیه شد. در این گزارش موضوعات متنوعی از جمله تحولات جمعیتی، درآمد سرانه، آموزش رسمی، بهداشت و درمان، محیط زیست، زنان، اصلاحات اقتصادی و توسعه سیاسی و مواد مخدر بررسی شده است. هدف مقاله حاضر بررسی تحولات اقتصادی اجتماعی ایران در سه دهه اخیر از چشم انداز اصول، نمایه و شاخص های توسعه انسانی است. از این رو مقاله در پنج قسمت سازمان یافته است. در قسمت اول تحولات جمعیتی ایران به مثابه هدف توسعه انسانی، و تحولات نیروی انسانی به عنوان عامل اساسی توسعه انسانی، از دو بعد سیاست ها و شاخص ها بررسی شده است. در قسمت دوم تحولات رفاه اقتصادی به عنوان یکی از شاخص های کلیدی توسعه انسانی بررسی شده است. در قسمت سوم نیر تحولات نظام سلامت کشور از ابعاد سیاست های سلامت و شاخص های بهداشت و درمان تحلیل شده است. تحولات سطح دانایی جمعیت ایران با استفاده از شاخص های میزان با سوادی، متوسط سالهای تحصیل و سالهای تحصیل مورد انتظار درقسمت چهارم بررسی شده است. در فصل پنجم نیز تحولات سیاست ها و شاخص های عدالت و امنیت اجتماعی بررسی شده است.

۱-تحولات جمعیت و نیروی انسانی

در نظریه توسعه انسانی مردم ثروت واقعی یک کشور محسوب می شوند که هم هدف توسعه و هم عامل توسعه هستند. تحولات جمعیتی منشاء تحولات کمی و کیفی نیروی انسانی است که مهمترین عوامل تولید ثروت در یک کشور است. مهمترین سیاست جمعیتی در برنامه اول توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی تحدید موالید کشور بود. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان مجری این سیاست موظف شده بود با همه توان و امکانات خود، به طورمتوسط ۲۴ درصد از زنان و مادران واقع در مقاطع سنی بالقوه باروری را طی سالهای ۶۸-۱۳۷۲ تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دهد، تا از تولید یک میلیون مولود ناخواسته در طول این برنامه جلوگیری به عمل آید. در این سیاست، اولویت با آن قسم از نواحی، مناطق جغرافیایی و قشرهای اجتماعی کشور بود که از باروری ناخواسته و غالباً در حد بیولوژیک، زیانهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری دیده بودند. تحقق این سیاست، علاوه بر فعالیتهای واحد اجرایی تنظیم خانواده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مستلزم کوششهایی دیگری مانند بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و بخصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم؛ اعتلاء موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی - اجتماعی جامعه و خانواده؛ و ارتقاء سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ و میر مادران و کودکان؛ و لغو کلیه

مقررات مشوق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست تحدید موالید کشور بودکه در این برنامه مورد تأکید قرار گرفته بود.

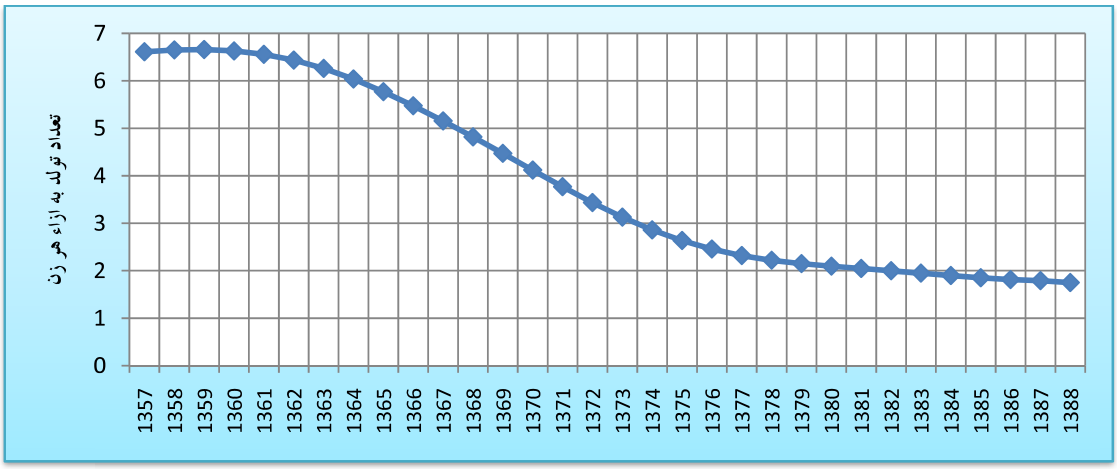
در برنامه دوم توسعه نیز از سه راهکار مکمل بر کنترل و بهبود کیفیت جمعیت تأکید شده بود. اولین و اساسی ترین راهکار، توسعه دانش کنترل و بهبود کیفیت جمعیت از طریق آموزش و پرورش بانوان در مقاطع سنی بالقوه باروری ذکر شده است. گسترش سطح آگاهی عمومی افراد جامعه در زمینه زیان‌ها و مشکلات ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت از طریق رسانه‌های عمومی به ویژه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران دوماً راهکاری بودکه در این برنامه ارائه شده است. آموزش مسائل جمعیت در قالب مواد درسی در سطوح متوسطه و دانشگاهی، انجام پژوهش‌های علمی جهت کسب اطلاع از میزان آگاهی، نگرش، عملکرد و مشکلات خانواده‌ها در زمینه تنظیم خانواده، انجام تحقیقات کاربردی جهت یافتن راه‌ها و تکنولوژی مناسب برای افزایش آگاهی، نگرش و عملکرد خانواده‌ها و رفع مشکلات آنها برای‌دسترسی به وسایل پیشگیری از حاملگی سومین راهکار این مسأله در نظرگفته شده بود. چهارمین راهکار تنظیم خانواده و کاهش موالید از طریق کسب دانش و انجام مطالعات جهت استفاده و توسعه روشها و تکنولوژی‌های جدید در امر پیشگیری از بارداری؛ تأمین و تعمیم گسترده وسایل پیشگیری از بارداری در سطح مناطق جغرافیایی کشور به ویژه روستاها و مناطق محروم؛ اختصاص بخشی از فعالیت بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و مراکز بهداشتی در سطح کشور به منظور ارائه مستمر خدمات پیشگیری از بارداری بود. تأمین منابع مالی، تجهیزاتی و نیروی انسانی لازم برای اعمال سیاست جمعیتی مناسب با توجه به نقش تعیین‌کننده عامل رشد جمعیت در توسعه‌کلی کشور، به نحوی که وصول به هدف رشد جمعیت در برنامه تحقق یابد به عنوان پنجمین راهکار ذکر شده است.

نرخ رشد جمعیت تابع نرخ باروری زنان از یک طرف و نرخ مرگ و میر و مهاجرت از طرف دیگر است. قبل از سال ۱۳۰۰ جمعیت در ایران در شرایط نابسامان طبیعی و قحطی ها، بیماری های واگیر و کشنده، رشد آرام و بسیارکندی داشت. رشد پایین جمعیت سال ۱۳۰۰ و قبل از آن، از سال ۱۳۰۵ متحول شد و تا سال ۱۳۳۵ روبه افزایش بود و تا سال ۱۳۴۵ نیز رشد ۳/۱ درصدی خود را حفظ کرد. اما برنامه های کنترل جمعیت باعث کاهش آن (هرچند بسیار محدود) در سرشماری سال ۱۳۵۵ شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و اجرای سیاست های جدید جمعیتی(تشویق های مستقیم و غیرمستقیم زاد و ولد توسط دولت) از یک سو و بروز جنگ تحمیلی، میزان‌های باروری افزایش یافت و به حدود ۷ فرزند در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ رسید. این امر موجب افزایش رشد جمعیت در سال‌های اولیه دهه ۱۳۶۰ گردید بطوریکه بر ۳/۹ درصد در سرشماری سال ۱۳۶۵ بالغ گردید که در تاریخ کشورمان بی‌سابقه بوده است.

از سال ۱۳۶۶ به دلیل افزایش فشارهای اقتصادی از یک طرف، پیشرفت دانش و فناوری تنظیم خانواده و افزایش آگاهی زنان و خانواده ها از طرف دیگر، نرخ باروری کاهش یافت و موجب کاهش شدید نرخ رشد

جمعیت در نیمه دوم این دهه گردید. با پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷، دوره نوسازی شروع شد و سیاست های جمعیتی تغییر کرد و سیاست های کنترلی پیش گرفته شد. یکی از مهمترین سیاست های برنامه اول توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی تحدید موالید کشور بود. طبق این سیاست دولت مکلف شده بود ۲۴درصد از زنان و مادران در سن باروری را تحت پوشش کنترل موالید و تنظیم خانواده قرار دهد تا از تولید یک میلیون مولود ناخواسته در طول این برنامه جلوگیری عمل آید. در اجرای این سیاست وزارت بهداشت و درمان، وزارت آموزش و پرورش و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نقش محوری داشتند. این سیاست در برنامه‌های دوم توسعه نیز ادامه پیدا کرد و با گسترش آموزش و بهداشت و نیز خدمات روستایی در کشور، زمینه‌هایی برای تحولات اجتماعی و تغییر نگرش‌های مردم ایجاد نمود که تاثیرات آن یک دهه بعد مشهود گشت. بطوریکه میزان باروری کل در سال ۱۳۷۹ به حدود ۲/۱ کاهش یافت و موجب شدکاهش نرخ رشد جمعیت شدت بیشتری گرفت. با کند شدن کاهش باروری زنان در دهه دوم و سوم ، کاهش رشد جمعیت نیز کندتر شد.

نمودار(۱) **تغییر نرخ باروری در زنان**

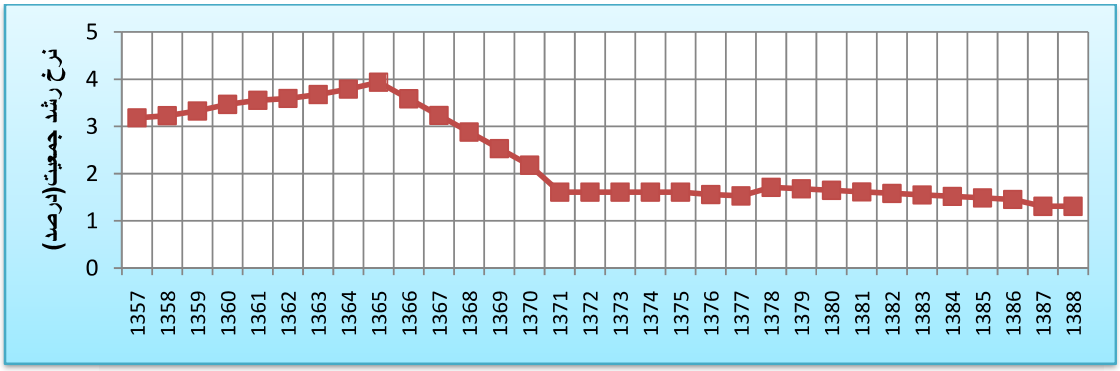


منبع: استخراج و برآورد بر اساس گزارش های جمعیتی مرکز آمار ایران

نتایج سرشماری ۱۳۸۵ حکایت از این واقعیت است که میزان باروری کل به حدود ۱/۹ فرزند کاهش یافته و شاخص این میزان در نقاط شهری و روستایی به ترتیب حدود ۱/۸ و ۲/۱ فرزند بوده است. نکته مهم‌تر اینکه، سطح باروری پایین‌تر از حد جانشینی (باروری کل پایین‌تر از ۲/۱ فرزند) در کشور فراگیر شده و حتی برخی از استان‌های کشور باروری خیلی پایینی را تجربه نموده‌اند. در سال ۱۳۸۵، چهار استان کشور میزان باروری بین ۱/۲ و ۱/۶ فرزند و ۱۳ استان نیز بارروی بین ۱/۷ و ۲/۱ فرزند داشته‌اند. میزان باروری کل در ۱۲ استان بین ۲/۱ و ۲/۴ فرزند بوده و تنها استان هرمزگان با باروری ۲/۵ و سیستان و بلوچستان با باروری کل ۳/۷ بالاترین باروری در کل کشور را دارا بوده‌اند (عباسی و دیگران، زیر چاپ).

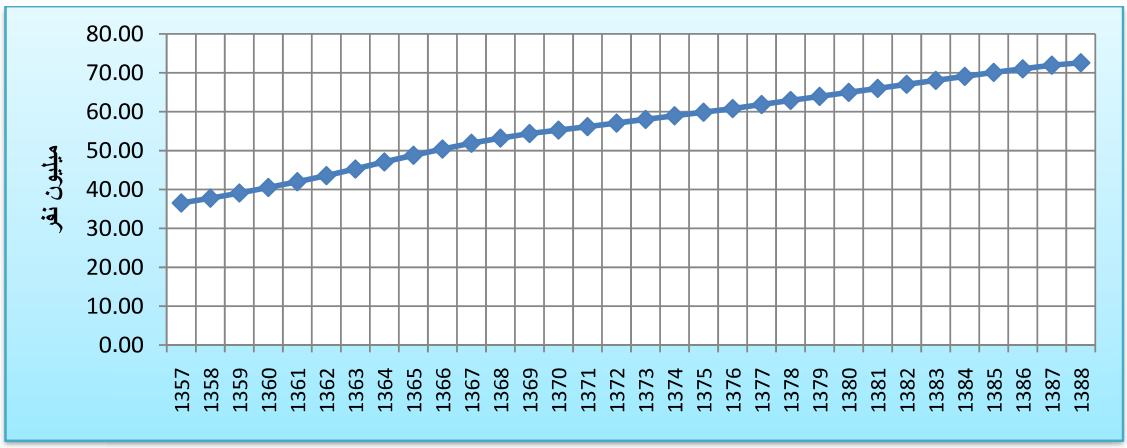
کاهش شدید نرخ باروری و در نتیجه رشد جمعیت در چند سال اخیر موجب نگرانی سیاست گذاران و مسئولان جمهوری اسلامی شد و آنها را به تشویق رشد جمعیت وا داشته است.

نمودار(۲) تغییر نرخ رشد جمعیت ایران در سه دهه گذشته



منبع: استخراج و برآورد بر اساس گزارش های جمعیتی مرکز آمار ایران

نمودار(۳) روند کل جمعیت کشور در سی سال گذشته



منبع: استخراج و برآورد بر اساس گزارش های جمعیتی مرکز آمار ایران

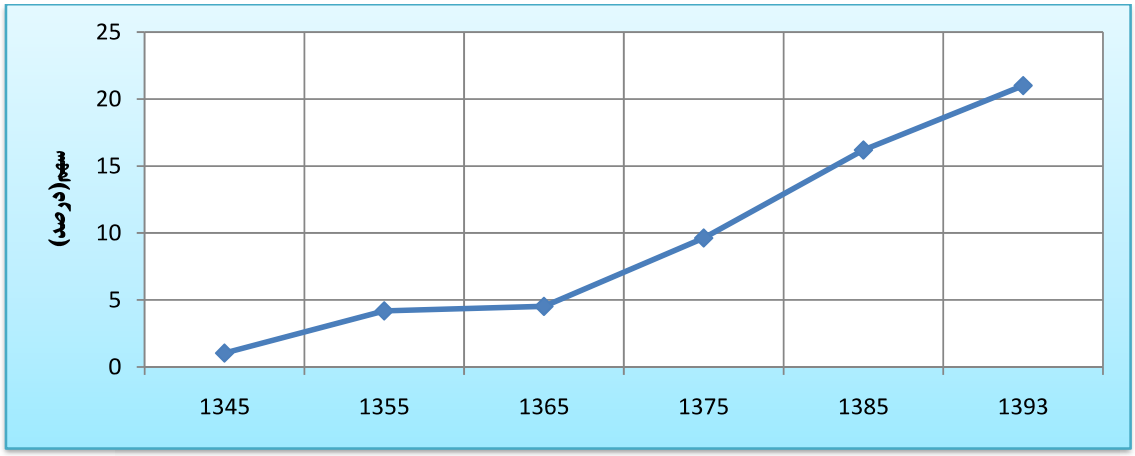
بعضی از بررسی ها نشان می دهد که کاهش باروری در ایران در کلیه استان‌های کشور و مناطق شهری و روستایی صورت گرفته و علی‌رغم زمینه‌های متفاوت اقتصادی ـ اجتماعی در استان‌های کشور، تشابهات زیادی از نظر جمعیت شناختی بین استان‌ها و همچنین مناطق روستایی و شهری کشور مشاهده می‌شود. روند فوق بیانگر نوعی همگرایی رفتارهای باروری در کشور می‌باشد (عباسی شوازی، ۱۳۸۱). هرچند هنوز سطح و الگوهای متفاوتی از باروری در نقاط مختلف کشور وجود دارد، ولی دامنه این تفاوت‌ها کاهش یافته است (عباسی شوازی وهمکاران ۱۳۸۴).

برنامه توسعه ملل متحد در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۰ خود نشان داده است که در سال ۱۹۹۱بالغ بر ۴۵/۹ درصد جمعیت بین ۱۵ تا ۶۴ سال ایران مشغول به کار و فعالیت اقتصادی بود اما این رقم در سال ۲۰۰۸ با افزایش ۴ درصدی مواجه شده و به ۴۸/۹درصد رسیده است. این افزایش نشان دهنده پیشی گرفتن سرعت ایجاد فرصت های شغلی از رشد نیروی کار طی این مدت است. البته این گزارش حکایت از آن دارد که میزان جمعیت شاغل به کار ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته کمتر است. از کل جمعیت مشغول به کار در ایران ۵۶/۸ درصد از استخدام رسمی برخوردار است و زنان کمتری نسبت به مردان از استخدام رسمی برخوردار هستند. حدود ۴۲/۷ درصد کل نیروی شاغل به کار ایران را افرادی که از وضعیت شغلی ناپایداری بر خوردار هستند. همچنین ۱,۹ درصد از نیروی شاغل به کار در ایران با درآمدی کمتر از ۱,۲۵ دلار در روز زندگی می کند.

سهم دانش آموختگان آموزش عالی از کل اشتغال یکی از شاخص های سرمایه انسانی است. هر چقدر سهم دانش آموختگان آموزش عالی در نیروی کار کشور بیشتر باشد، نشان از دانش بری بیشتر فعالیت های اقتصادی و مشاغل دارد. دانش آموختگان آموزش عالی عمدتاً در شغل های دانش، مدیریت و داده و اطلاعات شاغل می شوند. دانش آموختگان در سطح کارشناسی ارشد و دکتری، دانش کار نامیده می شوند.

در دهه اول استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران سهم دانش آموختگان آموزش عالی از کل شاغلان حدود ۵ درصد بود که طی سی سال بطور پیوسته افزایش و در سال ۱۳۸۸ به مرز ۲۰درصد رسید. یعنی چهاربرابر شد. نرخ افزایش در دهه اول بدلیل پایین بودن ظرفیت دانشجو کم بود. اما با ایجاد ظرفیت های جدید پذیرش دانشجو در دهه دوم، نرخ افزایش در دهه دوم و سوم تکامل جمهوری اسلامی ایران افزایش یافت. با توجه به جمعیت دانشجویی موجود در کشور انتظار می رود افزایش سهم دانش آموختگان آموزش عالی از اشتغال همچنان فزاینده باشد.

نمودار(۴) تغییر سهم شاغلان دانش آموخته عالی از کل شاغلان

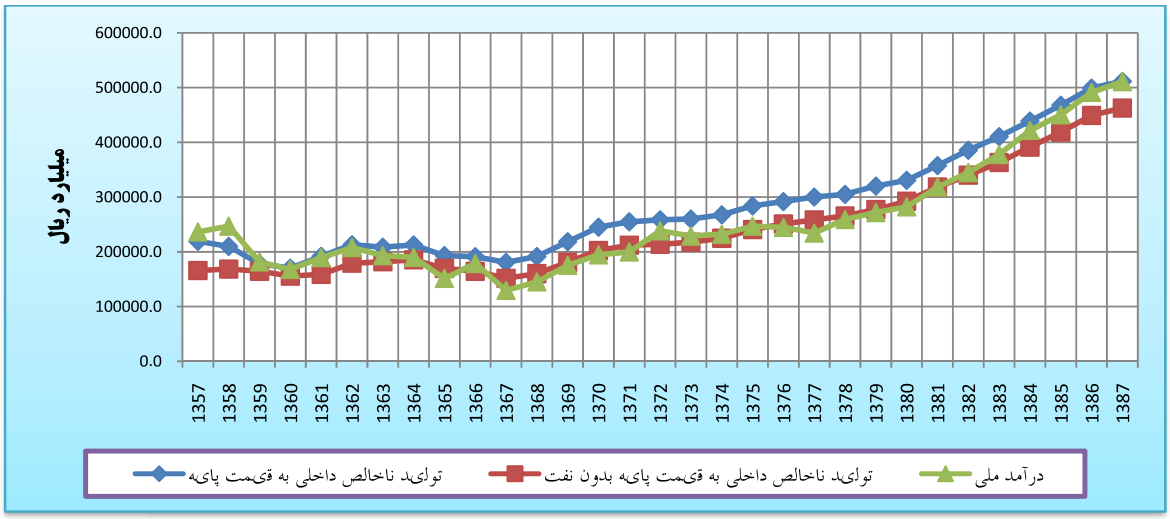


منبع: تا سال ۱۳۸۵محاسبه و برآورد شده براساس گزارش های آماری مرکزآمار ایران ، رقم سال ۱۳۹۳ بر اساس اهداف برنامه پنجم پیش بینی شده است

۲-درآمد و تولید ناخالص ملی

بررسی روند تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی ایران طی سه دهه گذشته حکایت از این دارد که در دوره استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران(۱۳۶۷-۱۳۵۷)، تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی به دلیل وقوع جنگ تحمیلی(کاهش تشکیل سرمایه و از بین رفت بنیان های تولید) و تحریم های اقتصادی جهان غرب بر علیه کشورمان، نوساناتی را تجربه کرده اند؛ اما پس از پایان جنگ و آغاز دوره بازسازی و نوسازی اقتصادی به دلیل وجود ظرفیت های خالی اقتصاد و از سرگیری تولید و صادرات نفت خام، رشد اقتصادی قابل توجهی حاصل شد و سپس به دلیل پرشدن ظرفیت های خالی اقتصاد و ظهور بازدهی نزولی عوامل تولید،رشد اقتصادی کندتر می گردد. در دهه سوم، بدلیل اصلاحات اقتصادی و توسعه زیر ساخت های تولیدی در دهه دوم، بهبود مناسبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور با جهان(بخصوص جهان غرب) و افزایش قیمت نفت، رشد اقتصادی بهبود قابل توجهی می یابد و ادامه پیدا می کند و دوره بالندگی به ارمغان می آورد(نمودار۵).

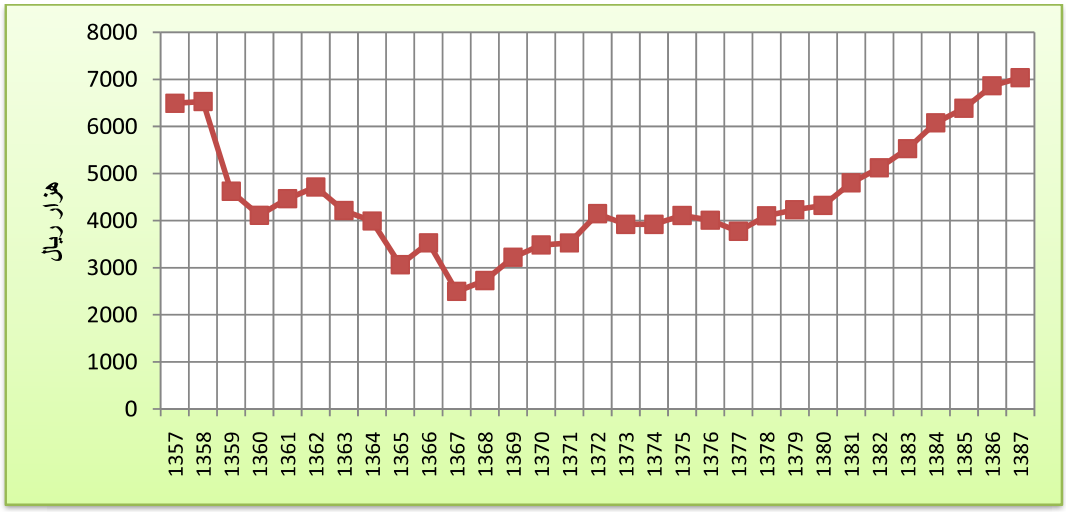
نمودار(۵) تحولات تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

روند درآمد سرانه، به معنی حاصل تقسیم درآمد ملی بر کل جمعیت کشور، از روند این دو متغیر پیروی می‌کند. در دهه استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران کاهش درآمد و افزایش جمعیت فزاینده بود. بنابراین، درآمد سرانه سالانه در این دوره به شدت کاهش یافت و با اندک نوساناتی از حدود۶ میلیون ریال در ۱۳۵۷ به حدود ۲میلیون ریال در۱۳۶۷ رسید. در ابتدای دهه دوم به دلیل افزایش تولید ملی و کند شدن رشد جمعیت درآمد سرانه رو به فزونی گذاشت و در ۱۳۷۲ به ۴میلیون ریال بالغ گردید. در دوره ۱۳۷۹-۱۳۷۲ بدلیل کاهش قیمت های نفت و درنتیجه درآمدهای نفتی، درآمد سرانه کشور از افزایش بازماند. اما با رونق گرفتن بازار نفت از سال ۱۳۸۱ و افزایش درآمدهای نفتی، این شاخص دوباره رو به افزایش نهاد.

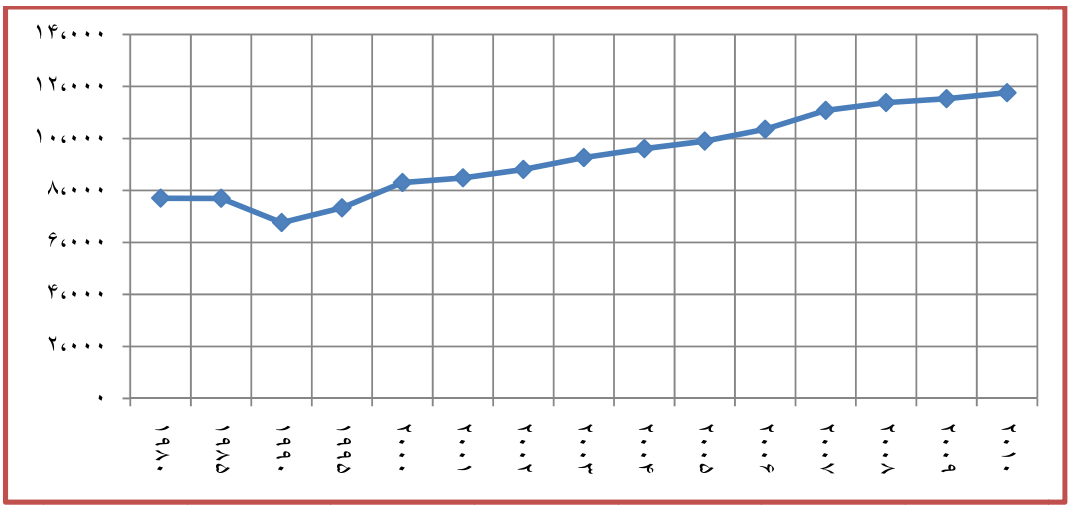
نمودار(۶) درآمد ملی سرانه به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

نمودار(۷) درآمدسرانه ایران را به ارزش دلار بین المللی و قدرت خرید ملی نشان می دهد. هنچنانکه از این نمودار روشن است درآمد سرانه ایران در زمان جنگ تحمیلی رو به کاهش گذاشت و در اواخر دهه ۱۳۶۰(۱۹۸۰) به حداقل خود رسید. اما پس از پایان جنگ و آغاز صادرات نفت خام رو به فزونی نهاد. این افزایش بطور پایدار به امروز ادامه یافته است.

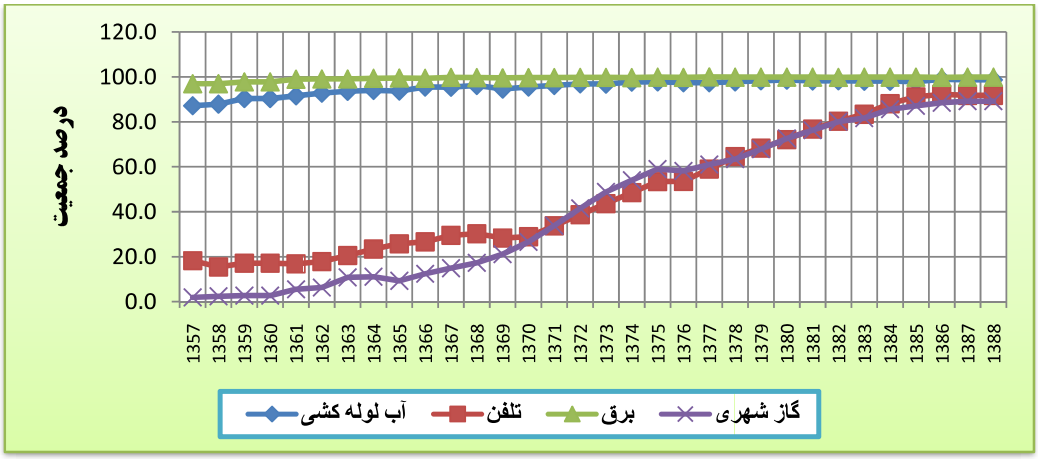
نمودار(۷) درآمد ملی سرانه به دلار بین المللی (PPP)



برق، گاز، آب لوله کشی، تلفن و سیستم فاضلاب علاوه بر اینکه نقش زیر ساختی در نظام تولیدی و توزیعی کشور بازی می کنند، امکانات زندگی افراد را شکل می دهند. میزان برخورداری جمعیت یک کشور از این

امکانات بیانگر سطح رفاه و توسعه در آن کشور است. منظور از میزان برخورداری از این امکانات درصدی از جمعیت است که از این امکانات برخوردار هستند.

نمودار(۸) برخورداری از امکانات فیزیکی زندگی



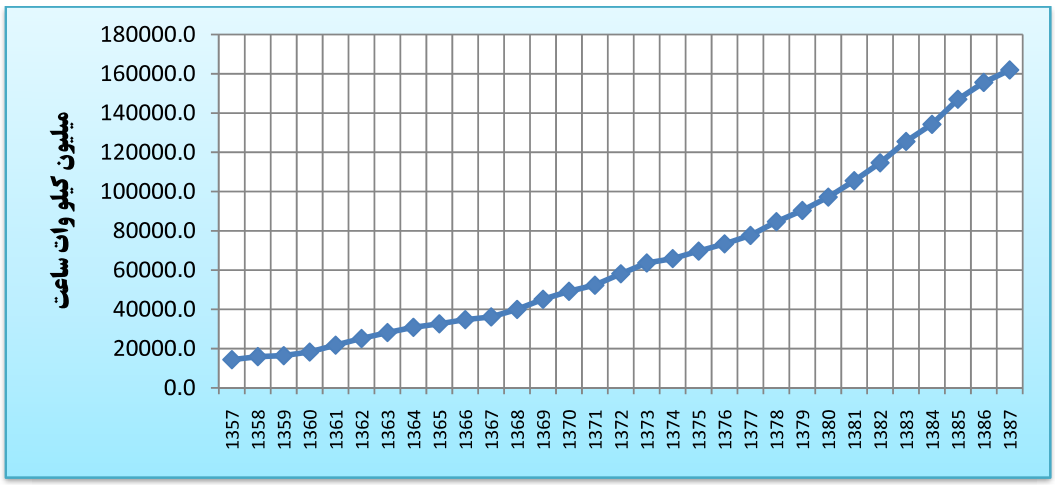
منبع:آمارهای سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار(۸) تحولات میزان برخورداری جمعیت ایران از امکانات یاد شده را نشان می دهد. همچنانکه این نمودار نشان می دهد برخورداری جمعیت از برق از حدود ۹۷ درصد در اوایل استقرار جمهوری اسلامی ایران به حدود ۱۰۰درصد در سال ۱۳۸۸رسیده است و برخورداری جمعیت از آب لوله کشی نیز از حدود ۸۷ درصد به حدود ۱۰۰درصد افزایش یافت. در حالی که استفاده از تلفن ثابت از حدود ۱۸ درصد به ۹۲ درصد و دسترسی به گازشهری از ۲درصد به ۹۰ درصد افزایش یافت. این امر از بهبود رفاه ایرانیان حکایت دارد.

انرژی غیر ماهیچه ای مهمترین منبع تولید، بعد از نیروی کار است. مصارف صنعتی و تولیدی انرژی شامل مصرف برق، نفت و مشتقات آن و گاز است که در ادامه به ترتیب بررسی می شوند.

همچنانکه نمودار(۹) نشان می دهد مصرف برق طی سه دهه گذشته به دلیل افزایش جمعیت و افزایش نیازهای تولیدی بطور پیوسته با متوسط سالانه ۸,۵ درصد افزایش یافته است. از میان گونه های مختلف مصرف، مصرف خانگی در تمام طول دوره، دارای بالاترین سهم بوده که بطور پیوسته با افزایش میزان جمعیت رشد یافته است. پس از مصارف خانگی برق ، مصرف صنعتی برق در مقام دوم قرار دارد که در دهه اول به دلیل جنگ و پایین بودن تولید با نرخ کم رشد می یافت. اما پس از پایان جنگ، در دهه دوم با شروع دوره بازسازی و نوسازی اقتصادی، به دلیل رونق گرفتن تولید و کسب و کارهای خصوصی، مصرف صنعتی برق با نرخ بالاتری به رشد خود ادامه داد. همین بحث در خصوص مصرف بازرگانی عمومی و مصرف کشاورزی نیز صادق است.

نمودار(۹) تغییر میزان مصرف برق در کشور



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

۳-تحولات بهداشت و درمان

نظام سلامت ایران تحت تأثیر نظام های دیگر از جمله نظام های آموزشی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی اجتماعی است. بنابراین تحولات این نظام تابعی از تحولات نظام های یاد شده است. نظام سلامت ایران را به دو زیر نظام بهداشتی و درمانی می توان تجزیه کرد. این دو نظام در تعامل با یکدیگر سلامت را به ارمغان می آورند. نظام های بهداشتی و درمانی نیز براساس منطقه جغرافیایی قابل دسته بندی است. این نظام ها براساس نظام پرداختی و نحوه تأمین مالی هر نظام قابل دسته بندی است. این نوع تقسیم بندی که امروزه رواج بیشتری دارد، علاوه بر مشخص کردن ارتباطات مالی سازمان های درگیر، نوع سازمان های بهداشتی و درمانی موجود و همچنین استراتژیهای کل نظام را مشخص می کند. تحولات نظام سلامت و زیر نظام های آن در سطح ملی و منطقه با شاخص های بهداشتی و درمانی اندازه گیری می شود.

نظام سلامت ایران ، در قالب یک شبکه منسجم فعالیت می کند که از سه سطح به شرح زیرتشکیل شده است(وب سایت مجله ویستا،۱۳۹۰) سطح اول شامل واحدهایی است که اولین و وسیع ترین تماس جامعه با نظام ارائه خدمات بهداشتی در آن به وقوع می پیوندد. واحدهای مورد نظر عبارتنداز : خانه های بهداشت و مراکز بهداشتی ودرمانی روستایی و شهری. افرادی که در خانه های بهداشت مشغول فعالیت هستند، عمدتاً شامل بهورز زن و مرد و در مراکز بهداشتی ودرمانی، پزشک عمومی، کاردان ها و تکنسین های بهداشتی می باشند. سطح دوم شامل واحدهایی است که قادرند خدمات بهداشتی و درمانی را در سطح تخصصی تری ارائه دهندکه این واحدها شامل مراکز بهداشت و بیمارستان شهرستان می باشند. در مراکز بهداشت پزشکان عمومی با آموزش و تجارب بهداشتی و با مجموعه ای از کارشناسان خدمات بهداشتی، امکانات تشخیصی مثل آزمایشگاه و رادیولوژی، دندانپزشکی و مامایی خدمت می کنند. بیمارستان مرکز ارجاع بیماران، برای

دریافت خدمات بستری و سرپایی تخصصی است. در کشور ایران، مجموعه واحدهای سطح اول و دوم را، در محدوده جغرافیایی شهرستان، شبکه بهداشتی و درمانی آن استان می نامند. سطح سوم شامل خدمات تخصصی تر و فوق تخصصی آموزشی را دربرمی گیرد و مکمل سطح دوم است. بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی در مرکز بهداشت استان، در این سطح قرار دارند. در این سطح غالباً خدمات آموزش پزشکی و پیراپزشکی نیز ارائه می شود. حرکت بیماران بین سطوح مذکور، در قالب سیستم ارجاع صورت می‌گیرد.

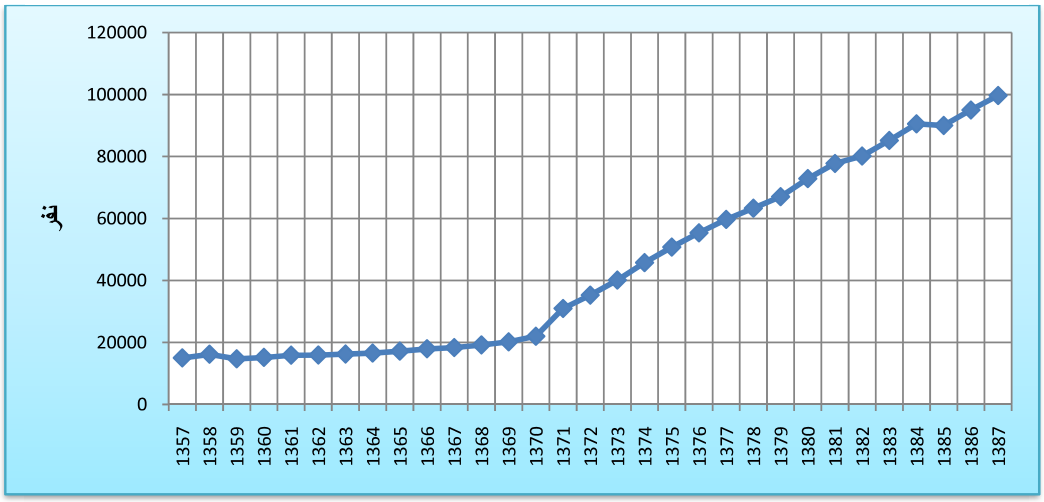
در نظام سلامت ایران هر دو بخش عمومی و خصوصی فعالند و در کنار هم خدمات بهداشتی و درمانی ارائه می دهند. البته بخش عمومی از سهم بیشتری بر خوردار است. از نظر سازمانی نظام سلامت کشور به دو بدنه نظارتی و اجرایی تقسیم می شود. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از جمله سازمان های نظارتی است. تمام دانشگاه های عمومی و خصوصی علوم پزشکی زیر نظر این وزارتخانه هستند. بیش از ۷۰/۹ درصد از مؤسسات درمانی کشور وابسته به دانشگاه های علوم پزشکی است، که مستقیماً زیر نظر وزارت بهداشت ودرمان فعالیت می کنند. تا پیش از سال ۱۳۷۳ ادارات منطقه ای مسئولیت برخی از واحدهای درمانی را بعهده داشته اند که پس از آن تمام واحدها به دانشگاه های مربوطه واگذار شده است. تمامی مراکز بهداشتی و درمانی نیز، شامل درمانگاه، کلینیک، پلی کلینیک و مراکز بهداشت کاملاً در اختیار وزارتخانه مذکور می باشد(وب سایت مجله ویستا،۱۳۹۰).

از کل مؤسسات درمانی کشور ۱۸/۸ درصد در اختیار بخش خصوصی قرار دارد. همچنین، بخش خصوصی عهده دار۲۳ درصد از آزمایشگاه ها و ۳۷/۴ درصد از مراکز رادیولوژی کشور نیز است. سازمان تأمین اجتماعی در بخش درمان ۲/۷۵ درصد از مراکز درمانی را در اختیار دارد و سهم این سازمان از مراکز تشخیصی آزمایشگاه ۳/۲ درصد و رادیولوژی ۴/۱ در صد است. سازمان تأمین اجتماعی علاوه بر ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، یکی از سازمانهای بیمه ای در زمینه بهداشت ودرمان نیز به شمار می رود۱/۹ درصد از مراکز درمانی در اختیار سازمان های خیریه است. در حدود ۱/۹ درصد از مراکز درمانی در اختیار بنیادها قرار دارد که شامل بنیاد شهید، بنیاد جانبازان و مستضعفان است. ۱/۵ درصد از مراکز درمانی در اختیار سازمان بهزیستی است. مراکز درمانی وابسته به وزارت نفت ۰/۹ درصد از کل مراکز درمانی را تشکیل می دهند. سایر سازمان ها و مؤسسات دولتی نیز حدود۱/۰۷ درصد ازمراکز درمانی را شامل می شود(وب سایت مجله ویستا،۱۳۹۰).

عرضه خدمات بهداشتی و درمانی در نظام سلامت کشور عمدتاً از سه طریق بخش عمومی (دولت)، سازمان تأمین اجتماعی و بخش خصوصی (خانوارها) تأمین می گردد. درصد محدودی از منابع مالی نیز توسط مؤسسات خیریه فراهم می شود. البته در حال حاضر این منابع کفاف توسعه نظام سلامت را نمی دهد و مردم کم درآمد را با مشکلات بهداشتی و درمانی مواجه می سازد.

نیروی انسانی بهداشتی و درمانی از جمله تعداد پزشک، دانداپزشک، دارو ساز ، پرستار، بهیار، تخت بیمارستانی و دارو از مهمترین امکانات بهداشتی و درمانی یک کشور محسوب می شوند. نمودار های (۱۰) تا (۱۲) نشان می دهند که در دوره استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل جنگ تحمیلی و پایین بودن آموزش عالی پزشکی امکانات انسانی بهداشتی و درمانی نسبتاً پایین بود. اما با پایان جنگ و گسترش آموزش عالی پزشکی، رشد فزاینده در امکانات بهداشتی و درمانی بوجود آمد.

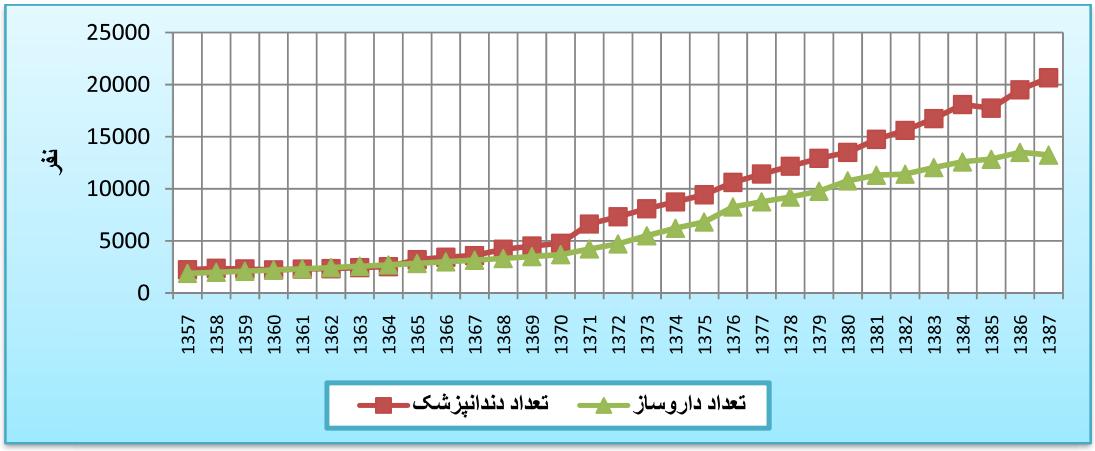
نمودار(۱۰) روند افزایش تعداد پزشک در سه دهه اخیر



منبع:آمارهای سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در دهه سوم، به دلیل افزایش بیکاری پزشکان سیاست کاهش پذیرش دانشجوی پزشکی دنبال شد. این مسأله باعث کاهش تعداد پزشکان در چهار سال اخیر گردید. اما در نیمه دوم دهه سوم برای رفع مسأله بیکاری پزشکان بجای کاهش پذیرش دانشجوی پزشکی سیاست پزشک خانواده در پیش گرفته شد. این طرح در چهار سال اخیر بطور قابل توجهی بسط و گسترش یافته است و تاکنون بیش از ۲۵ میلیون نفر از جمعیت روستایی و شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر تحت پوشش ارائه خدمات پزشک خانواده قرار گرفته‌اند. همچنین مراحل اجرایی گسترش این طرح به شهرهای بالای ۲۰ هزار نفر جمعیت آغاز شد. تعداد پزشکان و ماماهای طرح پزشک خانواده نسبت به سال ۱۳۸۴ به ترتیب با ۴/۴ و ۲۴ برابر افزایش، به ۵۹۲۲ پزشک و ۴۸۲۳ ماما رسید. اقلام دارویی موجود در مراکز بهداشتی نیز با ۴/۵ برابر افزایش به ۲۷۰ قلم رسید(گزارش عملکرد وزارت بهداشت و درمان،۱۳۸۸).

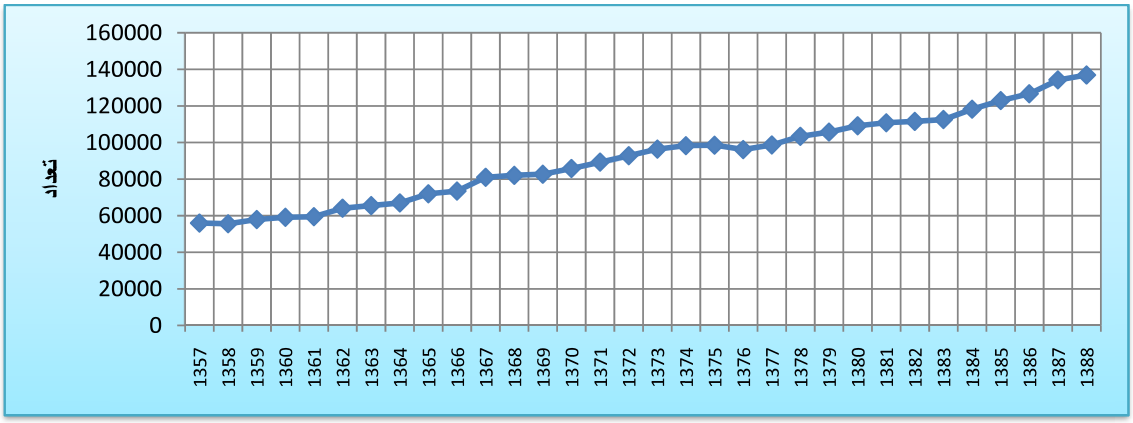
نمودار۱۱ روند افزایش تعداد دندانپزشک و داروساز در سه دهه اخیر



منبع:آمارهای سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار(۱۲) نشان می دهد که تعداد تخت بیمارستان نیز با نرخ تقریباً یکنواخت در طول سی سال گذشته افزایش یافته و از حدود۶۰ هزار تخت در سال ۱۳۵۷ به ۱۴۰هزار تخت در سال ۱۳۸۸ رسیده است. بدلیل افزایش امکانات بهداشتی و درمانی ارتقای شاخص‌های بهداشتی از رشد خوبی برخوردار شد به‌طوری که میزان مرگ نوزادان از ۱۴/۴۶ در صد هزار تولد زنده در سال ۱۳۸۴ به کمتر از ۱۲ در صد هزار تولد زنده در سال ۱۳۸۸ کاهش یافت. همچنین میزان مرگ مادران به علت عوارض زایمان و بارداری نیز از ۲۷ به کمتر از ۲۲ درصد هزار تولد زنده در سال ۱۳۸۸ بهبود یافته است. میزان مرگ کودکان زیر ۵ سال از ۲۶ در هزار تولد زنده در سال ۱۳۸۴ به کمتر از ۲۰ در هزار تولد زنده در سال ۱۳۸۸ رسیده است. همچنین مرگ کودکان زیر یک سال نیز از ۲۰/۸۴ در هزار تولد زنده در سال ۱۳۸۴ به کمتر از ۱۸ در هزار تولد زنده در سال ۱۳۸۸ کاهش یافته است(گزارش عملکرد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی،۱۳۸۸).

نمودار(۱۲) روند افزایش تعداد تخت بیمارستان در سه دهه اخیر



منبع:آمارهای سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ارقام دو سال پایانی از گزارش های عملکرد وزارت بهداشت استخراج شده است

بر اساس اطلاعیه ای که از سوی روابط عمومی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی که توسط خبرگزاری مهر متنشر شده است: در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ اکثر شاخص های سلامت بهبود یافته است تعداد بیمارستانهای فعال کشور از ۸۰۹ بیمارستان در ۱۳۸۴به ۸۵۶ بیمارستان در ۱۳۸۸ افزایش یافت. در نتیجه تعداد کل تختهای بستری از ۹۷/۶ هزار به ۱۱۴۶۰۰ هزار (۱۷۰۰۰ تخت) فزونی گرفت. در دوره یاد شده تعداد پایگاههای اورژانس شهری و جادهای از ۶۳۰ پایگاه به ۱۶۳۰ پایگاه، تعداد آمبولانسهای ۱۱۵ اورژانس کشور از ۱۸۷۰ به ۲۸۸۰ آمبولانس، تعداد تولیدکنندگان تجهیزات پزشکی از ۳۵۰ شرکت به ۴۱۵ شرکت، تعداد محصولات تجهیزات پزشکی از ۴۵۰ قلم به ۵۲۰ قلم و تعداد آزمایشگاههای کشور از ۴۲۳۳ به ۴۶۷۷ آزمایشگاه افزایش یافته است. تعداد خانه های بهداشت نیز از ۱۶۹۴۰ باب در شهریور ۸۴ به ۱۷۳۷۰ در اردیبهشت ۸۸، تعداد مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی از ۴۵۶۰ مرکز به ۵۱۰۰ مرکز، تعداد پزشکان طرح پزشک خانواده از ۱۳۵۰ پزشک به ۵۹۲۲ پزشک، تعداد ماماهای به کار گرفته شده در طرح پزشک خانواده از ۲۰۰ ماما به ۴۸۲۳ ماما، تعداد بیماران ویزیت شده در طرح پزشک خانواده از ۶ میلیون نفر به ۲۲ میلیون نفر، جمعیت تحت پوشش برنامه بهداشت روان از ۴۰ درصد به ۶۰ درصد، میزان دسترسی جمعیت شهری و روستایی به مراقبتهای اولیه از ۹۲ درصد به ۹۴ درصد، میزان پوشش برنامه غربالگری کم کاری مادرزادی تیروئید از ۱۱ درصد به ۸۸ درصد، تعداد مراکز گذری کاهش آسیب از ۱۲ مرکز به ۷۴ مرکز، تعداد تیمهای کمک سیار از ۲۰ تیم به ۱۲۵ تیم، تعداد مراکز درمان سوء مصرف مواد (دولتی) از ۲۷ مرکز به ۱۳۲ مرکز و میزان پوشش درمان نگهدارنده با متادون (دولتی) از ۴۱۰۰ نفر به ۱۵۵۰۰ نفر رسیده است.

مخارج سرانه سلامت، سهم مخارج سلامت از تولید ناخالص داخلی، سهم مخارج سلامت از مخارج عمومی دولت، سهم مخارج خصوصی سلامت از کل مخارج سلامت، سهم مخارج عمومی سلامت از کل مخارج سلامت، سهم منابع خارجی سلامت از کل مخارج سلامت و سهم مخارج امنیت اجتماعی سلامت از کل مخارج عمومی سلامت مهمترین شاخص های مالی سلامت در یک کشور هستند. در دهه ۱۳۶۰ مخارج سرانه سلامت در کشور در حدود ۶۵ دلار بود. این رقم در دهه ۱۳۷۰ به ۲۹۰دلار بالغ گردید. اما در دهه ۱۳۸۰ رو به کاهش نهاد و به مرز۲۷۰ دلار در سال ۱۳۸۸ رسید.

سهم مخارج سلامت از تولید ناخالص داخلی ایران در طول سی سال گذاشته همواره روند صعودی داشته است. بطوریکه ازحدود ۴ درصد در سال ۱۳۶۵ به حدود۶ درصد در سال ۱۳۸۰، از آن مقدار به ۶/۵ درصد در سال۱۳۸۸، افزایش یافت. در سال ۱۳۶۵ سهم بخش عمومی و خصوصی از تأمین مالی سلامت در ایران به ترتیب ۵۵ درصد و ۴۵ درصد بود. این ترکیب در سال ۱۳۸۰ به ۶۳ و ۳۷درصد تغییر کرد. در نیمه اول دهه ۱۳۸۰ سهم بخش خصوصی به ۵۳ درصد کاهش، و سهم بخش عمومی به ۴۷ درصد افزایش یافت. اما در نیمه دوم این دهه سهم بخش خصوصی مجدداً افزایش و سهم بخش عمومی رو به کاهش نهاد و به

ترتیب به ۶۱ و ۳۹ درصد(تقریباً وضعیت اوایل دهه) رسید. سهم مخارج سلامت دولت از کل مخارج دولت روبه افزایش بوده است. بطوریکه از ۷ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۹/۶ درصد در ۱۳۸۰ افزایش یافت و به ۱۱/۵درصد در سال ۱۳۸۸ بالغ گردید. سهم منابع خارجی در تأمین مالی سلامت در ایران بسیار اندک و در حدود ۰/۱درصد است.

جدول(۱):شاخص های منابع مالی نظام سلامت

شاخص تأمین مالی سلامت	1365	1380	1386	1388
سهم مخارج سلامت از تولید ناخالص داخلی	4	5.9	6.4	6.5
سهم مخارج دولت برای سلامت از کل مخارج سلامت	45	37.0	46.8	39
سهم مخارج خصوصی سلامت از کل مخارج سلامت	55	63.0	53.2	61
سهم مخارج سلامت دولت از کل مخارج دولت	7	9.6	11.5	11.5
سهم منابع خارجی سلامت از کل مخارج سلامت	0	0	0.1	0.1
سهم مخارج خارج از جیب از مخارج خصوصی سلامت	97	95.9	95.4	97
مخارج سرانه سلامت به دلار آمریکا	65	290	253	269

منبع: بانک اطلاعاتی سازمان بهداشت جهانی

میزان کل مرگ و میر، میزان مرگ و میر مادران باردار، تولد زنده، میزان مرگ نوزادان، میزان مرگ کودکان زیر ۵، شیوع اچ آی وی و ... مهمترین شاخص های کلیدی سلامت هستند. طبق آمارهای سری زمانی بانک جهانی در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی ایران میزان مرگ و میر ۱۲ نفر از هر ۱۰۰۰ نفر بود. این شاخص طی زمان کاهش یافت و به ۶ نفر در سال ۱۳۸۸ رسید. میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال نیز از ۱۲۷ نفر(از ۱۰۰۰ نفر کودک زیر ۵ سال) به ۳۱ نفر(از ۱۰۰۰ نفر کودک زیر ۵ سال)کاهش یافت. همچنین میزان مرگ و میر کودکان از ۸۹(ازهر ۱۰۰۰ نفر زنده به دنیا آمده) به۲۶ نفر(ازهر ۱۰۰۰ نفر کودک زنده به دنیا آمده) کاهش پیدا کرد.

بر اساس اطلاعیه ای که خبرگزاری مهر از سوی روابط عمومی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی منتشر شده است: همچنین طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ میزان مرگ مادران باردار از ۲۷ درصد هزار تولد زنده به ۲۲ درصد هزار تولد زنده، میزان مرگ نوزادان از ۱۴/۴۶ درصد هزار تولد زنده به کمتر از ۱۲ درهزار تولد زنده، میزان مرگ کودکان زیریکسال از ۲۰/۸۴ در هزار تولد زنده به کمتر از ۱۸ درهزار تولد زنده و میزان مرگ کودکان زیر ۵ سال از ۲۶ درهزار تولد زنده به کمتر از ۲۰ در هزار تولد زنده کاهش یافته است. درخصوص شیوع اچ آی وی در مصرف‌کنندگان تزریقی در دیده‌وری زندان‌ها نیز میزان شیوع از ۳/۲۴ درصد به ۱/۷۵ درصد کاهش یافته و افراد تحت پوشش داروهای ضد ایدز نیز از ۱۵۶ نفر به ۳۰۲ نفر رسیده است.

بنابراین گزارش در بخش درمان نیز طی ۴ سال گذشته در بخش دارو نیز تعداد تولید اقلام دارویی داخل از ۹۰۶ قلم به ۲۴۱۶ قلم، تعداد داروخانه‌های کشور از ۷۳۳۰ داروخانه به ۸۸۸۴ داروخانه، میزان تولید داروهای طبیعی از ۱۳۴ قلم به ۳۸۶ قلم، تعداد داروهای بیوتکنولوژی از ۲ قلم به ۹ قلم، اقلام مواد اولیه داروی تولید داخل از ۸۸ قلم به ۱۳۳ قلم، تعداد کارخانجات تولیدکننده مواد اولیه دارویی از ۳۷ کارخانه به ۴۴ کارخانه، تعداد مراکز اطلاع‌رسانی دارویی و سموم از ۱۷ مرکز به ۳۵ مرکز، میزان صادرات دارو، از ۴۷/۶ میلیون دلار به ۶۱/۳ میلیون دلار، افزایش یافته است.

در بخش آموزش پزشکی نیز تعداد پذیرفته شدگان کل مقاطع رشته های علوم پزشکی از ۲۱ هزار نفر به ۲۶/۲ هزار نفر، ظرفیت پذیرش دکترای حرفه‌ای، از ۲۷۲۵ نفر به ۴۶۶۱ نفر، پذیرش دانشجوی دکترای تخصصی علوم پزشکی (PhD) از ۱۹۲ نفر به ۴۲۷ نفر، پذیرش دستیار تخصصی پزشکی از ۱۴۵۳ نفر به ۱۸۰۳ نفر، پذیرش دانشجوی فلوشیپ از ۱۱۵ نفر به ۱۸۷ نفر، پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی ارشد گروه پزشکی از ۸۱۷ نفر به ۱۳۰۹ نفر، تعداد برنامه‌های آموزش مداوم از ۴۲۱۷ برنامه به ۵۵۰۳ برنامه، تعداد برنامه‌های آموزشی جدید و بازنگری شده مصوب از ۱۳ برنامه به ۶۷ برنامه، موارد موافقت با انتقال دانشجو از خارج به داخل کشور از ۹۴ مورد به ۱۶۳ مورد، تعداد رشته‌های تحصیلی دکترای تخصصی از ۲۴ مورد به ۳۹ مورد، و تعداد برنامه‌های آموزش مداوم جامعه پزشکی از ۲۷۳۷ برنامه به ۵۵۰۲ برنامه افزایش یافته است.

در بخش تحقیقات پزشکی تعداد کتابخانه‌های الکترونیک دانشگاههای علوم پزشکی از ۲۳ کتابخانه به ۴۲ کتابخانه، تعداد مراکز تحقیقات پزشکی از ۱۱۵ مرکز به ۲۲۰ مرکز، تعداد طرحهای تحقیقاتی از ۵۵۶۴ طرح به ۶۸۱۶ طرح، تعداد پژوهشگران دانشگاه‌های علوم پزشکی از ۹۲۰۹ نفر به ۱۱۰۰۰، تعداد شبکه‌های تحقیقات پزشکی از ۸ مرکز به ۱۱ مرکز، سهم بودجه تحقیقات از GDP(رشد ناخالص داخلی) از ۰/۱ درصد به ۰/۹ درصد و تعداد ثبت اختراع در حوزه علوم پزشکی از ۴ مورد به ۲۰۹ مورد افزایش یافته است.

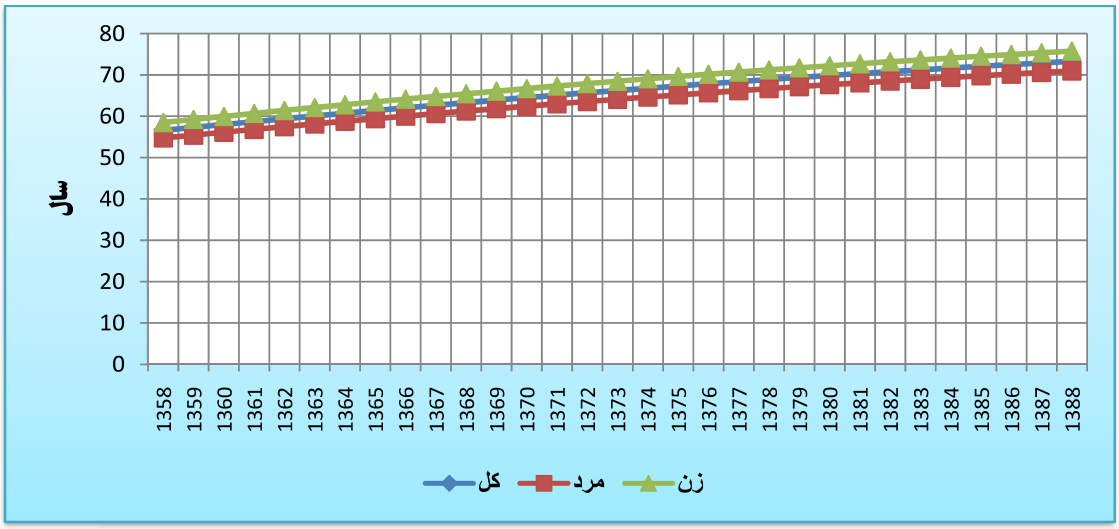
همچنین در بخش امور دانشجویی و فرهنگی این وزارتخانه نیز تعداد مساجد و نمازخانه‌های دانشجویی از ۵۹۵ باب به ۶۵۳ باب، میزان سرانه فضای ورزشی روباز دانشجویی از ۰/۸ متر مربع به ۱/۲ مترمربع، تعداد سهمیه حج عمره برای دانشجویان علوم پزشکی از ۱۴۰۰ نفر به ۳۰۰۰ نفر، تعداد کارشناسان تخصصی مراکز مشاوره دانشجویی از ۱۴۹ نفر به ۲۱۶ نفر، تعداد کارگاهها و سمینارهای مشاوره دانشجویی از ۵۰۲ مورد به ۷۸۰ مورد افزایش یافته است.

در بخش معاونت توسعه مدیریت و منابع، سهم بهداشت و درمان از تولید ناخالص داخلی از ۶/۵ درصد به ۷ درصد میزان پوشش اتوماسیون اداری در ستاد مرکزی از ۵۰ درصد به ۹۰ درصد، آموزش شغلی مدیران از ۵۰ هزار نفر به ۱۷۰ هزار نفر و تعداد آمبولانس‌های خریداری شده در سال از ۴۵۰ دستگاه به ۷۵۰ دستگاه رسیده است.

کیفیت جمعیت و وضعیت عمومی نظام سلامت کشور با شاخص امید به زندگی اندازه گیری می شود. این شاخص متوسط طول عمر در یک جامعه را نشان می دهد و حکایت ازآن دارد که هر عضو آن جامعه چند سال می‌تواند توقع طول عمر داشته باشد. هر چه شاخص‌های بهداشتی و همچنین درمانی بهبود یابد امید به زندگی افزایش خواهد یافت. بنابراین امید به زندگی یکی دیگر از شاخص های کیفیت جمعیت است. از این رو این شاخص یکی از شاخص‌های سنجش پیشرفت و عقب ماندگی کشورها است.

نمودار(۱۳) تحولات امید به زندگی در ایران را به تفکیک زن و مرد نشان می دهد. این نمودار نشان می دهد که در آغاز استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، امید به زندگی زنان، مردان و کل در کشور به ترتیب ۵۷/۷۵ سال،۵۴/۰۴ سال و ۴۴/۸۵ سال بود. این شاخص طی دوره استقرار، علیرغم جنگ، افزایش یافت و در سال ۱۳۶۸ به۶۵/۴۳، ۶۱/۲۱ و ۶۳/۲۹ سال رسید. در دهه دوم، امید به زندگی به دلیل بهبود وضعیت بهداشت در کشور، با شتاب بیشتری افزایش پیدا کرد و از وضعیت یاد شده به ۷۱,۲ سال برای زنان، ۶۶,۶۶ سال برای مردان و۶۸,۸۷ سال در کل، در ۱۳۷۸ افزایش یافت. در دهه سوم نیز، همانند دهه قبل، این شاخص افزایش، و به ۷۵,۷۵ سال برای زنان، ۷۰,۹۴ سال برای مردان و ۷۳,۲۸ سال در کل، در سال ۱۳۸۸ بالغ گردید. داده ها نشان می دهد که اختلاف امید به زندگی مردان از زنان مانند دیگر کشور ها طی زمان مرتب، افزایش یافته و در سال ۱۳۸۸ به ۴,۸۱ سال رسیده است.

نمودار(۱۳) تغییر امید به زندگی به تفکیک زن و مرد



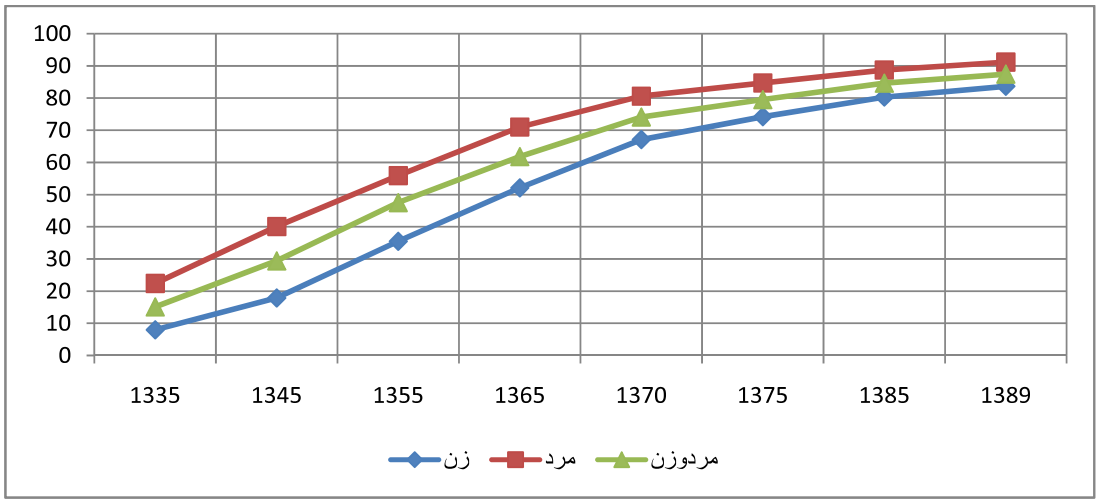
منبع: بانک اطلاعاتی بانک جهانی

۴-تحولات دانایی عمومی

دانش امکانات مردم را گسترش می دهد و ابتکار و خلاقیت آنها را ارتقاء می بخشد. دانش علاوه برارزش ذاتی، دارای ارزش ارزش ابزاری اساسی در گسترش آزادی های دیگر است. فرهیختگی به مردم اختیار می دهد تا علایق خودشان را پیگیری کنند و از فرصت های پیشروی خود بهره برداری نمایند. مردم فرهیخته از چگونگی اجتناب از خطرات و ساخت زندگی راحت و طولانی آگاهی دارند. آنها همچنین به دنبال شغل بهتر با درآمد هستند. بنابراین، میزان دانایی جمعیت یک کشور مهمترین عامل تعیین کننده توسعه انسانی در آن کشور است. میزان دانایی جمعیت با نرخ باسوادی جمعیت شش سال به بالا، متوسط سالهای تحصیل، امید به تحصیل و سهم جمعیت با تحصیلات عالی اندازه گیری می شود. در این فصل تحولات میزان دانایی جمعیت ایران با از استفاده از شاخص های یاد شده و ترکیبی از آنها بررسی می شود.

نرخ با سوادی، به معنی جمعیت با سواد تقسیم برجمعیت بالای ۶ سال ضربدر صد، یکی از شاخص های مهم کیفیت جمعیت از چشم انداز دانایی است. این شاخص در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی ایران در کل حدود ۵۰ درصد بود. میزان سواد مردان حدود ۲۰درصد بالاتر از میزان باسوادی زنان بود و میزان باسوادی جمعیت شهری ۲۵ درصد بالاتراز جمعیت باسواد روستایی قرار داشت. شکاف جنسیتی سواد در مناطق روستایی بالاتر از شکاف جنسیتی در مناطق شهری بود.

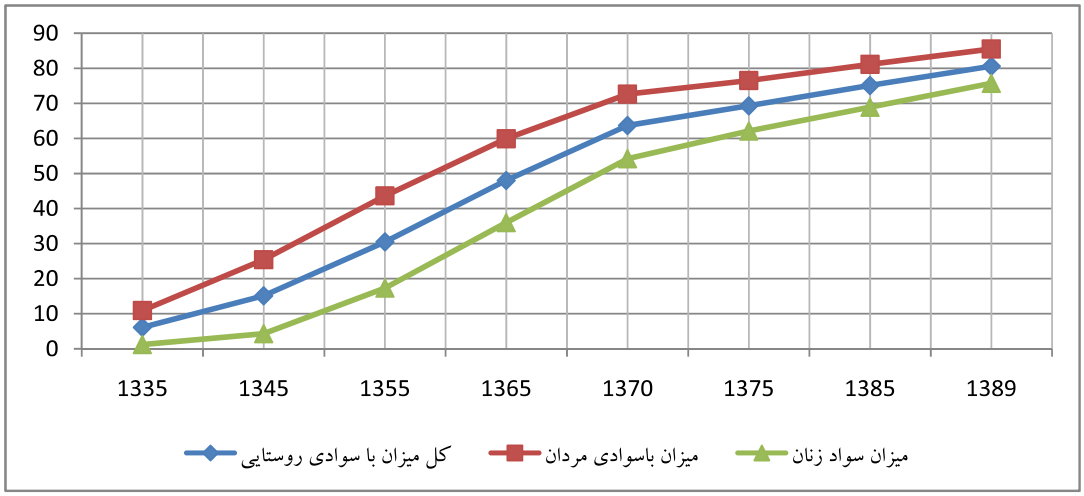
نمودار(۱۴) تغییر در میزان باسوادی کشور



با پیروزی انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی(ره) نهضت سواد آموزی به منظور ریشه کنی بی سوادی تشکیل شد و افراد بزرگ سال بی سواد و کودکان باز مانده از تحصیل را تحت پوشش قرار داد. بنابراین، در دهه استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران نرخ با سوادی به شدت افزایش یافت و در سال ۱۳۶۸ به ۶۷ درصد بالغ گردید. یعنی ۱۷ درصد افزایش یافت. در دهه دوم نیز نرخ باسوادی به صورت قابل توجهی افزایش

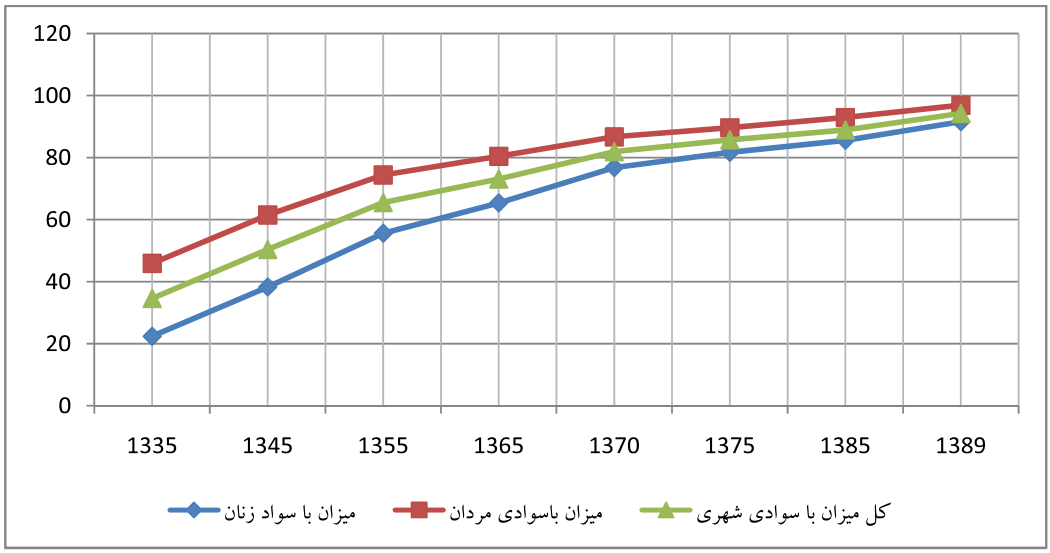
یافت. بطوری که از ۶۷ درصد در ۱۳۶۸ به ۸۲ درصد در ۱۳۷۸ بالغ گردید. یعنی ۱۲ درصد افزایش یافت. اما به دلیل کاهش جمعیت بی سواد در دهه سوم، میزان افزایش نرخ با سوادی کندتر شد و از ۸۲ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۸۷ درصد در سال ۸۸ بالغ گردید. یعنی تنها ۵ درصد افزایش یافت.

نمودار(۱۵) تغییر میزان باسوادی جمعیت روستایی



منبع: مرکز آمار ایران، بانک اطلاعاتی سری زمانی متغیرهای اقتصادی و اجتماعی

نمودار(۱۶) تغییر میزان باسوادی جمعیت شهری



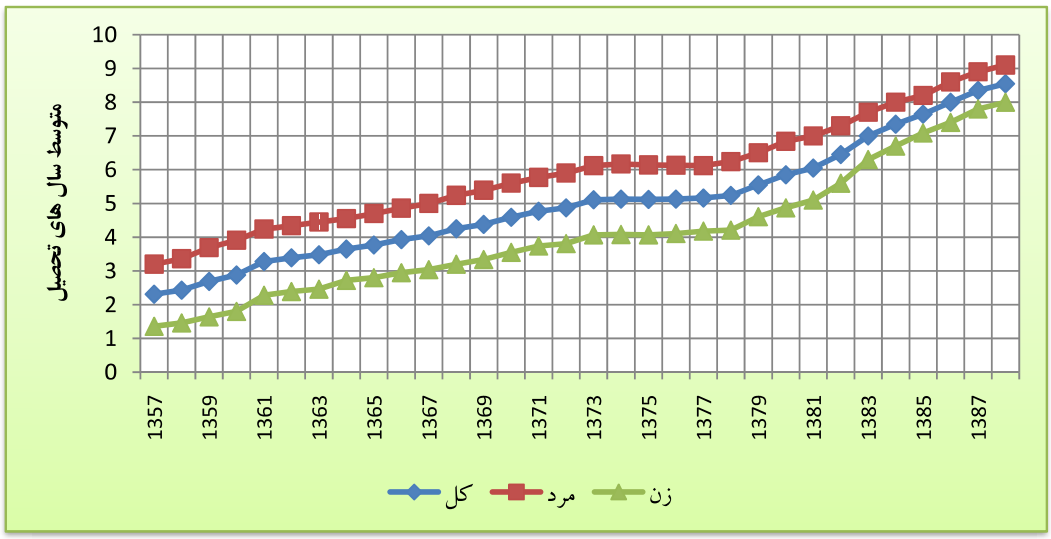
منبع: مرکز آمار ایران، بانک اطلاعاتی سری زمانی متغیرهای اقتصادی و اجتماعی

در سال ۱۳۵۷ نرخ ناخالص ثبت نام در سطح آموزش ابتدایی حدود ۹۳ درصد بود. افزایش این شاخص پس از انقلاب فزونی گرفت و به۱۰۱ درصد در سال۱۳۶۵ بالغ گردید. این شاخص در سال های بعد با شدت بیشتری به افزایش خود ادامه داد و به مرز۱۳۰ درصد در سال۲۰۰۶ رسید. اما بدلیل کاهش تعداد کودکان

از تحصیل جامانده در سال های اخیر این شاخص رو به کاهش نهاده است. با افزایش سطح پوشش تحصیلی در گروه سنی ۶-۱۱ سال و رسیدن نرخ خالص ثبت نام به ۱۰۰درصد در سال های اخیر، انتظار می رود کاهش این شاخص همچنان ادامه داشته باشد.

قبل از دهه۱۳۸۰ نرخ مشارکت دختران در آموزش ابتدایی پایین تر از نرخ مشارکت پسران بود. اما از اوایل این دهه نرخ مشارکت دختران بر نرخ مشارکت پسران پیشی گرفت. بطوریکه در سال ۱۳۸۸ نرخ مشارکت دختران حدود۳۴ درصد بالاتر از نرخ مشارکت پسران بود(نمودار۱۷). این امر حکایت از دو واقعیت می تواند داشته باشد. اولی بالا بودن جمعیت دختران جامانده از تحصیل در دهه های گذشته و دومی ترک تحصیل پسران در سال های آخر دوره ابتدایی به منظور کار در مناطق کمتر توسعه یافته هستند.

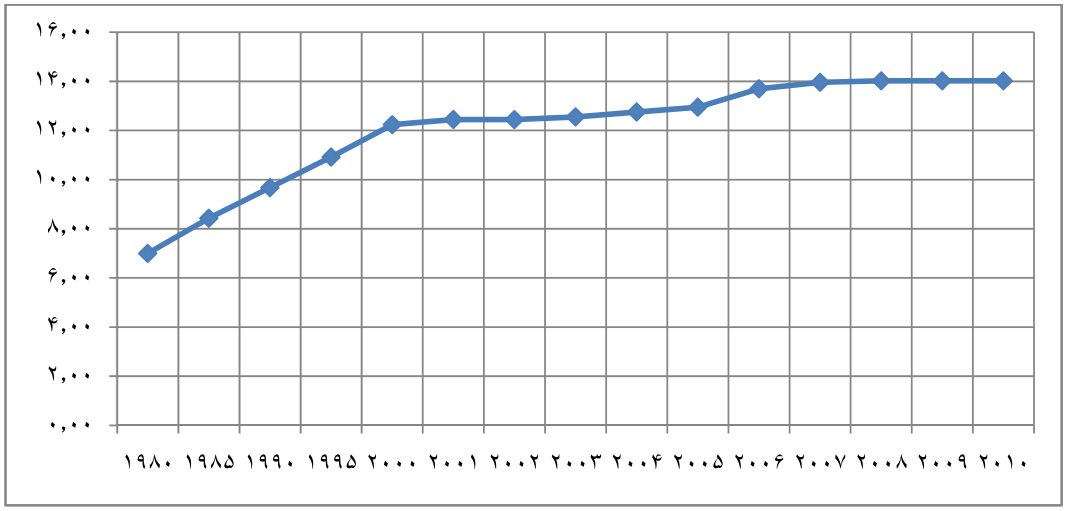
نمودار(۱۷) روند متوسط سال های تحصیل افراد ۱۵ سال و بالاتر به تفکیک زن و مرد



منبع: تا سال ۱۳۸۰ از فصلنامه پژوهش های اقتصادی شماره ۲۳ استخراج شده است، از ۱۳۸۱تا ۱۳۸۸ بر اساس گزارش های آماری مرکز آمار محاسبه شده است.

منظور از سال های مورد انتظارتحصیل تعداد سال هایی است که یک کودک در سن ورود به دبستان (با نسبت معین ثبت نام) انتظار دارد در طول زندگی خود برای دریافت مدارجه رسمی آموزشی بطور پیوسته ادامه تحصیل دهد. این شاخص بهترین تصویر از دسترسی کودکان به آموزش را ارائه می دهد.

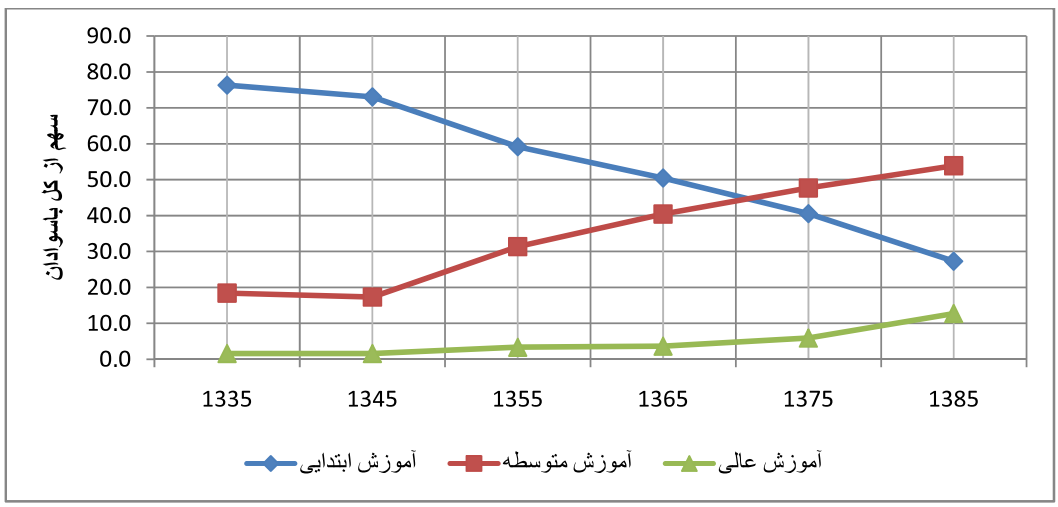
نمودار(۱۸)　　روند سالهای مورد انتظار تحصیل



منبع:گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۰

شاخص سوم کیفیت جمعیت از چشم انداز دانایی سهم جمعیت با سطوح تحصیلی بالا، از جمله آمورش عالی است. نمودار (۱۹) نشان می دهد که در طول زمان سهم سواد ابتدایی از کل باسوادان کاسته و سهم سواد متوسطه و عالی افزوده شده است. با این وجود تا سال ۱۳۷۰سهم سواد ابتدایی بیشتر از سهم سواد متوسطه بود. این روند در دهه ۱۳۸۰ ادامه یافت بطوریکه سهم سواد ابتدایی به ۲۷ درصد کاهش، و سهم سواد متوسطه به ۵۴ درصد افزایش یافت. سهم سواد عالی نیز تا سال ۱۳۷۵ بطور یکنواخت در حال افزایش بود. اما در دهه ۱۳۸۰ شتاب گرفت و از ۶ درصد در سال۱۳۷۵ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت. در سال ۱۳۸۹ حدود ۳۰ درصد از جمعیت بالای ۲۵سال سن حداقل دارای مدرک تحصیلی متوسطه بودند. انتظارمی رود این روند با همین شتاب در دهه بعد نیز ادامه داشته باشد.

نمودار(۱۹)　　تغییرسهم سطوح مختلف سواد از کل با سوادان کشور

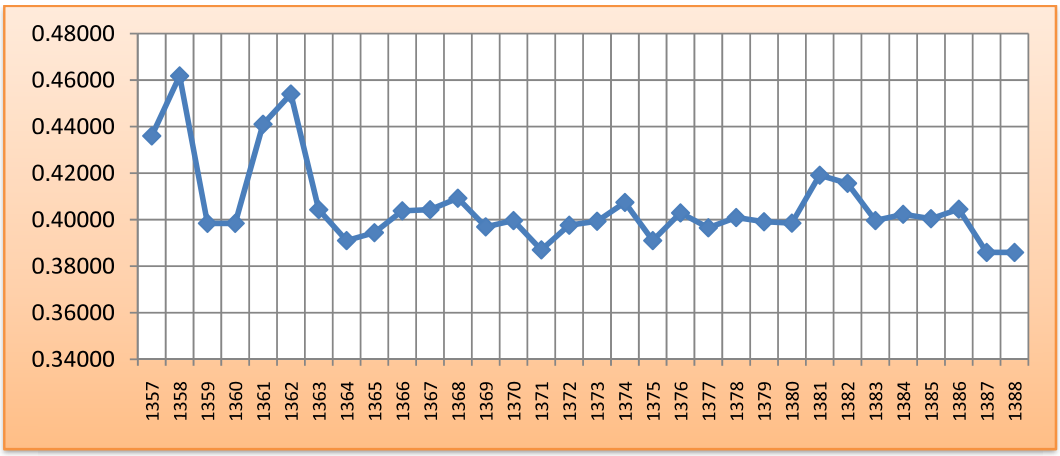


سطح دانش انباشت شده در جمعیت یک کشور با نمایه آموزش اندازه گیری می شود. این نمایه به عنوان شاخصی مرکب از نرخ باسوادی بزرگسالان و نرخ ثبت نام ناخالص ترکیبی آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی موفقیت نسبی یک کشور در رابطه با نظام آموزشی را اندازه گیری می کند[۸]. نمودار(۱۹) تغییرات نمایه آموزش در ایران را در دوره ۲۰۰۷-۱۹۸۰ نشان می دهد. همچنانکه از این نمودار روشن است، رشد نمایه آموزش ایران در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ قابل توجه بود. اما در دهه ۲۰۰۰ رشد قابل توجهی نداشت.

۵-توسعه اجتماعی ایران

ضریب جینی، مهمترین شاخص توزیع درآمد و ثروت در یک کشور است. این شاخص در دامنه ۱ و صفر تغییر می کند هر چقدر به صفر نزدیک تر باشد توزیع برابر و هرچقدر به ۱ نزدیک تر باشد توزیع نابرابر تر می شود. نمودار(۲۰) از تحولات ضریب جینی در ایران در سه دهه گذشته حکایت دارد. همچنانکه این نمودار نشان می دهد. توزیع درآمد در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی ایران با نابسامانی های سیاستی مواجه شد و ضریب جینی را با نوساناتی مواجه ساخت. با برقراری سیاست های توزیعی جدید در سال های بعد، ضریب جینی بطور قابل توجهی کاهش یافت و پایین تر از ۰,۴ قرار گرفت این وضعیت با اندک نوسانی تا سال ۱۳۸۶ ادامه داشت. اما با اعمال سیاست های توزیع جدید در دولت نهم توزیع درآمد بهبود بیشتری یافت و به مرز ۰,۳۸ کاهش یافت. انتظار می رود این وضعیت تا پایان دولت دهم ادامه پیدا کند.

نمودار(۲۰) تغییرات ضریب جینی در سه دهه گذشته



منبع:آمارهای سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

برنامه توسعه ملل متحد در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۰ خود ضریب جینی ایران را ۳۸,۳ اعلام کرده است که این رقم نسبت به گزارش سال گذشته این سازمان تغییری نداشته است. ایران در میان ۱۴۶ کشوری که در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته اند از نظر میزان ضریب جینی در رتبه ۶۳ قرار گرفته است. به عبارت

[۸] برای اطلاع از چگونگی محاسبه این نمایه به گزارش های توسعه انسانی UNDP

دیگر ۶۲ کشور جهان شکاف درآمدی کمتری از ایران دارند. نروژ با ضریب جینی ۲۵/۸، ایسلند با ضریب جینی ۳۴، هلند با ضریب جینی ۳۰/۹و سوئد با ضریب جینی ۲۵ از جمله این کشورها هستند. البته برخی از کشورهای صنعتی و توسعه یافته مانند ایالات متحده با ۴۰/۸ نابرابری درآمدی بیشتری نسبت به ایران دارند.

برنامه توسعه ملل متحد(UNDP) نابرابری جنسیتی دربین کشورهای جهان را با معیاری به نام «نمایه نابرابری جنسیتی» اندازه گیری می کند. این نمایه یک شاخص ترکیبی است که وضعیت زنان در سه بعد توسعه انسانی یعنی بهداشت باروری، توانمندسازی و نیروی انسانی را منعکس می کند. بهداشت باروری خود از مرکب از متعیر های ۱- نرخ شیوع پیشگیری از بارداری، ۲-مرقبت های حاملگی، ۳-تولد با حضورپرسنل بهداشتی متخصص، ۴-نرخ مرگ میرمادران و ۵- نرخ بارداری نوجوانان است. توانمند سازی نیز از دو بعد مشارکت سیاسی(تعداد صندلی در پارلمان) و برخورداری از آموزش(درصد افراد بالای ۲۵ سال که حداقل از آموزش متوسطه برخوردارند) مورد توجه بوده است. مشارکت در بازار کار نیز با شاخص نرخ مشارکت در نیروی کار اندازگیری می شود. نمایه نابرابری جنسیتی از ۰ تا ۱ متغیر است. صفر به این معنی است که زنان کاملاً با مردان برابرهستند و ۱ حکایت از آن دارد که زنان در تمام ابعاد کاملاً فقیرتر از مردان هستند. بنابراین هر چه این رقم بیشتر باشد دلالت بر نابرابری بیشتر میان مردان و زنان در یک کشور دارد.

طبق گزارش ۲۰۱۰ برنامه ملل متحد نمره ایران در نمایه نابرابری جنسیتی ۰/۶۷۴ است و در میان ۱۹۴ کشور جهان رتبه ۹۸ کسب کرده است و از این نظر بالاتر از کشورهایی مثل مصر با رتبه ۱۰۸، هندوراس با رتبه ۱۰۱، اندونزی با رتبه ۱۰۰، سوریه با رتبه ۱۰۳، مراکش با رتبه ۱۰۴، پاکستان با رتبه ۱۱۲، هند با رتبه ۱۲۲، و عراق با رتبه ۱۲۳ قرار گرفته است. لازم به ذکر است که رتبه نخست جهان از نظر نمایه نابرابری جنسیتی را هلند با نمره ۰,۱۷۴ کسب کرده است و دانمارک در جایگاه دوم و سوئد در رتبه سوم جای گرفته اند.

بر اساس این گزارش نرخ مرگ و میر مادران در ایران طی سا لهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ بالغ بر ۱۴۰ در هر ۱۰۰ هزار تولد بود؛ نرخ باروری نوجوان طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸ بالغ بر ۱۸,۳تولد به ازای هر ۱۰۰۰ زن بین ۱۵ تا ۱۹ سال ثبت شده است؛ ۹۸ درصد زنان باردار تحت پوشش مراقبت های بهداشتی بودند و ۹۷درصد زنان با حضور پرسنل متخصص زایمان کرده بودند. سهم زنان از صندلی های پارلمان در سال ۲۰۰۸ بالغ بر ۲,۸ درصد اعلام شده است. همچنین بر اساس آمار سال ۲۰۱۰، ۳۹ درصد از زنان ۲۵ سال به بالا حداقل دارای تحصیلات متوسطه بوده اند و این رقم برای مردان ۵۷ درصد است. نرخ مشارکت زنان در نیروی کار نیز ۳۲ درصد و این رقم برای مردان ۷۳ درصد اعلام شده است.

شاخص دیگر توسعه انسانی که بیشتر جنبه روانی دارد، مطلوبیت یا رضایتمندی عمومی زندگی فردی در یک جامعه است. این شاخص مرکب از سه شاخص رفاه(well-being) و خوشبختی(happiness) و

تجربه منفی(Negative experience) است. رضایت شغلی، تندرستی فردی و استاندارد زندگی مهمترین ابعاد شاخص رفاه فردی محسوب می شوند و زندگی هدفمند، رفتارمحتراماً و شبکه حمایت اجتماعی عناصر اصلی خوشبختی هستند.

این شاخص ها در گزارش های توسعه انسانی سال های قبل برنامه توسعه ملل متحد مورد توجه قرار نگرفته بود. اما این سازمان در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۰ مطلوبیت زندگی فردی را بر پایه آمار سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ شاخص های یاد شده محاسبه و ارائه کرده است. شاخص مطلوبیت زندگی فردی یا رضایتمندی عمومی زندگی ارقامی از ۰ تا ۱۰ را در برمی گیرد. هر چه این رقم بزرگتر باشد دلالت بر رضایت بیشتر از زندگی دارد. در این گزارش نمره رضایتمندی عمومی فردی از زندگی در ایران ۵/۶ اعلام شده است که اندکی بالاتر از نمره متوسط است. کشور دانمارک با نمره ۸/۲ از راضی ترین شهروندان برخوردار است. نروژ نیز با نمره ۸/۱ در جایگاه دوم جهان قرار دارد. اما ایران در میان ۱۷۴ کشور دنیا رتبه ۸۴ را به دست آورده است.

گزارش ۲۰۱۰ برنامه توسعه ملل متحد نشان می دهد که از کل افرادی که در ایران شاغل بودند ۷۱ درصد از شغل خود رضایت داشتند؛ ۸۲ درصد ایرانی ها نیز از وضعیت سلامتی خود ابراز رضایت کرده بودند؛ و ۵۵ درصد نیز از سطح زندگی خود راضی بوده اند. این ارقام برای کشور دانمارک به ترتیب۹۴، ۸۴ و۹۳ درصد بود.

از نظر شاخص خوشبختی نیز ۸۷ درصد مردم ایران (بر اساس آمارهای برنامه توسعه ملل متحد) گفته اند دارای یک زندگی هدفمند هستند، و ۸۱ درصد هم گفته اند با احترام با آن ها رفتار می شود. میزان هدفمندی زندگی و برخورداری از احترام اجتماعی در میان مردان و زنان یکسان است.

طبق همین گزارش ۶۲ درصد مردم ایران شبکه های حمایت اجتماعی برخوردارند و حمایت از زنان بیشتری از حمایت مردان است.

شاخص دیگر مطلوبیت زندگی فردی تجارب منفی زندگی در دوره معین(۲۰۰۶-۲۰۱۰) است که از ۰ تا ۱۰۰ متغیر است. هرچه بیشتر باشد به تجربه کمتر منفی دلالت دارد. در این شاخص ایران نمره ۳۲ را کسب کرده است.

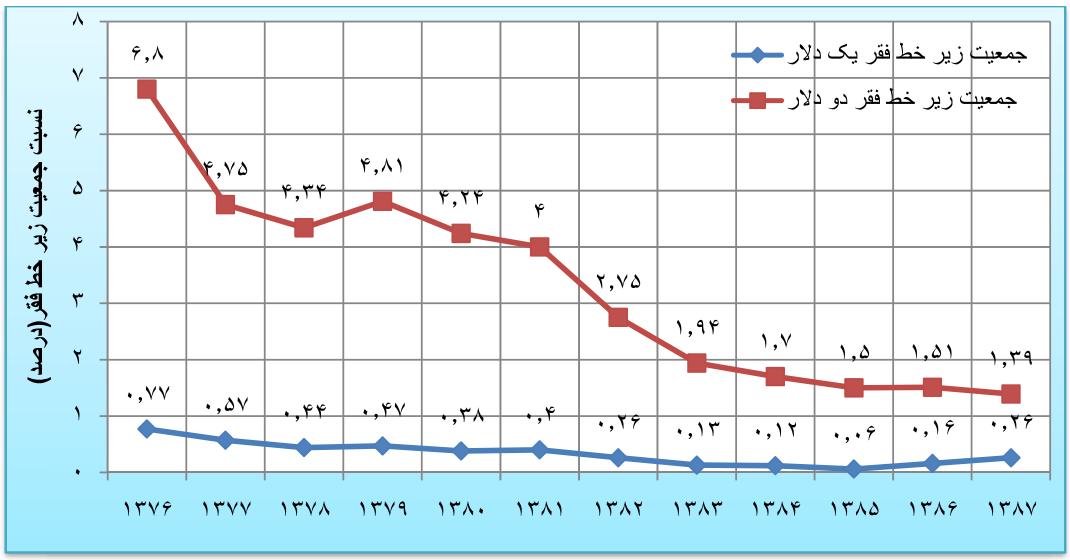
فقر درآمدی و انسانی کشورهای در حال توسعه نیز از جمله موارد مهمی است که در گزارش توسعه انسانی مورد توجه قرار گرفته است و در این میان شاخص فقر انسانی (HPI) از اهمیت زیادی برخوردار است. لازم به ذکر است که فقر انسانی در چارچوب توسعه انسانی قرار نمی گیرد. در واقع نمایه فقر انسانی در کشورهای در حال توسعه، روی بخشی از جمعیت تمرکز دارد که در سطحی پایین تر از معیارهای شاخص توسعه انسانی به سر می برند. فقر انسانی، در سه بعد محرومیت از بهداشت و سلامت، محرومیت از آموزش و محرومیت از استاندار زندگی ارزشیابی می شود. سوء تغذیه و مرگ و میر کودکان از مهمترین شاخص های

محرومیت از بهداشت و سلامتی هستند. محرومیت از آموزش نیز با سال های تحصیل و ثبت نام در مدرسه اندازه گیری می شود. سوخت برای پخت و پز، سرویس بهداشتی،آب، برق و مسکن مناسب استاندار زندگی را می سازند.

در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۰ برنامه توسعه ملل متحد اطلاعاتی در خصوص نمایه فقر انسانی چند بعدی ایران و شاخص های سازنده آن ارائه نشده است.

نمودارزیر نشان می دهد که طی دهه گذشته نسبت جمعیت زیر خط یک دلار در روز به شدت کاهش یافته و از ۰/۷۷ درصد در سال۱۳۷۶ به ۰/۲۶درصد کاهش یافت. نسبت جمعیت زیر خط فقردو دلار نیز از ۶/۸ درصد در ۱۳۷۶ به ۱/۳۹ درصد در ۱۳۸۷ تنزل پیدا کرد. انتظار می رود این روند در سال های آینده ادامه پیدا کند. اما در گزارش «اهداف هزاره سوم سال ۲۰۰۸» که توسط سازمان ملل و بر مبنای داده های سال ۲۰۰۴ هر کشور منتشر شده است، ارزش شاخص فقر انسانی در ایران ۱۲/۹ درصد کل جمعیت ایران بودکه از میان ۱۷۷ کشور جهان مقام ۹۴ و از میان ۱۰۸ کشور «در حال توسعه» مقام ۳۰ را دارا بود.

نمودار (۲۱) تغییرات نسبت جمعیت زیر خط فقر یک و دو دلار در روز(درصد)



منبع: وب سایت مرکزآمار ایران-پایگاه اطلاعاتیMDG

برپایه برآوردهای مبتنی بر داده های پیمایش سالانه درآمد و هزینه خانوار توسط مرکز آمار ایران برای دوره ۱۳۷۹-۱۳۶۴ به طور کلی سرشمار فقر در ایران از ۲۸ درصد در دوره سه ساله ۶۷-۱۳۶۴ به ۱۲ درصد در سه ساله ۱۳۷۹-۱۳۷۶ کاهش یافته است. در مورد فقر شهری این متغیر از ۳۵ درصد به ۱۳ درصد، در همین دوره افت کرده است. مقادیر مشابه برای فقر روستایی ۲۰ درصد و ۱۲ درصد محاسبه شده است. البته فقر کلی از ۳۲/۶ درصد در دوره ۶۹-۱۳۶۵ به ۲۸/۷ درصد در دوره ۷۴-۱۳۷۰ رسید که تنها ۴ درصد کاهش داشته است. از سوی دیگر در دوره ۱۳۷۹-۱۳۷۵ فقر با کاهش ناگهانی به ۱۴ درصد رسید که ۱۵

درصد کاهش داشته است. به بیان دیگر شتاب کاهش در دوره ۱۳۷۹-۱۳۷۵ بسیار بیشتر بوده است. این روند به ویژه در فقر روستایی بیشتر مشهود بوده است. فقر شهری در هر دو زیر دوره دهه ۱۳۷۰ با شتاب بیشتر کاهش یافته است. رشد بالاتر در دهه ۱۳۷۰ ابتدا مناطق شهری را بهره مند ساخته و پس از آن در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ مناطق روستایی را متأثر کرده است.

برخلاف برآوردهای مبتنی بر خط فقر مطلق، برآوردهای انجام شده بر پایه خط فقر نسبی نشان می دهد که فقر نسبی در مناطق روستایی از ۲۲ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۲۸ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته و در همین دوره این شاخص در مناطق شهری از ۱۹ درصد به ۲۷ درصد رسیده است.

۶- حضور و مشارکت زنان در عرصه های علمی، پژوهشی و سیاسی، طی سی سال گذشته در جمهوری اسلامی ایران

زنان و دختران در جمهوری اسلامی ایران نقش بی نظیری در استقرار، سازندگی و بالندگی داشته انـد. در شـکل گیری انقلاب اسلامی با حضور گسترده در صحنه های انقـلاب و تظـاهرات و مبـارزات نقـش بـارزی در پیـروزی انقلاب داشتن. در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با اعزام فرزندان و همسران خـود بـه جبهـه هـای دفـاع مقدس و نیز حضور در مناطق جنگی به عنوان پزشک و پرستار همواره پشتیبان انقلاب بودند. در دوران سازندگی نیز با حضور در عرصه های علمی و اجتماعی در سازندگی کشور نقش خاص داشتند.

در دوران بالندگی نیز با حضور در عرصه های علمـی، پژوهشـی، فنـاوری و نیـز فرهنگـی، اجتمـاعی، سیاسـی و مدیریت کشور در سطوح وزیر، معاون رئیس جمهور و نمایندگی مجلس باعث بالندگی کشور شدند. در بخش بـه گوشه هایی از موفقیت های زنان در سی سال گذشته در جمهوری اسلامی ایران اشاره می شود.

آمار حضور و مشارکت زنان در عرصه های علمی و پژوهشی

تعداد زنان عضو هیات علمی دانشگاه ها از ۱۸۹۴ نفـر در سـال ۱۹۷۸ بـه بـیش از ۱۳۰۰۰ نفـر در سـال ۲۰۱۰ رسیده است. تعداد دانشجویان دختر نیز از ۵۴۲۴۸ نفر در سال ۱۹۷۸ به بیش از دو میلیون نفـر در سـال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. هم اکنون دختران دانشجو می توانند در هر رشته ای که مایل باشند حتی رشته هـای فنـی و مهندسی چون مهندسی معدن. مهندسی هوا فضا و ... مشغول تحصیل شوند و هیچ محدودیتی برای آنهـا وجـود ندارد. در سالهای اخیر تعداد دخترانی که وارد دانشگاه شدند بیشتر از تعداد دانشـجویان پسـر بـوده اسـت. زنـان کشور ما هم اکنون در دانشگاه ها، مراکز پژوهشـی، بیمارسـتانها و مـدارس عـالی و همچنـین در سـمت هـای مدیریتی حضور فعال دارند. زنان در سمت های مشاور و معاون رئیس جمهور، وزیر، معـاون وزیـر و نیـز نماینـده مجلس شورای اسلامی و قاضی و مشاور قضایی عهـده دار مسـئولیت هسـتند . در سـال ۲۰۱۰، ۶۲/۲۷ درصـد داوطلبین آزمون سراسری زنان بوده‌اند و در سال ۲۰۱۰ تعداد زنان پذیرفته شده در مراکز آمـوزش عـالی دولتـی

۹۳۵ ، ۳۹۲ نفر بوده است که این رقم نسبت به ده سال قبل بیش از ۴/۸ برابر و نسبت به سه دهه گذشته بیش از ۲۷ برابر شده است.

در سال ۲۰۱۰، ۶۳/۵۶ درصد پذیرفته‌شدگان در مقطع کارشناسی زنان بوده‌اند، همچنین ۴۵/۶۸ درصد پذیرفته‌شدگان در مقطع کارشناسی ارشد و ۴۷/۸۸ درصد پذیرفته‌شدگان در مقطع دکترا را زنان تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۱۰ تعداد اساتید زن و کادر آموزشی مراکز آموزش عالی دولتی ۱۵،۵۰۰ نفر گزارش شده است که این رقم نسبت به سه دهه قبل ۶/۵ برابر شده است. ۱۷۳ تن از زنان عضو هیئت علمی دانشگاههای دولتی در مرتبه استاد تمام، ۴۳۶ تن در مرتبه دانشیار و ۳۰۸۶ تن در مرتبه استادیار هستند. همچنین تعداد زنان عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ۱۲،۴۵۰ نفر گزارش شده که این رقم نسبت به دهه گذشته بیش از ۳/۵ برابر شده است.

سهم زنان نخبه علمی در جشنواره‌ها و المپیادهای علمی و آمار رو به رشد آنان در سالهای اخیر بسیار قابل توجه است. این آمار نشان می‌دهد که در طول ۲۲ دوره برگزاری جشنواره بین‌المللی خوارزمی در رشته‌های مختلف علوم و فنون بیش از ۲۰ زن نخبه ایرانی با ارائه طرحها، ابداعات و اختراعات جدید برگزیده شده‌اند.

همچنین ۸۷۷ تن از برگزیدگان مرحله نهایی ۱۴ دوره المپیادهای دانشجویی در رشته‌های مختلف را زنان تشکیل می‌دهند.

۵۲ تن از برگزیدگان جشنواره جوان خوارزمی در بخش دانشجویی و ۱۲۴ تن از برگزیدگان جشنواره جوان خوارزمی در بخش دانش آموزی در طول ۱۱ دوره برگزاری را زنان تشکیل می‌دهند، این آمار همچنین حاکی است، در طول ۹ دوره برگزاری جشنواره دندانپزشکی دکتر هدایت، ۱۱۴ تن زن برگزیده به عنوان صاحبان طرحها و ابداعات برتر معرفی شده‌اند. در طول برگزاری ۳ دوره جشنواره فارابی در رشته‌های مختلف علوم انسانی، ۱۱ تن از برگزیدگان این جشنواره زنان بوده‌اند. در طول دو دوره مسابقات ملی روباتیک، ۱۱ تن از برگزیدگان نهایی آن زنان بوده‌اند. زنان همچنین در جشنواره رازی در رشته‌های مختلف علوم پزشکی سهم عمده‌ای داشته‌اند که ۳ تن از برگزیدگان آخرین دوره از میان زنان دانشمند بوده‌اند. ۸ تن از چهره‌های ماندگار در رشته‌های مختلف علمی که هر سال به عنوان چهره‌های طراز اول علمی ایران معرفی می‌شوند را زنان فرهیخته و دانشمند ایرانی تشکیل می‌دهند. در پایگاه اینترنتی مرکز اطلاعات و آمار زنان (وابسته به شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی) به آدرس www.iranwomen تاکنون بیش از ۲۲۱۱۷ زن نمونه و فعال ایرانی در قالب ۴۳ گروه و شاخه مختلف همراه با آثار و سوابق آنان معرفی شده است که از جمله معرفی‌نامه ۶۱۹۶ عضو هیئت علمی دانشگاه، ۱۲۰ زن مخترع و مبتکر ایرانی، ۶۹۳ زن پژوهشگر ممتاز، ۶۶۷ زن نویسنده و ۳۸۱ زن شاعر و صاحب اثر قابل توجه مخاطبین می‌باشد.

بی‌تردید عزم و اراده زنان دانشمند ایرانی به همراه پایبندی به ارزشهای اسلامی و مسئولیت‌پذیری و ایفای نقش خانوادگی الگوی برتر زن مسلمان در کشورهای اسلامی است.

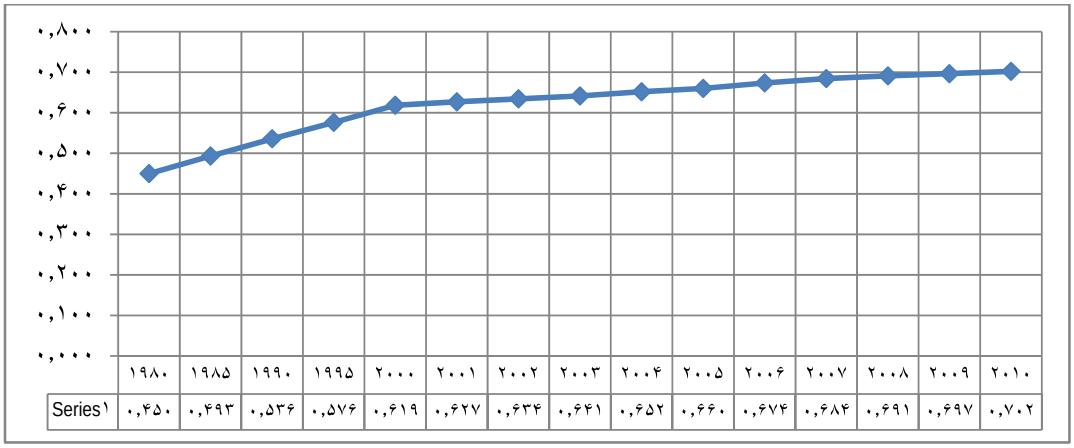
خلاصه و نتیجه گیری نهایی

نشانه های ضعف نظریه های توسعه و الگوی رشد اقتصادی در تبیین توسعهٔ ملل در دهه ۱۹۸۰ بیشتر نمایان شد. به دنبال آن برنامه توسعه ملل متحد بر پایه نظریه های توسعه انسانی اولین گزارش خود به عنوان گزارش توسعه انسانی را در سال ۱۹۹۰ متشرکرد در این گزارش مفهوم توسعهٔ انسانی با استفاده از سه نمایه اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی لازم برای یک زندگی بهتر و برخورداری از طول عمر توأم با سلامتی مورد سنجش قرار گرفت. گزارش توسعه انسانی یکی از مهمترین و معتبر ترین گزارش های اقتصادی و اجتماعی در جهان است که هر ساله توسط دفتر توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) منتشر می شود و در این گزارش نمایه توسعه انسانی (HDI) کشورها بر اساس معیارهایی چون امید به زندگی، کیفیت نظام آموزشی، درآمد واقعی و سرانه درآمد ملی محاسبه می شود که تمامی شاخصهای توسعه اقتصادی و اجتماعی در برآورد این شاخص دخیل است و به عبارتی یکی از جامع ترین معیارها برای مقایسه توسعه یافتگی کشورها به شمار می رود که البته تمامی دولتها و سازمانهای علمی و تحقیقاتی از این شاخص به عنوان معیار اصلی مقایسه کشورها استفاده می کنند.

برنامه توسعه ملل متحد در گزارش سال ۲۰۱۰ خود، مفهوم توسعه انسانی را بر پنج اصل ۱-زندگی سالم و طولا نی برای تمام انسانها در سطوح ملی و بین المللی؛۲- برخورداری تمام انسان ها از دانش کافی؛ ۳- استانداردهای مطلوب زندگی؛ ۴-آزادی انتخاب انسانها در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ۵- برخورداری از حقوق انسانی تضمین شده و عزت نفس؛ استوارساخته است که با معیاری به نام نمایه توسعه انسانی و مکمل های آن مانند «نمایه توسعه انسانی تعدیل شده بر اساس نابرابری» ، نمایه نابرابری جنسیتی و نمایه فقر چند بعدی اندازه گیری می شود.

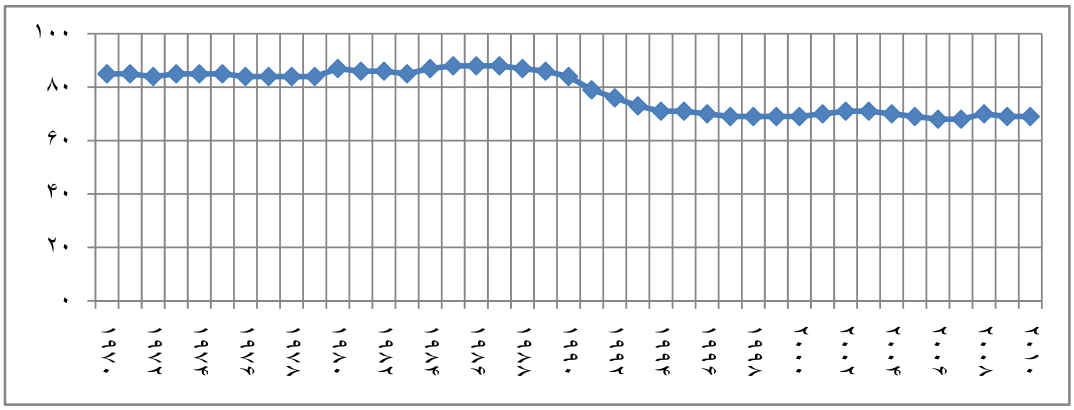
محاسبات UNDP نشان می دهد که در سال ۱۳۵۹ نمایه توسعه انسانی ایران ۰/۴۵۰ بود که در طول زمان بطور پیوسته افزایش یافت و در سال ۱۳۸۹ به ۰/۷۰۲ بالغ گردید. در طول این سی سال رتبه توسعه انسانی ایران با ۳۱ واحد کاهش از ۱۰۱ ام به ۷۰ ام رسید و از جرگه کشورهایی با توسعه انسانی متوسط خارج، و به جرگه کشورهای با توسعه انسانی بالا وارد شده است(نمودار(۲۲)). از این رو در ۵ سال گذشته ایران در میان کشورهای جهان(به غیر از جمهوری آذربایجان) بیشتر بهبود در نمایه توسعه انسانی را تجربه کرده است و از بعضی از کشورهای منطقه از جمله ترکیه و ارمنستان جلو افتاده است.

نمودار(۲۲) تغییر نمایه توسعه انسانی در جمهوری اسلامی ایران



منبع: Human Development Report 2010

نمودار(۲۳) تغییر رتبه توسعه انسانی در جمهوری اسلامی ایران



منبع: Human Development Report 2010

بر اساس گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۹برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ایران با رشد ۲۲,۱ درصدی نمایه توسعه انسانی در سالهای پس از پیروزی انقلاب از نظر سرعت توسعه یافتگی بین ۱۸۲ کشور دنیا در رتبه سوم جهان ایستاد و تنها سرعت توسعه یافتگی کشورهای مصر و چین از ایران بیشتر بوده است. این در حالی است که در سال ۲۰۰۸ ایران در رتبه چهارم قرار گرفته بود.

این تحول در توسعه انسانی به ترتیب به دلیل تحول اساسی در دانایی، تندرستی، درآمد سرانه بوده است. بر اساس گزارش توسعه انسانی، نرخ باسوادی افراد بالای ۱۵ سال در کشور در سال ۵۶ کمتر از ۴۷ درصد بوده است که این رقم نیز طی سالهای پس از انقلاب با افزایش قابل توجه مواجه شد و به بیش از ۸۴ درصد جمعیت ایران در حال حاضر رسیده است.

میانگین سالهای تحصیل، به عنوان شاخص سنتی توسعه دانایی، از ۲/۱۷ سال در سال ۱۳۵۹ به ۷/۲ سال در سال ۱۳۸۹ افزایش یافت. سال های مورد انتظار تحصیل، به عنوان شاخص جدید توسعه دانایی، از ۷ سال در سال۱۳۵۹ به ۱۴/۰۲ سال در سال ۱۳۸۹ افزایش یافت و دو برابر شده است. میزان امید به زندگی از لحظه تولد، به عنوان شاخص توسعه سلامتی، از ۵۸/۵۹ سال در سال ۱۳۵۹ به ۷۲ سال در سال ۱۳۸۹ افزایش یافت. در واقع در این سی سال قریب به ۱۵ سال به عمر ایرانیان اضافه شده است(UNDP,2010).
درآمد سرانه ایرانیان در سال ۱۳۵۹ به قیمت های ثابت سال ۱۳۸۷ حدود ۷۷۰۴ دلار بین المللی(PPP US$) بود که در طول ۸ سال جنگ تحمیلی به شدت کاهش و در سال ۱۳۶۷ به حداقل خود رسید. اما پس از پایان جنگ و آغاز دوره سازندگی درآمد سرانه ایرانیان مجدداً رو به افزایش نهاد و در سال ۱۳۸۹ به ۱۲ هزار دلار بالغ گردید(UNDP,2010). دسترسی به آب شرب و آشامیدنی سالم از ۵۱درصد کل جمعیت کشور در سال ۵۶ به بیش از ۹۴ درصد در حال ۲۰۰۹ افزایش یافته است(UNDP,2009).
طبق محاسبات UNDP در سال ۲۰۱۰(۱۳۸۹) ارزش نمایه نابرابری جنسیتی در ایران ۰/۶۷۴ بود و در میان ۱۷۰ کشور جهان در جایگاه ۹۸ قرار داشت(UNDP,2010). این وضعیت عمدتاً ناشی از نابرابری در مشارکت سیاسی و نابرابری در مشارکت بازارکار و مرگ و میر مادران بوده است. علیرغم بهبود قابل توجه وضعیت ایران در سی سال گذشته این رتبه، رتبه قابل قبولی برای ایران محسوب نمی شود.
با توجه به افزایش اهمیت جهانی نمایه توسعه انسانی در ماده ۲۴ قانون برنامه پنجم توسعه بطور مستقیم بر ارتقاء شاخص توسعه انسانی و رسیدن به سطح کشورهایی با توسعه انسانی بالا تأکید شده است. البته طبق گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۰ UNDP این امر تحقق یافته است و امید است دولت در راستای ارتقاء این به سطح کشورهایی با توسعه انسانی بسیار بالا تلاش کند.

منابع و مآخذ

- عباسی شوازی، محمد جلال، ۱۳۸۱، هم‌گرایی رفتارهای باروری در ایران: میزان، روند و الگوی سنی باروری در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۵، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸: صص ۲۰۱-۲۳۱ .
- عباسی شوازی، محمدجلال، میمنت، حسینی چاوشی، بهرام، دلاور، و پیتر مکدنالد، ۱۳۸۴، تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۸۱، ویژگی‌های جمعیتی بهداشتی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- قوانین بودجه سنواتی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور(۱۳۷۹)، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳-۱۳۷۹
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور(۱۳۸۳)قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران۱۳۸۸-۱۳۸۴.
- سازمان برنامه و بودجه(۱۳۶۷)، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران۷۲-۱۳۶۸
- سازمان برنامه و بودجه(۱۳۷۲)، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران۷۸-۱۳۷۳
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۵)، مجموعه آماری سری‌های زمانی
- ادارهٔ مالکیت صنعتی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (سایت)، ۱۳۸۹
- جلال آبادی و طاهری (۱۳۸۳)، شاخص‌های مهم تحقیقاتی در ایران و جهان
- دبیرخانه شورایعالی انقلاب فرهنگی، گزارش توصیفی و موضوعی مصوبات ۱۳۸۰-۱۳۶۳
- دبیرخانه کمیسیون انجمن‌های علمی ایران، معاونت پژوهشی (۱۳۸۷)، منوگراف
- دفتر گزارش‌ها و بررسی‌های سازمان برنامه و بودجه، گزارش پیشرفت عملیات عمرانی برنامهٔ سوم
- سایت انجمن مخترعین کشور (۱۳۸۸)
- سایت بانک مرکزی(۱۳۸۹)، بخش اطلاعات آماری
- سایت بانک مرکزی(۱۳۸۹)، پایگاه اطلاعاتی سری زمانی متغیر های اقتصادی
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۰)، گزارش عملکرد دولت از سال ۷۶ تا ۸۰
- گزارش رسمی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان
- گزارش رسمی مرکز اطلاعات و آمار زنان
- UNDP(2009), Human Development Report 2009
- UNDP(2010), Human Development Report 2010

فصل سوم

دستاوردهای فرهنگی سی سال جمهوری اسلامی ایران

چکیده

شناخت وضع موجود و تحلیل روندهای حاکم بر آن، مهم ترین اقدام در مدیریت راهبردی است. بدون این شناخت و آگاهی، عملا برنامه ریزی برای آینده ناممکن می نمایاند. اینک که ایران اسلامی می رود تا سی و سومین سالگرد پیروزی خود را جشن بگیرد، ترسیم تحولات سی ساله گذشته نظام در حوزه فرهنگی، امکان مناسبی را برای برنامه ریزی آینده و پیش بینی تحولات پیش رو فراهم می کند

ترسیم این تحولات نه تنها میزان رشد و توسعه فرهگی را در نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد بلکه امکان مقایسه مناسبی را نیز در عرصه بین المللی فراهم ساخته و تصویر درست و روشنی در اذهان جهانیان بوجود می آورد.

در این تحقیق فرهنگ به معنای خاص و بخش فرهنگ (شامل فعالیت های مورد عمل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) که در قوانین بالادستی و قوانین برنامه های پنج ساله مشخص شده اند، به شرح زیر است:

- فرهنگ مکتوب: شامل صنعت نشر اعم از کتاب، مطبوعات و سایر موارد مشابه
- سینما، تئاتر
- موسیقی و انواع فعالیت های مرتبط
- معارف دینی شامل انواع فعالیت های آموزشی، ترویجی، تبلیغی و آیینی در جهت ترویج مناسک و گسترش معارف اسلامی
- هنرهای

فصول مختلف این تحقیق از دو بخش اصلی تشکیل شده است. در بخش اول مهم ترین تحولات فرهنگی و هنری در چارچوب مدیریت فرهنگی کشور با ارایه مهمترین فعالیت ها و برنامه های اجرا شده آمده است. در بخش دیگر ابتدا شاخص های هر بخش آمده و سپس با ارایه آمار و اطلاعات مستند، روند رشد کمی مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج این طرح نشان می دهد که در طول دوره مورد بررسی نه تنها در بخش کمی دستاوردهای بزرگی در عرصه فرهنگ و هنر رقم خورد بلکه برنامه ها و فعالیت های بی نظیری طراحی و اجرا شد که در بسیاری از حوزه ها جایگاه ویژه ای در دنیا پیدا کرده و سبک جدیدی را به نمایش گذاشت. نگاه و اخلاقی به تولیدات

فرهنگی و هنری و توجه ویژه به مقوله معنویت از شاخصه ها و ویژگی های این محصولات در سه دهه گذشته بوده است.

مقدمه

جامعه اسلامی ایران در ۳۲ سال اخیر در بسیاری از زمینه ها، با تحولاتی بنیادی مواجه بوده است. در واقع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و استوار شدن نظام جمهوری اسلامی در کشور، نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، علمی، قضایی، دفاعی و انتظامی کشور دگرگون شد که محور اصلی تمامی این دگرگونیها و تحولات، فرهنگ اسلامی قلمداد می شود. به تعبیری می توان گفت که پس از پیروزی انقلاب، کارکرد مورد انتظار از فرهنگ، بسط نظام انقلابی از طریق انتقال پیام های ارزشی آن بود که درست به همین دلیل به فرهنگ، به عنوان شالوده و اساس کلیه برنامه ریزی ها و فعالیت ها نگریسته شده است.

با نگاهی عمیق به اهداف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چنین می نمایاند که از حوزه فرهنگ و دستگاه های متولی آن انتظار می رود مفاهیم، تصورات و ارزش های دینی را به توده های وسیع مردم منتقل کنند و همچنین ارزش های انقلابی را زنده نگه داشته و آن را ترویج کند. زیرا رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی، استقلال فرهنگی و مصونیت جامعه از نفوذ فرهنگ اجانب، اعتلای آگاهی های عمومی در زمینه های مختلف، شکوفایی استعداد ها و تقویت روحیه تحقیق، تتبع و ابتکار در جامعه، رواج فرهنگ و هنر اسلامی، آگاهی جهانیان نسبت به مبانی و مظاهر و اهداف انقلاب اسلامی، گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف بخصوص مسلمانان و مستضعفان جهان و فراهم آوردن زمینه های وحدت میان مسلمین از جمله اهداف تشکیل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است.

این گزارش، روایت کوشش های مشترک و هنرمند انسان هایی است که به فرهنگ این مرز و بوم عشق می ورزند و بدان ایمان دارند و در تکاپوی اعتلای آن، روزگار می گذرانند. بدون تردید جمع بندی و انعکاس بی کم و کاست این تلاش ها و ثمرات برنامه ریزی ها نه در این نوشتار می گنجد و نه از آن باید انتظار داشت.

درطرح«دستاوردهای فرهنگی سی و یک سال جمهوری اسلامی ایران(وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»تلاش شدتا اهم دستاوردهادردونگاه مورد بررسی قرار گیرد. نگاه اول اهم تحولات فرهنگ و هنر را از زاویه آمار مورد بررسی قرار می دهد. تلاش کردیم تا مهمترین شاخص های فرهنگی و هنری مرتبط با وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شناسایی، و سیر تحولات آن در ۳۲ سال گذشته مورد بررسی قرار گیرد. کتاب و کتابخوانی، سینما، هنر(نمایشی، تجسمی، موسیقی) مطبوعات، فعالیت های دینی (حج و زیارت، اوقاف و امور خیریه، کانونهای فرهنگی و هنری مساجد) و فعالیتهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، بخشهای کمی گزارش را تشکیل می دهند.

می دانیم که آمار درست و روزآمد در بخش فرهنگ همواره یک معضل و مسئله جدی بوده است و این گزارش نیز از این معضل رنج می برد. سعی شد تا آمارهای ارایه شده، مستند بوده و از درج آمارهایی که در منابع رسمی درج نشده است خودداری شود.

در نگاه دوم دستاوردهای نظام از لحاظ کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش اهم فعالیتها وبرنامه هاکیفی و محتوائی در طبقه بندی های مناسب آمده است.

۱. تحولات فرهنگی ایران

» رویکرد دینی در فعالیت های فرهنگی و هنری

انقلاب اسلامی ایران، بنابر اظهار بسیاری از کارشناسان و صاحبنظران داخلی و خارجی، کاملاً ماهیت فرهنگی و دینی داشته و لذا کلیه فعالیت ها و بخش های مختلف کشور بر اساس این محورها شکل گرفت. بخش فرهنگ و هنر طبیعتاً بیشترین تأثیر را از ماهیت انقلاب داشته و از همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، رنگ و بوی بسیاری از تولیدات فرهنگی و هنری ماهیت ارزشی و دینی به خود گرفت. بنابراین، نگاه دینی و ارزشی در جای جای بخش های مختلف فرهنگ و هنر و نیز تولیدات مرتبط، حضور و نفوذ جدی داشته و اختصاص یک بخش مستقل به فعالیت های دینی شاید تقسیم بندی مناسبی نباشد

» نهادسازی در عرصه دین

اگرچه از قبل از انقلاب اسلامی، در ساختار مدیریتی و سازمانی کشور، نهادهایی در حوزه دین فعالیت می کردند اما این سازمانها یا فعالیت های ترویجی و تبلیغی نداشتند و یا در حد اندک بود.سازمانهای اوقاف و امور خیریه و حج و زیارت از جمله این نهادها بودند که در قبل از انقلاب با عنوان سازمان حج و اوقاف در یک قالب اداره می شد

سازمان اوقاف و امور خیریه علاوه بر وظایف مشخص که از قبل از انقلاب نیز برای آن متصور بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی گام های مختلف و فراوانی را در جهت ترویج فرهنگ دینی و قرآنی درکشور برداشت. تأسیس وراه اندازی ۱۲ دانشکده علوم قرآنی از اواخر دهه ۶۰، شکل گیری مسابقات بین المللی قرآن کریم از اواخر دهه ۶۰ و برگزاری مستمر و فعال آن تا حال حاضر، برگزاری مسابقات ملی و استانی قرآن کریم، ترجمه قرآن کریم به اکثر زبان های زنده دنیا و انتشار وسیع آن در داخل و خارج کشور با هدف آشنا نمودن مسلمانان و غیرمسلمانان جهان با این کتاب بزرگ و جاودان، گسترش فرهنگ وقف با شناسایی موقوفه های کشور و اجرای طرح شناسایی موقوفه ها بصورت استان به استان از اواسط دهه هفتاد نمونه هایی از دستاوردهای این سازمان در سه دهه پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.

همچنین در طول سی سال گذشته، با جلب اعتماد عمومی گامهای مؤثری برای احیاء و احقاق حقوق موقوفات از طریق تأسیس صندوق عمران موقوفات کشور برداشته شد. خصوصاًدر اجرای فتوای حضرت امام خمینی (ره) و همچنین ماده واحده مصوب ۱۳۶۳/۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی به منظور بازگرداندن اراضی و رقبات وقفی که بدون مجوز شرعی و در جریان قانون اصلاحات ارضی رژیم سابق از وقفیت خارج شده بود تاکنون هزاران هکتار از اراضی وقفی را شناسایی و برای آنها شناسنامه صادر کرد.

سازمان حج و زیارت که از سال ۱۳۶۳ با تصویب قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه ماهیت سازمانی به خود گرفت، در سال ۱۳۷۰ بصورت مستقل با عنوان سازمان حج و زیارت وزیر مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به فعالیت در زمینه امور حج و زیارت و عتبات عالیات پرداخت. سازمان حج و زیارت که خود از دستاوردهای انقلاب اسلامی است تاکنون توانست بستر سازی مناسبی را برای حضور علاقمندان و زائران به مکه مکرمه و مدینه منوره بویژه در خصوص حج عمره از طریق کاهش تصدی و واگذاری آن به بخش خصوصی فراهم آورد.

» تقویت پژوهشها و فعالیت های فرهنگی و هنری دینی

تقویت و توسعه پژوهشهای بنیادی و کاربردی در عرصه دین بویژه با رویکرد فرهنگی و هنری از جمله برنامه ها و سیاستهای کشور در سالهای پس از انقلاب اسلامی بود که از اواسط دهه هفتاد در قالب ساختار مشخص تحت عنوان «دبیرخانه دین پژوهان» فعالیت های خود را دنبال کرد.

برگزاری سالانه مراسم انتخاب پژوهش برتر حوزه دین در راستای تقویت و تشویق پژوهشگران این بخش و نیز تقویت پژوهشهای بنیادی و کاربردی در عرصه دین بوده و یکی از موفق ترین فعالیتهای مستمری است که موجب رشد کیفی و محتوایی پژوهشهای حوزه دین شده است.

در عین حال برپایی کنگره دین پژوهان کشور،از اوایل سالهای دهه هفتاد با حضور اساتید دانشگاهها، علما، اندیشمندان، پژوهشگران و محققان علوم دینی حوزه و دانشگاه برگزار شد و هدف از آن، همگرایی و هماهنگی میان محققان علوم دینی و تقویت و توسعه فعالیتهای دینی کشور است. این کنگره همه ساله، به وسیله دبیرخانه دین پژوهان کشور در قم برگزار می شود.

برگزاری جشنواره موسیقی ذکرو ذاکرین از جمله فعالیت هایی است که از سالها دهه هفتاد شکل گرفته است. در این جشنواره به آیین های مذهبی مناطق مختلف کشور در قالب موسیقی پرداخته می شود.

در کنار فعالیت ها و برنامه های فوق، می توان به برگزاری جشنواره های موضوعی دینی، جشنواره و ماوراء از دریچه سینما ونیز حمایت از تولیدات سینمایی پرمحتوا و عمیق و معرفی آنها به مجامع بین المللی، بسترسازی و فعال نمودن تولید تئاتر دینی نیز برگزاری جشنواره های تخصصی و حمایت مادی و معنوی از

آن، شکل گرفتن تدریجی مطبوعات حوزه دین و تقویت و حمایت از فعالان عرصه مطبوعات دینی و برگزاری اولین جشنواره مطبوعات دینی در کشور در سال ۱۳۸۲ اشاره کرد.

برگزاری نزدیک به دو دهه نمایشگاه بزرگ و بین المللی قرآن کریم را شاید بتوان یک نقطه تلاقی و قوی بین تولیدات فرهنگی و هنری با مفاهیم دینی و قرآنی دانست. این نمایشگاه که هر ساله به مدت یک ماه در ماه مبارک رمضان در تهران برگزار می شود بسیاری از تولیدات و فعالیت های فرهنگی وهنری در زمینه نشر، هنرهای تجسمی (خوشنویسی، نقاشی، گرافیک) هنرهای سنتی (تذهیب، خاتم و ...) ، هنرهای نمایشی و ... با محتوا و ماهیت دینی در سطوح مختلف از کودکان تا بزرگسالان را به نمایش می گذارد. برگزاری نشست های تخصصی دینی، فرهنگی و هنری و جذب و فعال سازی بسیاری از مردم بویژه قشر جوان در فعالیت های یک ماهه نمایشگاه و ارایه آخرین دستاوردهای فرهنگی، هنری و پژوهشی در عرصه دین و قرآن از جمله اهداف و برنامه های این نمایشگاه است. در عین حال برگزاری سالانه نمایشگاه های قرآن استانی بویژه در ایام مبارک رمضان در کنار نمایشگاه بین المللی همواره مورد توجه مدیران و مسئولان فرهنگی نظام بوده است.

برپایی مسابقات قرآن کریم در سطح استانی، ملی و بین المللی از مهمترین فعالیت های مستمری است که از سالهای اول انقلاب شکل گرفته و هنوز هم ادامه دارد. سازمان اوقاف و امور خیریه که سیاستگذاری و اجرای مسابقات را بر عهده دارد، تقریباً از سالهای اولیه بعد از انقلاب، برگزاری مسابقات شهرستانی، استانی، کشوری و بین المللی قرآن کریم (هر سال یک دوره) را شروع کرده و هر ساله با برنامه ها و فعالیت های متنوعی تری آن را دنبال می کند به نحوی که مسابقه بین المللی قرآن کریم که هر ساله در ایران برگزار می شود هم اکنون به عنوان یکی از مهمترین مسابقات بین المللی قرآن در جهان به حساب می آید.

البته برنامه ها و فعالیت هایی که ذکر آن رفت فقط بخش کوچکی از مجموع برنامه های اجرا شده است ولی تلاش شد تا مهمترین آنها که نهادینه شده و همواره ضمن اجرا و برگزاری، بر تنوع و گستردگی کمی و کیفی آنها افزوده می شود، به اجمال معرفی و مستندسازی شود.

شاید یکی از مهمترین دستاوردهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در طی ۳۰ سال گذشته را بتوان تأسیس و راه اندازی دبیرخانه ستاد عالی نظارت بر کانون های فرهنگی و هنری مساجد در سال ۱۳۷۲ دانست. مساجد که زمانی به عنوان محور فعالیت های علمی و فرهنگی و هنری محسوب می شدند در طول سالیان دراز از اهداف اصلی خود دور شده و کم کم به محیط صرف عبادی تبدیل شدند. تقویت کانون های فرهنگی و هنری مساجد موجود و تأسیس تعداد زیادی از این کانون ها و نیز فعال نمودن کتابخانه های فرهنگی و هنری مساجد تلاش جدی بود که نظام اسلامی در جهت احیاء نقش اصلی و تأثیرگذاری مساجد طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی داشته است.

نهاد دیگری که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تأسیس شد تحت عنوان مرکز گسترش و ترویج فعالیت های قرآنی نام دارد که علیرغم نوپا بودن آن و راه اندازی آن از اواخر دهه هفتاد، توانسته نقش تدریجی خود را در قالب فعالیت های حمایتی، هدایتی و ترویجی امور قرآنی پیدا کند و هم اکنون برگزاری نمایشگاههای بین المللی، ملی و استانی قرآن کریم، تقویت حمایت از نهادها و تشکل های غیردولتی در امور قرآنی و حمایت از تولیدات فرهنگی و هنری با موضوع قرآن از مهمترین فعالیت های آن به حساب می آید.

اما آنچه مهم است اینست که فعالیت های تبلیغی و ترویجی دینی فقط در همین نهادها و سازمانها، ساماندهی و مدیریت نمی شود بلکه مؤلفه های اصلی و مهم دینی در اکثر فعالیت ها، برنامه ها و تولیدات فرهنگی و هنری ساری و جاری شده و لذا شاهد نقش این مؤلفه ها در همه ابعاد و بخش های فرهنگ و هنر در طی ۳۰ ساله گذشته در زمینه ایجاد ساختار هستیم، همین رویکرد به مقوله دین بود که از دهه ۶۰ به بعد، حمایتهای مادی و معنوی از تولیدات فرهنگی و هنری دینی و انقلابی مورد توجه قرار گرفت و یارانه های چشمگیری به این مهم تخصیص داده شد. حمایت از تولید فیلمهای سینمایی با محتوای دینی، حمایت از تولید کتابهای دینی و مراکز طبع و نشر کتب مذهبی و اعتقادی به طوری که در سالهای بعد از انقلاب، تولید کتابهای دینی، از لحاظ عناوین و شمارگان، بیشترین رشد را داشته است؛ حمایت از مطبوعات دینی، افزایش مراکز اطلاع رسانی در حوزه دین و حمایت از تولیدات هنری با مضامین دینی از جمله فعالیتهای مستمری بوده که با محوریت دین انجام شده است.

۲. فعالیت های فرهنگی و هنری دینی از نگاه آمار

در ا وایل دهه هفتاد با تشکیل ستاد عالی نظارت بر کانونهای فرهنگی هنری مساجد، تلاش جدی برای تقویت فعالیت های علمی و فرهنگی مساجد انجام گرفت که آمارهای ارایه شده در جدول شماره (۱) گواه براین مدعاست.

بر اساس این جدول، در سال ۱۳۷۲ (زمان تشکیل دبیرخانه هیأت عالی نظارت بر کانونهای فرهنگی و هنری مساجد) فقط ۱۴ باب کانون فرهنگی و هنری مسجد در کشور فعال بوده است که این رقم با رشد متوسط سالانه ۴۸/۴۲ درصد به ۵۰۶۷ باب در سال ۸۸ رسید. در واقع در سال ۱۳۷۲ به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت کشور حدود ۰/۳ باب کانون در کشور فعال بوده است که این در سال ۸۷ به بیش از ۷۰ باب افزایش پیدا کرد. در همین حال در سال ۱۳۷۲ فقط ۱۴۸۰ نفر عضو این کانونها بودند که به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت کشور حدود ۲۳ نفر را در بر می گرفت که این رقم در سال ۱۳۸۷ به ۱,۵۵۲,۰۰۰ نفر افزایش پیدا کرد. به عبارت دیگر در این سال به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت کشور حدود ۲۳۰۰ نفر به عضویت این کانون ها در آمدند.

کتابخانه های مساجد که یکی از محورهای اصلی فعالیت کانونهای فرهنگی و هنری مساجد به حساب می آیند در سال ۱۳۷۴ فقط ۱۳۹ باب بود که در سال ۱۳۸۸ به ۲۷۷۷ باب افزایش یافت که رشد متوسط سالانه ۲۳/۸۵ درصد را نشان می دهد. با توجه به جمعیت سال ۱۳۷۴، به ازای هر صد هزار، نفر فقط ۰/۳ باب کتابخانه مسجد در کشور فعال بود که این رقم در سال ۸۷ به ۳/۷۵ باب افزایش پیدا کرده است.

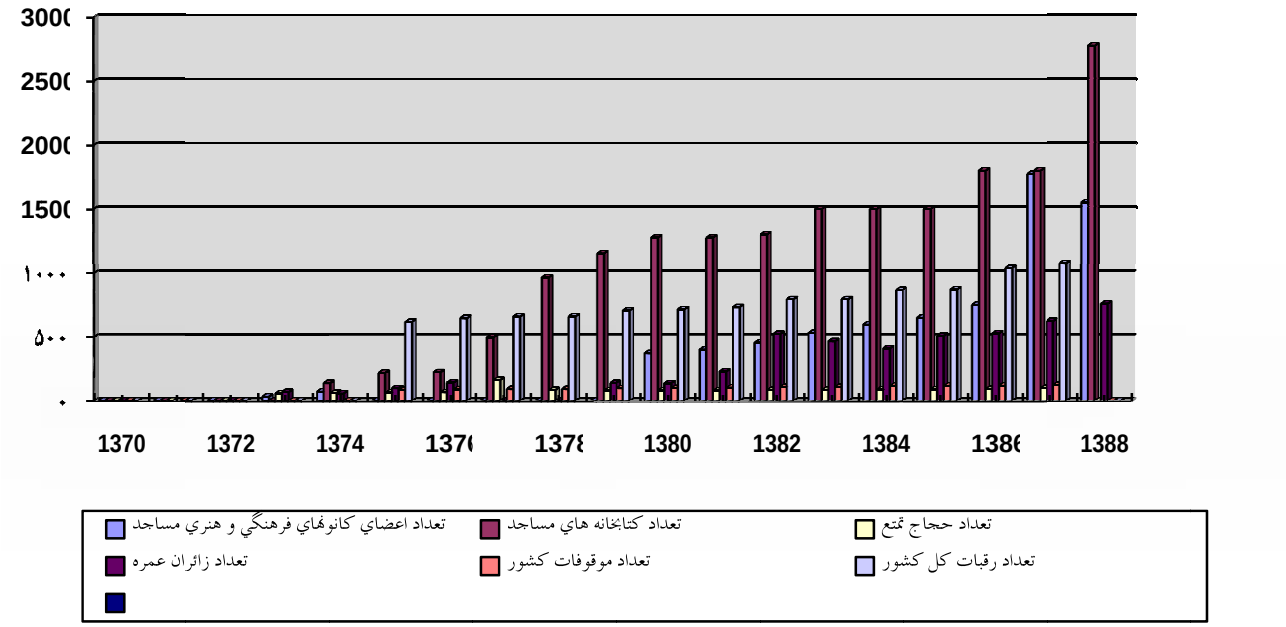
حج بزرگترین رویداد دنیای اسلام است که همه علاقمندان و مشتاقان مسلمان را از سراسر جهان به دور کعبه گرد آورده تا مناسک مشترک عبادی و سیاسی انجام دهند. سازمان حج و زیارت مدیریت این امر مهم را عهده دار بوده تا علاوه بر حج تمتع، متقاضیان عمره را نیز ساماندهی کند.

تعداد حجاج تمتع به دلیل سهمیه بندی دولت عربستان از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۸۷ رو به کاهش گذاشت و از ۱۰۵۷۶۳ نفر به ۱۰۱۹۳۷ نفر رسید که رشد متوسط سالانه منفی ۰/۲۳- درصد را نشان می دهد. ولی آنچه قابل تأمل است تلاش مدیران امور حج و زیارت از سال ۱۳۷۷ به بعد است که از طریق رایزنی های متعدد با مسؤولان کشور عربستان و نیز فراهم نمودن امکانات، توانستند از سیر نزولی سهمیه ایران در حج تمتع جلوگیری کرده و تا سال ۸۷ همچنان بر مقدار آن بیفزایند. در عین حال تعداد حجاج عمره از ۵۸۱۳۹ نفر در سال ۱۳۷۲ با نرخ رشد متوسط سالانه ۱۷/۴ درصد، به ۷۶۰۶۷۸ نفر در سال ۱۳۸۸ افزایش یافت.

وقف نه تنها در ایران اسلامی و نیز کشورهای اسلامی دارای اهمیت و ارزش است بلکه در تمام دنیا موضوع مهمی بوده به نحوی که در بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی، دارای سازمان و ساختار اداری برای مدیریت آن است. سازمان اوقاف و امور خیریه علاوه برگزاری مسابقات قرآنی، انتشار کتب بویژه به چندین زبان زنده دنیا، مدیریت بقاع متبرکه و زیارتگاه ها و نیز حمایت از برگزاری مناسک عبادی، وظیفه مهم مدیریت موقوفات را به عهده دارند. جدول شماره (۱) تعداد موقوفات کشور را نشان می دهد. متذکرمی شود نبود آمار به منزله نبود فعالیت در قبل از سال ۱۳۷۵ نیست بلکه آمار مستند و قابل اتکائی از سالهای قبل ۷۵ در دست نیست. تعداد موقوفات کشور از ۸۴۰۰۰ موقوفه در سال ۱۳۷۵ با رشد متوسط سالانه ۳/۳۴ درصد به ۱۲۴۵۲۵ موقوفه در سال ۱۳۸۷ رسید؛ همچنین در طول این مدت تعداد رقبعات موقوفات نیز از ۶۱۷۳۱۹ رقبه به ۱,۰۷۶,۸۶۵ رقبه رسید که متوسط رشد ۴/۸ درصد را نشان می دهد.

البته فعالیت ها و شاخص های دینی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به همین ۹ شاخص مطرح شده خلاصه نمی شود بلکه بسیاری از فعالیت ها و برنامه ها در هر سال اجرا شده که باید از منظر شاخص های کیفی بدان نگریست و ارایه آمار و بررسی کمی آنها، زبان گویایی نخواهد بود.

نمودار شماره ۱- وضعیت شاخص های بخش فعالیت های دینی طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۸



۳. کتاب و کتاب خوانی

تولید و انتشار کتاب در هر کشوری در کنار توسعه فعالیت های مرتبط از جمله نمایشگاه های کتاب و کتابخانه های عمومی، یکی از شاخص های مهم توسعه محسوب می شود. شاید بتوان رشد و ارتقای کمی و کیفی در شاخص های مختلف بخش کتاب و کتابخوانی را در ایران معاصر به دو دوره مجزای قبل و بعد از انقلاب تقسیم کرد. تفاوت آمارهای این بخش و روند سریع رو به رشد آنها در سالهای بعد از انقلاب، همواره مورد توجه مسئولان کشور بوده و مدیریت های مختلف به آن اهتمام جدی داشتند. در سالهای بعد از انقلاب اسلامی حوزه کتاب و کتابخوانی شاهد دستاوردها و تحولات مهمی در عرصه های مختلف بوده است؛ از جمله این دستاوردها می توان به توسعه ی فناوری اطلاعات در حوزه کتاب، گسترش جوایز ادبی، گسترش نمایشگاه های تخصصی کتاب، برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب، تأسیس مؤسسه ی خانه‌ی کتاب، برگزاری هفته کتاب به عنوان مهمترین رویدادهای فرهنگی در سال، گسترش فعالیتهای حوزه ی شعر، توسعه ی حمایتهای دولت از تولید کنندگان، پدیدآورندگان و مصرف کنندگان کتاب،توسعه ی فعالیتهای حوزه ی ادیان، فرق و مذاهب و احداث اولین شهرک چاپ ایران اشاره کرد؛ که در ادامه به شرح هر یک از این فعالیتها به طور مختصر می پردازیم:

الف- رویدادها وبرنامه های ملی و بین المللی در عرصه کتاب

۱. برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران
۲. برگزاری نمایشگاه های کتاب استانی
۳. گسترش نمایشگاههای تخصصی کتاب

ب- گسترش جوایز ادبی

۱. برگزاری جایزه کتاب سال و جایزه جهانی سال
۲. جایزه ادبی جلال آل احمد
۳. جایزه ادبی پروین اعتصامی

ج- برگزاری مراسم هفته ی کتاب

د- فعالیت های حمایتی در حوزه ی کتاب و کتابخوانی

۱. حمایت از مصرف کنندگان آثار مکتوب
۲. حمایت از انتشار کتابهای ارزشمند
۳. حمایت از نشر و تولید کتاب
۴. حمایت از فعالیتهای حوزه شعر

ه . توسعه ی فناوری اطلاعات در حوزه کتاب

۱. «کتاب نت» (بانک اطلاعاتی کتابهای منتشر شده در کشور) - www.ketabnet.org.ir

۲. شابک ایران(International ISBN)

۳. ایجاد مراکز تازه های نشر

۴. تولید و انتشار نشریات اطلاع رسانی، نقد و بررسی کتاب

و. کتاب و کتابخوانی از نگاه آمار

جدول شماره ۲ گویای میزان تغییر در شاخص های عمده بخش کتاب و کتابخوانی طی سالهای پس از انقلاب اسلامی است. لکن چند شاخص عمده و اساسی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرند. با توجه به جدول شماره ۲، ۱۸۶۰ عنوان کتاب در سال ۱۳۵۸ چاپ و منتشر شده بود که این رقم با رشد متوسط سالانه ۱۲/۳ درصد به ۶۰۸۰۱ عنوان در سال ۱۳۸۸ افزایش یافت. باتوجه به جمعیت ۳۶۳۸۸۰۰۰ نفری کشور در سال ۱۳۵۸ به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت فقط ۰/۵۱ عنوان کتاب در کشور تولید شده بود که این رقم با توجه به جمعیت ۷۳۷۴۵۳۴۴ نفری کشور در سال ۱۳۸۸، به ۸/۲ عنوان به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت رسید. در واقع علیرغم رشد جمعیت بیش از دو برابری کشور از سال ۵۸ تا ۸۸، سرانه عناوین کتابهای تولید شده طی این مدت حدود ۱۵ برابر افزایش یافته است.

شمارگان کتاب های منتشر شده به عنوان یکی از شاخص های اساسی بخش کتاب، از ۶۸۳ هزار نسخه در سال ۱۳۵۸ به ۲۰۶ میلیون و ۱۶۱ هزار نسخه در سال ۱۳۸۸ افزایش یافته است که رشد متوسط سالانه ۲۱ درصد را نشان می دهد.

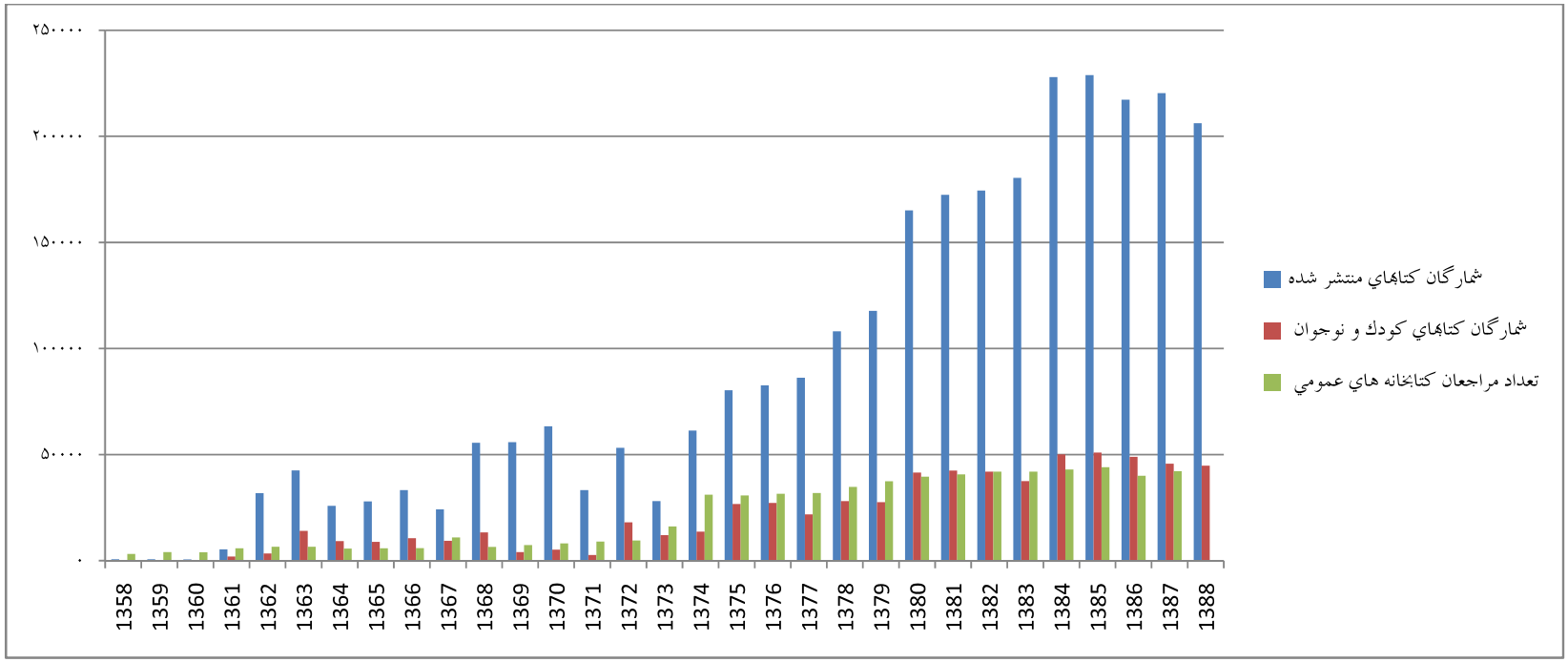
کتابخانه های عمومی به عنوان یکی از مهمترین مراکز فرهنگی هر شهر که خدمات فرهنگی رایگان به مخاطبان ارایه می دهند و نیز به عنوان مهمترین محل مطالعه کتاب و تبادل افکار و اطلاعات، از ۳۶۸ باب در سال ۱۳۵۸ به ۲۰۷۳ باب در سال ۱۳۸۸ افزایش یافته است که رشد متوسط سالانه ۵/۹ درصد را نشان می دهد. در سال ۵۸ هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت کشور از ۱/۰۱ باب کتابخانه عمومی بهره مند بودند که این رقم به ۲/۸ باب در سال ۸۸ افزایش یافته است.

یکی از شاخص های مهم و جالب توجه در طی دوره مورد بررسی، تعداد مراجعین به کتابخانه های عمومی کشور بوده است. در سال ۱۳۵۸ تعداد ۳ میلیون و ۲۱۳ هزار نفر از جمعیت کشور به کتابخانه های عمومی مراجعه کردند، که با توجه به جمعیت حدود ۳۶ میلیون نفری آن سال، به ازای هر۱۰۰ نفر جمعیت فقط ۸/۸ نفر به کتابخانه مراجعه نمودند که این رقم در سال ۱۳۸۸ به بیش از ۵۷ نفر به ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت افزایش یافته است یعنی حدود ۷ برابر افزایش . در واقع علیرغم افزایش حدود ۴ برابری کتابخانه های عمومی طی این دوره، بیش از ۷ برابر بر میزان مخاطبان کشور و مراجعین به کتابخانه های عمومی افزوده شد. آمار بیانگر آنست که علیرغم تلاش مدیران و مسئولان در افزایش میزان بهره مندی جمعیت کشور از کتابخانه های عمومی و افزایش چشمگیر آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز این میزان رشد

پا به پای مخاطبان و مراجعین افزایش پیدا نکرده است. به بیان دیگر، میزان علاقمندی و حضور مردم به کتابخانه های عمومی بیش از ساخت و احداث کتابخانه ها بوده است که نشان از رشد علمی، باسوادی و میزان کتابخوانی دارد.

یکی از شاخص های مهم و قابل بررسی را می توان در میزان نشر کتاب ویژه کودکان و نوجوانان جستجو کرد. در حالیکه تعداد عناوین کتب منتشره ویژه کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۵۸ برابر با ۹۵ عنوان با شمارگان ۵۰ هزار نسخه بود، این رقم با رشد چشمگیر سالانه ۱۶/۳۸ درصد به ۹۰۰۶ عنوان و رشد ۲۵/۴۳ درصدی در شمارگان به ۴۴ میلیون و ۷۶۸ هزار نسخه در سال ۱۳۸۸ افزایش یافت. تولید و انتشار کتاب ویژه این قشر از چنان جایگاه حمایتی و سیاستگذاری قرار گرفت که تعداد ناشران تخصصی کتاب کودک و نوجوان به شدت رشد کرده و نمایشگاههای مختلف تخصصی کتاب ویژه این قشر در اقصی نقاط کشور برگزار می شود. از سوی دیگر با مقایسه این آمار با آمار کل کتابهای منتشره، اهمیت آن در جامعه به وضوح مشخص است. در حالیکه در سال ۱۳۵۸ از هر ۲۰ عنوان کتاب منتشره و فقط یک عنوان به کتابهای کودک و نوجوان اختصاص داشت این رقم در سال ۱۳۸۸ به کل عناوین و ۱/۵ کل شمارگان کتاب افزایش پیدا کرد.

نمودار شماره ۲: وضعیت شاخص های بخش کتاب و کتابخوانی طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸



۱- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸ محاسبه شده است.

۲- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است.

۳- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است.

۴- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است.

۵- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است.

۶- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است

۴. مطبوعات

توسعه مفهومی همه جانبه است که بخشی از آن در رشد کمی شاخص‌ها نمایان می‌شود. در جهان امروز، این نگرش که ارتباطات نقش بسزایی در پیشرفت و توسعه جوامع دارد، به عنوان یک واقعیت، مورد پذیرش قرار گرفته است. اگر میزان مشارکت بعنوان نمادی از توسعه پذیرفته شود، آنگاه مقوله ارتباطات به عنوان پیش‌نیاز «مشارکت» و همچنین «توسعه» ضروری می‌نماید. به عبارت دیگر لازمهٔ توسعه، مشارکت بوده و لازمهٔ مشارکت نیز ارتباطات می‌باشد.

این نکته نیز بایسته می‌نماید که ارتباطات هم می‌تواند تأثیر در روند توسعه بگذارد و هم می‌تواند به عنوان یکی از اهداف توسعه قلمداد شود. در هر صورت، نکته‌ای که غفلت از آن واجد هیچ توجیهی نیست این است که نخست: جامعه جهانی کنونی در حال گذار به جامعه اطلاعاتی است و درک این روند برای تشخیص نیازهای جامعه اطلاعاتی بسیار ضروری است. دیگر اینکه : امپریالیسم فرهنگی به عنوان پدیده‌ای غیرقابل انکار با توسعه تکنولوژی اطلاع‌رسانی ، درصدد بسط فرهنگ و پارادایم خود به عنوان فعال شناسا (سوبژه) می‌باشد. راه خروج از تصور ناخوشایند موضوع شناسا (ابژه) بودن در نزد غریبان، درک صحیح جهان امروزین (جامعه اطلاعاتی) ، پایبند بودن به قواعد آن و احترام گذاشتن به مفهوم مشارکت ملی به عنوان تنها عامل پیروزی و بهروزی است.

بی‌شک بخش مهمی از صنعت ارتباطات در حوزهٔ مطبوعات جلوه‌گر است و تأثیر این رسانه بر افکار عمومی نیز بر همگان روشن و هویدا است. مطبوعات، رسانه مکتوبی است که رابطه دو سویه‌ای با جامعه دارد. فرآیند تاثیر و تاثرِ این پدیده بر نهادها و انسان‌های هم زیست در آن جامعه، با اهمیت است. در روند تاریخی چند صد ساله اخیر این پدیده به گونه‌ای خود را در حیات اجتماعی نشان داده که دیگر هیچ جامعه‌ای بدون آن متصور نیست. رسانه جزئی اساسی از جامعه شده است، و به‌رغم کارکرد نظارتی‌اش تمامی نهادها حضور آن را پذیرفته‌اند. پذیرفته‌ایم که رکن چهارم دمکراسی است و نبودش برای جامعه مفید نیست. از این رو تلاش داریم از توانش برای پیشرفت جامعه استفاده کنیم. بر این اساس است که دولت نیز برای توسعه مطبوعات برنامه‌ریزی می‌کند و حتی برای ادامه حیاتش یارانه از بودجه عمومی در نظر می‌گیرد.

بنابراین در جوامع مدرن رابطه مطبوعات با تمامی نهادها دو طرفه است. هم مطبوعات بر آنها تاثیر می‌گذارند و هم نهادهای اجتماعی بر روند تولید ، توزیع و مصرف مطبوعات تاثیرگذارند.

دولت به عنوان یکی از نهادهای مهم نقشی با اهمیت در روند کمّی و کیفی مطبوعات دارد. این نهاد بر اساس استراتژی‌های خود می‌تواند برای مطبوعات آینده‌ای را طرح کند. البته میزان تاثیرگذاری دولت‌ها بر مطبوعات با توجه به ساخت سیاسی و فرهنگی متفاوت است. در شماری از کشورها، برنامه‌ریزی و دخالت دولت در سرنوشت و چگونگی روند مطبوعات بسیار بالا است و در شماری از کشورها میزان دخالت دولت

پایین‌تر است. با این وصف در تمامی کشورها، میزانی از نقش دولت در فرایند فعالیت مطبوعات مشاهده می‌شود.

این نکته نیز باید در نظر گرفته شود که با توجه به نقش مهم مطبوعات در جامعه، (ساخت افکار عمومی) دولت‌ها تلاش می‌کنند این پدیده بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای جامعه حرکت کند. بنابر این برای توسعه این پدیده، بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده، برنامه‌ریزی می‌کنند. مفهوم برنامه ریزی به گونه ای است که دو مفهوم دیگر را همراه خود دارد. نظارت و آمار و اطلاعات. نظارت بر مسیر و نحوه فعالیت بر اساس برنامه‌های مدون و اطلاعات و آمار از وضعیت پدیده در طول برنامه. تریب این سه پدیده مفهوم دیگری را ایجاد کرده است که دولت ها برای بیان بیلان کاری خود از آم استفاده می کنند؛ "دستاورد". از این رو است که همیشه در کنار بحث برنامه‌ریزی دستاورد نیز مطرح و مهم می‌شود. علی‌الاصول هر کجا برنامه‌ریزی حضور دارد نتیجه و دستاورد هم حاضر است.

تمامی دولت‌ها همانگونه که برای همه بخش ها از جمله رشد و توسعه بخش کشاورزی و اقتصاد برنامه‌ریزی کرده و در پایان دوره زمانی خاص دستاورد اجرای برنامه را ارایه می‌کنند بدیهی است که برای بخش فرهنگ از جمله مطبوعات نیز چنین رویه‌ای را در پیش گیرند. تصمیمات دولت در قبال مطبوعات و دستاوردهایی که این تصمیم‌ها بر توسعه مطبوعات گذارده است با عنوان دستاورد بیان می‌شود. در این بخش تلاش می‌شود که به اختصار دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش‌های گوناگون مرتبط با مطبوعات بیان شود.

» قوانین و مقررات

الف؛ قانون اساسی

در قانون اساسی یک اصل بطور مستقیم و سه اصل نیز بصورت کلی درباره مطبوعات است. مهمترین اصل قانون اساسی اصل ۲۴ قانون اساسی است که آزادی مطبوعات و نشریات را اصل گرفته و تنها موارد محدود کننده این اصل مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی دانسته شده است. اصل ۱۶۸ نیز شرایط رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را خاص دانسته و بدین جهت رسیدگی به این جرایم را فقط در محاکم دادگستری و با حضور هیات منصفه معین کرده است.

اصولی که در قانون اساسی به مطبوعات و نشریات مرتبط است به شرح زیر ارایه می‌شود:

اصل ۳. دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

- بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه های با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر

- تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون...

اصل۱۵. زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارس است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

اصل ۲۴. نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد تفصیل آن را قانون معین می‌کند

اصل ۱۶۸. رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می کند.

» رشد کمی مطبوعات

مطبوعات به‌مثابه بخشی از فرهنگ مکتوب جامعه، شاخصی از میزان توسعه‌یافتگی شناخته شده است. شاخص‌هایی چون تیراژ، سرانه مصرف کاغذ و تعداد عناوین مجلات و به‌ویژه روزنامه، از مهمترین شاخص-های توسعه انسانی در بخش فرهنگ محسوب می‌شوند. در این بخش، روند رشد کمی مطبوعات ایران پس‌از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته‌است. آمارهای کوتاهی دربارهٔ تعداد نشریات، روزنامه‌ها، نشریات دارای مجوز و متقاضیان دریافت مجوز، تیراژ روزنامه‌ها در سه دههٔ پس از انقلاب اسلامی ارائه شده است.

در سه دهه پس از انقلاب اسلامی، مطبوعات ایران به لحاظ آماری اوج و فرودهایی داشته است، در ابتدا رشد انفجارگونه‌ای داشته، سپس از آمارشان در تابستان ۱۳۵۹ کاسته شده است. در ابتدای دهه ۶۰ دارای روند تقریباً ثابتی شدند. اما پس از سال ۱۳۶۳ به آهستگی بر تعدادشان افزوده شد. در سال ۱۳۶۴ که سال تصویب قانون مطبوعات نیز هست تعداد نشریات به ۳۰۹ عنوان و تعداد روزنامه‌ها به ۱۵ عنوان رسید. پس از پایان جنگ عراق علیه مردم ایران، که تقریباً همزمان با تشکیل معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شده بود تعداد نشریات فزونی می‌گیرد. آمارها نشان می‌دهد در سال ۶۹ تعداد کل نشریات ۳۲۳ عنوان و روزنامه ۲۱ عنوان رسیده است. این فزونی در نیمه اول دهه ۷۰ ابتدا روندی کُند داشته است، اما نیازهای اجتماعی داخل کشور (افزایش سطح سواد، جوانی جمعیت، گسترش شهرنشینی) و تحولات منطقه‌ای و جهانی (انقلاب ارتباطات، انفجار اطلاعات، ظهور و نفوذ اینترنت به‌عنوان رسانه‌ای جدید) موجب شد که بار دیگر توجه به وسایل ارتباط جمعی بیشتر شود. بدین سان در سال‌های بعد، روند اعطای مجوز به متقاضیان و انتشار نشریات، مجدداً رو به فزونی گرفت. با توجه به تحولات یاد شده و همچنین شعار سازندگی آن دوران، عرصه ارتباطات و بطور خاص مطبوعات نیز هم‌پا با بخش‌های دیگر جامعه با تحولات همراه می‌شوند. در نیمه دوم سال ۷۶ به‌منظور پاسخگویی به نیازهای جامعه، همگرایی با جامعه جهانی و

تحولات حوزه ارتباطات، وجه غالب جامعه ایران می‌شود؛ به‌گونه‌ای که تعداد نشریات و به‌خصوص روزنامه‌های کثیرالانتشار با رشد قابل ملاحظه‌ای در جامعه عرضه می‌شود. تغییرات پس از سال ۷۶ ادامه می‌یابد، به طوری که در سال ۷۷ تعداد نشریات به ۷۹۷ عنوان و تعداد روزنامه‌ها به ۵۱ عنوان افزایش می-یابد. این افزایش در سال‌های بعد نیز ادامه می‌یابد، حتی در سال ۷۹ که تعداد قابل توجه‌ای از روزنامه‌ها و نشریات توقیف می‌شود، اما روند رشد کمّی مطبوعات متوقف نمی‌شود. سال ۸۶ تعداد نشریات به رقم ۲۲۶۶ و تعداد روزنامه به رقم ۱۴۵ عنوان می‌رسد.

با توجه نکات مطروحه و بمنظور امکان مقایسه آماری مطبوعات این دوره، جدولی شامل تعداد روزنامه‌ها و نشریات به تفکیک سال(۱۳۸۶-۱۳۵۱) ارایه خواهد شد.

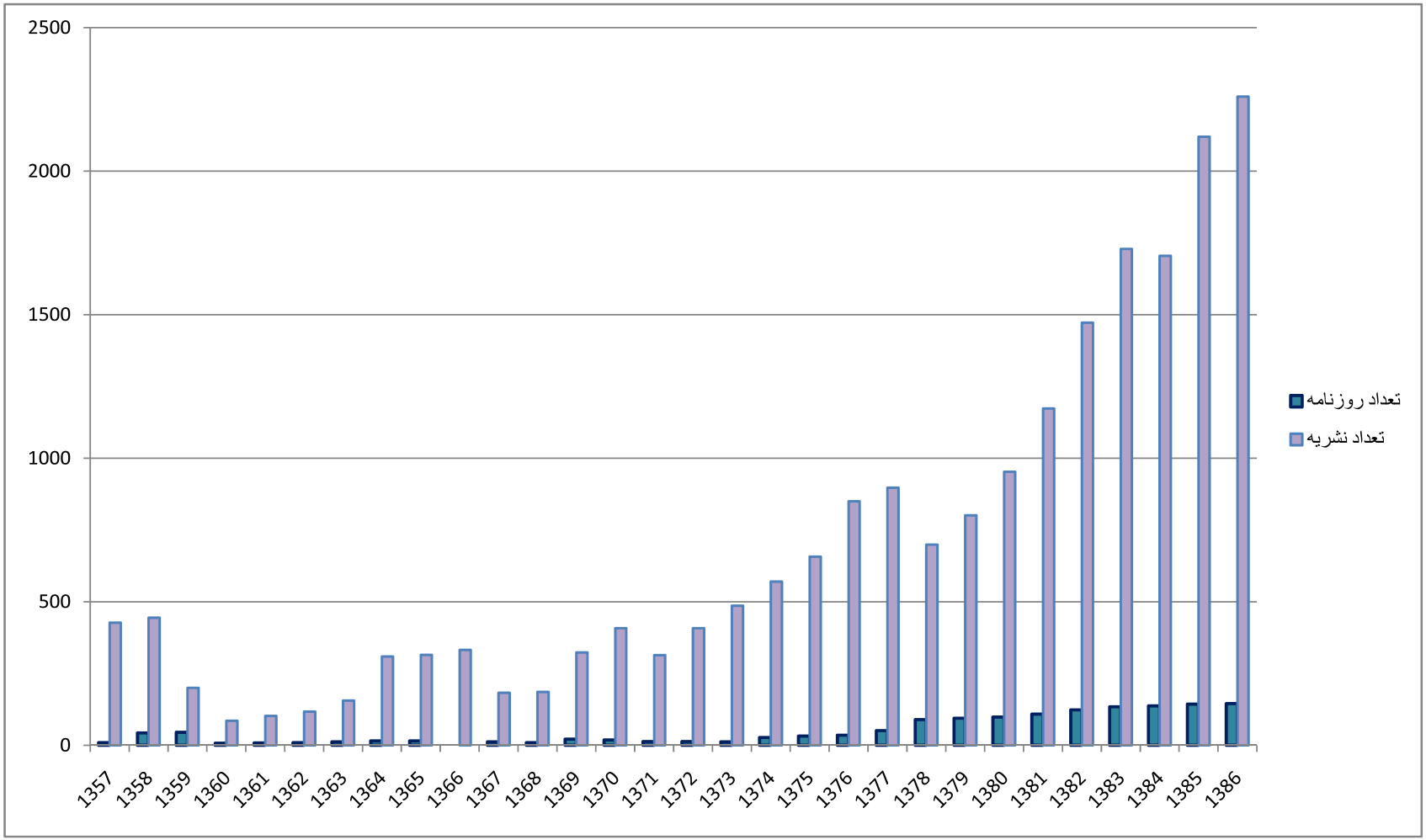
سال ۶۰ سال کاهش کشمکش‌های سیاسی بود. از اواسط این سال ثبات سیاسی در کشور برقرار می‌شود. مطبوعات بجا مانده از تحولات سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، همسان با فضای انقلاب در کشور کماکان به انتشارشان ادامه می دهند. کاهش تعداد نشریات در این سال در مقایسه با سال‌های قبل از یک سو و همچنین سال‌های بعد از سوی دیگر، نشان از آن دارد که پس از انقلاب اسلامی روند رشد کمّی مطبوعات در ابتدای دهه ۶۰ (کاهش عددی مطبوعات) یک اتفاق بوده است و نه یک رویه.

تعداد روزنامه و نشریات منتشره بین سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۸۶ (برگرفته از منابع گوناگون)

سال	تعداد روزنامه	تعداد نشریه
۱۳۵۷	۹	۴۲۷
۱۳۵۸	۴۳	۴۴۴
۱۳۵۹	۴۵	۲۰۰
۱۳۶۰	۷	۸۵
۱۳۶۱	۸	۱۰۲
۱۳۶۲	۹	۱۱۷
۱۳۶۳	۱۲	۱۵۶
۱۳۶۴	۱۵	۳۰۹
۱۳۶۵	۱۵	۳۱۵
۱۳۶۶	ــــ	۳۳۲
۱۳۶۷	۱۲	۱۸۳
۱۳۶۸	۹	۱۸۶
۱۳۶۹	۲۱	۳۲۳
۱۳۷۰	۱۸	۴۰۸
۱۳۷۱	۱۳	۳۱۴
۱۳۷۲	۱۳	۴۰۸
۱۳۷۳	۱۲	۴۸۶
۱۳۷۴	۲۷	۵۷۰
۱۳۷۵	۳۲	۶۵۷
۱۳۷۶	۳۵	۸۵۰
۱۳۷۷	۵۱	۸۹۷
۱۳۷۸	۸۹	۶۹۹
۱۳۷۹	۹۴	۸۰۱
۱۳۸۰	۹۸	۹۵۳
۱۳۸۱	۱۰۸	۱۱۷۳
۱۳۸۲	۱۲۳	۱۴۷۲
۱۳۸۳	۱۳۴	۱۷۲۹
۱۳۸۴	۱۳۷	۱۷۰۵
۱۳۸۵	۱۴۳	۲۱۲۰
۱۳۸۶	۱۴۵	۲۲۶۰

جدول فوق گویای این نکته است که در سال ۶۰ روند کمِی انتشار مطبوعات با کاهش جدی مواجه می‌شود ولی از سال ۶۳ به بعد روند افزایشی بصورت آرام ادامه می‌یابد. پس از وقفه‌ای دو ساله مجددا تعداد نشریات منتشره از اواخر سال ۱۳۶۸ - بجز سال‌های ۷۱ و ۷۲ - و به خصوص روزنامه فزونی گرفته‌است. این روند افزایشی پس از سال ۷۴ به صورت ثابت و مستمر تا کنون ادامه داشته‌است.

نمودار شماره ۳:



برخی اقدامات در حوزه مطبوعات:

۱. کانون‌های صنفی و حرفه‌ای

۲. نمایشگاه و جشنوارهٔ مطبوعات

۳. حمایت از مطبوعات

الف. یارانه‌های مطبوعاتی:

ب. بیمه تامین اجتماعی و درمانی خبرنگاران

ج. صندوق اعتباری حمایت از نویسندگان و روزنامه‌نگاران و هنرمندان

د. طرح سخت و زیان آور بودن شغل روزنامه‌نگاری

هـ سرشماری از خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های کشور

» مطبوعات از نگاه آمار

همانطور که در جدول مشاهده می شود تعداد عناوین نشریات در کشور رشد فزاینده در طول سالهای پس از انقلاب اسلامی داشته است بطوری که از ۲۱ عنوان در سال ۵۸ با نرخ رشد متوسط ۱۷/۴ درصد در سال به ۲۲۰۰ عنوان درسال ۸۷ افزایش یافته است. به عبارت دیگر، سرانه مطبوعات کشور در سال ۵۸، به ازای هر ده میلیون نفرفقط۶ عنوان مطبوعه بوده است که با رشد تقریبی ۵۰ برابر به ۳۰۳ عنوان برای هر ده میلیون نفر در سال ۸۷ رسیده است. گفتنی است که آهنگ رشد مطبوعات کشور از دهه ۷۰ به بعد شتاب بیشتری یافته است و سرانه مطبوعات کشور در سال ۷۲، ۵۱ عنوان برای هر ده میلیون نفر بوده است.

متأسفانه آمار دقیقی از شمارگان مطبوعات کشور در سالهای پایانی دهه ۵۰ و در طول دهه ۶۰ در دسترس نیست و جدول، حاوی آمار این شاخص از سال ۷۲ به بعد است. شمارگان کل مطبوعات کشور در این سال رقم ۶۴۹ میلیون نسخه بوده که با نرخ رشد متوسط ۴/۶ درصد در سال، به یک میلیارد و ۲۸۰ میلیون نسخه در سال ۸۷ رسیده است. بررسی سرانه این شاخص نشان می دهد که در سال ۷۲ به ازای هر یک نفر جمعیت کشور، ۱۰/۹ نسخه نشریه در طول سال در کشور منتشر می شد که این رقم به ۱۷/۶ نسخه برای هر نفر در سال ۸۷ افزایش یافته است. از آنجایی که رشد عناوین مطبوعات از سال ۷۲ تا سال ۸۷ بسیار بیشتر و سریعتر از رشد شمارگان مطبوعات است، باعدم تعادل میان رشد سرانه عناوین و رشد سرانه شمارگان مطبوعات روبرو هستیم. به عبارت دیگر نرخ رشد عناوین مطبوعات از آهنگ سریع تری نسبت به رشد شمارگان آن برخوردار بوده است.

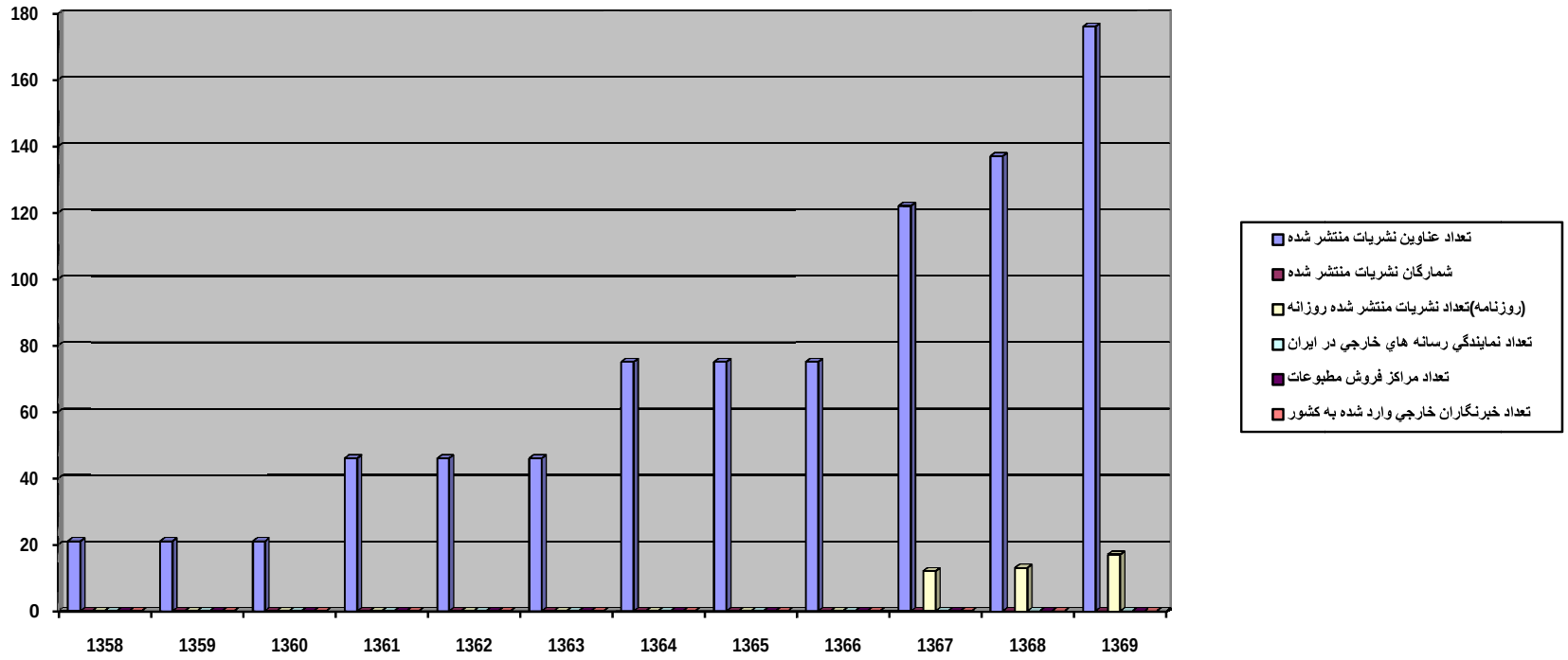
تعداد مراکز عرضه و فروش مطبوعات از رقم ۲۲۵۰ باب در سال ۷۳ با نرخ رشد متوسط ۴/۲ درصد در سال به ۴۰۰۰ باب در سال ۸۷ افزایش یافته است. به عبارت دیگر در سال ۷۳ به ازای هر یک میلیون نفر ۳۶/۶

باب مرکز عرضه و فروش مطبوعات در کشور وجود داشته است که این رقم تا سال ۸۷ به ۵۵/۱ باب رسیده است.

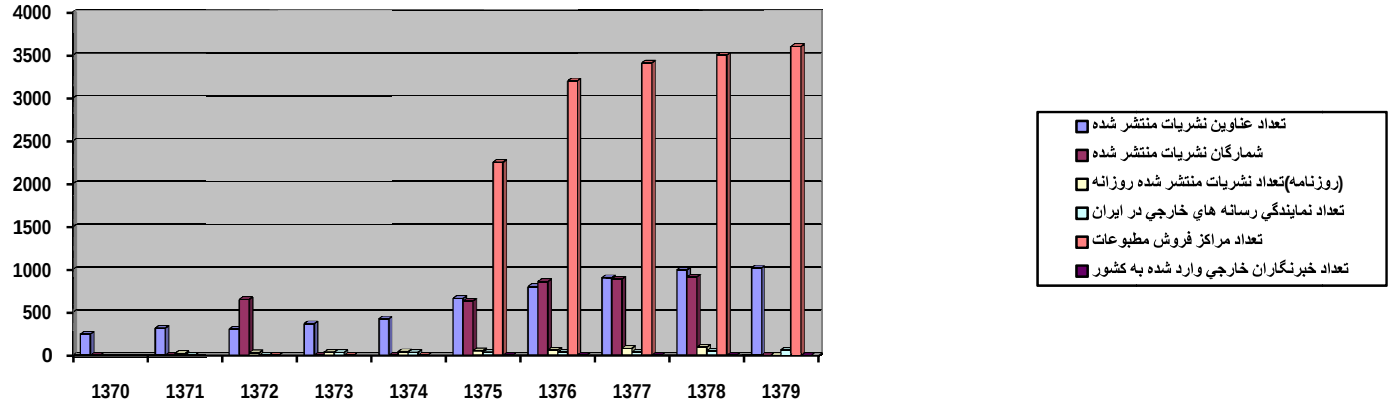
یکی از شاخصهای مهم این بخش، تعداد عناوین روزنامه های کشور است. آمار این شاخص که از سال ۱۳۶۷ در دسترس است از ۱۲ عنوان به ۱۴۵ عنوان در سال ۸۷ رسید که رشدی معادل ۱۳/۳ درصد را نشان می دهد.

در عین حال، تعداد نمایندگی های رسانه های خارجی در ایران به شدت رشد پیدا کرد و از ۳۰ نمایندگی در سال ۷۲ به ۱۲۶ نمایندگی در سال ۸۷ رسید که رشد متوسط سالانه ۱۰ درصدی را نشان می دهد. این آمار نه تنها گویای اهمیت مسائل ایران برای رسانه های جهان است بلکه نشان دهنده زمینه های مناسب در کشور برای فعالیت رسانه های خارجی است به نحوی که در سال ۷۵ تعداد ۴۳۸ خبرنگار خارجی برای تهیه گزارش و خبر به ایران سفر کردند که این رقم در سال ۸۷ به ۷۲۲ خبرنگار افزایش یافت.

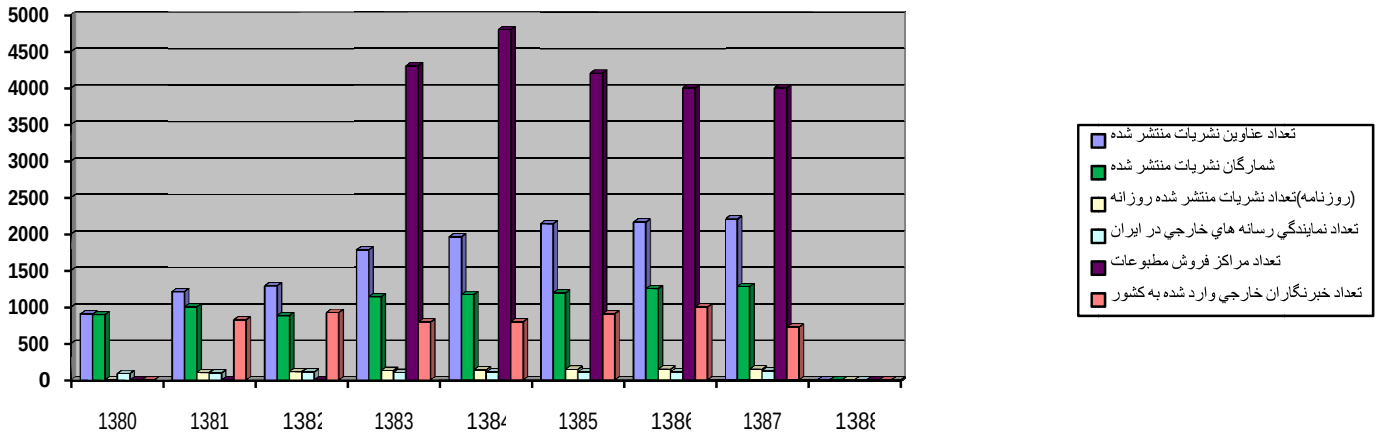
نمودار شماره ۴: وضعیت شاخص های بخش مطبوعات طی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۹



نمودار شماره ۱-۳: وضعیت شاخص های بخش مطبوعات طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹



نمودار شماره ۲-۳:وضعیت شاخص های بخش مطبوعات طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷



۵. سینما

» سینمای ایران سینمای هویت است

سینمای ایران در حیات یکصد و اند ساله خود، فراز و نشیب های زیادی را پشت سر گذاشته است، به لحاظ نظری می توان تحولات سینمای ایران را به دو دوره مشخص تقسیم نمود. دوره اول از ورود سینما به کشور در سال ۱۲۷۹ آغاز و تا سال ۱۳۵۷ و وقوع انقلاب بزرگ اسلامی ادامه دارد. اوج شکوفائی و رشد این دوره در سال های دهه ۵۰ است. دوره دوم بعد از انقلاب اسلامی شروع می شود که به استثنای سه الی چهار سال اول (تا اوایل دهه ۶۰) روند رشد مشخص و متفاوتی با دوره قبل را تا به امروز طی کرده است.

از اوایل فروردین سال ۱۳۵۰ تا آخر اسفند سال ۱۳۵۷، مجموعاً ۵۰۴ فیلم ایرانی بر پرده سینماهای کشور رفت. در سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ تولید و نمایش فیلم داخلی به رقم بی سابقه بیش از ۸۰ فیلم در سال رسید. اما در سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، تولید و نمایش فیلم های فارسی روند نزولی در پیش گرفت. در این دو سال به ترتیب ۴۷ و ۱۸ فیلم اکران شد. بحرانی که از سال ۱۳۵۳ در سینمای ایران شروع شده بود، در سال ۱۳۵۵ به اوج خود رسید و کار را تا تعطیلی صنعت فیلم سازی و ورشکست شدن سینمای ایران پیش برد. این بحران را می توان تا حد زیادی معلول ورود بی حساب و کتاب فیلم های ارزان قیمت جنسی و پر از خشونت خارجی دانست. در سال ۱۳۵۳، نسبت به سال ۱۳۵۲ درصد فیلم های ایرانی نمایش داده شده از مجموع کل فیلم های دارای مجوز نمایش؛ ۱۰٪ کاهش نشان می دهد، که این روند همچنان تا سال ۱۳۵۵ ادامه می یابد، به نحوی که در سال ۱۳۵۵ از میان ۸۲۹ فیلم نمایش داده شده، فقط ۷/۸٪ یعنی ۶۵ فیلم ایرانی است.

ترکیب فیلم های خارجی نمایش داده شده در فاصله سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ به خوبی نشانگر سلطه فیلم های هالیوودی بر بازار سینمای ایران است.

تماشاگران فیلم های سینمایی تا سال ۱۳۵۷ متجانس نبودند و به اقشار و گروه های مختلف اجتماعی تعلق داشتند. در یک طبقه بندی کلی می توان تماشاگران سینما در آن دوره را به دو طبقه کلی تقسیم کرد. طبقه اول «تماشاگران سطح بالا» و طبقه دوم «تماشاگران سطح پائین» که البته هر طبقه تقسیماتی نیز در درون خود داشتند. تماشاگران سطح بالا به دو گروه تماشاگران معمولی و تماشاگران روشنفکر تقسیم می شدند و در میان تماشاگران سطح پائین نیز گروهی علاقه مند به فیلم های پرسوز عشقی (فیلم های فارسی، عربی، هندی و ترکی) بودند و خانوادگی به تماشای این فیلم ها می رفتند و گروهی دیگر عموماً از مردان مجرد بودند که به تنهایی یا با گروه دوستان دیدن فیلم های «پرتحرک» و ماجراجویانه خارجی را ترجیح می دادند.

سینمای ایران در دوره اول که تقریباً به طور کامل مقارن با دوره پهلوی اول و دوم است، پدیده ای نو بود که در جامعه سنتی ولی در حال دگرگونی آن روز منتشر می شد. این پدیده نو، و فناوری متناظر با آن به حدی جذاب بود که فیلم سینمایی، بدون توجه به اینکه چه محتوایی دارد و چه تأثیری می تواند بر مخاطب خود به جای بگذارد، مردم زیادی را به خود جلب می کرد. در این دوره، تمام کوشش ها ی سینمای ایران، عمدتاً بر ساخت فیلم

های سینمایی متمرکز است و ساخت فیلم های مستند و کوتاه و تجربی در حاشیه قرار دارد. در دهه پنجاه بتدریج مؤسسات آموزش فیلم سازی شکل می گیرند و نسل جدیدی از فیلم سازان که گرایش هنری بیشتری دارند پا به میدان می گذارند و از سوی دیگر مخاطبان نیز قدرت قضاوت در مورد فیلم های سینمایی را می یابند و حس زیبا شناختی آنها تقویت می شود. انتشار کتاب ها و گاهنامه های تخصصی سینما در بالا بردن آگاهی مردم، به ویژه جوانان و دانشجویان تأثیر زیادی دارد.

در آستانه انقلاب اسلامی، سینمای ایران به لحاظ نیروی انسانی، سینمایی غنی است. دانش آموختگان سینما و نیروهایی که به صورت تجربی، در کار سینما و فیلم سازی ،تخصصی یافته بودند، فرصتی می یابند که از فضای ایجاد شده در انقلاب و اعتماد به نفسی که انقلاب در جامعه القاء کرده بود، استفاده کرده و تجربه های جدیدی را شروع کنند. البته سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲، سال هایی است که جلوه های قدیمی سینما، به صورت خودجوش به عنوان مظهر فساد و فحشا قلمداد شده و سرکوب می شود، فیلمی ساخته نمی شود، سینماها تعطیل است و بسیاری از فعالان سینما، در انتظار بسر می برند. سینمای «ایران بعد از انقلاب» در واقع در سال های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ متولد می شود؛ فضای انقلابی جامعه، تحولات سریع در ساختارهای سیاسی، جنگ، تقویت دیدگاه ها و رویکردهای دینی بر فرهنگ و هنر، عواملی هستند که از همان آغاز تأثیر خود را بر سینما بر جای می گذارند. سینمای ایران در سال های بعد از انقلاب را می توان سینمای اخلاق و هویت نامید.

اما به هر حال، سینمای جدید ایران در این سال ها متولد می شود و به سرعت رشد می کند، به نحوی که بعد از گذشت ۳۰ سال می توان گفت سینمای امروز ایران«برند» و نشانه خاصی دارد که جهان، سینمای ایران را با این نشانه می شناسند.

سینمای ایران هر چند به لحاظ فناوری تولید و نمایش و شکل های ارائه، در مسیری قرار دارد که سایر کشورها جلوتر یا عقب تر از ایران در همان مسیر پیش می روند؛ اما سینمای ایران به لحاظ محتوا، سینمایی خاص است و دنیا، سینمای امروز ایران را با این محتوا می شناسد. ویژگی های سینمای امروز ایران که می توان آن را سینمای ملی هم نامید به طور خلاصه عبارت است از:

- سینمای ایران سینمایی با هویت و در عین حال هویت بخش است: سینمای امروز ایران شأن و جایگاه اجتماعی خاص خود را دارد و صرفاً به عنوان نوعی تفریح عصرانه در نظر گرفته نمی شود و دارای مشروعیت دینی و ملی است و دست اندرکاران از تولید کننده و کارگردان گرفته تا هنرپیشگان به ویژه هنرپیشگان زن که در گذشته ای نه چندان دور، فاقد منزلت اجتماعی بودند و کارشان گناه آلود در نظر گرفته می شد، امروزه مبرا از این اتهام هستند.
- سینمای ایران، سینمایی با اخلاق است و روابط انسانی در آن جایگاهی ویژه دارد: بر سینمای امروز ایران، معیارهای اخلاقی حاکم است. این سینما تضاد بین پلشتی های زندگی اجتماعی و ارزش های اجتماعی و دینی را به گونه ای باز می تابند که این پلشتی ها در نهایت درون ارزش ها، سلوک ها، منش ها و رفتارهای سالم اجتماعی

تحلیل می رود و مخاطبان با این هدف به سینما نمی روند که در سالن تاریک سینما، دمی زندگی واقعی را فراموش کنند ودر خلسه زندگی بهتر و مرفه تر باشند. بر خلاف سینمای غرب، سینمای ایران نسبت به اخلاق بی تفاوت نیست و بی اخلاقی را محکوم می کند.

- سینمای ایران، سینمای واقعیت است: سینمای امروز ایران، مسائل و مشکلات واقعی را مطرح می سازد و سعی در حل این واقعیات به گونه ای عملی و غیر توهمی دارد. و به عبارتی دیگر سینمای ایران سینمایی اجتماعی است. قهرمانان در این سینما، افراد معمولی کوچه و بازار هستند با همان نقاط قوت و ضعف. اعمال قهرمانانه آنان در همان حدی است که از مردم کوچه و بازار انتظار می رود. در این سینما در جنگ بین غنی و فقیر، بین خوب و بد، بین شریف و سخیف، بین دیگرخواهی وخودخواهی،مکانیزم غلبه بر فقر،بد،سخیف وخودخواهی این نیست که ابتداخوب،شریف،دیگرخواه به شخصیت بد،سخیف وخودخواه تبدیل شود تا بتواند برآن بد،سخیف وخودخواه غلبه کند.بلکه این ذات خوبی،شرافت ودیگر خواهی است که با ماندن بر سر میثاق خود بر بدی چیره می شود.
- سینمای ایران، سینمای عشق، ایثار و امید است: در سینمای امروز ایران، صفات برجسته و الهی قهرمانان واقعی است و در نهایت عشق، ایثار و امید است که بر بی وفایی، خودخواهی و تخیلات بیمارگونه پیروز می شود.
- بنابراین سینمای ایران به لحاظ ویژگی هایی که بر شمردیم از سینمای جهان متمایز می شود و صفتی در خور خود می یابد. البته این ویژگی ها را باید تا حد بسیار زیادی مرهون سیاست های اجرا شده در سینمای ایران دانست که با الگوسازی و هدایت فیلمسازان توانسته به این موقعیت دست یابد.

در اینجا، به طور خلاصه اهم دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران را در ۳۱ سال گذشته در عرصه سینما مرور می کنیم.

برخی اقدامات در حوزه سینما

- جشنواره ها و رویدادهای سینمایی
- حضور سینمای ایران در مجامع بین المللی
- شبکه نمایش خانگی
- بازی های رایانه ای
- آموزش و تربیت منابع انسانی
- میراث سینمایی و اسناد تصویری کشور
- ارتقای منزلت اجتماعی اصحاب سینما
- تجهیزات و فناوری های جدید
- نهادسازی و توسعه زیرساخت ها
- سینما از نگاه آمار

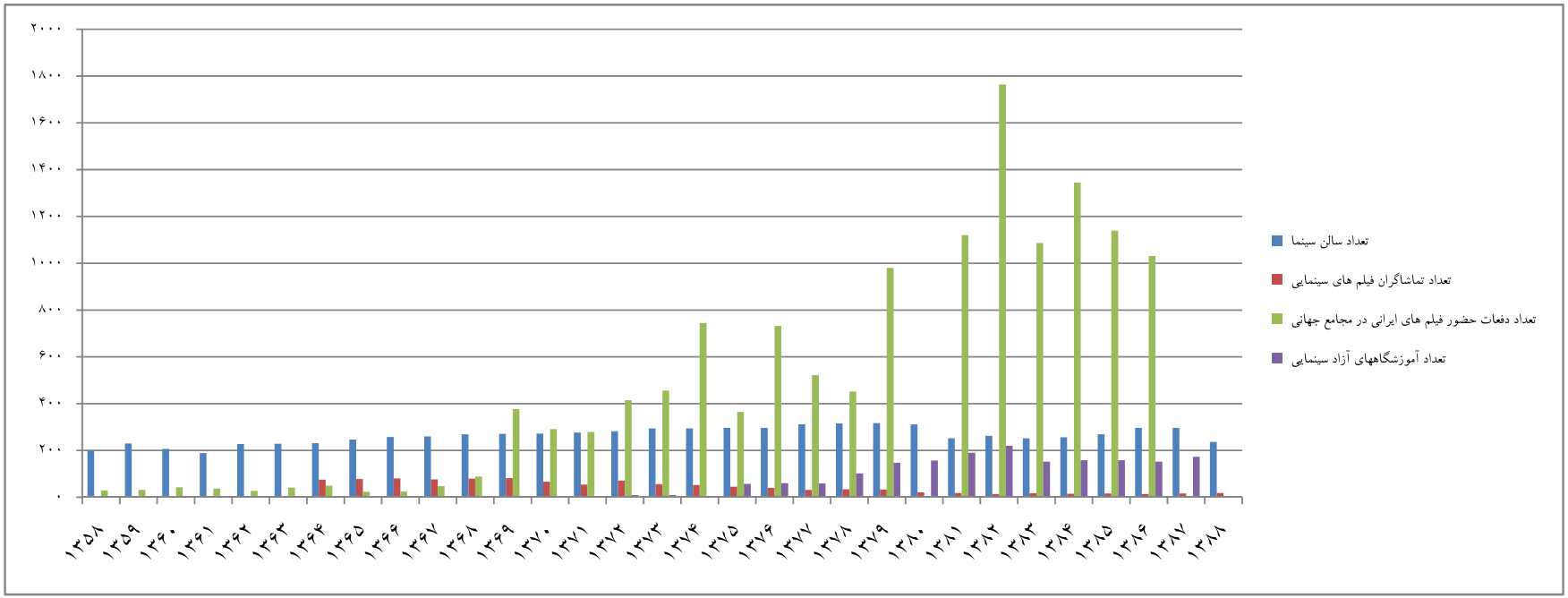
قبل از پیروزی انقلاب، بیش از ۵۰۰ سالن سینما در کشور فعالیت داشت که این رقم در سال ۵۸ به ۱۹۸ باب کاهش پیدا کرد. از سال ۵۸ تا ۱۳۸۸ به تدریج تعداد سالن های سینمای کشور افزایش یافته و به مرز ۲۳۶ باب در سال ۱۳۸۸ رسید که رشد متوسط سالانه ۰/۵۹ درصد را نشان می دهد. آنچه بایستی در افزایش تدریجی و آرام سالن سینما یادآوری نمود این است که در طول سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سالن های زیادی در کشور توسط بخش خصوصی و یا با حمایت مستقیم و غیرمستقیم دولت ساخته شد لکن در همین دوران بسیاری از سالن های قدیمی از گردونه فعالیت خارج شدند و لذا آمار شاخص مذکور نرخ رشد پایینی را نشان می دهد. بر اساس آمار ارایه شده در سال ۱۳۵۸ به ازای هر ۲۰۰۰۰۰ نفر جمعیت کشور تعداد ۱ باب سالن سینما در کشور فعال بوده است که این رقم در سال ۸۸ به ۳۱۲ هزار نفر کاهش پیدا کرده است. در واقع سرانه میزان برخورداری افراد جامعه از سالن های سینما طی سالهای پس از پیروزی انقلاب و علیرغم دو برابر شدن جمعیت کشور، تا حدودی حفظ شد.

تعداد دفعات حضور فیلم های بلند و کوتاه سینمایی در مجامع بین المللی از ۲۹ مورد در سال ۱۳۵۸ به ۱۰۳۱ مورد در سال ۱۳۸۶ افزایش داشته است که رشد متوسط سالانه معادل ۱۳/۶ درصد را نشان می دهد.

تا قبل از سال ۱۳۷۰ مرکز آموزش اسلامی فیلم سازی، تنها مرکز آموزش سینمایی کشور بود. لکن از سال ۷۰ با ایجاد فضای مناسب برای حضور بخش خصوصی در آموزش سینمایی، تعداد ۳ آموزشگاه در همان سال فعال شد که با رشد متوسط سالانه ۲۷ درصد به ۱۷۳ باب در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است.

تعداد بینندگان سالن های سینما یکی از مهمترین شاخص های این بخش است. همانطور که در جدول شماره (۴) ملاحظه می شود از جمعیت ۴۸ میلیون نفری سال ۱۳۶۴ تقریباً ۷۵ میلیون نفر برای تماشای فیلم به سالن سینما رفته بودند که به ازای هر نفر جمعیت برابر با ۱/۶ نفر بوده است که این رقم درسال ۱۳۸۸ به ۱۸ میلیون نفر کاهش پیدا کرده است. در واقع در سال ۸۸ تقریباً به ازای هر ۴ نفر جمعیت کشور فقط یک نفر برای تماشای فیلم در سالن سینما حضور پیدا کرد. البته دلایل مختلف اقتصادی (تورم، کاهش میزان اوقات فراغت، مشکلات بیکاری و کاهش درآمد مردم و ...) را می توان در توجیه کاهش مخاطبان سینما ذکر کرد که از حوصله این گزارش خارج است. لکن در خصوص دلایل غیراقتصادی این کاهش مواردی همچون: فرسودگی بسیاری از سالن های سینما و از دست رفتن ماهیت فرهنگی آنها، استقرار آنها در مکان های نامناسب شهری با توجه به تغییر و تحولات بوجود آمده در ساختار و فضای شهری، جایگزین شدن محصولات فرهنگی و هنری جایگزین از جمله نمایش های خانگی(ویدئو، ماهواره و اینترنت و ...) عدم برخورداری بیش از ۴۵۰ شهر کشور از سالن سینما و ... را می توان اشاره نمود.

نمودار شماره ۴: وضعیت شاخص های بخش سینما طی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸



***آمار مربوط به ۲۴۰ سالن می باشد.**

****آمار مربوط به ۲۲۸ سالن در سال ۱۳۸۶ می باشد.**

- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است.
- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است.
- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۶ محاسبه شده است.
- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است

- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۸ محاسبه شده است.
- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸ محاسبه شده است.
- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۸ محاسبه شده است.
- متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است.

۷. هنر

هنر یکی از مهمترین اجزا و ابعاد فرهنگ است که به عنوان عنصری پویا و زنده در حال تغییر و تحول و پالایش است. با این حال ، هنر به جهت وجوه زیبایی شناسانه و عمق اثر بخشی اش، عنصری است که نقش مهمی در هویت فرهنگی یک ملت ایفا می کند. موسیقی ، هنرهای تجسمی و هنرهای نمایشی به جهت توان ماهیتی شان، می توانند ارتباط وثیق و تنگاتنگی با عناصر هویت بخش فرهنگی برقرار کنند و ارزش های فرهنگی و اجتماعی پذیرفته شده و پیوند دهنده با گذشته غنی فرهنگی را باز تولید نمایند.

موسیقی ایرانی به جهت پیوند عمیقش با مفاهیم و مضامین عرفانی ، خوشنویسی و تذهیب به جهت جای گیرشدنش در حوزه آثار دینی و مذهبی ، نقاشی به جهت پیوند با حوزه ادبیات اخلاقی ، عرفانی و حماسی، نمایش های سنتی ایرانی مانند تعزیه به جهت ارتباط تنگاتنگش با زندگی ائمه معصومین و حیات معنوی مردم و دیگر هنرها نیز از جذابیت های بسیار بالایی برای انتقال ارزش های دینی و انسانی مواج در تاریخ این مرز وبوم و بیان آمال ها و آرزوها و بیم ها و دغدغه ها برخوردار هستند ؛ آمال و آرزوهایی که مصلحان بزرگ تاریخ و در راس آنها بنی الله الاعظم حضرت محمد (ص) خود را وقف آن نمودند تا انسان و جامعه ای اخلاقی با نگاهی همدلانه به مبداء هستی تربیت کند.

هنر به جهت سرشار بودن از عناصر هویت بخش تاریخی ، همیشه به عنوان عنصری مهم در تولید و باز تولید هویت اجتماعی یک جامعه مطرح بوده است. جامعه با پشتوانه بسیار غنی خود درحوزه فرهنگ اسلامی و ایرانی و برخورداری از بزرگان افتخار آفرین ، از جایگاهی برخوردار است که می تواند با بهره گیری از عناصر هنری جذاب ، به شناساندن عناصر هویت بخش در سطوح گوناگون و بین اقشار مختلف جامعه نقش ایفا کند. علاوه بر این که برقراری این پیوند بین عناصر هنری با عناصر هویت بخش، نقش موثری در ارتقای سطح شناخت ازخود و ریشه های تاریخی خود و سهولت در انتقال ارزش های فرهنگی و تقویت زمینه ها و بسترهای لازم برای باز تولید هویت ملی خواهد داشت.

هنر ، بعد از انقلاب علاوه بر دارابودن از پشتوانه های قوی تمدنی و فرهنگی ، با رویدادهای عظیمی همچون انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس روبرو شد. رویدادهایی که هر کدام می توانست منبع عظیم الهام بخش برای هنرمندان خوش ذوق و خلاق این سرزمین باشد. در بستر فرصت سازی های نظام جمهوری اسلامی ، شاهد تحولات بزرگی در این عرصه در طول سی دو سال بودیم که در ادامه ، اهم این دستاوردها و رویدادها می آید.

» انقلاب اسلامی و همگانی شدن مصرف هنری

درعصر کنونی توجه به فرهنگ و هنر به منزله شالوده و اساس کلیه برنامه ها و سیاستهای نظام، بیش از پیش احساس می شود. در جهان امروز به ویژه در دههٔگذشته فعالیتهای فرهنگی، کارکرد فرهنگ، نوع تولیدات و آثار فرهنگی، نیازهای مخاطبان و سرعت انتقال تولیدات فرهنگی و ... تحولات خارق العاده ای را شاهد بوده است. رشد بسیار سریع و پیچیده فناوری اطلاعات و ارتباطات دسترسی، به تولیدات فرهنگی را بسیار سریع و آسان کرده است. به تبع آن تولیدات فرهنگی بسیار متنوع شده و با توجه به ذائقهٔ متنوع و در حال دگرگونی دائمی مخاطبان، محصولات جدید فرهنگی و هنری به بازار عرضه می شود. علاوه بر آن، تا پیش از انقلاب اسلامی کالاها و خدمات هنری به عنوان کالای تجملی و ثانویه محسوب می شد و مصرف آن

برای همگان ضروری نبود، لذا مخاطبان هنری هم اغلب از مراکز استانها و شهرهای بزرگ بودند و مراکز عرضه این کالاها بسیار اندک و عمدتاً در تهران یا یکی دو شهر بزرگ کشور بود. اما بعد از انقلاب اسلامی، مشروعیت یافتن فعالیتهای فرهنگی از سوی حضرت امام (ره) موجب افزایش خودجوش تقاضای فرهنگی شد. علاوه برآن، ایجاد نهادهای جدید و متنوع در حوزه فعالیتهای فرهنگی و هنری، زمینه تقاضای بیشتر را فراهم کرده است. رشد جمعیت، گسترش آموزشهای رسمی و غیررسمی، کاهش میزان بی سوادی، افزایش مراکز آموزش عالی، علمی و فرهنگی، رشد وگسترش شهرنشینی، گسترش رسانه ها و توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات نیز از دیگر عوامل مهم و اثرگذار بر افزایش تقاضای فرهنگی بوده است. تشدید فرآیند تفکیک اجتماعی نیز به تنوع تقاضاهای فرهنگی و هنری افزوده است. ظهور گروههای اجتماعی جدید مانند گروههای شغلی و تحصیلی و شکل گیری مشاغل جدید و گسترده تر شدن حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی برتنوع در تقاضای فرهنگی و هنری دامن زده است. این وضعیت بر لزوم توسعه روز افزون فرآیند تولید و توزیع محصولات و خدمات فرهنگی و هنری بیش از پیش افزوده است، به طوری که بخش مهمی از سیاست گذاریها و برنامه ریزی های دولت در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بخصوص در سالهای پایانی دهۀ هفتاد، افزایش محصولات فرهنگی و هنری مطابق با اصول و معیارهای فرهنگی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از طریق حمایت از تولید کنندگان آثار مطلوب و اعمال نظارت بر تولیدات فرهنگی و هنری بوده است. از سوی دیگر رویکرد کاهش تصدی دولت در فعالیتهای فرهنگی و هنری به سوی واگذاری امور به مردم ، مطالبات، تقاضاها و سلایق مردم افزایش چشمگیر یافت و جامعه به سوی تنوع شدید در مطالبات، سلیقه ها و توقعهای فرهنگی وهنری پیش رفت. این شرایط لزوم اهتمام جدی به افزایش تولیدات فرهنگی و هنری را دو چندان نمود. بنابراین، با هدف رشد تولید در بخشهای گوناگون فرهنگی و هنری، انواع حمایتها و اعطای وام و یارانه های مختلف به سوی تولید کنندگان فرهنگی و هنری سرازیر شد. اعطای تسیهلات بانکی کم بهره به انواع تولیدات هنری، اعطای یارانه برای ساخت و تولید تئاتر و موسیقی، حمایت از تأسیس و فعالیت مؤسسات فرهنگی و هنری، و نیز شرکتهای تولید محصولات فرهنگی وهنری و ... از جمله حمایتها از روند تولید محسوب می شوند که در نهایت، موجب رشد چشمگیر در تولید انواع خدمات و کالاهای فرهنگی و هنری در سالهای عمر انقلاب اسلامی به ویژه اواخر دهه ۶۰ شده است.

» حمایت از اصحاب فرهنگ و هنر

بخش هنر همچون سایر بخش های فرهنگی وهمچون در سایر مدل ، نیازمند حمایت های مادی ومعنوی دولت است. اگرچه سخت ها و مشکلات هنرمند را آبدیده تر وخلاقیت های را برای حل مسایل شکوفاتر می کند، اما دغدغه های هنرمند درخصوص منابع مالی تولید آثار هنری ، تامین معشیت زندگی و... می تواند مانع بزرگی برای تولید آثار و محصولات فرهنگی وهنری شود. بدین لحاظ و تقریبا" از همان سالهای اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ، فعالیت های فرهنگی وهنری زیرچتر حمایتی نظام قرار گرفت و علاوه بر حمایت های مالی ، تسهیلات و مزایای قانونی و مقرراتی مناسبی نیز وضع شد.

درطول سی و دوسال گذشته ، دولت ها به انواع مختلف ازجمله: حمایت از برگزاری جشنواره ها و نمایشگاهها ، حمایت از حضور هنرمندان و آثار هنری درمجامع و جشنواره های بین المللی ، حمایت از

تولید آثار موسیقایی ، نمایشی و تجسمی ، حمایت از تاسیس ، راه اندازی و فعالیت تشکل های غیر دولتی ، حمایت از ایجاد و راه اندازی گروههای مختلف موسیقی و نمایشی ، خرید آثار هنری و... از بخش هنر حمایت کردند. اما علاوه بر حمایت های عام و مستمر، در طول سالهای بعد از انقلاب حمایت ها ی عام و مستمر، درطول سالهای بعد از انقلاب حمایت های خاصی نیز برای فعالان و دست اندرکاران هنری کشور تعریف و اجرا شد که در ادامه چند مورد از مهمترین آنها ارایه می شود.

۱. تحقق معافیت مالیاتی فعالیتهای فرهنگی وهنری بر مبنای بند «ل» ماده ۱۳۹ قانون مالیاتهای مستقیم
۲. تأسیس صندوقهای اعتباری حمایت از اصحاب فرهنگ و هنر
۳. اجرای طرح بیمه تأمین اجتماعی پدیدآورندگان آثار فرهنگی وهنری
۴. تصویب واجرای شیوه نامه « پرداخت کمک مستمری به هنرمندان معمر و از کار افتاده
۵. اجرای طرح تکریم از هنرمندان پیشکسوت
۶. اجرای طرح ارزشیابی هنرمندان کشور
۷. خرید آثار هنری
۸. اجرای قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان

» بخش هنراز نگاه آمار

آنچه که ایرانیان را با آن بیشتر می شناسند، سابقه غنی فرهنگی و هنری است. هنرهای تجسمی، نمایشی و موسیقی در طول قرنهای گذشته با تلفیق مؤلفه های ایرانی با مؤلفه های اسلامی، شهرت جهانی پیدا کرد و همواره در آسمان هنر جهان می درخشید. مدیریت مجموعه این هنرها و اشاعه و ارتقای آن در داخل کشور و شناساندن آن به جهان، در طول ۳۲ سال گذشته مورد توجه و اهتمام سیاستگذاران و برنامه ریزان کشور بوده است.

همانگونه که در جدول مشاهده می شود، مهمترین شاخص هایی که توسعه فعالیت های امور هنری را تعیین می کند، در طول سالهای پس از انقلاب اسلامی از رشد چشمگیری برخوردار بوده اند. متأسفانه به جز در مورد آمار تعداد عنوان نمایش تولید شده در بقیه شاخص ها آمارها فقط از سال ۶۷ به بعد موجود است و عملکرد سالهای ۵۷ تا ۶۷ یعنی ۱۰ سال اول انقلاب در اختیار نیست. البته با توجه به وقوع جنگ تحمیلی درآن سالها و معطوف بودن تمام توجه ها و تلاش ها به سوی دفاع مقدس از سرزمین و تمامیت ارضی کشور، طبیعی است که در زمینه جمع آوری آمار فعالیت و اقدام مؤثری صورت نگرفته باشد.

تعداد عناوین نمایش تولید شده با نرخ رشد متوسط سالانه ۱۰/۳ درصد از رقم ۲۲۶ عنوان در سال ۵۸ به ۳۹۰۳ عنوان در سال ۸۷ افزایش یافته است.

دفعات اجرای نمایش های تولید شده نیز از رشد نسبتاً خوبی برخوردار بود به نحوی که از ۱۵۲۵ دفعه در سال ۶۷ به ۴۹۰۴۴ دفعه در سال ۸۷ رسید و نرخ رشد متوسط ۱۹ درصد در سال را نشان می دهد.

بررسی سرانه تعداد عنوان نمایش تولید شده در طول سالهای ۵۸ تا ۸۷ نشان دهنده آن است که این سرانه از ۶/۱ عنوان برای هر یک میلیون نفر در سال ۵۸ با رشد بیش از نه برابر به ۵۴ عنوان برای هر یک میلیون

نفر در سال ۸۷ افزایش یافته است. از سوی دیگر دفعات اجرای نمایش های تولید شده، در سال ۶۷ به ازای هر صد هزار نفر، ۲/۸۵ دفعه بوده است که به ۶۷/۶ دفعه در سال ۸۷ رسید که نشان دهنده رشد بیش از ۲۰ برابری دفعات اجرای نمایش از سال ۶۷ تا ۸۷ می باشد.

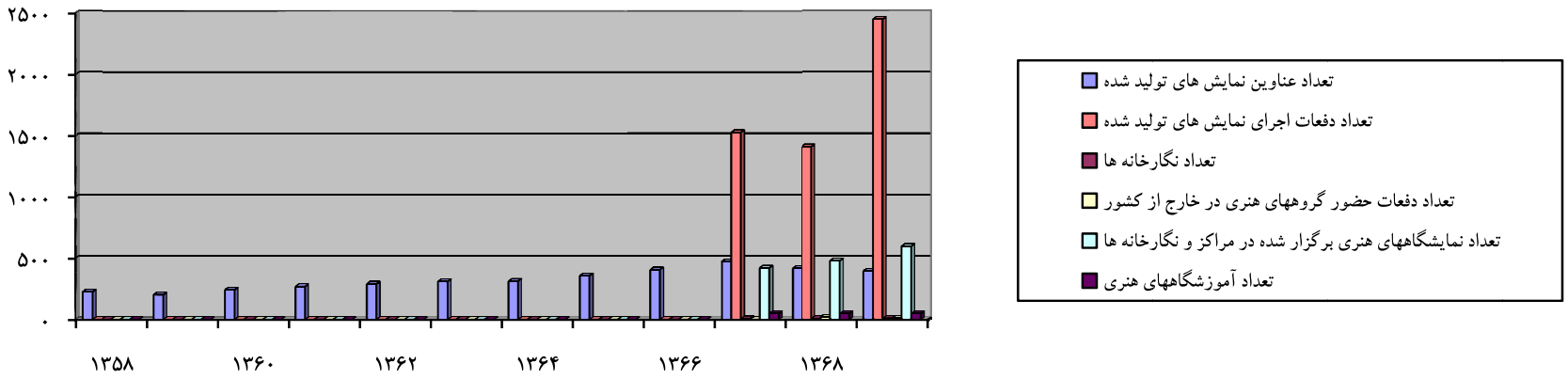
تعداد نگارخانه های فعال در کشور از رقم بسیار ناچیز ۷ باب در سال ۶۷ با نرخ رشد متوسط ۲۰/۳ درصد در سال به ۲۸۰ باب در سال ۸۷ رسیده است. به عبارت دیگر به ازای هر ده میلیون نفر جمعیت شهری کشور در سال ۶۷ تنها ۲ باب نگارخانه وجود داشت و در سال ۸۷ این رقم به ۳۸/۶ باب رسید که رشد چشمگیری را نشان می دهد و از توجه بخش به ضرورت ایجاد فضاهای فرهنگی و هنری مناسب برای عرضه تولیدات هنرهای تجسمی حکایت می کند.

تعداد نمایشگاه های برگزار شده در زمینه هنرهای تجسمی از ۴۲۰ نمایشگاه در سال ۶۷ با نرخ رشد متوسط ۶/۳ درصد در سال به ۱۴۳۰ نمایشگاه در سال ۸۷ رسیده است. بررسی سرانه برگزاری نمایشگاه هنرهای تجسمی نشان می دهد که در سال ۶۷ به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت شهری کشور، ۱۴/۴ نمایشگاه هنرهای تجسمی برگزار می شد که این رقم به ۱۹/۷ نمایشگاه در سال ۸۷ افزایش یافته است.

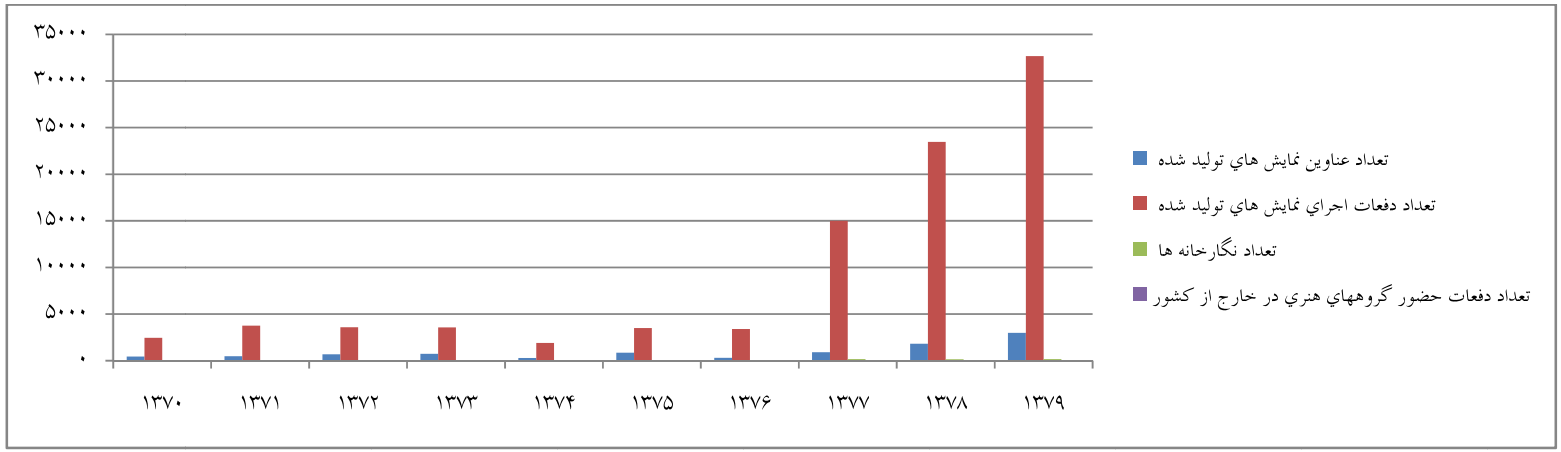
تعداد آموزشگاه های آزاد هنری در طول سالهای ۶۷ تا ۸۷ با نرخ رشد متوسط سالانه ۲۲/۵ درصد از ۴۸ آموزشگاه در سال ۶۷ به ۲۷۷۸ آموزشگاه در سال ۸۷ افزایش یافته است. سرانه آموزشگاه ها نیز از ۱/۶ باب برای هر یک میلیون نفر جمعیت شهری کشور درسال ۶۷ به ۳۸/۳ باب در سال ۸۷ رسیده است.

این افزایش نشان دهنده توجه بخش به آموزش هنر به عنوان ابزاری مؤثر در روند توسعه هنری و واگذاری آن به بخش خصوصی به عنوان عاملی برای حرکت رو به رشد هنرمندان به سوی پویایی و فعالیت گسترده تر هنری و انتقال دانش و تجارب پیش کسوتان و هنرمندان حرفه ای به جوانان علاقمند به هنر است.

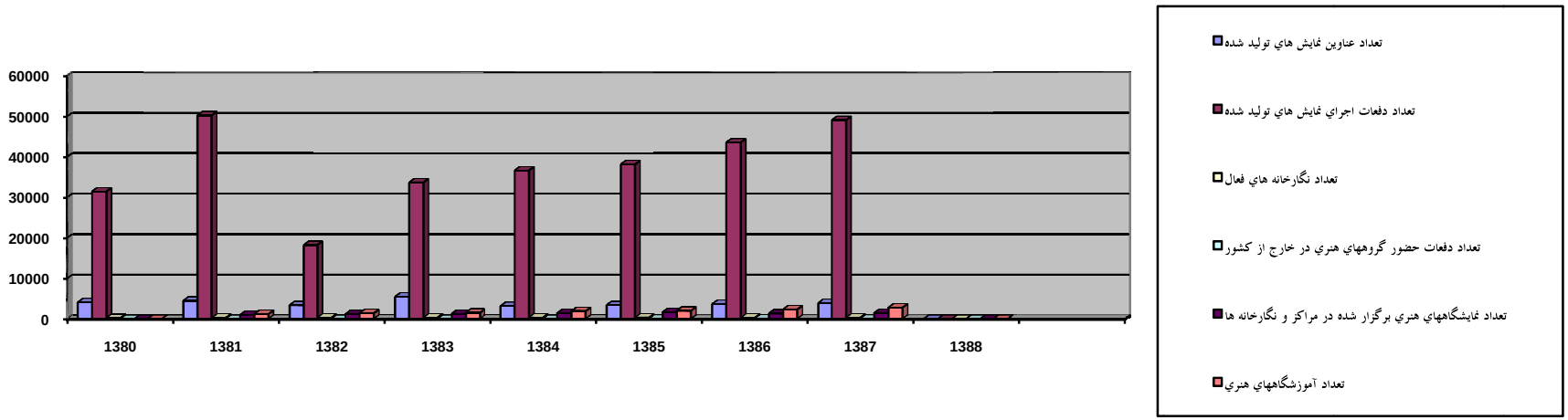
نمودار شماره ۵ :وضعیت شاخص های بخش هنر طی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۹



نمودار شماره۱- ۵ :وضعیت شاخص های بخش هنر طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹



نمودار شماره ۲-۵ :وضعیت شاخص های بخش هنر طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷



۱. متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است.
۲. متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است.
۳. توسط رشد سالانه از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است.
۴. متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است.
۵. متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است.

نتیجه‌گیری:

فرهنگ فضای تنفسی یک جامعه بوده آرمان اصلی ملت ایران رسیدن به جامعه‌ای رشید، موحد، پرنشاط، پرامید، عدالت‌طلب، دارای اعتماد به نفس، پرکار، پیشرو، دارای توکل و برخوردار از روح ایثار و گذشت است و فرهنگ مهمترین عامل دستیابی به این هدف والاست(بخشی از فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۸۶/۰۹/۱۷). در راستای رسیدن به این اهداف سایر نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هم‌سو و هم‌افزا به منظور رشد و بالندگی کشور در عرصه فرهنگی گام برمی‌دارند. رشد و استقلال کشور در عرصه فرهنگی سبب اقتدار آن کشور در عرصه‌های دیگر می‌شود. با توجه به این مهم نظام جمهوری اسلامی ایران در کنار رشد و پیشرفت کمی و کیفی در عرصه فرهنگ نیز مبادرت و این ارتقاء سبب گسترش پیام جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان شده است.

در برخی از این شاخص‌ها مثلاً در عرصه مطبوعات، هنر، کتاب و معرف دینی، این رشد در مقایسه با کشورهای به اصطلاح پیشرفته با شتاب بیشتری حرکت می‌کند. با توجه به موج بیداری اسلامی در ماه‌های اخیر ضرورت و اهمیت فرهنگ و تحولات آن که نقطه قوت ملت‌های اسلامی می‌باشند.

منبع:

گزارش تحقیق در شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۰/۰۳/۰۱

فصل چهارم

دستاوردهای اجتماعی، سیاسی و ورزشی سی سال جمهوری اسلامی ایران

مقدمه:

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، با رهبری و هدایت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) از آغاز با رأی و حمایت مردم آگاه ایران شکل گرفت. خیزش و بیداری مردم سبب برچیده شدن طاغوت در کشور و پیروزی انقلاب اسلامی شد.

با تأکید حضرت امام خمینی(ره)، مردم برای تعیین نوع انقلاب به پای صندوق رأی رفته و با رأی قاطع بیش از ۹۸درصد، در همان ابتدای پیروزی انقلاب به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند.

این کشور از همان آغاز با انواع دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمنان ملت ایران مواجه شد.

ترور و شهادت مسئولین نظام از جمله رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس قوه قضائیه و جمع کثیری از دیگر مسئولین و مردم، جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران، تحریم‌های اقتصادی و ... از جمله این مشکلاتی بود که در برابر ملت ایران طراحی و پیاده شد. ملت غیور و همیشه در صحنه با هشیاری کامل و اتکاء به خداوند و هدایت حضرت امام خمینی(ره) این بحران‌ها را پشت سر گذاشته و در همه این عرصه‌ها در میدان بوده و از انقلاب و اسلام تا پای جان حمایت کرده‌اند.

با رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انقلاب دوران سازندگی را پس از جنگ تحمیلی آغاز کرده و ملت ایران چون گذشته در این عرصه نیز با هدایت و رهبری بی‌نظیر انقلاب توسط رهبر فرزانه خود شاهد رشد و پیشرفت در تمام عرصه شد.

در عرصه سازندگی و اقتصاد، عرصه سیاسی، عرصه ورزش، عرصه فرهنگی و اجتماعی این بالندگی و توسعه به وضوح دیده می‌شود.

در این مقاله به گوشه‌هایی از حضور گسترده مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، دینی و نیز موفقیت‌های آنان در ورزش اشاره شده است.

تحولات اجتماعی و سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

- مشارکت سیاسی و انقلاب اسلامی

میزان مشارکت سیاسی شهروندان هر کشور در تعیین سرنوشت خود، یکی از مهمترین معیارهای میزان دموکراتیک بودن نظام سیاسی حاکم بر یک کشور است. مشارکت سیاسی در معنای عام، فعالیت جمعی یا

فردی شهروندان به منظور تاثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری و اداره امور سیاسی و اجتماعی کشور است. از بدو تاسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، مشارکت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا، همواره متاثر از رویدادها، تحولات و شرایط سیاسی- اجتماعی هر دوره، فراز و فرودهایی داشته است. در آخرین انتخابات که در خرداد سال ۱۳۸۸ برای انتخاب دهمین رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، شاخص میزان مشارکت به ۸۵ درصد رسید که بالاترین میزان جهانی مشارکت سیاسی می‌باشد و نشانگر اوج مردم‌سالاری دینی و اقتدار نظام اسلامی است.

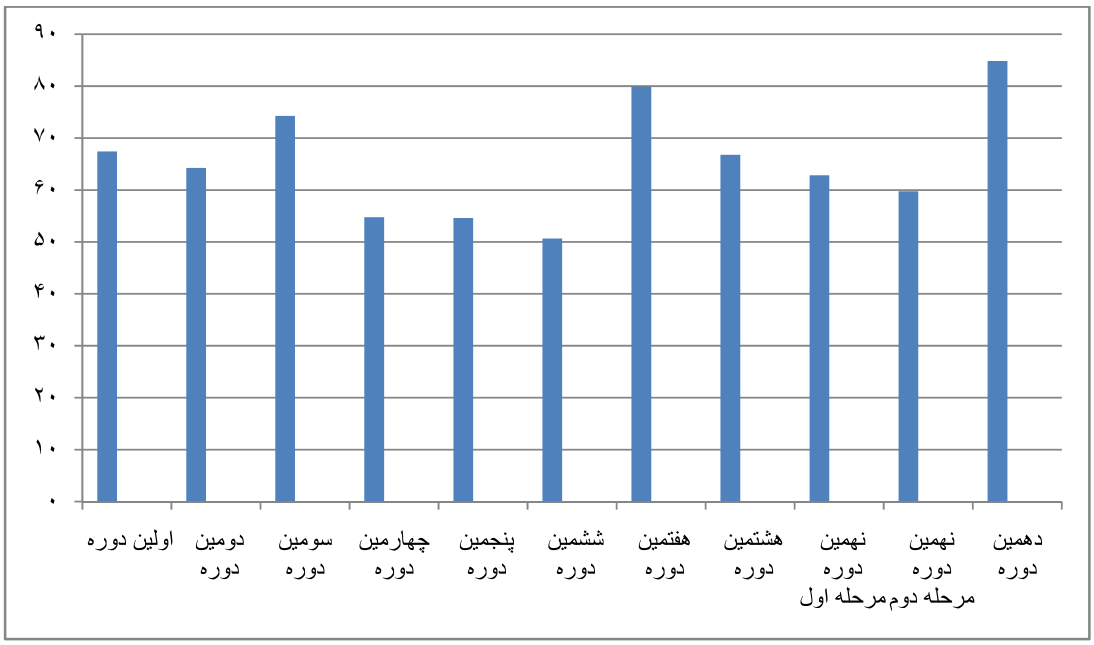
اولین و مهمترین انتخابات پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همه‌پرسی تغییر نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸بود که در حقیقت تعیین‌کننده نوع حکومت بود.

همچنین دو انتخابات بعدی در ارتباط با تدوین قانون اساسی کشور بود که در مرداد و آذر ۱۳۵۸ برگزار شدند. در واقع برگزاری ۵ انتخابات مهم در سال ۱۳۵۸ این سال را به یک مقطع استثنایی در تاریخ انقلاب مبدل ساخت. در نظام جمهوری اسلامی تعیین همه شخصیت و نهادها از رهبری گرفته تا مجلس و شوراها، همگی متکی به رأی ملت است.

- میزان مشارکت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری:

اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری در بهمن سال ۱۳۵۸ برگزار شد. علیرغم نوسان میزان مشارکت عمومی در انتخابات ریاست جمهوری از ابتدا تا کنون(همانگونه که نمودار نشان می‌دهد) همواره تا به امروز میزان مشارکت بسیار بالا بوده و کاهش چشمگیری طی ۳۱ سال اخیر مشاهده نمی شود. از ابتدا تا کنون، کمترین میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری مربوط به انتخابات دوره ششم است که در آن کاندیدای مربوطه، با کسب ۵۰/۶۵ درصد آراء به ریاست جمهوری برگزیده شدند. همینطور بالاترین آمار مشارکت مربوط به انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، با مشارکت ۸۵ درصدی بود که در تاریخ انقلاب اسلامی بی‌سابقه است.

نمودار۱: مقایسه درصد مشارکت در ده دوره انتخابات ریاست جمهوری



جدول ۱: مقایسه درصد مشارکت در ده دوره انتخابات ریاست جمهوری

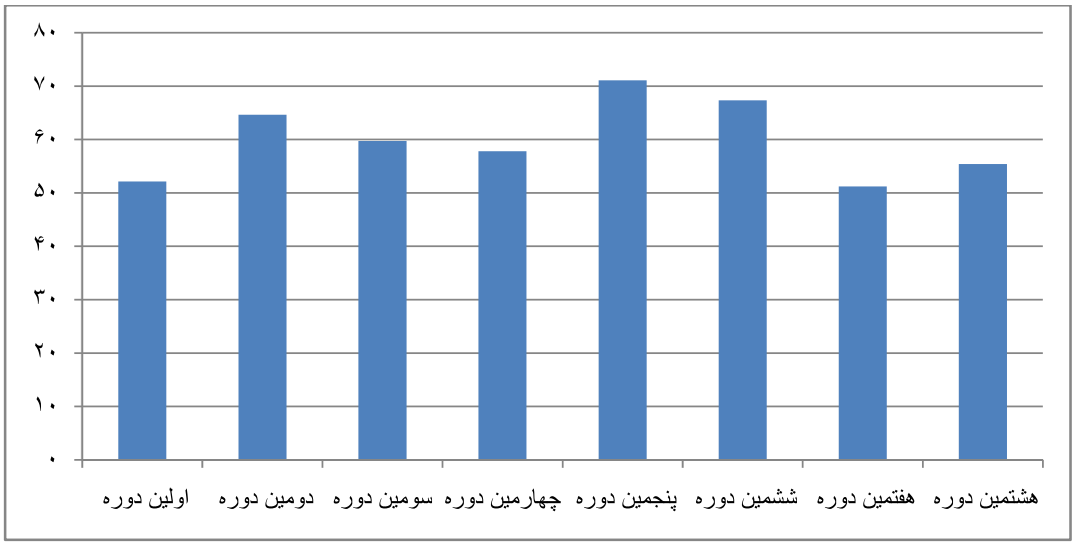
دوره	واجدین شرایط	تعداد شرکت کننده
اولین دوره	۲۰,۹۹۳,۶۴۳	۱۴,۱۵۲,۹۰۷
دومین دوره	۲۲,۶۸۷,۰۱۷	۱۴,۵۷۲,۴۹۳
سومین دوره	۲۲,۶۸۷,۰۱۷	۱۶,۸۴۷,۷۱۵
چهارمین دوره	۲۵,۹۹۳,۸۰۲	۱۴,۲۳۸,۵۸۷
پنجمین دوره	۳۰,۱۳۹,۵۹۸	۱۶,۴۵۲,۵۶۲
ششمین دوره	۳۳,۱۵۶,۰۵۵	۱۶,۷۹۶,۷۵۵
هفتمین دوره	۳۶,۴۶۶,۴۸۷	۲۹,۱۴۵,۷۴۵
هشتمین دوره	۴۲,۱۷۰,۲۳۰	۲۸,۱۵۵,۹۶۹
نهمین دوره مرحله اول	۴۶,۷۸۶,۴۱۸	۲۹,۴۰۰,۸۵۷
نهمین دوره مرحله دوم	۴۶,۷۸۹,۴۱۸	۲۷,۹۵۸,۹۳۱
دهمین دوره	۴۶,۱۹۹,۹۹۷	۳۹,۳۷۱,۲۱۴

- میزان مشارکت سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی:

اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، به فاصله تنها ۴۹ روز پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۵۸ برگزار شد. با توجه به فرمایش حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر اینکه «مجلس در راس امور است»،

از ابتدای تاسیس نظام جمهوری اسلامی همواره مشارکت عمومی در انتخابات مجلس شورای اسلامی بسیار چشمگیر بوده است.

نمودار ۲: مقایسه درصد مشارکت در هشت دوره مجلس شورای اسلامی



جدول ۲: مقایسه درصد مشارکت در هشت دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

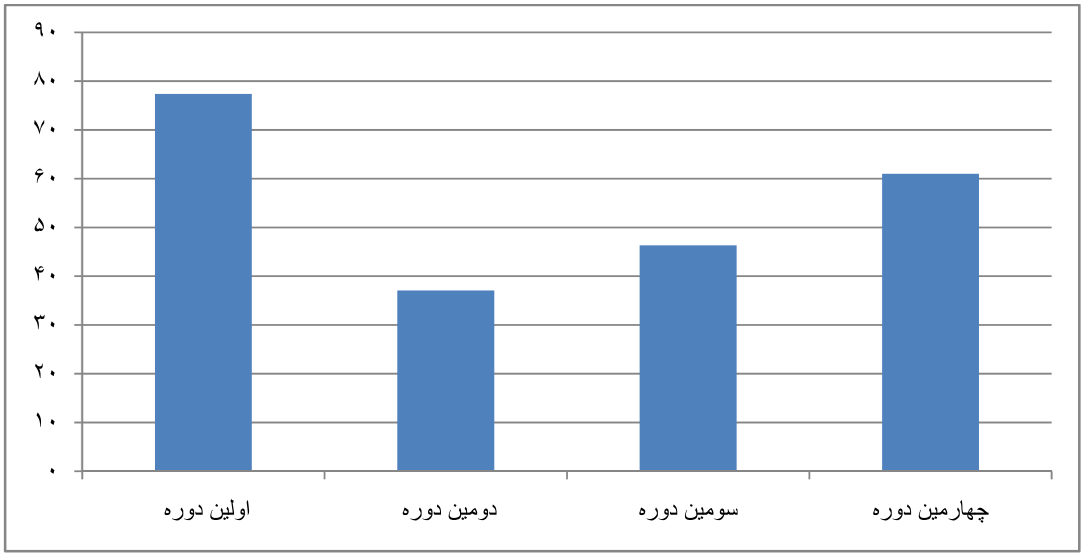
دوره	واجدین شرایط	تعداد شرکت کننده
اولین دوره	۲۰,۸۵۷,۳۹۱	۱۰,۸۷۵,۹۶۹
دومین دوره	۱۴۳,۴۹۸,۲۴	۱۵,۶۰۷,۳۰۶
سومین دوره	۲۷,۹۸۶,۷۳۶	۱۶,۷۱۴,۲۸۱
چهارمین دوره	۳۲,۴۶۵,۵۵۸	۱۸,۷۶۷,۰۴۲
پنجمین دوره	۳۴,۷۱۶,۰۰۰	۲۴,۶۸۲,۳۸۶
ششمین دوره	۳۸,۷۲۶,۴۳۱	۲۶,۰۸۲,۱۵۷
هفتمین دوره	۳۵۱,۰۳۲,۴۶	۲۳,۷۳۴,۶۷۷
هشتمین دوره	۴۳,۸۲۴,۲۵۴	۲۴,۲۷۹,۷۱۷

- میزان مشارکت سیاسی در انتخابات خبرگان رهبری:

بر اساس فرمایش حضرت امام خمینی(ره)، «شرکت در انتخابات یک واجب کفایی است»، مردم مسلمان ایران نیز بنا بر اعتقاد به اصل ولایت مطلقه فقیه و همچنین با مراجعه به سوره شورا : «و امرهم شورا بینهم» همواره شرکت در انتخابات را یک وظیفه دینی و شرعی دانسته اند.

اولین انتخابات مجلس خبرگان رهبری در ۱۹ آذر ۱۳۶۱ و در دوران جنگ تحمیلی برگزار شد، با توجه به اینکه مجلس خبرگان طبق قانون اساسی، یک نهاد تعیین کننده در ساختار سیاسی کشور است و انتخاب و تعیین رهبری نظام را به عهده دارد، لذا ملت ایران با درک اهمیت این موضوع همواره در انتخابات خبرگان، مشارکت موثری داشته اند، آنگونه که نمودارها نشان می‌دهد، میزان مشارکت در انتخابات سومین دوره خبرگان رهبری در سال ۱۳۷۷ از میزان مشارکت در دومین دوره خبرگان(۱۳۶۹) بیشتر بوده و میزان مشارکت در انتخابات چهارمین دوره(۱۳۸۵) نیز از سومین دوره بشتر بوده است و این نشان دهنده افزایش تدریجی درصد و میزان مشارکت عمومی در انتخابات خبرگان رهبری طی ۳۱ سال اخیر می‌باشد.

نمودار ۳:مقایسه درصد مشارکت در چهار دوره انتخابات خبرگان رهبر



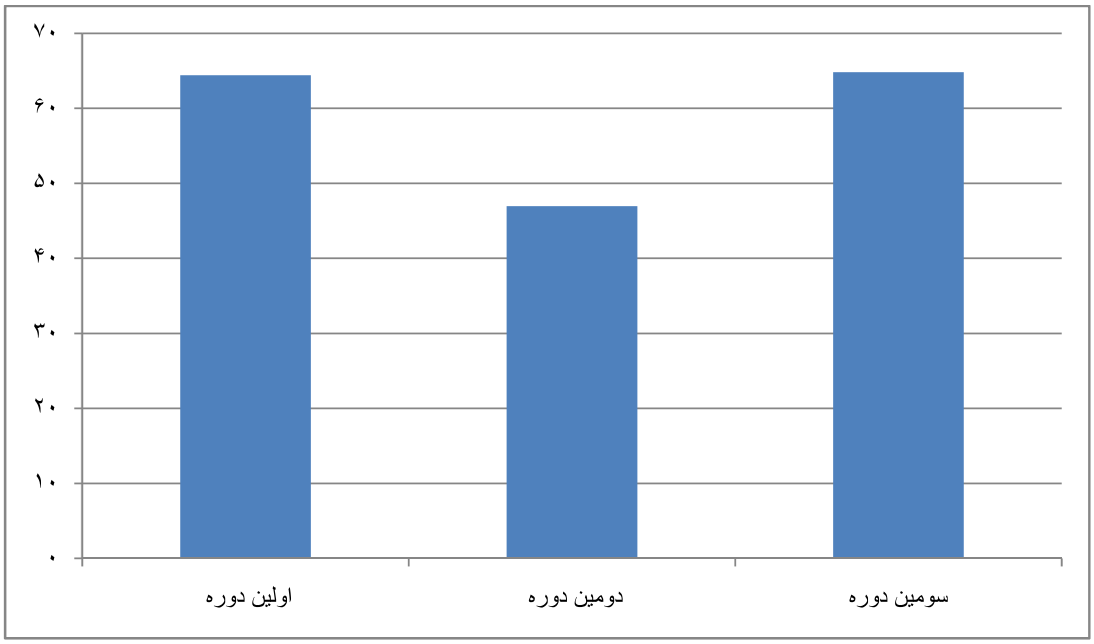
جدول ۳: مقایسه میزان مشارکت در چهار دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری

دوره	واجدین شرایط	تعداد شرکت کننده
اولین دوره	۲۳,۲۷۷,۸۷۱	۱۸,۰۱۳,۰۶۱
دومین دوره	۳۱,۲۸۰,۰۸۴	۱۱,۶۰۲,۶۱۳
سومین دوره	۳۸,۵۷۰,۵۹۷	۱۷,۸۵۷,۸۶۹
چهارمین دوره	۴۶,۵۴۹,۰۴۲	۲۸,۳۲۱,۲۷۰

میزان مشارکت سیاسی در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا:

شوراهای اسلامی شهر و روستا، با هدف جلب مشارکت گسترده‌تر مردم در فعالیت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و مدنی، در ابتدای پیروزی انقلاب، در قانون اساسی پیش‌بینی گردید. اما به دلیل شرایط خاص دوران اولیه استقرار نظام اسلامی و سپس شروع جنگ تحمیلی از سوی رژیم بعثی عراق، این امر، ۲۰ سال به تاخیر افتاد و مجال تحقق نیافت. مهمترین کارویژه سیاسی شوراها، افزایش مشارکت سیاسی مردم است. همانگونه که می دانیم از الزامات مشارکت سیاسی، «نهادمندی» است و شوراها نیز به عنوان نهادی که هم در جامعه و هم در حاکمیت حضور دارند، می توانند در فرآیند جلب مشارکت سیاسی- اجتماعی مردم ایفای نقش نمایند. پژوهشهای اخیر نشان می دهد تشکیل شوراها موجب افزایش مشارکت سیاسی در میان اقوام ، اقلیتهای مذهبی، جوانان و بانوان شده است. مشارکت بیش از ۶۴ درصدی مردم در اولین دوره انتخابات شوراها در سال ۱۳۸۰ گواه این مطلب است. ضمناً اقشار مختلف مردم در مجموع، از انتخابات شوراها استقبال بیشتری نموده اند. البته این وضعیت در همه مناطق کشور یکسان نبوده است. استقبال از انتخابات شوراها در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری، در شهرهای کوچک نسبت به شهرهای بزرگ و در مناطق کمتر توسعه یافته نسبت به مناطق توسعه یافته، بیشتر بوده است.

نمودار ۴: مقایسه درصد مشارکت در سه دوره انتخابات شوراهای اسلامی



نمودار ۴: مقایسه درصد مشارکت در سه دوره انتخابات شوراهای اسلامی

دوره	واجدین شرایط	تعداد شرکت کننده
اولین دوره	۳۶,۷۳۹,۹۸۲	۲۳,۶۶۸,۷۳۹
دومین دوره	۴۰,۵۰۱,۷۸۳	۲۰,۲۳۵,۸۹۸
سومین دوره	۵۰۰,۰۰۰,۴۳	۲۸,۱۹۹,۹۰۳

بر اساس اطلاعات موجود در پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور، میزان آرای باطله در هر دوره نسبت به دوره قبل، کمتر شده و طی ۳۱ سال اکنون به میزان ناچیزی رسیده است. بررسیها نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین افزایش میزان تهدیدات خارجی و داخلی علیه نظام و نیز میزان مشارکت گروه‌های سیاسی مختلف در انتخابات هر دوره وجود دارد. از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، طی ۳۲ سال، مجموعاً ۳۲ انتخابات و همه پرسی برگزار شده است که بطور میانگین هر سال یک انتخابات داشته‌ایم و این موضوع یکی از افتخارات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان است و به عنوان الگویی برای کشورهای اسلامی منطقه و جهان می باشد.

هفته بزرگداشت مقام زن و روز مادر به مناسبت سالروز ولادت حضرت فاطمه الزهرا (س):

بی‌گمان نظام جمهوری اسلامی ایران با ترویج فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) موجب ارتقاء منزلت زن در عرصه اجتماع، سیاست و اقتصاد در کشور شد. در جمهوری اسلامی به منزلت و جایگاه واقعی زن در جامعه اندیشیده شده و نگاه به زن برخلاف دیگر رژیم‌ها نگاهی ابزاری و منفعت طلبانه نیست بلکه، نگاه انسانی و ارزشی منبعث از کتاب اسلام ناب محمدی (ص) است.

در همین راستا در بیستم جمادی الثانی هر سال که مقارن با میلاد دو گوهر گرانبهای جهان اسلامی یعنی، حضرت فاطمه الزهرا (س) و امام خمینی (ره)، است ستاد برگزاری مراسم گرامی‌داشت هفته زن و روز مادر مراسم گوناگونی را در نکوداشت این ایام در سراسر کشور برگزار می‌کند و اقشار گوناگون مردم ایران با بزرگداشت روز زن بعنوان عامل اصلی تربیت در خانواده را گرامی می‌دارند و تهیه هدایای ویژه از همسران و زن مادران تجلیل بعمل می‌آید.

- مراسم و مناسبت‌هایی که به شکل راهپیمایی مردمی برگزار می‌شود:

- بزرگداشت یوم الله روز جهانی قدس (آخرین جمعه ماه مبارک رمضان):

تعظیم و نکوداشت روز جهانی قدس این میراث ماندگار حضرت امام خمینی (ره) علاوه بر آنکه بیانگر دفاع ایران از آرمان اسلامی فلسطین است، حمایت از مظلومان نیز می‌باشد که رویکردی «اسلامی – انسانی» را به نمایش می‌گذارد و موجب خیزش جنبش‌های اسلامی و بیداری جهان اسلام می‌گردد.

بزرگداشت روز جهانی قدس با تشکیل ستاد قدس و انتفاضه در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به شکل سراسری در تمامی شهرها و شهرستان‌های کشور، پس از نماز جمعه انجام می‌شود.

- برگزاری جشن‌های ایام الله دهه فجر و راهپیمایی بیست و دوم بهمن:

جشن‌های سراسری ایام دهه فجر شامل دوازدهم بهمن، سالروز ورود حضرت امام خمینی (ره) به میهن اسلامی و بیست و دوم بهمن ماه، سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی از جمله مناسبت‌هایی است که به صورت منظم با حضور اقشار گوناگون برگزار می شود، که البته راهپیمایی عظیم و پرشور بیست و دوم بهمن هر سال که در تمامی شهرها و شهرستان‌ها و بسیاری از روستاهای کشور برگزار می‌شود، در میان این برنامه‌ها از ویژگی خاصی برخوردار بوده و بازتاب جهانی دارد.

- سایر مراسم غیرمترقبه:

این دسته از مراسم براساس نیازسنجی جامعه برگزار می‌شود مانند: تظاهرات حماسی و عظیم بیست و سوم تیرماه ۱۳۷۸ و نهم دی ماه ۱۳۸۸ ، همچنین مراسم متعدد دفاع از مقاومت سی و سه روز حزب الله لبنان مقابل حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی یا مقاومت بیست و دو روزه مردم غزه که منجر به تظاهراتی در دفاع از مردم مظلوم فلسطین شد و آخرین مورد آن هم تظاهرات سراسری ضد صهیونیستی روز چهاردهم خرداد در اعتراض به اقدام ضد بشر صهیونیست‌ها در حمله به کاروان بشر دوستانه کمک به مردم مظلوم غزه بود که با حضور گسترده و حماسی مردم در سراسر ایران برگزار شد.

میزان و آمار شرکت‌کنندگان در این دو مراسم راهپیمایی با توجه به رشد جمعیت در سه دهه گذشته متفاوت بوده و از طریق دستگاه‌های اجرایی و آمارگیر رسمی کشور جمعیت مراسم برآورد و تخمین زده شده است.

یادآور می‌شود که مثلاً برای مراسم نهم دی ماه ۱۳۸۸ در تهران بالغ بر ۴,۰۰۰,۰۰۰نفر و در سراسر کشور بیش از ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ نفر حضور داشته‌اند و در مراسم بیست و دوم بهمن ۱۳۸۸ در تهران بالغ بر ۴,۵۰۰,۰۰۰ نفر و در سراسر کشور به مرز ۴۵,۰۰۰,۰۰۰ نفر بوده است.

- فعالیت‌های دینی و فرهنگی دانشگاهها و انقلاب اسلامی

نماز جماعت: تاکنون بصورت تقریبی ۲۳۵۰ امام جماعت در دانشگاهها که هر روزه امامت نمازهای جماعت مساجد دانشگاهی، نمازخانه‌های خوابگاهی و ... را عهده‌دار می‌باشند و حداقل یکصد نماز جماعت صبح در دانشگاهها برپا می‌شود. طیف جمعیتی حاضر در این نمازهای جماعت ۵۰ الی ۱۵۰۰ نفر را شامل می‌گردد. هم اکنون بیش از ۳۵۰ مسجد دانشگاه در سطح کشور وجود دارد. ولی براساس برآوردهای تقریبی بیش از ۲۲۰۰ نمازخانه در دانشگاه‌ها فعال می‌باشد.

اعتکاف دانشجویی: اعتکاف دانشجویی در ایام البیض ماه مبارک رجب و دهه آخر ماه رمضان جزء سنت‌های حسنه محیط‌های دانشگاهی است که با استقبال و شور و اشتیاق فراوان دانشجویان در برخی از مساجد دانشگاهی برگزار می‌گردد و همواره دانشجویان از کمبود مکان برای شرکت در این مراسم مواجه هستند. آمارها از حضور ۳۰/۰۰۰ نفر از دانشجویان علاقه‌مند در مساجد دانشگاهها و دهها هزار نفر در مساجد سطح شهر حکایت می‌کند. البته رونق و فراگیری اعتکاف در سطح جامعه نیز پس از اقبال گسترده دانشجویان بوده است.

عمره دانشگاهیان: تاکنون هر ساله بیش از ۲۵۰۰۰ نفر از دانشجویان و اساتید دانشگاه پس از قرعه کشی چند صد هزار نفره و با شور و اشتیاق فراوان در این مراسم باشکوه و معنوی حضور پیدا می‌کنند.

سفرهای زیارتی: سفرهای زیارتی یکی از جلوه‌های بارز فعالیتهای معنوی دانشجویان حضور در اماکن زیارتی و عتبات مقدسه از جمله حرم مطهر امام رضا (ع) در مشهد مقدس و حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) و مسجد مقدس جمکران می‌باشد که دانشجویان علاوه بر زیارت فردی و خانوادگی بنابر اطلاعات ارائه شده بالغ بر چند میلیون نفر زائر در طول سال می‌باشد. همچنین تقریباً بیش از یکصد هزار نفر نیز به صورت کاروانی و اردویی نیز (بصورت تقریبی بیش از یکصد هزار نفر) به این اماکن مقدس سفر می کنند.

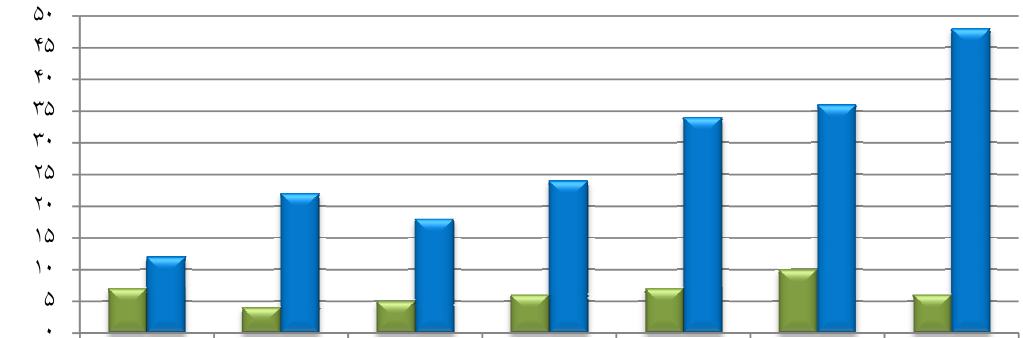
همچنین هر ساله بیش از یکصد هزار از دانشجویان و اساتید در قالب کاروانها در بازید از مناطق عملیاتی دفاع مقدس در غرب و جنوب شرکت می‌کنند و با شهدای عزیز تجدید میثاق می‌نمایند.

- ورزش و انقلاب اسلامی

یکی از اهداف بزرگ پیروزی انقلاب اسلامی، توسعه خدمت رسانی به جامعه و گسترش رفاه عمومی در عرصه‌های مختلف بوده است. در همین راستا، ورزش و توجه به این عرصه بسیار مهم که با خود سلامت جامعه و سوق دادن جوانان این مرز و بوم به سوی پرورش روح و جسم سالم را در پی داشته و دارد، در دستور کار مسئولان نظام قرار گرفت که این مسئله ابعاد مختلفی در حوزه تربیت بدنی و ورزش به خود گرفت و آثارش به بخش‌ها به نحوی تسری یافت که کیفیت ورزش ایران را در ابعاد فرهنگی و اخلاقی بهبود بخشید و اگر چه در برخی حوزه‌ها، این تنها لایه بیرونی بود که تغییر کرده بود و برخی اتفاقات همچنان در حال وقوع بود اما در سایر حوزه‌ها، این باور که ورزش ایران در حال نظاره تغییراتی مثبت است، ملموس شد. با ایجاد ورزشگاههای ویژه بانوان نیم دیگر جامعه نیز فرصت عرض‌اندام را پافتند. در کنار آن روابط کشورهای دیگر با ایران دگرگون شد و فرصت برای حضور ورزشکاران ایرانی در تورنمنت‌های بین‌المللی فراهم شد و جوانان ایرانی توانستند در فرصت اندکی قله‌های بلند جهانی را درنوردند و بر سکوهای بلند جهانی تکیه دهند. روزبه‌روز تحولات دیگری در کشور رخ داد که این تحولات تأثیر بسیاری بر ورزش گذاشتند. در آغازین سال‌های دهه‌ی هفتاد شاهد ایجاد شبکه تلویزیونی و رادیویی برای ورزش بودیم.

در کنار آن انتشار نشریات و بالاخص روزنامه‌های ورزشی فرصت‌هایی برای رقابت ایجاد کرد. با گسترش استفاده از پدیده‌ی جدید اینترنت نیز شاهد ایجاد خبرگزاری‌های تخصصی ورزش در رشته‌های مختلف و راه‌اندازی سایت‌های اینترنتی برای باشگاه‌ها و ورزشکاران بودیم. جهان ورزش با شور و نشاطی که دارد هر روز به شور و نشاط جامعه می‌افزاید و این دلیلی است که مسئولان نگاه حمایتی بیشتری به ورزش داشته باشد. پس از پیروزی انقلاب ابتدا فرهنگ معنویت و اخلاق وارد عرصه ورزش شد، درحالی که پیش از انقلاب، ورزش به عنوان ابزاری برای تبلیغات به حساب می‌آمد که مبنای فرهنگی نداشت. براساس آمار، بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، ورزش با یک رویکرد دیگر رقم خورد و این موضوع تا بحث قهرمانی پیش رفت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مسؤولان وقت ورزش کشور شعاری مطرح شد: «ورزش بدون فرهنگ پهلوانی و توجه به قهرمانی، ورزش نیست؛ ورزش قهرمانی قله‌ای است که باید فتح شود و به دامنه آن به عنوان توسعه توجه گردد.» از این مرحله به بعد در همه ابعاد ورزش یک جهش بزرگ را شاهد بودیم. ورزش بانوان که یک نقش حداقلی برای تعدادی محدود با یک فرهنگ نابجا بود، دچار تحول فرهنگی شد و فضای اختصاصی برای فعالیت بانوان به وجود آمد.در قالب معاونت ورزش بانوان، مقام زن تکریم شد و فرصتی برای رشد در زمینه ورزش قهرمانی و بین‌المللی به وجود آمد و مربیان، داوران و مدیران اختصاصی در میادین حضور پیدا کردند. در آن زمان کمیته بین‌المللی المپیک شعاری در سطح مدیران ورزش مطرح کرد تا کشورها حداقل از ۳۰ درصد بانوان در فعالیت‌هایشان استفاده کنند. ایران جزو کشورهایی بود که به این هدف رسید و مورد تقدیر قرار گرفت.

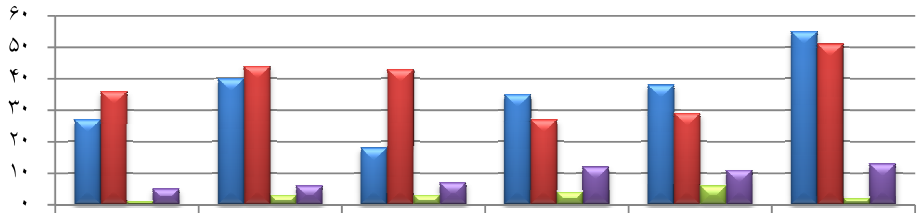


	۱۳۶۲	۱۳۶۶	۱۳۷۰	۱۳۷۴	۱۳۷۸	۱۳۸۲	۱۳۸۶
رتبه	۷	۴	۵	۶	۷	۱۰	۶
مدال	۱۲	۲۲	۱۸	۲۴	۳۴	۳۶	۴۸

نمودار ۵: عملکرد در بازی‌های آسیایی

در المپیک که شاخص مهم دیگری می‌باشد نیز شاهد تحولاتی بوده‌ایم. اگرچه پس از انقلاب در تمامی حوزه‌های آن رشد حاصل نشده‌است و همواره مدال طلا که بیانگر جایگاه کشورها در سطح جهان است بین

یک تا سه مدال طلا ثابت باقی مانده است اما در شاخص‌هایی مثل حضور شرکت‌کننده ورزشی و رشته ورزشی موفقیت چشمگیری حاصل شده است به‌گونه‌ای که در آخرین المپیک در ۱۳ رشته ورزشی با ۵۵ نفر ورزشگار شرکت داشته‌ایم



	۱۳۶۷	۱۳۷۱	۱۳۷۵	۱۳۷۹	۱۳۸۳	۱۳۸۷
نفرات اعزامی	۲۷	۴۰	۱۸	۳۵	۳۸	۵۵
رتبه	۳۶	۴۴	۴۳	۲۷	۲۹	۵۱
مدال	۱	۳	۳	۴	۶	۲
رشته	۵	۶	۷	۱۲	۱۱	۱۳

نمودار ۶: عملکرد در المپیک

آمار رشته‌هایی که توانسته‌اند در المپیک مدال کسب نمایند. (به تفکیک رشته) :

- ۱۳۶۷، المپیک سئول، رشته کشتی آزاد (تک مدال)
- ۱۳۷۱، المپیک بارسلونا، کشتی آزاد (سه مدال)
- ۱۳۷۵، المپیک آتلانتا، کشتی آزاد (سه مدال)
- ۱۳۷۹، المپیک سیندی، وزنه‌برداری، کشتی آزاد، تکواندو(چهار مدال)
- ۱۳۸۳، المپیک آتن، وزنه‌برداری، تکواندو، کشتی آزاد (شش مدال)
- ۱۳۷۸، المپیک پکن، کشتی آزاد، تکواندو (دومدال)

اما در میان المپیک مجموع حضور رشته‌های ورزشی به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱۳۶۷، سئول: دوچرخه‌سواری، کشتی آزاد، کشتی فرنگی، تکواندو، دو و میدانی
- ۱۳۷۱، بارسلونا: دو و میدانی، بوکس، دوچرخه‌سواری، وزنه‌برداری، تکواندو، پینگ‌پنگ، کشتی آزاد وکشتی فرنگی
- ۱۳۷۵، آتلانتا: دو و میدانی، بوکس، جودو، تیراندازی، کشتی آزاد، کشتی فرنگی و شنا
- ۱۳۷۹، سیدنی: دو و میدانی، بوکس، قایقرانی، وزنه‌برداری، کشتی آزاد، کشتی فرنگی، تکواندو، دوچرخه‌سواری، سوارکاری، جودو، شنا، پینگ‌پنگ و تیراندازی
- ۱۳۸۳، آتن: دو و میدانی، بوکس، دوچرخه‌سواری، جودو، تکواندو، وزنه‌برداری، کشتی، تیراندازی، پینگ‌پنگ و شنا

- ۱۳۸۷، پکن: پینگ‌پنگ، بدمینتون، شنا، تیراندازی باکمان، قایقرانی، بوکس، تکواندو، وزنه‌برداری، دو و میدانی، جودو، کشتی و بسکتبال

در جدول ۵ و جدول ۶ تعداد مدال‌های ایران در مسابقات جهانی و قهرمانی آسیا ذکر شده است.

جدول ۵- مدال‌های ایران در مسابقات جهانی

سال	طلا	نقره	برنز	جمع کل
۱۳۷۲ -۱۳۷۹	۲۷۵	۱۸۹	۲۲۴	۶۸۸
۱۳۸۰	۸۲	۹۶	۶۵	۲۴۳
۱۳۸۱	۷۴	۶۹	۵۸	۲۰۱
۱۳۸۲	۷۳	۶۴	۴۷	۱۸۴
۱۳۸۳	۳۷	۳۰	۴۰	۱۰۷
۱۳۸۴	۸۷	۴۹	۵۷	۱۹۳
۱۳۸۵	۶۰	۴۵	۵۹	۱۶۴
۱۳۸۶	۹۸	۶۴	۶۰	۲۲۲

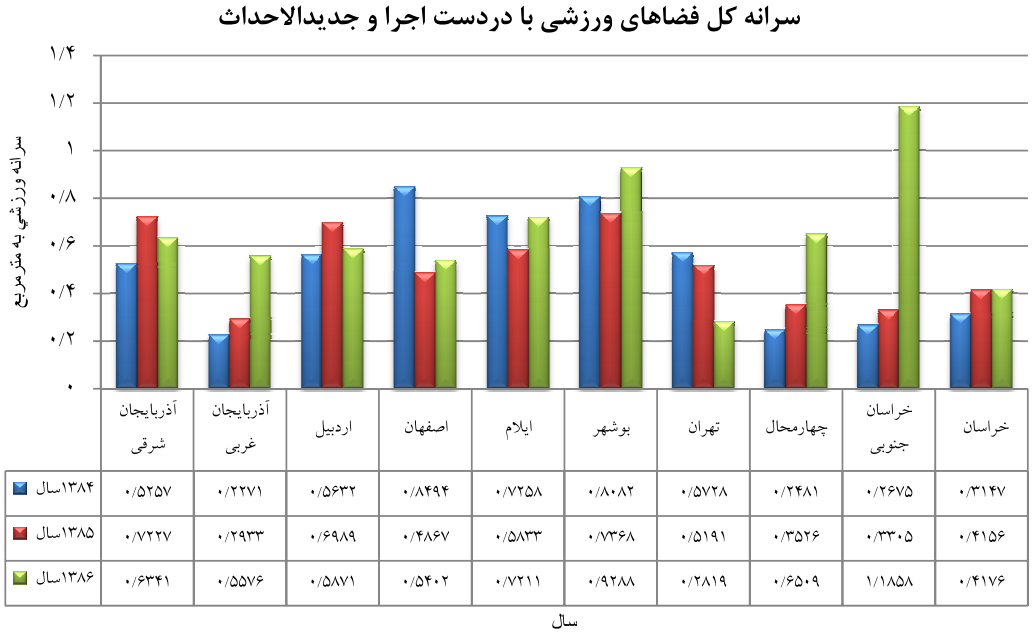
جدول۶- مدال‌های ایران در مسابقات قهرمانی آسیا

سال	طلا	نقره	برنز	جمع کل
۱۳۷۲ -۱۳۷۹	۲۵۲	۲۷۶	۲۷۴	۶۰۲
۱۳۸۰	۵۱	۴۷	۵۱	۱۴۹
۱۳۸۱	۴۳	۳۹	۵۴	۳۶
۱۳۸۲	۷۳	۹۴	۷۴	۲۴۱
۱۳۸۳	۷۴	۷۰	۶۴	۲۰۸
۱۳۸۴	۶۵	۴۳	۴۸	۱۵۶
۱۳۸۵	۴۹	۳۲	۲۷	۱۰۸
۱۳۸۶	۱۰۱	۸۸	۸۸	۲۷۷

- تعداد ورزشگاه‌ها و اماکن ورزشی

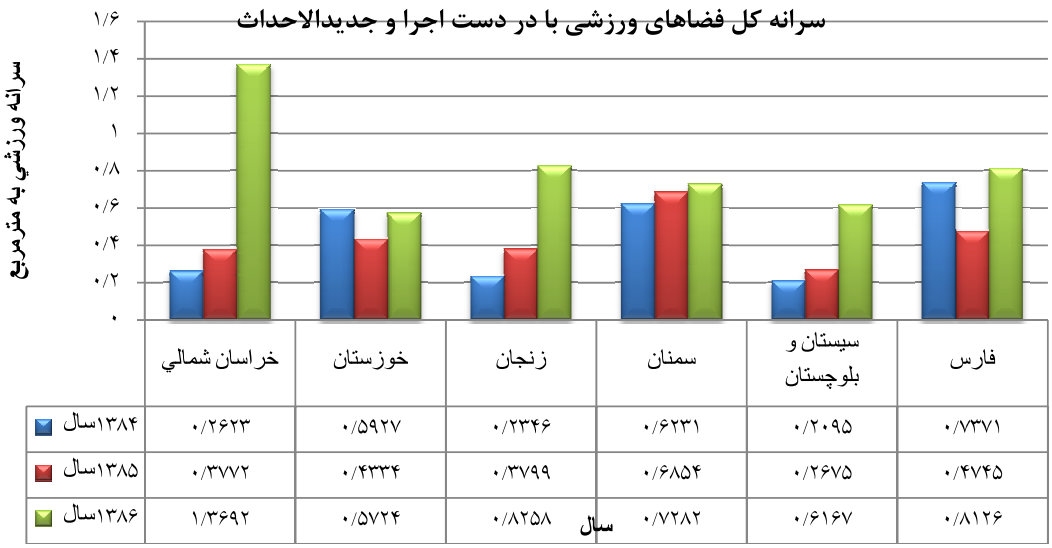
در این راستا سرانه ورزشی کشور در طی سال‌های پس از انقلاب جهش‌های بسیار خوبی داشته است به گونه‌ای که پس از افزایش سرانه ورزش در سال‌های گذشته به هر نفر ۱۷۰۰ تومان، هم‌اکنون سرانه ورزشی به ۷۰۰۰ تومان برای هر فرد افزایش یافته است.

از طرفی میزان فضای ورزش ایران در سال ۱۳۸۷ به حدود ۰/۵ متر رسیده است و برنامه‌ریزی‌های خوبی جهت رسیدن به استانداردهای جهانی در حدود ۲ متر شده‌است. به‌گونه‌ای که هم‌اکنون به ۱۲ استان دارای سرانه ورزشی نزدیک یک متر هستند که علاوه بر این که نشان‌دهنده افزایش سرانه ورزشی کشور است بیانگر توزیع عادلانه‌ها سرانه ورزشی در سطح کشور نیز می‌باشد.



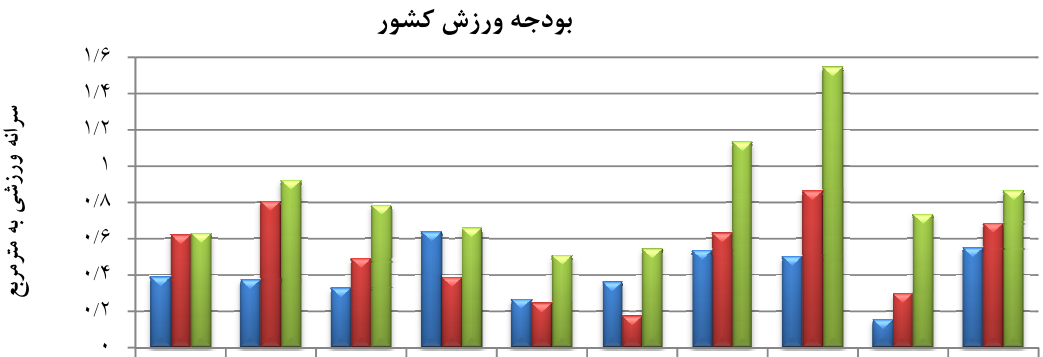
	آذربایجان شرقی	آذربایجان غربی	اردبیل	اصفهان	ایلام	بوشهر	تهران	چهارمحال	خراسان جنوبی	خراسان
۱۳۸۴سال	۰/۵۲۵۷	۰/۲۲۷۱	۰/۵۶۳۲	۰/۸۴۹۴	۰/۷۲۵۸	۰/۸۰۸۲	۰/۵۷۲۸	۰/۲۴۸۱	۰/۲۶۷۵	۰/۳۱۴۷
۱۳۸۵سال	۰/۷۲۲۷	۰/۲۹۳۳	۰/۶۹۸۹	۰/۴۸۶۷	۰/۵۸۳۳	۰/۷۳۶۸	۰/۵۱۹۱	۰/۳۵۲۶	۰/۳۳۰۵	۰/۴۱۵۶
۱۳۸۶سال	۰/۶۳۴۱	۰/۵۵۷۶	۰/۵۸۷۱	۰/۵۴۰۲	۰/۷۲۱۱	۰/۹۲۸۸	۰/۲۸۱۹	۰/۶۵۰۹	۱/۱۸۵۸	۰/۴۱۷۶

نمودار ۷: توزیع سرانه ورزشی در طی چند سال



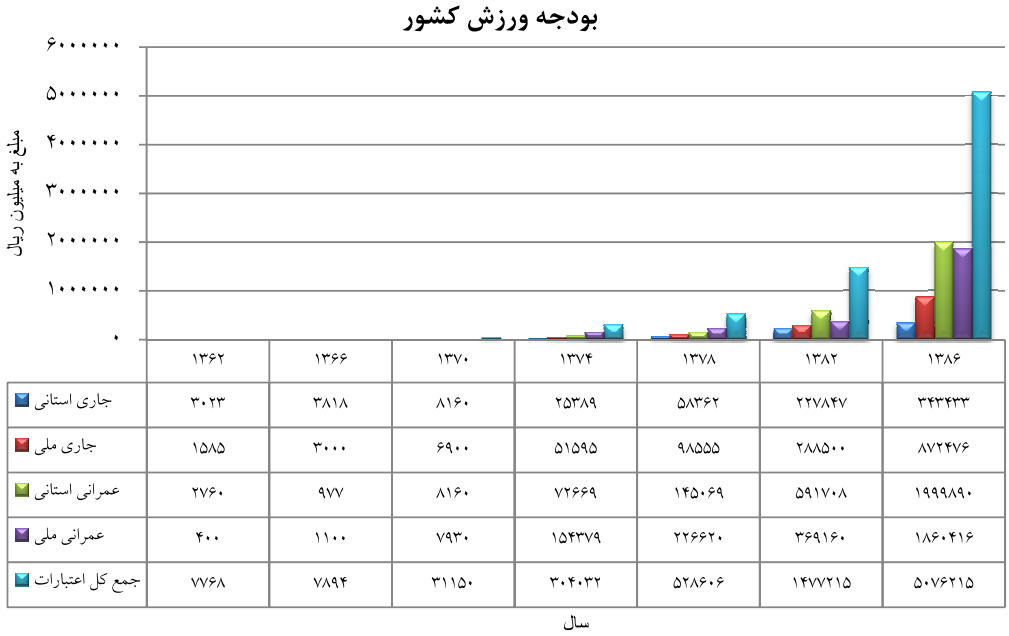
	خراسان شمالي	خوزستان	زنجان	سمنان	سیستان و بلوچستان	فارس
۱۳۸۴سال	۰/۲۶۲۳	۰/۵۹۲۷	۰/۲۳۴۶	۰/۶۲۳۱	۰/۲۰۹۵	۰/۷۳۷۱
۱۳۸۵سال	۰/۳۷۷۲	۰/۴۳۳۴	۰/۳۷۹۹	۰/۶۸۵۴	۰/۲۶۷۵	۰/۴۷۴۵
۱۳۸۶سال	۱/۳۶۹۲	۰/۵۷۲۴	۰/۸۲۵۸	۰/۷۲۸۲	۰/۶۱۶۷	۰/۸۱۲۶

نمودار ۸: توزیع سرانه ورزشی در طی چند سال



	کرمانشاه	کهکیلویه و بویراحمد	گلستان	گیلان	لرستان	مازندران	مرکزی	هرمزگان	همدان	یزد
۱۳۸۴سال	۰/۳۹۰۱	۰/۳۷۴۵	۰/۳۲۸۹	۰/۶۳۹۱	۰/۲۶۷۱	۰/۳۶۲۴	۰/۵۳۶۴	۰/۵۰۳	۰/۱۵۴۹	۰/۵۵۰۵
۱۳۸۵سال	۰/۶۲۱۳	۰/۸۰۶۴	۰/۴۹۰۹	۰/۳۸۷۱	۰/۲۴۵	۰/۱۷۳۶	۰/۶۳۲۲	۰/۸۶۳۹	۰/۲۹۸۷	۰/۶۸۶۱
۱۳۸۶سال	۰/۶۲۹۵	۰/۹۲۲	۰/۷۸۴۷	۰/۶۶	۰/۵۰۸۸	۰/۵۴۴۳	۱/۱۳۴۲	۱/۵۴۶	۰/۷۳۴۱	۰/۸۶۴۷

نمودار ۹: بودجه ورزش کشور



	۱۳۶۲	۱۳۶۶	۱۳۷۰	۱۳۷۴	۱۳۷۸	۱۳۸۲	۱۳۸۶
جاری استانی	۳۰۲۳	۳۸۱۸	۸۱۶۰	۲۵۳۸۹	۵۸۳۶۲	۲۲۷۸۴۷	۳۴۳۴۳۳
جاری ملی	۱۵۸۵	۳۰۰۰	۶۹۰۰	۵۱۵۹۵	۹۸۵۵۵	۲۸۸۵۰۰	۸۷۲۴۷۶
عمرانی استانی	۲۷۶۰	۹۷۷	۸۱۶۰	۷۲۶۶۹	۱۴۵۰۶۹	۵۹۱۷۰۸	۱۹۹۹۸۹۰
عمرانی ملی	۴۰۰	۱۱۰۰	۷۹۳۰	۱۵۴۳۷۹	۲۲۶۶۲۰	۳۶۹۱۶۰	۱۸۶۰۴۱۶
جمع کل اعتبارات	۷۷۶۸	۷۸۹۴	۳۱۱۵۰	۳۰۴۰۳۲	۵۲۸۶۰۶	۱۴۷۷۲۱۵	۵۰۷۶۲۱۵

نمودار ۱۰: بودجه ورزش کشور

- **تعداد ورزشکاران آماتور و حرفه‌ای تحت پوشش**

آمار ورزش همگانی در ایران بعد از انقلاب به مقدار حدود ۱۵٪ رسیده است و در حال حاضر بطور میانگین حدود ۱/۵ تا ۳ درصد از جمعیت استان‌های کشور در حال حاضر تحت پوشش بیمه هستند که نمادی از

تعداد ورزشکاران آماتور و حرفه‌ای کشور هستند. بر طبق برنامه‌های سازمان تربیت‌بدنی در آینده نزدیک این رقم به ۱۰ درصد جمعیت کشور خواهد رسید.

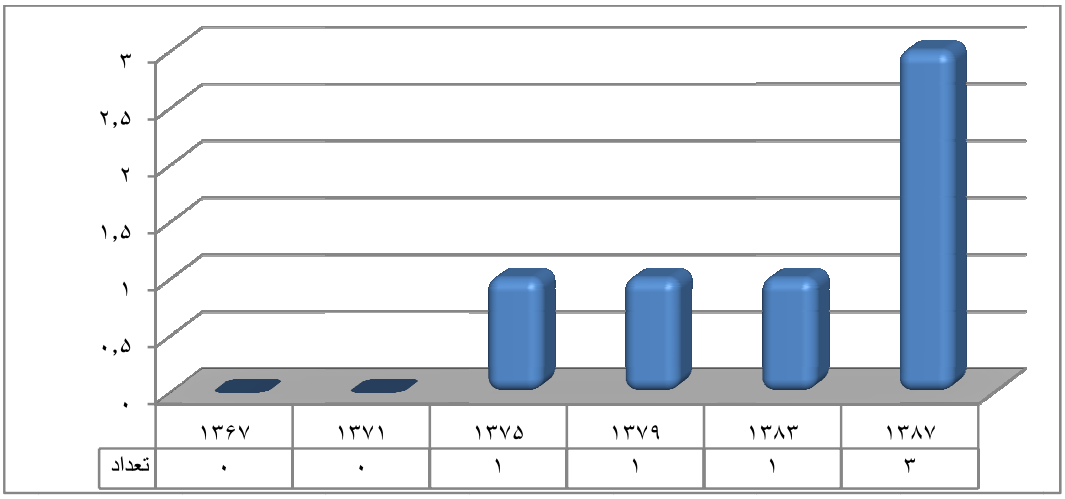
- وضعیت ورزش بانوان

اسلام ورزش بانوان را از ضروریات زندگی یک زن مسلمان می‌داند و آن را توصیه می‌کند؛ اما آنچه باید مورد توجه باشد، مناسبت آن با قدر و منزلت انسانی زن و خصوصیات جسمی و روانی وی است، ورزش زنان از نظر اسلام موقعی مجاز است که با رعایت‌ها همراه باشد؛ بدین معنی که متناسب با آنچه در اسلام برای حفظ شخصیت و وقار و احترام زن و جلوگیری از آلوده شدن محیط اجتماعی و لطمات خانوادگی، دستور داده ارایه گردد، این چنین ورزشی مطلوب است. ورزش زنان بسیار لذت‌بخش و جالب است که براساس تقویت و آمادگی برای انجام وظایف و مسؤولیت‌های آینده برنامه ریزی شده باشد و همواره بر آن نیز تأکید داشته باشد.

زنان ایرانی، هم اکنون در ۴۴ رشته ورزشی فعال هستند که ۳۲ رشته آن مجوز شرکت در مسابقات برون مرزی را دارند. این در حالیست که کاروان ورزشی ایران در سال ۸۶ و در جریان بازی‌های آسیایی دوحه قطر، ۲۴۳ ورزشکار را اعزام کرد که از میان آن ۲۷ ورزشکار سهم ورزش زنان بود. این نکته در مقایسه به میزان مشارکت زنان در دوره پیشین که نصف همین رقم بود، پیشرفت در خور توجهی به حساب می‌آید و یا حتی در مقایسه با اولین اعزام بروزن مرزی زنان (رشته تیراندازی در سال ۱۳۶۹) به مسابقات آسیایی چین، رشد چشمگیری در وضعیت ورزش زنان ایران را نشان می‌دهد.

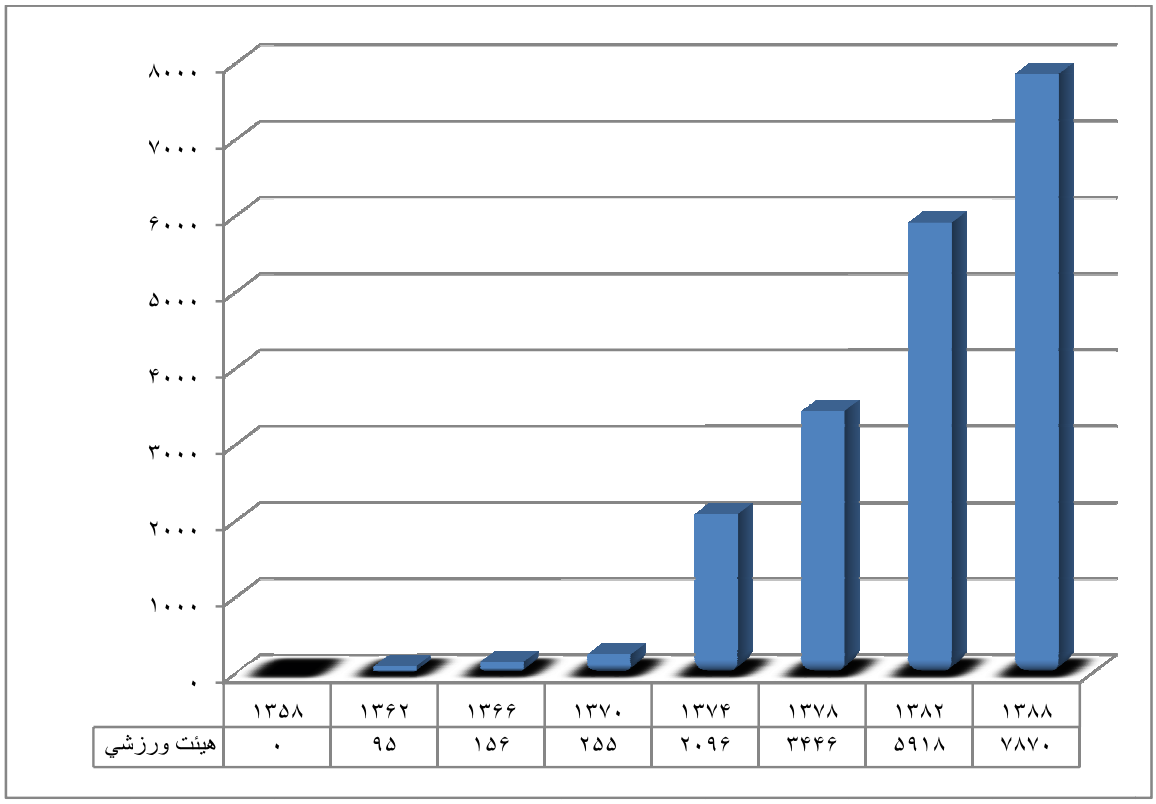
از طرفی در سال‌های اول انقلاب به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های حضور ورزشکاران زن در صحنه المپیک، هیچ زنی در این مسابقات شرکت نمی‌کرد. پس از طی آن سال‌ها و با رشد در ورزش بانوان، حضور زنان ایرانی در المپیک میسر گشت اگر چه حضور آنان به شرکت یک تیرانداز محدود می‌شد که البته آن هم با وایت کارت بود و هیچ دختر ورزشکاری نتوانسته بود شخصاً سهمیه حضور در المپیک را به دست آورد اما در آخرین المپیک شاهد جهش خوبی در ورزش بانوان بودیم و برای اولین بار دختران ایرانی سه سهمیه المپیک را در رشته‌های مختلف کسب کردند.

نمودار ۱۱: حضور زنان در المپیک



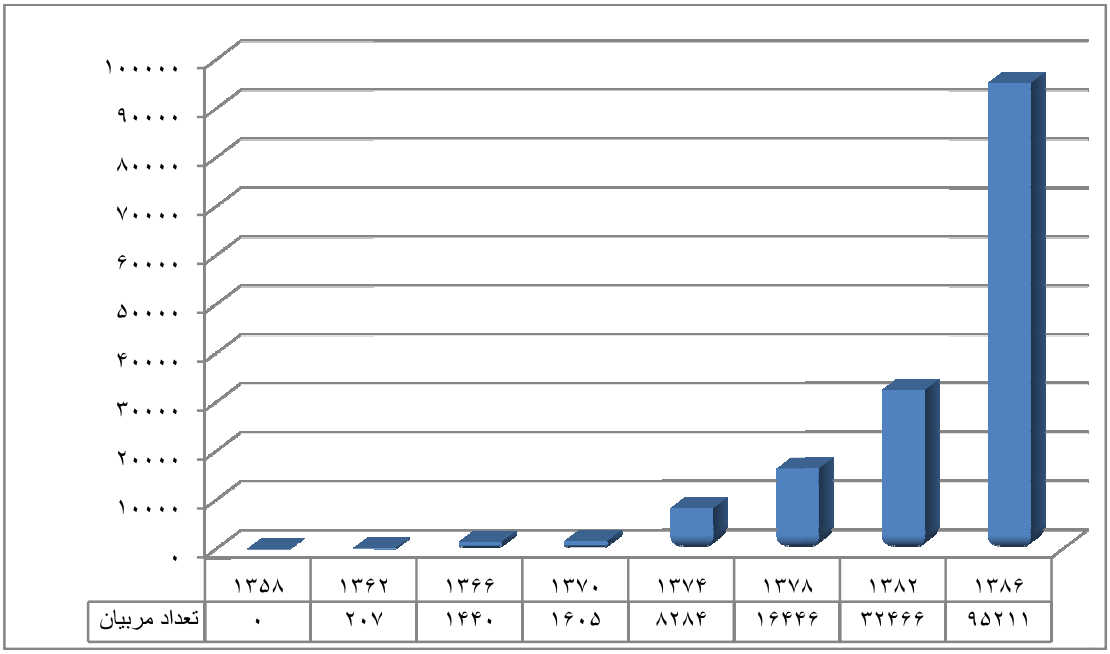
	۱۳۶۷	۱۳۷۱	۱۳۷۵	۱۳۷۹	۱۳۸۳	۱۳۸۷
تعداد	۰	۰	۱	۱	۱	۳

نمودار ۱۲: عملکرد بخش بانوان



	۱۳۵۸	۱۳۶۲	۱۳۶۶	۱۳۷۰	۱۳۷۴	۱۳۷۸	۱۳۸۲	۱۳۸۸
هیئت ورزشی	۰	۹۵	۱۵۶	۲۵۵	۲۰۹۶	۳۴۴۶	۵۹۱۸	۷۸۷۰

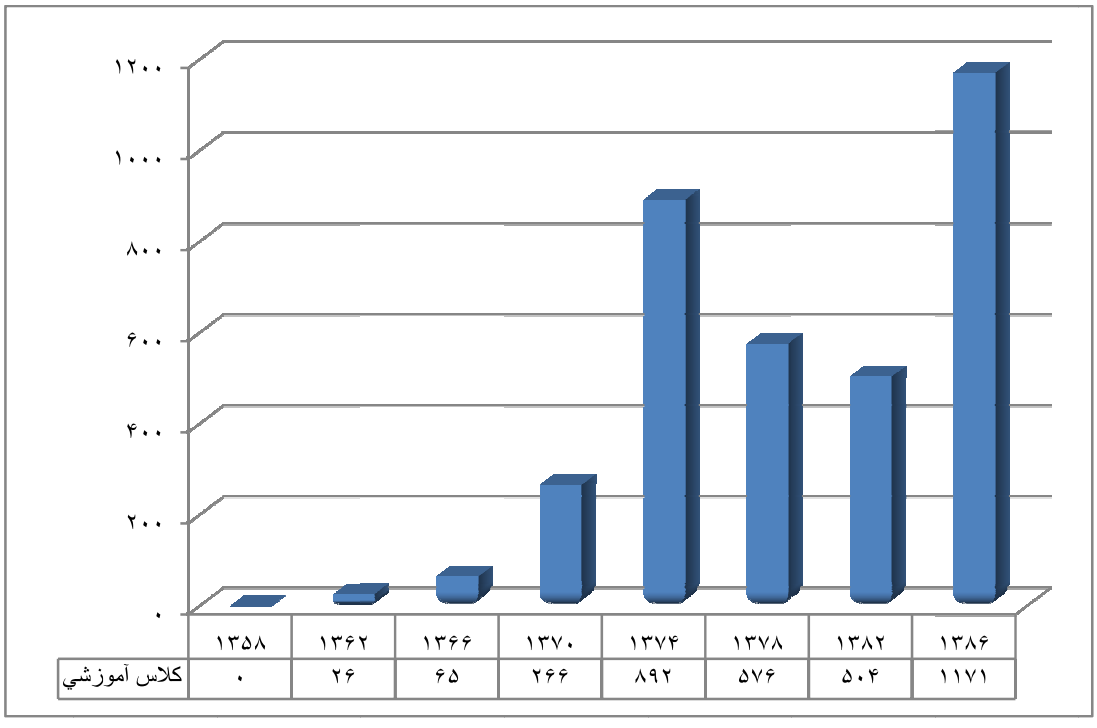
عملکرد بخش بانوان



	۱۳۵۸	۱۳۶۲	۱۳۶۶	۱۳۷۰	۱۳۷۴	۱۳۷۸	۱۳۸۲	۱۳۸۶
تعداد مربیان	۰	۲۰۷	۱۴۴۰	۱۶۰۵	۸۲۸۴	۱۶۴۴۶	۳۲۴۶۶	۹۵۲۱۱

نمودار ۱۳: تعداد مربیان

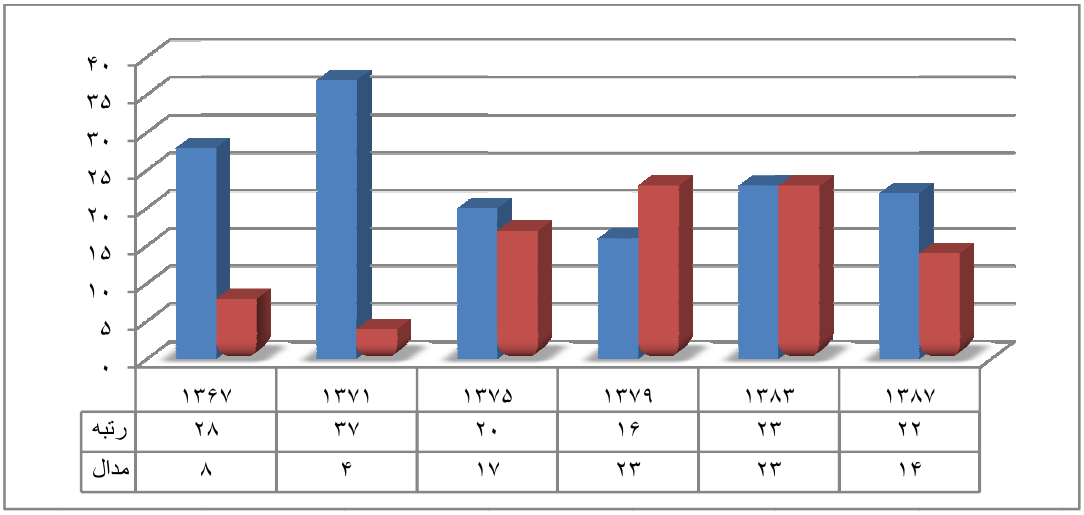
عملکرد بخش بانوان



	۱۳۵۸	۱۳۶۲	۱۳۶۶	۱۳۷۰	۱۳۷۴	۱۳۷۸	۱۳۸۲	۱۳۸۶
کلاس آموزشي	۰	۲۶	۶۵	۲۶۶	۸۹۲	۵۷۶	۵۰۴	۱۱۷۱

نمودار ۱۴: تعداد کلاس آموزشی

عملکرد ایران در پارالمپیک



	۱۳۶۷	۱۳۷۱	۱۳۷۵	۱۳۷۹	۱۳۸۳	۱۳۸۷
رتبه	۲۸	۳۷	۲۰	۱۶	۲۳	۲۲
مدال	۸	۴	۱۷	۲۳	۲۳	۱۴

نمودار ۱۵: جایگاه ایران در پارالمپیک

- رشته‌های جدیدالتأسیس

پس از انقلاب فدراسیون‌ها ورزشی کشور به طور چشم گیری افزایش یافته‌اند به طوری که توسعه فدراسیون‌های ورزشی از ۲۳ فدراسیون به ۵۲ فدراسیون در جهت توسعه عمومی ورزش در طی این سال‌ها انجام شده است و سبب شده است تا هیأت های ورزشی در سراسر کشور رشد بسیار خوبی داشته باشند (در حال حاضر ۱۰ هزار هیأت فعال می‌باشد). همچنین اجرای «طرح المپیاد ورزشی ایرانیان» در رده‌های سنی مختلف، مسابقات «بین‌المللی دهه ی فجر» نیز از دیگر دستاوردها و ابتکارات بعد از انقلاب می‌باشد.

نتیجه گیری

در سال‌های بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ورزش در بسیاری از حوزه‌ها رشد چشمگیری داشته است. تعداد فدراسیون‌ها، ورزشکاران و حضور آن‌ها در صحنه‌های ورزشی داخلی، بین‌المللی و جهانی بسیار افزایش یافته که هر یک همراه با کسب مدال‌های رنگارنگ بوده است. بر همین اساس جایگاه ایران در بین کشورها بهبود خوبی یافته است. در بعد فرهنگی نیز فعالیت‌های زیادی انجام گرفته است و نقش بانوان براساس معیارهای اسلامی در ورزش بسیار پررنگ شده است، ورزش پهلوانی و جوانمردی احیا شده است همچنین بخش ورزش گام‌های بلندی همراه با توسعه کشور در راه خصوصی سازی و فعالیت‌های علمی برداشته است که تمامی این دستاوردها در سایه این انقلاب بوده است.

منبع:

گزارش رسمی وزارت کشور

گزارش رسمی سازمان تبلیغات اسلامی

گزارش رسمی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی

گزارش رسمی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

گزارش رسمی سازمان تربیت بدنی

فصل پنجم

تحولات نهاده‌های اقتصادی

۱–۵: تحولات نهاده‌های اقتصادی

مقدمه

نیروی کار و سرمایه دو نهاده سنتی تولید هستند.در مقایسه با این نهاده ها سرمایه انسانی و ایده دو نهاده جدید تولید محسوب می شوند.سرمایه انسانی با سرمایه گذاری در آموزش(به ویژه آموزش عالی و بهداشت و درمان انباشت) می شود. انباشت سرمایه انسانی از طریق آموزش عالی در فصل دوم مورد بررسی قرارگرفت. در فصل سوم، تولید ایده از طریق تحقیق و توسعه بررسی شد. بنابراین در فصل حاضر تنها دو نهاده نیروی کار و سرمایه فیزیکی مورد بررسی قرار می گیرد. البته در قسمت نیروی کار، تحولات نیروی انسانی متخصص به عنوان موجودی سرمایه انسانی بررسی می شود.

تحولات نیروی کار

فعالیت یا به‌طور دقیق‌تر فعالیت اقتصادی، به کارهایی گفته می‌شود که به تولید کالاها و خدمات سودمند و موثر در حیات اقتصادی جامعه مربوط هستند. «جمعیت فعال» بنا به تعریف کنفرانس بین‌المللی آمارشناسان، متشکل از زنان و مردانی است که نیروی آماده‌ای را برای تولید کالاها و خدمات موثر تشکیل می‌دهند. تشخیص و بررسی جمعیت واقع در سن فعالیت، مطابق تعریف یاد شده دشوار است، از این رو، در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، گروه سنی ۱۰ساله یا ۱۵ سال و بیشتر را به عنوان «جمعیت واقع در سن فعالیت یا سنین کار» در نظر گرفته‌اند. جمعیت در سنین کار از دو زیرمجموعه تشکیل شده است:

- جمعیت فعال از نظر اقتصادی که خود مشتمل بر جمعیت شاغل و جمعیت بیکار جویای کار است.
- جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی که جمعیت خانوار، محصل، دارای درآمد بدون کار، بازنشسته، و اظهار نشده را شامل می‌شود.

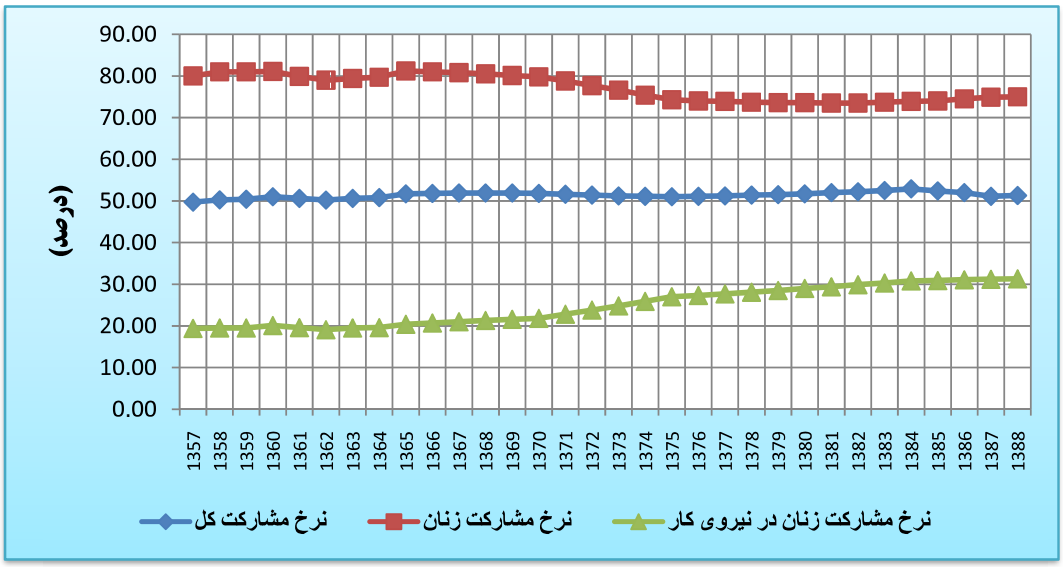
یکی از شاخص‌های مهم در بررسی خصوصیات نیروی انسانی در هر کشوری میزان مشارکت اقتصادی جمعیت آن کشور است.

نرخ مشارکت در بازار کار

نرخ مشارکت اقتصادی(نرخ فعالیت) مهمترین شاخص توسعه بازار کار است. این نرخ از تقسیم جمعیت فعال (شاغل و بیکار) 10یا ۱۵ساله و بیشتر بر جمعیت در سن کار(10 یا ۱۵ ساله و بیش تر) ضرب در 100به دست می آید. نرخ مشارکت در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی ایران، حدود ۴۲ درصد بود. این شاخص در طول دهه اول و نیمه اول دهه دوم تکامل جمهوری اسلامی ایران به کندی کاهش یافت و در سال ۱۳۷۵ به حداقل رسید و از این سال به بعد رو به افزایش نهاد و در سال ۱۳۸۸، به ۳۸,۹ درصد بالغ گردید. کاهش نرخ مشارکت در سال ۱۳۸۸ در مقایسه با سال ۱۳۵۷ بدلیل افزایش پیری جمعیت، و افزایش جمعیت دانش آموزی و دانشجویی بوده است.

در این فرایند، نرخ مشارکت هر دو جنس زن و مرد ابتدا کاهشی، و آنگاه افزایشی بوده است. اما کاهش و افزایش نرخ مشارکت زنان در دوره های یاد شده شتاب بیشتری داشت. لازم به توجه است که اختلاف مشارکت زنان و مردان در بازار کار ایران بسیار شدید است. در سال ۱۳۴۵ حجم جمعیت فعال مردان ۶/۶ برابر حجم جمعیت فعال زنان بوده در حالی که در سال ۱۳۸۵ این نسبت حدود ۵/۵ برابر شده است.

نمودار(۱) **نرخ مشارکت در بازار کار**



منبع: محاسبه شده و برآورد شده براساس گزارش های آماری مرکزآمار ایران

تغییرات نرخ مشارکت زنان از آهنگ یکنواختی برخوردار نبوده و همواره در حال نوسان است. این نرخ در سال ۱۳۶۵ به شدت کاهش و پس از آن دوباره افزایش یافته است. این موضوع تمایل بیشتر زنان را برای ورود به بازار کار و همچنین افزایش فرصت‌های شغلی بیشتر را برای آنان در مقایسه با سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس (سرشماری ۱۳۶۵) نشان می‌دهد.

بررسی روند تحولات سهم مشارکت نیروی کارگروه‌های ویژه سنی بر حسب جنس نیز جالب توجه است: درصد مشارکت نیروی کار گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله در فاصله‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ روندی نزولی و پس از آن در سال‌های ۱۳۷۵تا ۱۳۸۵ مقداری افزایش داشته است. سهم مشارکت نیروی کار گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ ساله، در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ روند نزولی داشته و پس از آن افزایش یافته است. نرخ مشارکت ویژه سنی مردان و زنان طی ۴۰ سال اخیر، الگوهای متفاوت و تغییرات قابل توجهی داشته است. در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۸۵ الگوی نرخ مشارکت مردان مشابه یکدیگر بوده، با این تفاوت که در سال ۱۳۸۵ نرخ مشارکت مردان از سنین ۲۵ تا ۴۵ سالگی در سطح بالاتری در مقایسه با سال ۱۳۴۵ و در مقابل، از سنین ۴۵ تا ۶۰ سالگی نرخ مشارکت در سطح پایین‌تری بوده است. این موضوع را شاید بتوان با جوانی ساختار جمعیت کشور توجیه کرد. بین سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۸۵ نرخ مشارکت ویژه سنی زنان الگوهای متفاوتی را نشان می‌دهد. این تفاوت چشمگیر می‌تواند ناشی از تغییرات اساسی در شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان جامعه، در مقایسه با ۴۰ سال گذشته، باشد. به این ترتیب که با افزایش پوشش تحصیلی در مقاطع مختلف تحصیلی و دانشگاه‌ها، سن ورود به بازار کار زنان، از سن ۱۰ سالگی به سنین بالاتر افزایش یافته است.

نرخ اشتغال

نرخ اشتغال از تقسیم جمعیت شاغل به جمعیت فعال حاصل می شود و معکوس نرخ بیکاری است. این شاخص یکی از شاخص های مهم نظام اقتصادی است. هر چقدر نرخ اشتغال بالاتر باشد، نظام اقتصادی در وضعیت رونق و پویایی بیشتری قرار دارد. نمودار(۳-۲) نرخ اشتغال در ایران را از ابتدای آغاز سرشماری در کشور نشان می دهد. در ابتدایی استقرار جمهوری اسلامی ایران به دلیل وقوع جنگ تحمیلی نرخ اشتغال به شدت کاهش یافت و به مرز ۸۰ درصد رسید. اما با پایان جنگ و آغاز دوره باز سازی اقتصادی، نرخ اشتغال رو به بهبود گذاشت و به مرز ۹۱ درصد رسید. این نرخ با اندک نوسانی تا به امروز ادامه داشته است.
نرخ اشتغال مردان در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ از الگوی معینی پیروی نکرده است. این موضوع در حالی است که این نسبت برای زنان تا سال ۱۳۶۵ کاهش و پس از آن افزایش یافته است. کاهش نرخ اشتغال در سال ۱۳۶۵ را چنین می‌توان توجیه کرد که بازار کار ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بویژه در سال‌های جنگ تحمیلی با رکود تولید و محاصره اقتصادی، دچار تحولات و دگرگونی‌های اساسی شد. همان‌طور که در شرایط عادی اقتصادی و حتی روند کند رو به توسعه، زنان به‌عنوان نیروی کار ذخیره و بالقوه تلقی می‌شوند، در شرایط بحران و تورم اقتصادی توام با رکود، ظرفیت‌های محدود اشتغال و سرمایه‌گذاری به مردان تعلق پیدا می‌کند. در چنین شرایطی که با پیدایش بیکاری و کم‌کاری عمومی همراه بوده، تامین شرایط کار

مساوی برای زنان بسیار مشکل است و اوضاع و شرایط اجتماعی و اقتصادی نقش بسیار موثری در اشتغال زنان ایفا می‌کند.

افزایش تعداد زنان شاغل در دهه‌های اخیر را می‌توان با تغییرات فرهنگی و نگرشی افراد جامعه، افزایش شهرنشینی، بالا رفتن سطح تحصیلات و افزایش تمایل زنان جوان برای مشارکت در بازار کار توجیه کرد. نرخ اشتغال در سال ۱۳۷۵، برای هر دو جنس افزایش یافته است.

سهم اشتغال در هریک بخش های اقتصادی

بررسی اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد که سهم شاغلان در بخش کشاورزی برای هر دو جنس در طول زمان کاهش یافته است. در توجیه این موضوع می‌توان به مکانیزه شدن فعالیت‌های کشاورزی در برخی نقاط روستایی، تبدیل برخی نقاط روستایی به مراکز شهری، ادغام برخی نقاط روستایی با حاشیه شهرها و مهاجرت نیروی کار از نقاط روستایی به شهرها و مشارکت در فعالیت‌های غیرکشاورزی و... اشاره کرد. سهم شاغلان در بخش صنعت بر حسب جنس الگوهای متفاوتی را نشان می‌دهد. برای مردان، این سهم از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ افزایش و پس از کاهش در سال ۱۳۶۵ دوباره از سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. برای زنان این سهم در سال‌های سرشماری همواره در حال کاهش بوده است. از جمله عوامل موثر در این امر، کاهش زنانی است که متعلق به گروه شغلی کارکنان خانوادگی بدون مزد بوده‌اند.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که درصد زنان و مردان در فعالیت‌های مربوط به خدمات، به‌صورت توام در حال افزایش بوده و این افزایش برای زنان، دارای شدت بیشتری در مقایسه با مردان است. به این ترتیب که این سهم از سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ برای مردان ۱/۹ و برای زنان ۲/۹ برابر شده که از جمله دلایل این وضعیت، گسترش شهرنشینی و فعالیت‌های خدماتی بوده است.

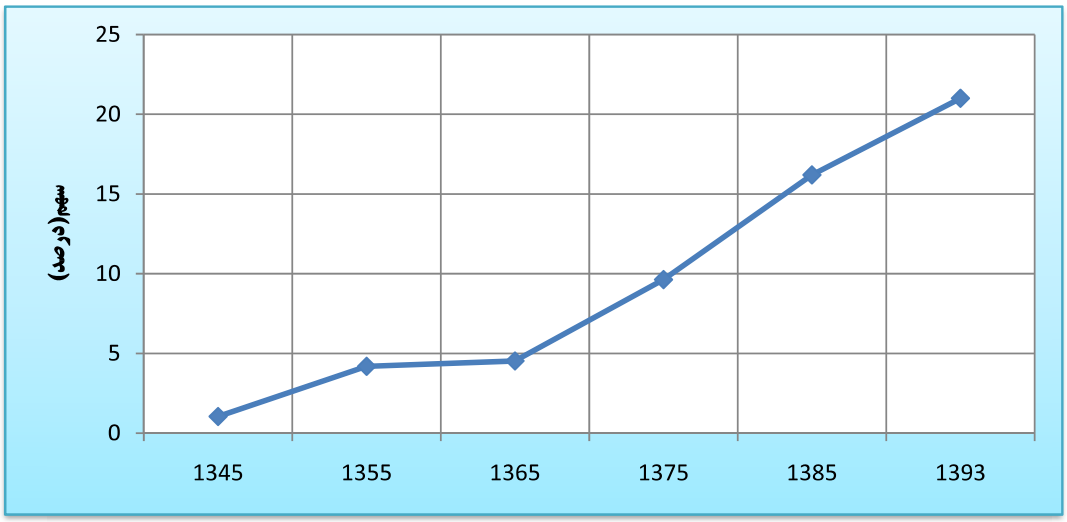
سهم دانش آموختگان آموزش عالی از کل اشتغال

سهم دانش آموختگان آموزش عالی از کل اشتغال یکی از شاخص های سرمایه انسانی است. هر چقدر سهم دانش آموختگان آموزش عالی در نیروی کار کشور بیشتر باشد، نشان از دانش بری بیشتر فعالیت های اقتصادی و مشاغل دارد. دانش آموختگان آموزش عالی عمدتاً در شغل های دانش، مدیریت و داده و اطلاعات شاغل می شوند. دانش آموختگان در سطح کارشناسی ارشد و دکتری دانش کار نامیده می شوند.

سهم دانش آموختگان آموزش عالی از کل شاغلان ابتدای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران حدود ۵ درصد بود که طی سی سال بطور پیوسته افزایش و در سال ۱۳۸۸ به مرز ۲۰درصد رسید. یعنی چهاربرابر شد. نرخ افزایش در دهه اول بدلیل پایین بودن ظرفیت دانشجو کم بود. اما با ایجاد ظرفیت های جدید پذیرش دانشجو در دهه دوم، نرخ افزایش در دهه دوم و سوم تکامل جمهوری اسلامی ایران افزایش یافت. با

توجه به جمعیت دانشجویی موجود در کشور انتظار می رود افزایش سهم دانش آموختگان آموزش عالی از اشتغال همچنان فزاینده باشد.

نمودار(۲) تغییر سهم شاغلان دانش آموخته عالی از کل شاغلان



منبع:

تا سال ۱۳۸۵محاسبه و برآورد شده براساس گزارش های آماری مرکزآمار ایران ، رقم سال ۱۳۹۳ بر اساس اهداف برنامه پنجم پیش بینی شده است

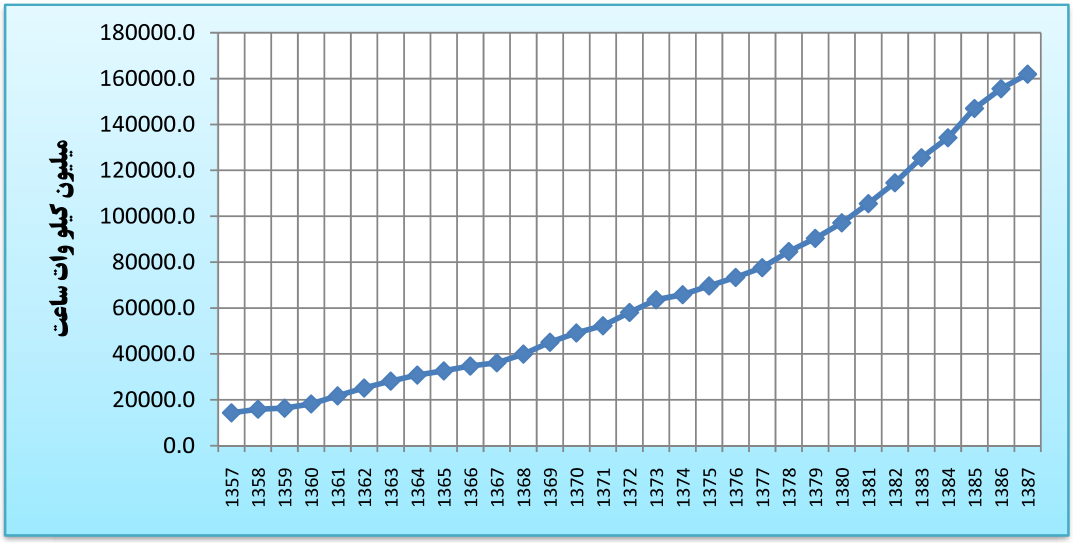
مصرف انرژی

انرژی غیره ماهیچه ای مهمترین منبع تولید بعد از نیروی کار است. مصارف صنعتی و تولیدی انرژی شامل مصرف برق، نفت و مشتقات آن و گاز است که در ادامه به ترتیب بررسی می شوند.

مصرف برق

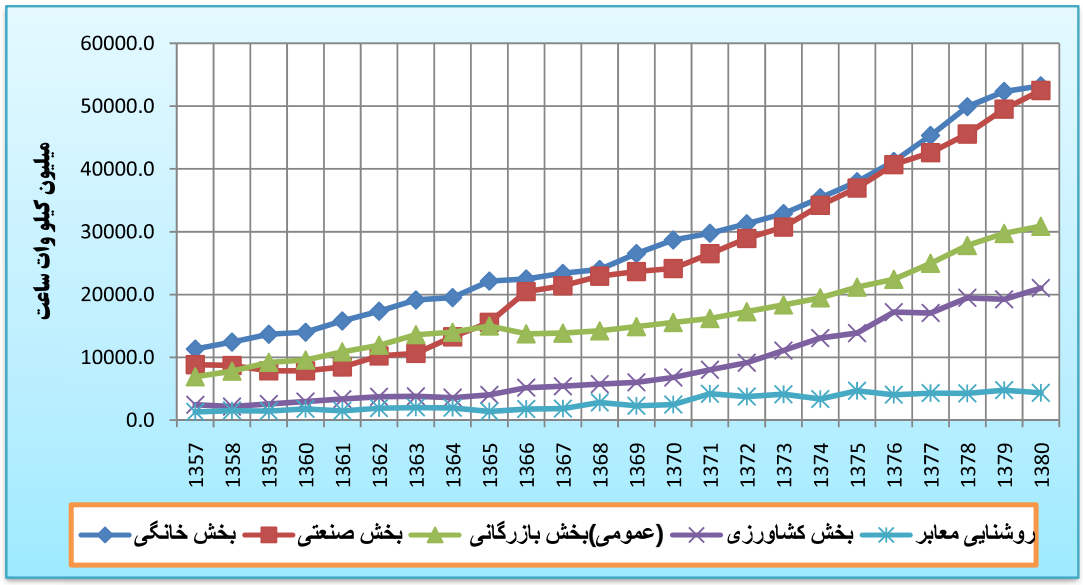
همچنانکه نمودار(۳) نشان می دهد مصرف برق طی سه دهه گذشته به دلیل افزایش جمعیت و افزایش نیازهای تولیدی بطور پیوسته با متوسط سالانه ۸,۵ درصد افزایش یافته است. از میان گونه های مختلف مصرف، مصرف خانگی در تمام طول دوره دارای بالاترین سهم بوده که بطور پیوسته با افزایش میزان جمعیت رشد یافته است. پس از مصارف خانگی برق ، مصرف صنعتی برق در مقام دوم قرار دارد که در دهه اول به دلیل جنگ و پایین بودن تولید با نرخ کم رشد می یافت. اما پس از پایان جنگ، در دهه دوم با شروع دوره بازسازی اقتصادی، به دلیل رونق گرفتن تولید و کسب و کارهای خصوصی، مصرف صنعتی برق با نرخ بالاتری به رشد خود ادامه داد. همین بحث در خصوص مصرف بازرگانی عمومی و مصرف کشاورزی نیز صادق است.

نمودار(۳) تغییر میزان مصرف برق در کشور



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

نمودار(۴) تغییر میزان مصرف برق در بخش های مختلف



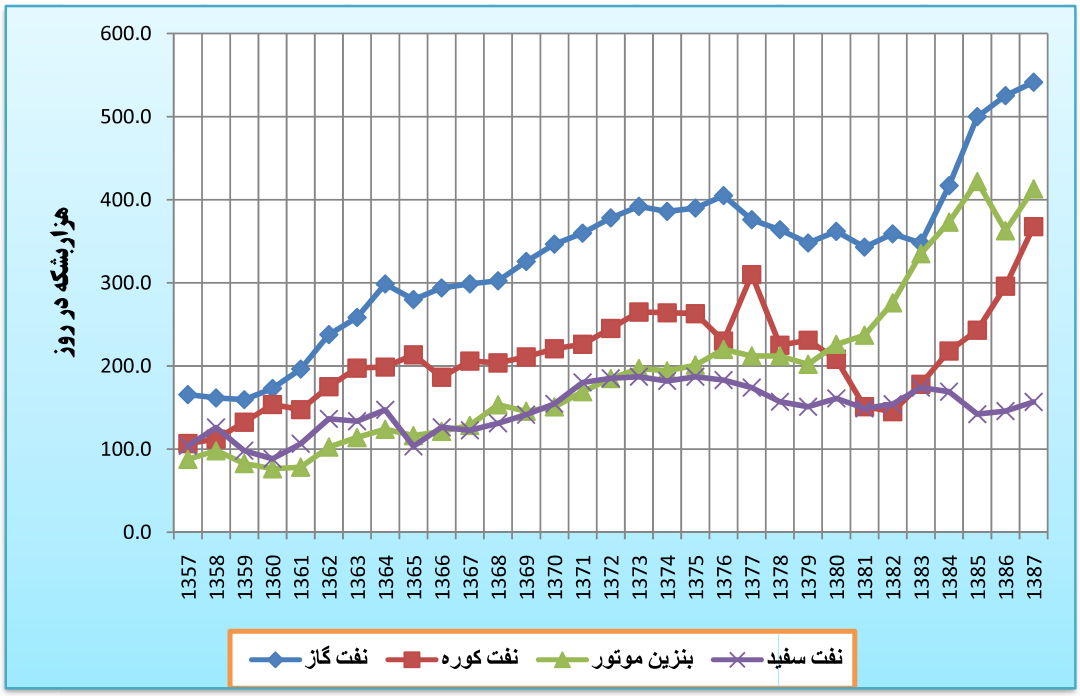
منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

مصرف نفت

برخلاف مصرف برق مصرف انواع فراورده های نفتی در دوره سی ساله مورد بررسی با فراز و نشیب هایی مواجه بوده است. به دلیل پایین بودن تولید برق و گاز در کشور، در دهه اول پس از انقلاب اسلامی، مصرف فراوردهای نفتی با آغاز جنگ تحمیلی بطور قابل توجهی افزایش یافت. در دوره بازسازی بدلیل افزایش تولید

برق و گاز، مصرف فراورده های نفتی با نرخ کندتری افزایش پیدا کرد. حتی در سال های پایانی این دوره رو به کاهش نهاد. در دوره مورد بررسی از میان فرآورده های نفتی مختلف بالاترین سهم مصرف مربوط به نفت گاز است . سهم سایر فرآوردها در دوره های مختلف متفاوت است. در دهه اول و دوم مصرف نفت کوره که عمدتاً مصارف صنعتی است در مقام دوم قرار داشت. اما در دهه سوم مصرف بنزین مقام دوم را کسب کرده است. مصرف بنزین طی دو دهه اول به صورت آهسته و پیوسته افزایش داشته است. اما در دهه سوم به دلیل افزایش تولید و واردات اتومبیل با شدت بیشتری افزایش یافت.

نمودار(۵) تغییر میزان مصرف انواع فراورده های نفتی

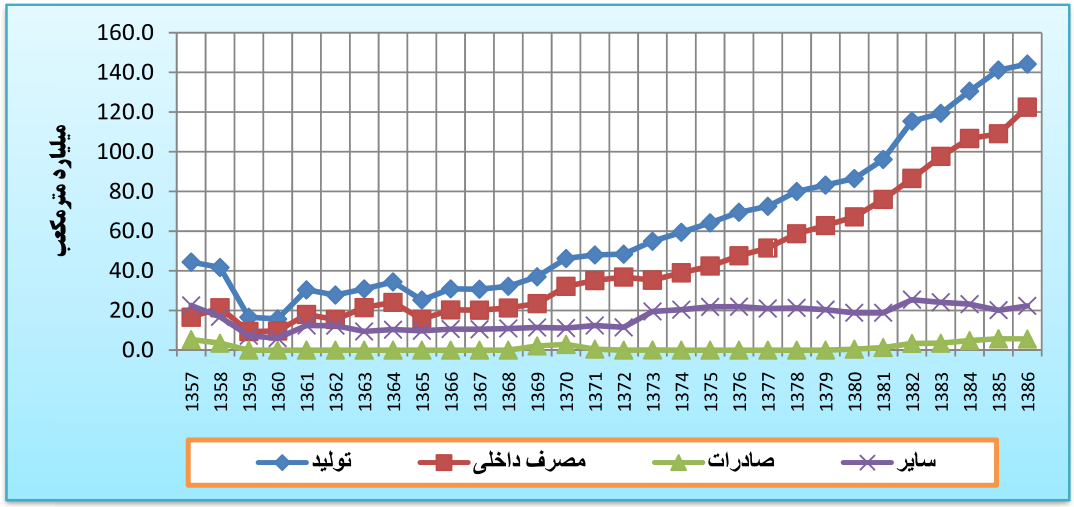


منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

مصرف گاز طبیعی

تولید گاز طبیعی در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی ایران به دلیل وقوع جنگ تحمیلی کاهش یافت. و تا پایان جنگ وضعیت قابل تعریفی نداشت. پس از پایان جنگ و آغاز دوره باز سازی اقتصادی ، تولید گاز طبیعی رو به افزایش نهاد و تقریباً تا اوایل دهه سوم بطور یکنواخت رشد یافت. از ابتدای دهه سوم روند افزایش شتاب بیشتری گرفت و در سال ۱۳۸۶ به ۱۴۰ میلیارد مترمکعب بالغ گردید. در سه دهه گذشته مصرف گاز طبیعی در کشور متناسب با تولید افزایش یافته است. امروزه اکثر شهر ها و اکثر روستا های کشور از لوله کشی گاز برخوردار هستند. صادارات گاز طبیعی سهم ناچیری از گاز تولیدی را شامل می شود و در سه دهه گذشته نیز تغییر چندانی نکرده است. عمده تغییرات آن به چند سال اخیر مربوط می شود.

نمودار(۶) تغییر میزان تولید، مصرف داخلی و صادرات گاز طبیعی در ایران



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

تشکیل سرمایه فیزیکی

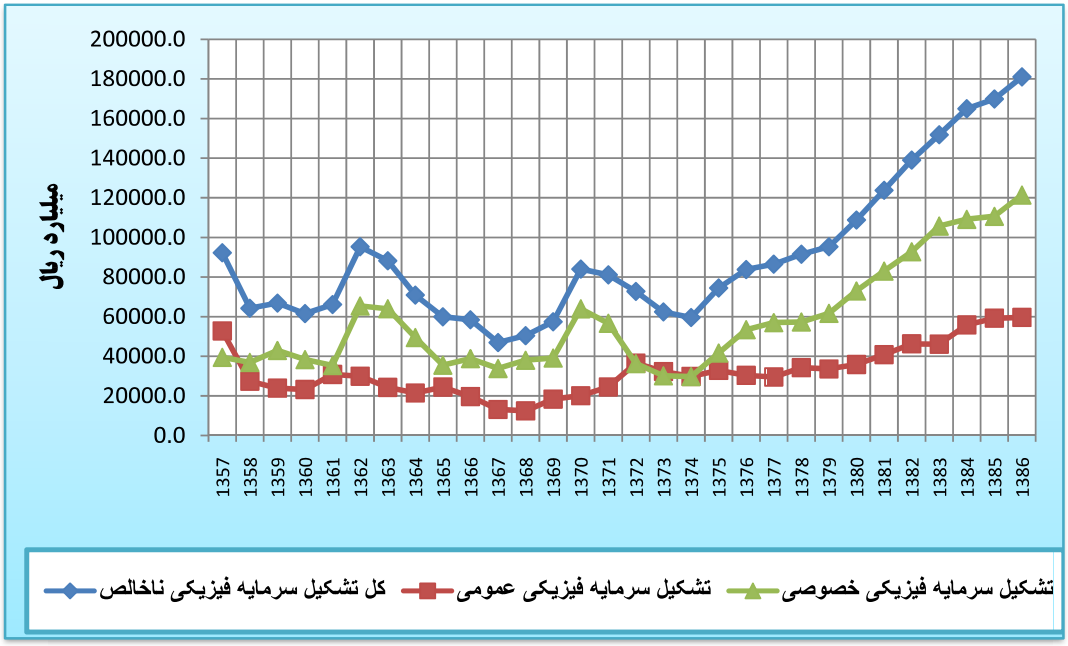
طبق تعریف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰) تشکیل سرمایه ثابت ناخالص عبارتست از هزینه خریداری (یا ارزش تولید بحساب خود) کالاهای سرمایه ای توسط بخش خصوصی، تولید کنندگان خدمات دولتی و تولید کنندگان خدمات خصوصی غیر انتفاعی منهای خالص فروش کالاهای سرمایه ای دست دوم و قراضه در طول یک دوره حسابداری(معمولا یک سال).

کالاهای سرمایه ای، کالاهای نهائی و با دوامی میباشد که در راه تولید کالاها و خدمات جدید بکار برده شده و عمر اقتصادی آن بیش از یکسال است.

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تفکیک سرمایه گذاری در ساختمان و ماشین آلات و لوازم کسب و کار طبقه بندی می گردد . سرمایه گذاری در ماشین آلات و لوازم کسب وکار، آن قسمت از تولیدات داخلی و واردات کالاهای سرمایه ای را شامل می شود که طی دوره حسابداری مورد مصرف قرار نگرفته، صادر نگردیده و به این ترتیب به موجودی کالاهای سرمایه ای کشور اضافه شده باشد.

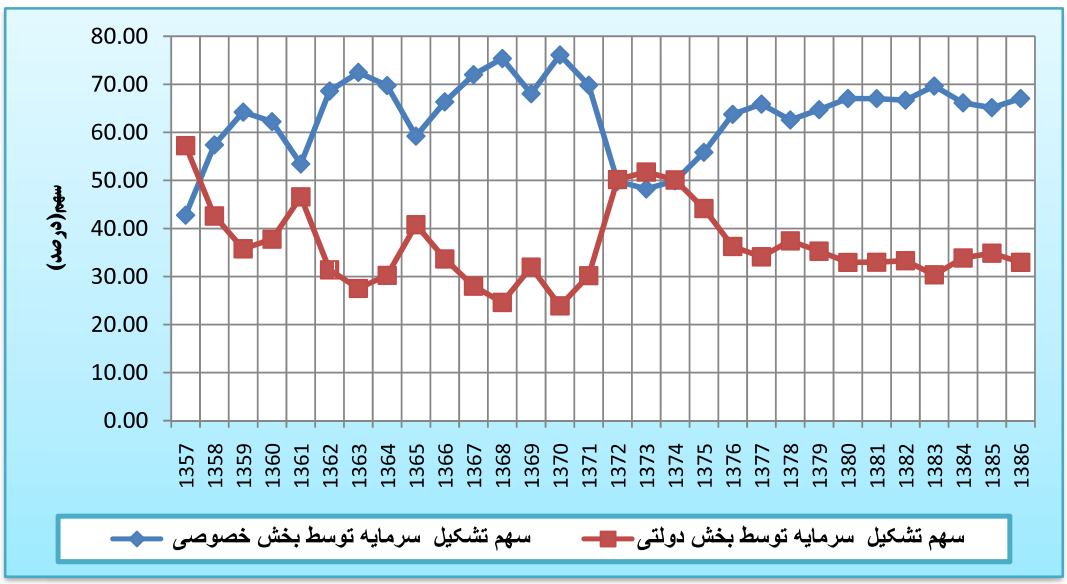
همچنانکه نمودار(۸) نشان می دهد، انباشت سرمایه فیزیکی ناخالص در کل، در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی ایران، به دلیل وقوع جنگ تحمیلی نوسانی کاهنده بود. این متغیر در نیمه اول دهه دوم به حداقل خود رسید و از سال ۱۳۷۵ رو به فزونی نهاد و در مسیر رشد قرار گرفت. این رشد کماکان ادامه دارد. بیشترین سهم انباشت سرمایه متعلق به بخش خصوصی است و مسیر تحول انباشت سرمایه فیزیکی در کل نیز وابسته به مسیر تغییر انباشت سرمایه توسط بخش خصوصی است. البته انباشت سرمایه فیزیکی توسط دولت نیز سهم قابل توجهی است، اما تعیین کننده تحول انباشت سرمایه فیزیکی در کل نبوده است.

نمودار(۷) تغییر میزان انباشت سرمایه فیزیکی ناخالص توسط بخش خصوصی و عمومی



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

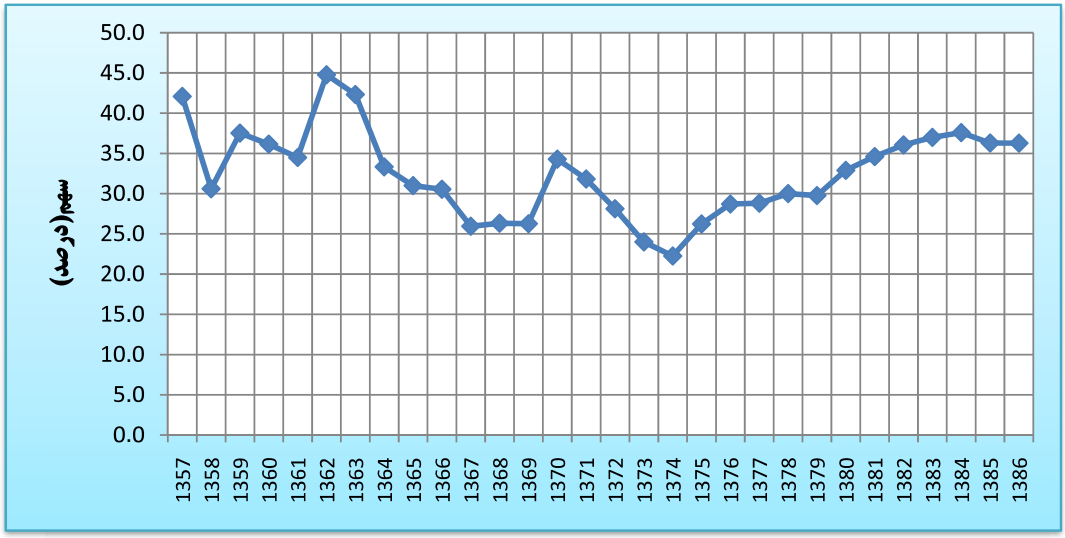
نمودار(۸) تغییر سهم انباشت سرمایه فیزیکی ناخالص توسط بخش خصوصی و عمومی



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

به دلیل عدم بهره برداری کامل از سرمایه های موجود، و کاهش تولید ناخالص داخلی در زمان جنگ تحمیلی، سهم انباشت سرمایه فیزیکی از تولید ناخالص داخلی بشدت کاهش یافت و با اندک نوسانی از حدود ۴۰ درصد در ۱۳۵۷ به حدود ۲۵ درصد در ۱۳۶۸ رسید. در مقابل از این سال به بعد به دلیل رشد تولید ناخالص داخلی و کاهش انباشت سرمایه این شاخص مجدداً کاهش یافت و به ۲۲درصد رسید.

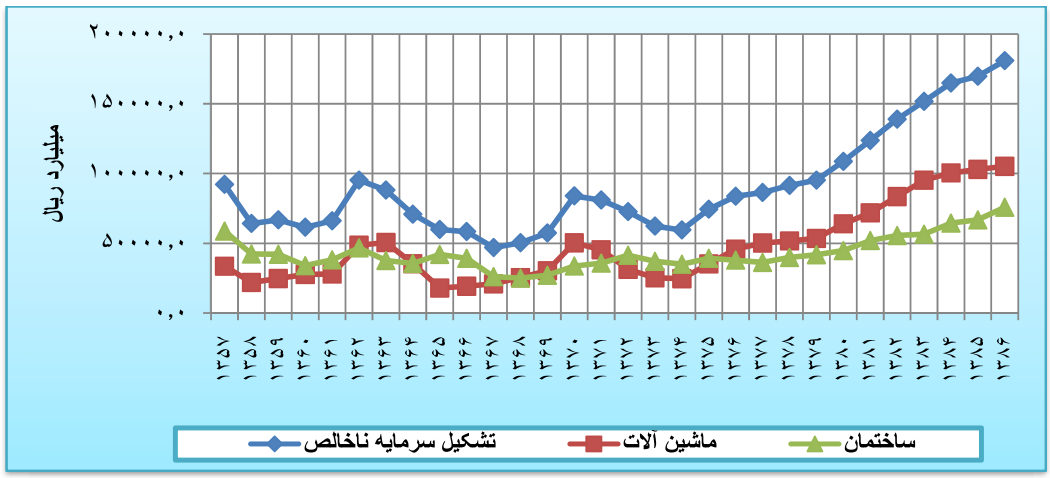
نمودار(۹) تغییر سهم انباشت سرمایه فیزیکی از تولید ناخالص داخلی



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۷۵ انباشت سرمایه در ماشین آلات و ساختمان بطور نوسانی و به موازات هم تغییر می کردند و بعضاً از یکدیگر سبقت می گرفتند. اما از سال ۱۳۷۶ انباشت سرمایه ماشین آلات بر انباشت سرمایه ساختمان پیشی گرفت. دلیل این پدیده را می توان در اتمام بازسازی شهرهای جنگ زده جستجو کرد.

نمودار(۱۰) تغییرمیزان انباشت سرمایه فیزیکی ناخالص در سه دهه گذشته



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

۲–۵: تحولات فعالیت های اقتصادی

مقدمه

براساس طبقه‌بندی بین‌المللی، فعالیت‌های اقتصادی را به سه بخش عمده کشاورزی، صنعت و خدمات می توان تقسیم کرد. کشاورزی شامل فعالیت‌های زراعت، باغداری ، دامپروری، شکار، جنگلداری و ماهیگیری می‌شود. صنعت در برگیرنده فعالیت‌هایی مانند استخراج معدن، صنعت، ساختمان، تامین آب، برق و گاز است. خدمات شامل عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری، موتورسیکلت و کالاهای شخصی و خانگی، هتل و رستوران، حمل‌ونقل، انبارداری، ارتباطات واسطه‌گری‌های مالی، مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب وکار آموزش بهداشت و مددکاری اجتماعی، سازمان‌ها و هیات‌های برون‌مرزی، دفاتر و اداره‌های مرکزی، خانوارهای معمولی دارای مستخدم، اداره امور عمومی، دفاع و تامین اجتماعی است. در اقتصاد ایران بخش نفت نقش مهمی دارد از این رو در این فصل بخش تولید و صادرات انرژی بطور مجزا از بخش صنعت و معدن بررسی می شود.

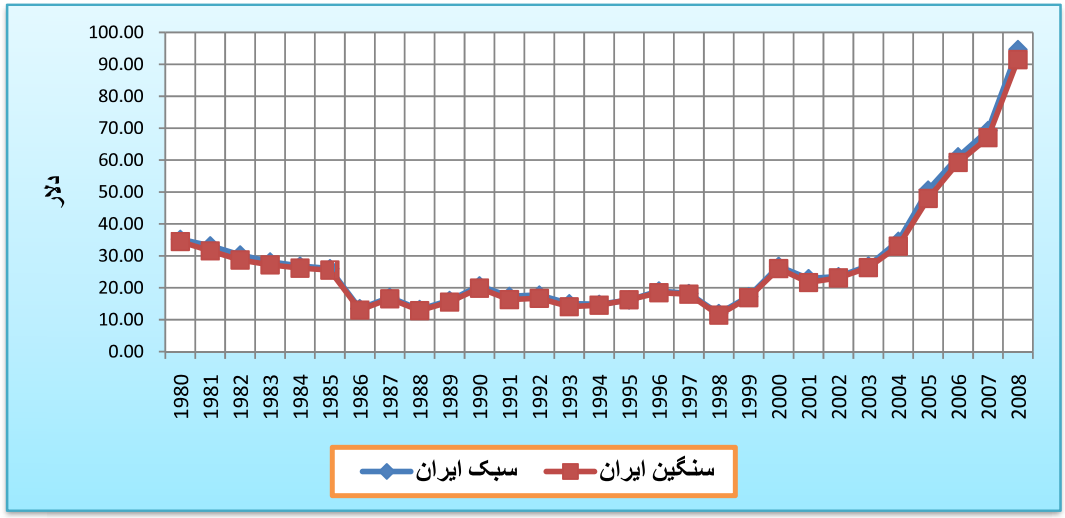
بخش تولید و صادرات انرژی

بخش انرژی از سه گروه نفت، برق و گاز تشکیل شده است. با توجه به حجم تولید و صادرات نفت، این گروه نقش مهمتری از دو گروه دیگر در اقتصاد ایران بازی می کند. قیمت نفت خام، تولید و صادرات نفت خام و وارات نفت خام مهمترین متغیرهای گروه نفت هستند. در حالی که در دو گروه دیگر قیمت ثابت است و تولید و مصرف داخلی دارای اهمیت می باشند.

تولید، صادرات و ارزش افزوده نفت

اراده عمومی و خواست جمعی مبنی بر پیشرفت اقتصادی و رهایی از عقب ماندگی و همچنین قطع وابستگی به درآمد های نفتی، در ابتدای انقلاب بسیار گسترده و عمیق بود و سیاست نفتی بر پایهٔ نگهداری منابع موجود برای نسل های آینده و بهره برداری از آن بر طبق نیاز های ارزی کشور گذاشته شد. اما به دلیل فقدان یک برنامه عملی، علیرغم همه تلاش های دولت و مردم و نقش بسیار جدی و پر نفوذ نفت، در همه بخش های اقتصادی این هدف تحقق نپذیرفت. در پی تحریم نفتی ایران از سوی کشورهای غربی و جایگزینی نفت عربستان، عراق، آلاسکا، مکزیک و انگلیس بجای نفت ایران در بازار های بین المللی و عدم موفقیت ایران در بازاریابی و جلب مشتریان جدید، باعث شد که این تحریم آثار جدی داشته باشد. هر چند دولت تلاش بسیاری برای رهایی از نفوذ نفت نمود و برای تحقق درآمدهای مالیاتی تلاش نمود، اما به سبب نقش پررنگ نفت توان تولید جامعه طوری نبود که این امر محقق شود و همچنان ۵۰٪ درآمدهای دولت از این محل تامین می شد.

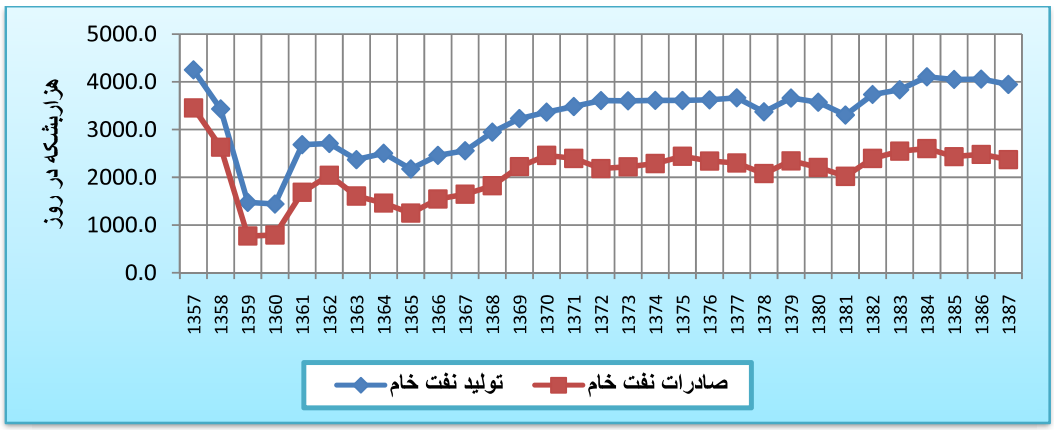
نمودار(۱۱)　　تغییرقیمت نفت سنگین و سبک ایران در سه دهه گذشته



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

پس از انقلاب بجز دو سال ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ که بعلت تحریم شدید ایران ، صادرات نفت کاهش یافت ، در سالهای بعدی اگرچه حجم صادرات همچنان کاهش داشت ولی بعلت آنکه تاحدودی با افزایش قیمت نفت جبران شد، درآمد نفتی به اندازهٔ صادرات نفت کاهش نیافت. لذا درآمدهای نفتی در سالهای ۱۳۶۱ افزایش، ولی دوباره در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۷ در پی کاهش قیمت نفت به کمترین میزان در دورهٔ ۲۰ سالهٔ ۷۳-۱۳۵۳ رسید.در سالهای بعد تحول اساسی در این مورد نبوده است و با برداشته شدن تحریم ها، صدور نفت ایران دوباره افزایش یافت. در چهار سال ابتدایی اجرای برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۷) متوسط تولید روزانه نفت خام کشور حدود چهار میلیون و ۵۰ هزار بشکه گزارش شده است. براساس این گزارش، این میزان تولید نسبت به متوسط تولید روزانه نفت خام در طول برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳ – ۱۳۷۹) بالغ بر ۲۱۹ هزار بشکه در روز افزایش نشان می‌دهد.

نمودار(۱۲)　　تغییرمیزان تولید و صادرات نفت خام

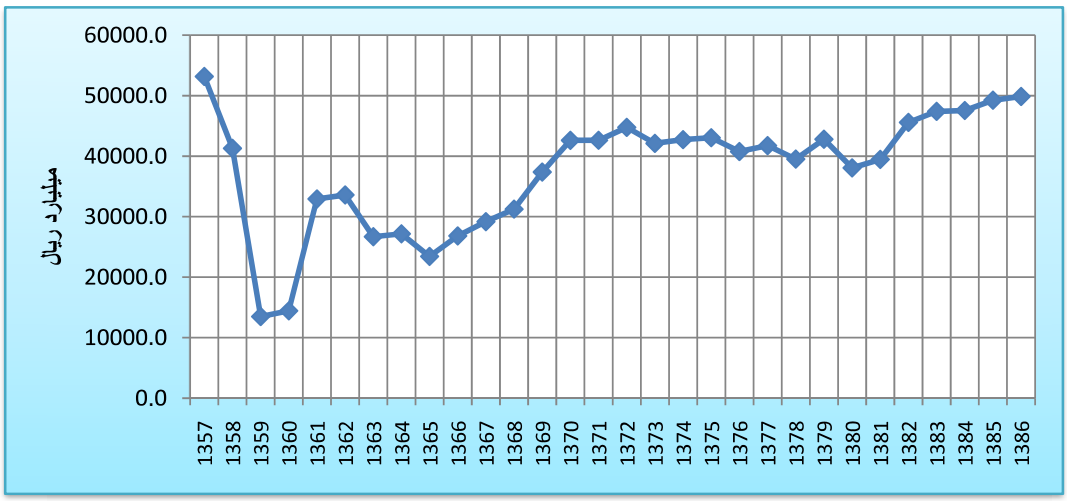


منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

همچنین ارزیابی عملکرد بلندمدت تولید نفت خام نشان دهنده آن است که تولید تجمعی نفت خام طی سال‌های (۵۹-۱۳۲۷) یعنی دوره سی ساله پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۲۶/۲ میلیارد بشکه بوده که این مقدار طی ۳۰ سال پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و به رغم جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و تحریم‌های اعمالی به ۳۶/۴ میلیارد بشکه بالغ شده است. این گزارش می‌افزاید: متوسط تولید روزانه نفتخام طی ۳۰ سال قبل از انقلاب حدود ۲ میلیون و ۳۹۴ هزار بشکه بوده که این رقم طی ۳۰ سال پس از انقلاب به ۳ میلیون و ۳۱۸ هزار بشکه در روز بالغ شده است.[۹]بطور کلی منابع نفتی برای سه منظور بهره برداری می شود: ۱-تأمین درآمد ارزی و پرداخت هزینه های جاری و عمرانی ،۲- تأمین مصرف سوخت داخلی برای صنایع ، کشاورزی و ترابری ، ۳- تأمین مادۀ اولیه مورد مصرف در پالایشگاهها و کارخانه های پتروشیمی.

در ایران دهها سال بکارگیری نفت برای هدف اول بود و هنوز هم مهمترین استفاده از منابع نفتی برای تأمین نیاز های ارزی است. ولی با افزایش مصرف داخلی فراورده های نفتی ، اندک اندک بخش قابل توجهی از نفت خام استخراجی (۳۵٪ در سال ۱۳۷۳) به تأمین مصرف داخلی، اختصاص می یابد. مصرف فراورده های نفتی در فاصلۀ ۳۷ سالۀ ۱۳۳۷ تا ۱۳۷۴ ، حدود ۲۳/۵ برابر شده است که فقط نشان از مصرف در معیارهای معیشتی بی ارتباط با تولید داخلی که بارز ترین آن رشد مصرف سوخت خودرو است ، دارد.

نمودار(۱۳) تغییر ارزش افزوده بخش نفت به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶



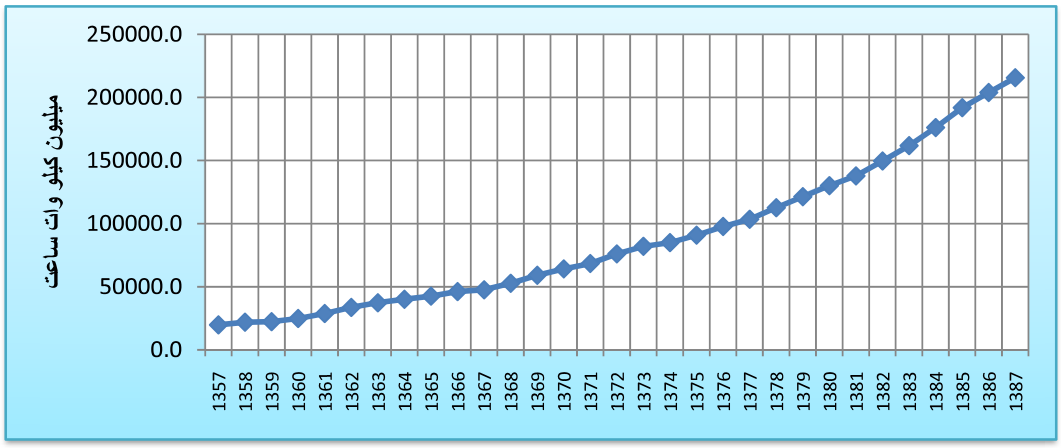
منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

[۹] روزنامه دنیای اقتصاد ، ۱۳ خرداد ۸۹ ، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی شرکت ملی نفت ایران

تولید برق

نمودار(۴) نشان می دهد که طی دهه های استقرار، باز سازی و بالندگی جمهوری اسلامی ایران تولید بطور پیوسته افزایش و از حدود ۲۵هزار میلیون کیلووات ساعت در ۱۳۵۷ به ۲۵۰ میلیون کیلووات ساعت در سال ۱۳۸۷ رسید. یعنی در طول ۳۰ سال ۱۰ برابر شده است.

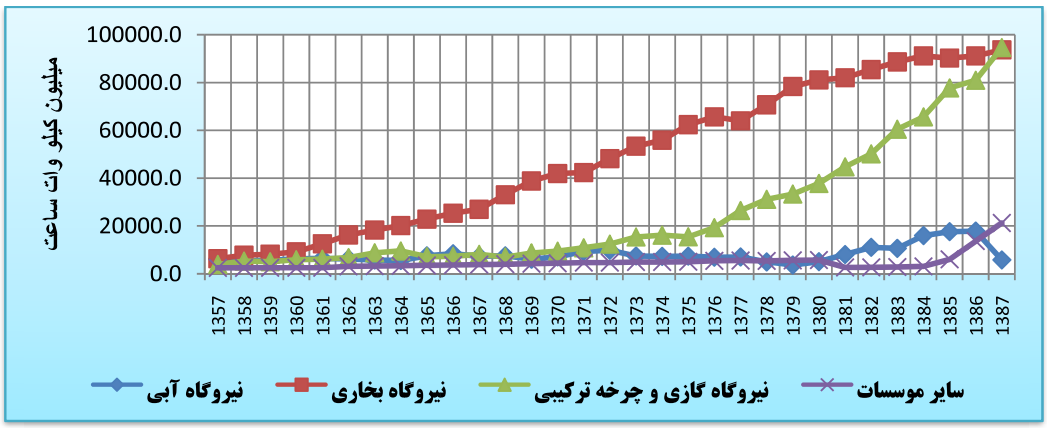
نمودار(۴) روند تغییر تولید برق طی سه دهه استقرار و بالندگی جمهوری اسلامی ایران



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی ایران برق تولیدی ایران از طریق نیروگاههای با فناوری متنوع تولید می شد. اما به دلیل مزیت های اقتصادی نیرو گاه های بخاری، و تحریم فناوری و پر هزینه بودن و عدم اطمینان نیروگاه های آبی، بخش عمده ای تولید برق طی سی سال گذشته از طریق نیروگاه های بخاری صورت می گرفت. پس از پایان جنگ تحمیلی ایران کم کم به فناوری نیروگاه گازی و سیکل ترکیبی برای تولید برق دست یافت و درنتیجه از سال ۱۳۷۶ تولید برق در این گونه نیرگاه ها بشدت افزایش یافت.

نمودار(۵) روند تغییر تولید برق برحسب نیروگاه های مختلف



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

بخش صنعت و معدن

در رژیم گذشته اقدامات گسترده ای در جهت ایجاد یک رشته صنایع عمدتا مونتاژ و وابسته از طریق اعطای معافیت های گمرکی و امتیازها به وجود آمده بود. پس از انقلاب بعضی از این صنایع بر اثر مصادره و برخی دیگر به دلیل خروج سرمایه گذاران و مدیران, دچار رکود شده بودند . از سوی دیگر بدهی های کلان شرکت ها به سیستم بانکی، محدودیت در تهیه مواد و قطعات یدکی آنها در کنار سایر مشکلات عمومی به ویژه در دوران جنگ، بازسازی و تجدید سازماندهی فعالیت های صنعتی را اجتناب ناپذیر کرده بود. بدین منظور دولت برای به حرکت درآوردن چرخ های صنعتی، اقدام به ملی کردن بخشی از صنایع، ایجاد تسهیلات لازم ارزی و اعتباری و ایجاد نهادهای جدید برای سرپرستی و نظارت این فعالیت ها کرد.

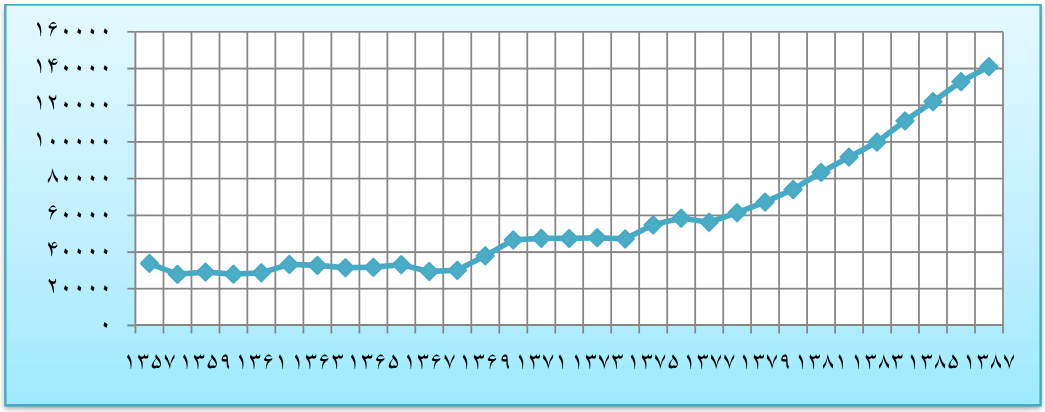
امروزه صنعت و معدن کشور را می‌توان موتور محرک و ضامن توسعه اقتصادی کشور دانست که به‌رغم تمام دشواری‌ها مانند وقوع بحران‌های مدیریتی و ملی شدن‌های اوایل انقلاب، جنگ تحمیلی ۸ ساله، محدودیت‌های جدی در تأمین ارز و نیاز به مواد اولیه و تأمین ماشین‌آلات و تجهیزات، توانست با تکیه بر قابلیت‌های داخلی ضمن تأمین نیازهای مردم، نقش مهمی در تأمین درآمدهای ارزی کشور از طریق صادرات کالا و خدمات داشته باشد و همواره یکی از بالاترین نرخ‌های رشد ارزش افزوده را به خود اختصاص دهد و حرکتی رو به جلو داشته باشد. علیرغم روند رو به رشد صنعت و معدن طی چهار سال اول برنامه اول توسعه، در سال پایانی این برنامه (۱۳۷۲) رشد کاهش پیدا کرد اما از سال ۱۳۷۳ مجدداً روندی افزایشی در صنعت و معدن کشور شکل گرفت. بطوریکه سهم صنعت و معدن در تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۸ به ۱۳/۶ درصد رسید. رشد صنعت و معدن در مجموع طی برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی پرنوسان بوده است، ولی نرخ متوسط رشد سالانه آن به ۶/۳ درصد رسید که بیش از نرخ رشد پیش بینی شده در برنامه دوم(۵/۹ درصد) می باشد. البته بخش معدن از صنعت جلوتر بوده به طوری که متوسط رشد سالانه این بخش در سه سال نخست برنامه چهارم توسعه به رقم ۱۳/۸ درصد رسید، در حالی که این نرخ در چهار سال برنامه سوم توسعه ۱۱/۱ درصد بود.

نرخ رشد متوسط سالانه اشتغال صنعتی و معدنی طی برنامه دوم توسعه اقتصادی به ۱۸/۳ درصد رسید که نسبت به سال پایه (۱۳۷۲) برابر با ۱/۴ درصد افزایش داشته است. سهم صادرات صنعت و معدن در صادرات غیرنفتی از ۳۱/۸ درصد در سال پایه (۱۳۷۲) برنامه دوم توسعه اقتصادی به ۵۰/۱ درصد در پایان برنامه (۱۳۷۷) افزایش یافته و میانگین نرخ رشد سالانه این دوره به ۴۳/۹ درصد رسیده است .

گروه صنعت ساخت و گروه صنعت ساختمان سهم عمده ارزش افزوده بخش صنعت و معدن را به خود اختصاص می دهند. در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی ایران سهم این دو گروه نزدیک بود و سایر گروه ها سهم بسیار ناچیزی داشتند. در گذر زمان و با افزایش تقاضای کالاهای صنعتی توجه ویژه سیاست گذاران به

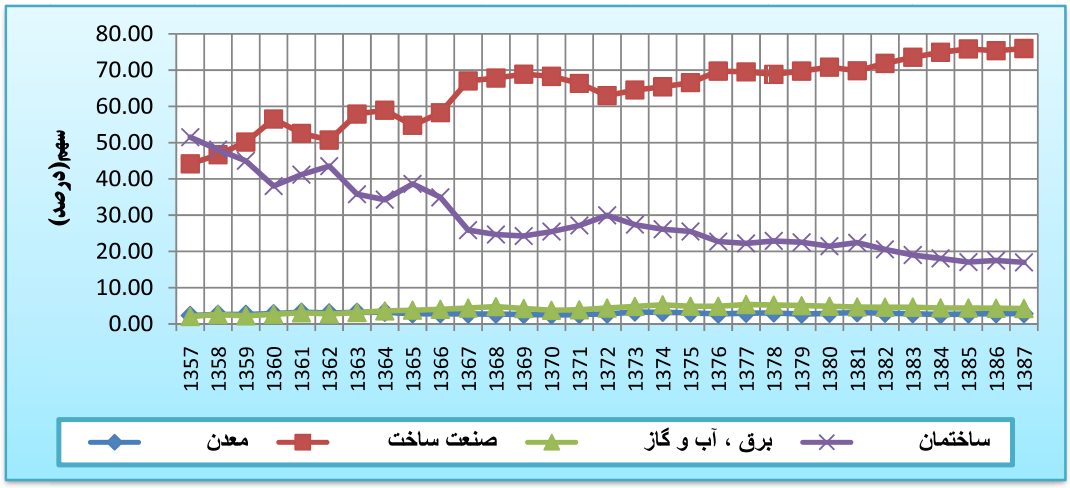
توسعه صنعت ساخت سهم این گروه فزونی گرفت و سهم گروه ساختمان رو به کاهش نهاد. بطوریکه در سال ۱۳۸۷ بیش از ۷۵ درصد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن به صنایع ساخت تعلق داشت.

نمودار(۱۶) روند تغییر ارزش افزوده بخش صنعت طی سی سال گذشته به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

نمودار(۱۷) روند تغییر سهم هریک از بخش های صنعتی از کل صنعت



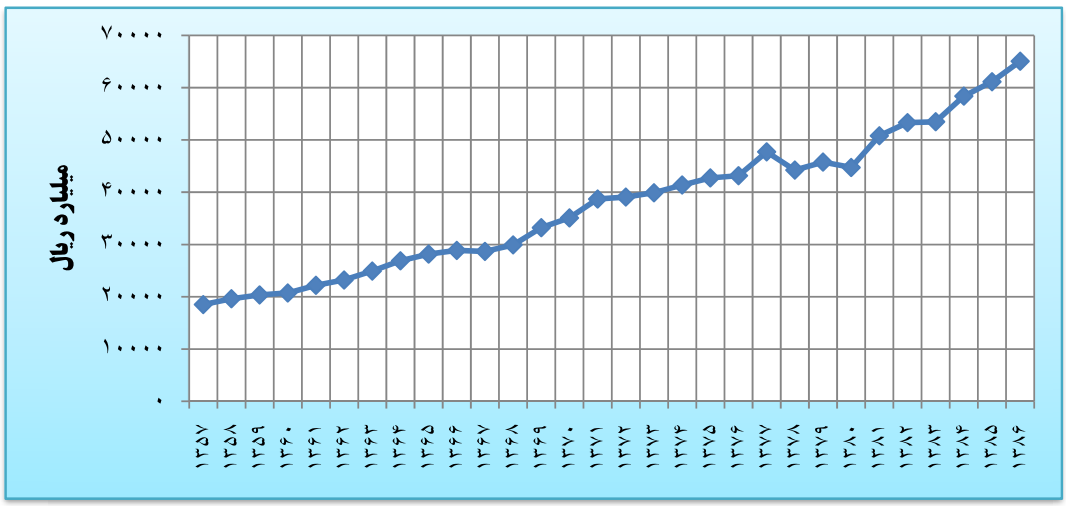
منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

چالش‌های مطرح در حوزه صادرات صنعتی و معدنی را می‌توان با افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی که خوشبختانه در سال‌های اخیر بسیار رشد کرده و همچنین اصلاح قوانین و مقررات ، تسهیل و تسریع خصوصی‌سازی، لغو انحصارات و فراهم کردن شرایط مناسب برای مشارکت بخش خصوصی، تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی، ایفای نقش فعال‌تر در سازمان‌های جهانی و... این چالش‌ها را از میان برداشت.

بخش کشاورزی

بخش کشاورزی در اقتصاد ایران از دیرباز با ماهیت روستائی و در قالب واحد های بهره برداری کوچک تأمین کنندهٔ نیاز های اساسی کشور و در عین حال بخشی از صادرات غیر نفتی کشور بوده است. بدنبال سیاست های ناکارآمد اصلاحات ارضی در دهۀ ۴۰ و با افزایش سهم درآمد های نفتی در دهۀ ۵۰، وابستگی به واردات محصولات کشاورزی آغاز شد. در دهه استقرار جمهوری اسلامی ایران، علیرغم وقوع جنگ تحمیلی بخش کشاورزی بدلیل ساختارهای سنتی خود کمتر تحت تأثیر شرایط آن دوره قرار گرفت و به رشد بطئی خود ادامه داد. در این دهه سیاست کشاورزی خاصی در مورد مالکیت زمین های کشاورزی اتخاذ نشد ولی سیاست های افزایش تولید و سطح زیر کشت، واگذاری و احیای زمین, و سیاست خرید تضمینی محصولات کشاورزی قابل توجه است. در اجرای سیاست واگذاری و احیای زمین (مصوبهٔ شورای انقلاب در سال ۱۳۵۹) با تشکیل «هیأت های هفت نفره» ۷۳۵ هزار هکتار از زمین های بایر و بدون مالک به روستائیان واگذار شد. در سال ۱۳۶۵، مجلس طرح واگذاری زمینهای بایری که به صورت کشت موقت در اختیار روستائیان بود را به تصویب رساند.

نمودار(۱۸) روند تغییر ارزش افزده بخش کشاورزی به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

بخش کشاورزی در برنامهٔ اول بطور متوسط سالانه ۶٪ رشد داشت ولی در برنامهٔ دوم رشد آن به ۲/۳٪ کاهش یافت. در ابتدای اجرای برنامه سوم با وقوع بعضی خشک سالی ها ارزش افزوده این بخش کمی کاهش یافت. اما از دهه ۱۳۸۰ رشد فزاینده به خود گرفت.

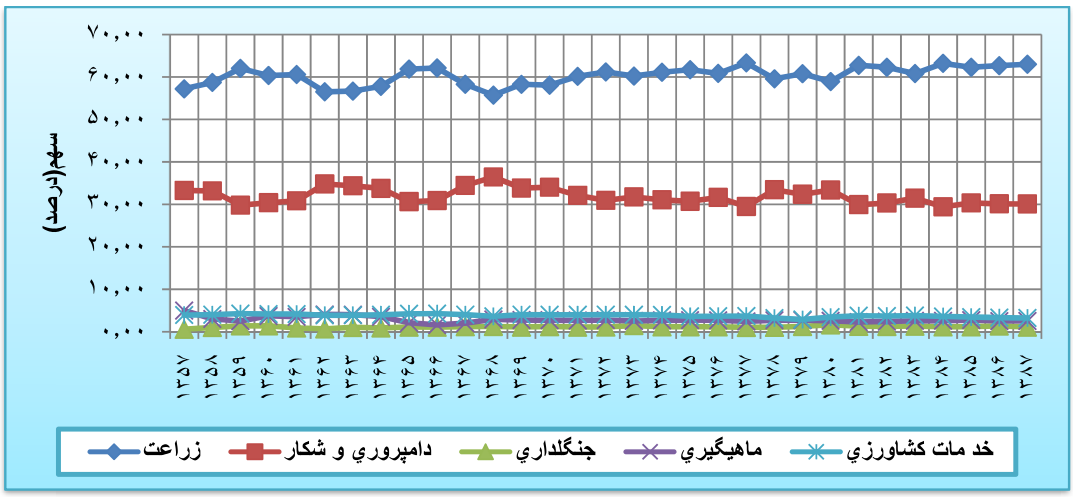
طی سالهای برنامهٔ دوم پیش بینی شده بود که صادرات کالاهای غیر نفتی بطور متوسط از رشد سالانه ای معادل ۸/۴ درصد برخوردار گردد، ولی در عمل شاهدکاهش صادرات غیر نفتی و از جمله صادرات محصولات

کشاورزی در طول برنامهٔ دوم بوده ایم. بطوری که سهم ارزش صادرات محصولات کشاورزی از کل صادرات غیر نفتی از ۳۰ درصد (متوسط برنامهٔ اول) به ۱۴ درصد (متوسط برنامهٔ دوم) رسید. عملکرد بخش کشاورزی هر چند در برنامهٔ اول نسبتاً خوب بود ولی در برنامهٔ دوم نتوانست به اهداف تعیین شده دست پیدا کند. البته باید گفت که سیاستهای تثبیت اقتصادی و بویژه سیاستهای ارزی در برنامه دوم نیز بی تأثیر نبوده اند. تولیدات کشاورزی در داخل تکافوی تقاضای جمعیت را نداده و در نتیجه واردات اغلب محصولات زراعی اساسی کشاورزی غیر از برنج در طول برنامهٔ دوم افزایش یافت. وضعیت اشتغال این بخش نیز بدلیل مهاجرت نیروهای کارآمد این بخش به شهرها و بیکاری های فصلی مناسب نبود و چنین می توان استنباط کرد که نه تنها برای توسعه بلکه برای حفظ سطح اشتغال موجود نیز به حمایت های دولت نیاز است.

زراعت و دامپروری به ترتیب مهمترین گروه های بخش کشاورزی هستند. سایر گروه سهم بسیار اندکی در بخش کشاورزی ایران دارند. در طول سی سال گذشته ترکیب گروه های این بخش تغییر قابل توجهی نداشته است. سهم گروه زراعت و دامپروری با اندک نوسانی به ترتیب در ۶۰ درصد و ۳۰ درصد ثابت باقی مانده است. سایرگروه ها تنها ۱۰درصد ارزش افزوده بخش کشاورزی را به خود اختصاص داده اند.

کوچک بودن مقیاس واحدهای بهره برداری باعث عدم ایجاد صرفه ناشی از مقیاس, عدم انباشت سرمایه، عدم شکل گیری واحدهای R&D و در نتیجه تولید غیر معیشتی، می‌شود.

نمودار(۱۹) روند تغییر سهم هریک از گروه های بخش کشاورزی از کل بخش کشاورزی



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

در برنامه چهارم توسعه، فراهم کردن زمینه‌های رشد سالانه ۶,۵ درصدی در بخش کشاورزی، برخورداری از امنیت غذایی متکی بر تولید و بهره‌گیری از دانش در فرآیند تولید و کاربرد کارایی منابع خاک و آب و سایر منابع و حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی به عنوان هدف آرمانی و جهت‌گیری اصلی بخش کشاورزی

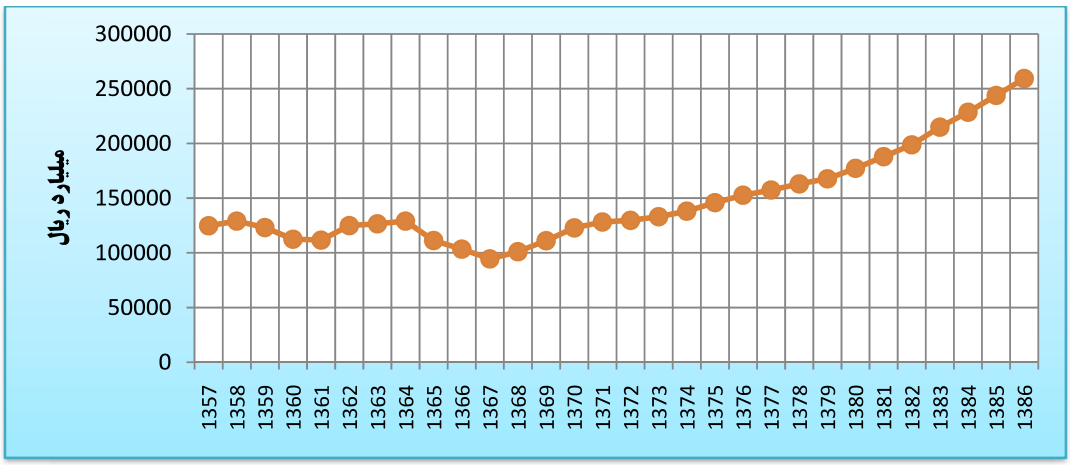
در نظر گرفته شد بود. سرمایه‌گذاری در اجرای عملیات زیر بنایی آب و خاک، توسعه شیرآلات آبیاری و زه‌کشی در ۲ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی دارای آب به عنوان یکی از اهداف توسعه بخش کشاورزی مورد توجه قرار گرفت.

براساس گزارش وزارت جهاد کشاورزی [۱۰]، تولید محصولات کشاورزی در زیربخش های زراعت، باغبانی، دام و طیور و شیلات در سال گذشته در مقایسه با سال پیش از آن بین ۳,۵ تا ۲۰ درصد در زیربخش‌های مختلف افزایش داشته است. تولید محصولات زراعی در سال های اخیر با وجود کاهش سطح زیر کشت بعضی محصولات، دارای عملکردی با روند رو به افزایش بوده است اما به دلیل بروز خشکسالی های چند سال اخیر، تولیدات زراعی دستخوش تغییرات زیادی شده است.

بخش خدمات

در دهه استقرار جمهوری اسلامی ایران، ارزش افزوده بخش خدمات مانند ارزش افزوده بخش های دیگر ، به دلیل وقوع جنگ تحمیلی کاهش قابل توجهی یافت اما با آغاز دهه باز سازی اقتصادی این بخش شروع به رشد کرد و در دهه سوم فزاینده شد. ارزش افزوده این بخش در ۳ سال آخر برنامه سوم۱۹۶ هزار میلیارد ریال بود که با ۱۷/۶ درصد رشد در ۳ساله اول برنامه چهارم توسعه به ۲۳۰/۶ هزار میلیارد ریال رسیده است. در همین حال متوسط رشد سالانه در این بخش در ۳ سال آخر برنامه سوم، ۵ و در ۳سال اول برنامه چهارم ۵/۶ درصد است.

نمودار(۲۰) روند تغییر ارزش افزوده بخش خدمات به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶

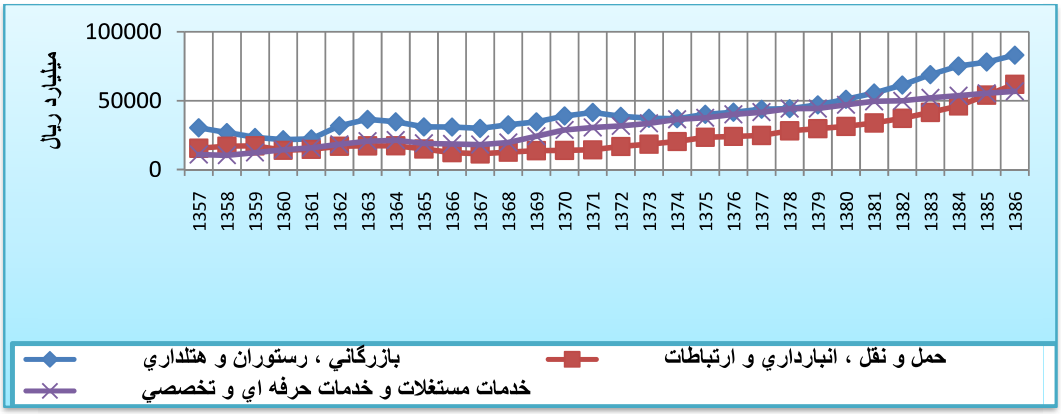


منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

[۱۰] وزارت جهاد کشاورزی ، "دستاوردهای بخش کشاورزی در سال‌های ۸۷ و ۸۸"

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش براین بود که سهم بخش خدمات به نفع سایر بخش ها کاهش یابد اما این تلاش ها تنها به تغییر ماهیت این بخش منجر شد. جنگ تحمیلی و مهاجرت بی رویه به شهرها و تلاش برای توزیع عادلانه کالا از عواملی بود که اجازه نداد سهم این بخش کاهش یابد. علاوه بر آن افزایش فعالیت های بازرگانی داخلی (بدلیل تعطیل شدن کارخانه ها)، تحریم اقتصادی و رکود فعالیت های تولیدی نیز عامل افزایش سهم این بخش بوده است. به عبارت دیگر سرمایه های موجود در بخش صنعت در این سالها به بخش های تجاری انتقال یافت.

نمودار(۲۱) روند تغییر ارزش افزوده گروه های عمده بخش خدمات



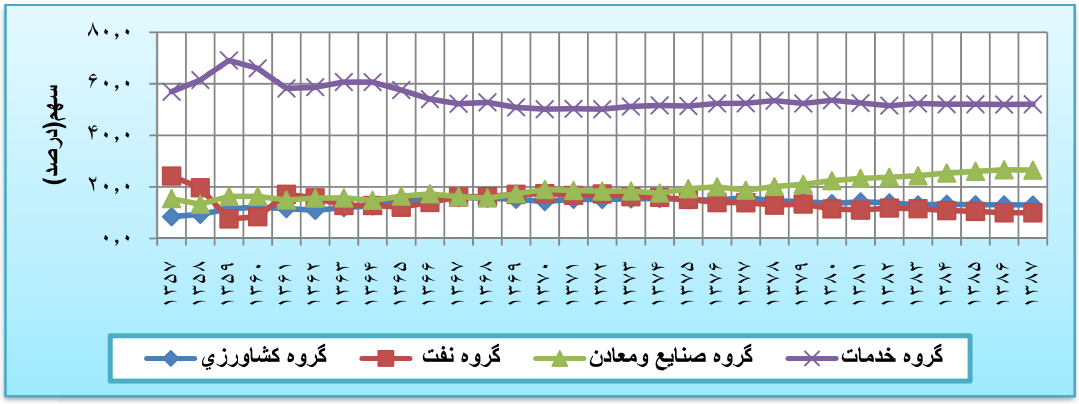
منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

علل رشد مداوم این بخش را در سال های اخیر را باید در گسترش آموزش و پرورش عمومی، گسترش آموزش عالی و گسترش بهداشت و درمان از یک طرف و گسترش بازرگانی دولتی و رشد واحد های خرده فروشی از طرف دیگر جستجو کرد. در دوره سی ساله مورد بررسی ترکیب گروه های بخش خدمات تغییر زیادی کرده است. در دوره یاد شده سهم گروه های خدمات عمومی و خدمات مالی به شدت کاهش یافته است . در مقابل سهم حمل و نقل بطور قابل توجهی افزایش یافته است. سه گروه بازرگانی و رستوران داری دارای نوسانات شدیدی بوده اما روند صعودی داشته است. البته ارزش افزوده این گروه دارای رشد قابل توجه بوده همواره روند صعودی داشته است.

ترکیب بخش های اقتصادی

بررسی ترکیب سهم بخش های مختلف در اقتصاد کشور(نمودار ۲۲) حکایت از غلبه همیشگی سهم خدمات در سه دهه گذشته دارد. پس از بخش خدمات به ترتیب بخش های سه گانه صنایع و معادن، نفت و کشاورزی با فاصله بسیار زیاد از بخش خدمات قرار دارند. البته این ترتیب همیشه برقرار نبوده بلکه در طول دوره غلبه سهم هر یک بر دیگری با افت و خیز هایی همراه بوده است.

نمودار(۲۲)　　روند تغییر سهم هریک از بخش ها از تولید ناخالص داخلی



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

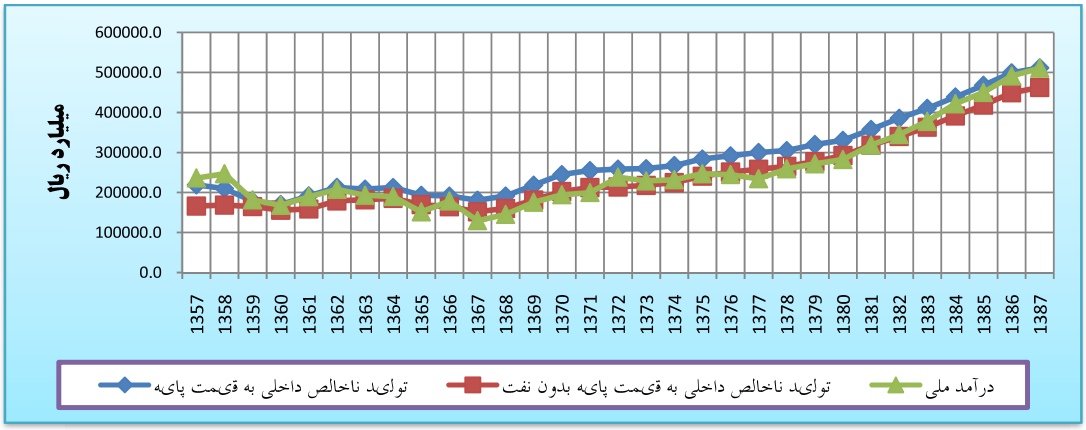
در پی کاهش تولید نفت در سال های اولیه جنگ سهم این گروه به پایین تر از دو گروه دیگر در سال ۱۳۶۰ افت کرد. در سال های بعد اگرچه حجم صادرات همچنان کاهش داشته ولی به علت آنکه تا حدودی با افزایش قیمت نفت جبران شد در آمد نفتی بهبود یافت ولی دوباره در سال های ۱۳۶۵-۱۳۶۷ در پی کاهش قیمت نفت به کمترین حد خود در دوره ۷۳-۱۳۵۳ رسید.

مجموع این تحولات باعث گردید که سهم نفت در کل تولید ناخالص داخلی طی سالهای ۶۷-۱۳۶۲ به کمتر از سهم گروه صنایع ومعادن تنزل پیدا کند و تقریبا همگام با بخش کشاورزی باشد. از سال۱۳۷۴ به بعد سهم گروه نفت با فاصله بسیار کم همواره کمتر از بخش کشاورزی ودر پایین ترین مرتبه قرار گرفته است. سهم بخش کشاورزی اگر چه در دو سال ۱۳۶۷ و۱۳۷۷ به بالا ترین حد خود رسید. ولی در تمامی دوره کمتر از سهم بخش صنایع و معادن بوده است.

۴-۷. درآمد و تولید ناخالص ملی

بررسی روند تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی ایران طی سه دهه گذشته حکایت از این دارد که در دوره استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران(۱۳۶۷-۱۳۵۷)، تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی به دلیل وقوع جنگ تحمیلی و تحریم های اقتصادی جهان غرب بر علیه کشورمان، نوساناتی را تجربه کرده اند؛ اما پس از پایان جنگ و آغاز دوره بازسازی اقتصادی به دلیل وجود ظرفیت های خالی اقتصاد و از سرگیری تولید و صادرات نفت خام، رشد اقتصادی قابل توجهی حاصل شد و سپس به دلیل پرشدن ظرفیت های خالی اقتصاد و ظهور بازدهی نزولی عوامل تولید،رشد اقتصادی کندتر می گردد. در دهه سوم، بدلیل اصلاحات اقتصادی و توسعه زیر ساخت های تولیدی در دهه دوم، بهبود مناسبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور با جهان(بخصوص جهان غرب) و افزایش قیمت نفت، رشد اقتصادی بهبود قابل توجهی می یابد و ادامه پیدا می کند و دوره بالندگی به ارمغان می آورد(نمودار۲۳).

نمودار(۲۳) تحولات تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶

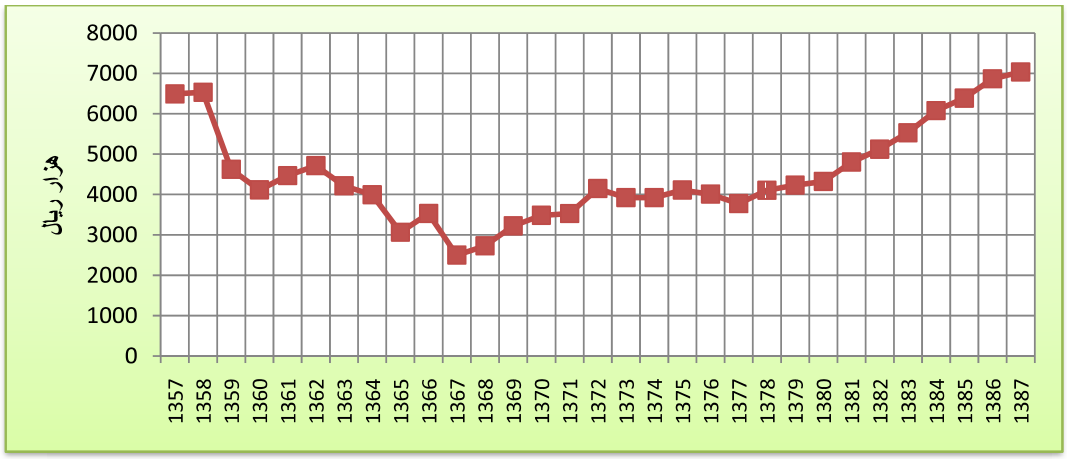


منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

تعبیرات درآمد سرانه کشور

روند درآمد سرانه، به معنی حاصل تقسیم درآمد ملی بر کل جمعیت کشور، از روند این دو متغیر پیروی می کند. در دهه استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران کاهش درآمد و افزایش جمعیت فزاینده بود. بنابراین، درآمد سرانه سالانه در این دوره به شدت کاهش یافت و با اندک نوساناتی از حدود۶ میلیون ریال در ۱۳۵۷ به حدود ۲میلیون ریال در۱۳۶۷ رسید. در ابتدای دهه دوم به دلیل افزایش تولید ملی و کند شدن رشد جمعیت درآمد سرانه رو به فزونی گذاشت و در ۱۳۷۲ به ۴میلیون ریال بالغ گردید. در دوره ۱۳۷۹-۱۳۷۲ بدلیل کاهش قیمت های نفت و درنتیجه درآمدهای نفتی، درآمد سرانه کشور از افزایش بازماند. اما با رونق گرفتن بازار نفت از سال ۱۳۸۱ و افزایش درآمدهای نفتی، این شاخص دوباره رو به افزایش نهاد.

نمودار(۲۴) درآمد ملی سرانه به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: پایگاه داده های سری زمانی

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.